



مجله سیاست دفاعی

نشریه علمی - پژوهشی مرکز مطالعات دفاعی و امنیت ملی، دانشگاه جامع امام حسین (ع)

سال هجدهم، شماره ۳، تابستان ۱۳۸۹، شماره پیاپی ۷۱ (شماره استاندارد بین‌المللی ۵۰۸۷-۱۰۲۵)

نشانی: دانشگاه جامع امام حسین (ع) - مرکز
مطالعات دفاعی و امنیت ملی
شماره تماس مستقیم: ۷۷۱۰۵۷۶۵
دورنگار: ۷۷۱۰۵۷۴۷
نشانی پستی: تهران - صندوق پستی ۳۴۵۹-۱۶۷۶۵
مرکز فروش: تهران - بزرگراه شهید بابایی - بعد
از پل لشکرک - دانشگاه جامع امام حسین (ع)
ساختمان شهید بروجردی - طبقه دوم - مرکز
مطالعات دفاعی و امنیت ملی
شماره تماس: ۲ - ۷۷۱۰۵۷۴۱

صاحب امتیاز: دانشگاه جامع امام حسین (ع)،
مرکز مطالعات دفاعی و امنیت ملی
مدیر مسئول: علیرضا فرشچی
سر دبیر: دکتر سید یحیی صفوی
دبیر تحریریه و مدیر داخلی: علی قنبرزاده
حروف چینی و صفحه‌آرایی: پیمان شکرالهی
ناظر چاپ: اندیشه‌گاه علم و صنعت جهان معاصر
لیتوگرافی، چاپ و صحافی: انتشارات شکیب
قیمت: ۴۰,۰۰۰ ریال

درجه علمی مجله سیاست دفاعی، طبق نامه شماره ۱۰۳۵۵/و مورخ ۱۳۸۸/۰۶/۱۱
کمیسیون بررسی نشریات علمی کشور، به عنوان نشریه علمی - پژوهشی،
مورد تأیید قرار گرفته است.

هیأت تحریریه، مشاوران علمی و داوران مجله سیاست دفاعی (به ترتیب حروف الفبا)

هیأت تحریریه

دکتر محمدابراهیم سنجقی (استادیار مدیریت استراتژیک، دانشگاه مالک اشتر)	دکتر علی اکبر احمدیان (استادیار مدیریت، دانشگاه امام حسین (ع))
دکتر سیدیحیی صفوی (دانشیار جغرافیای سیاسی، دانشگاه امام حسین (ع))	دکتر محمدحسین افشردی (استادیار جغرافیای سیاسی، دانشگاه امام حسین (ع))
علیرضا فرشچی (رئیس مرکز مطالعات دفاعی و امنیت ملی)	دکتر همایون الهی (استاد علوم سیاسی، دانشگاه تهران)
دکتر جهانگیر کرمی (استادیار روابط بین الملل، دانشگاه تهران)	دکتر بهادر امینیان (استادیار روابط بین الملل، دانشگاه امام حسین (ع))
دکتر منوچهر محمدی (دانشیار مطالعات بین الملل، دانشگاه تهران)	دکتر حسین حسینی (استادیار علوم سیاسی، دانشگاه امام حسین (ع))
سیدحسین محمدی نجم (پژوهشگر دانشگاه امام حسین (ع))	دکتر حسین دهقان (استادیار مدیریت، دانشگاه مالک اشتر)

هیأت داوران

دکتر حسین ظریف منش (فرمانده دانشگاه امام حسین (ع))	دکتر حسین اردستانی (استادیار علوم سیاسی، دانشگاه امام حسین (ع))
دکتر اصغر قائدان (استادیار تاریخ، دانشگاه امام حسین (ع))	دکتر سیدعلی حسینی تاش (استادیار دانشگاه امام حسین (ع))
غلامرضا محرابی (عضو هیأت علمی دانشگاه امام حسین (ع))	دکتر محسن رضایی (استادیار اقتصاد، دانشگاه امام حسین (ع))
دکتر پرویز میرعباسی (دانشیار حقوق، دانشگاه تهران)	اکبر رمضان زاده (رئیس پژوهشکده عالی جنگ)
	دکتر الله مراد سیف (استادیار اقتصاد، دانشگاه امام حسین (ع))

مشاوران علمی

محمدحسین قنبری جهرمی (عضو هیأت علمی دانشگاه امام حسین (ع))	دکتر هادی مراد پیری (عضو هیأت علمی دانشگاه امام حسین (ع))
احمد محمدزاده (مشاور مرکز راهبردی سپاه)	سیدکمال الدین محمد رفیعی (پژوهشگر دانشگاه امام حسین (ع))
دکتر عباس مهری (عضو هیأت علمی دانشگاه امام حسین (ع))	دکتر محمدعلی سبحانی (عضو هیأت علمی دانشگاه امام حسین (ع))
مهدی نطاق پور (عضو هیأت علمی دانشگاه امام حسین (ع))	احمد غلامپور (عضو هیأت علمی دانشگاه امام حسین (ع))

شرایط تدوین و ارسال مقاله‌های علمی - پژوهشی برای چاپ در مجله سیاست دفاعی

پژوهشگران گرامی لطفاً هنگام ارسال مقالات به نکات زیر توجه فرمایید:

الف) ملاحظات کلی

- ۱ - مقالات فقط مربوط به حوزه‌های دفاعی، امنیت ملی و امنیت بین‌المللی و در سطوح راهبردی و عملیاتی باشند.
- ۲ - مقاله باید تحقیقی و حاصل کار پژوهشی نویسنده یا نویسندگان باشد. مقالات مروری از نویسندگان صاحب‌نظر و حائز اثرات و مقالات پژوهشی در زمینه مورد بحث، به شرطی پذیرفته می‌شود که منابع معتبر و متناهی، مستند تحقیق قرار گرفته باشد.
- ۳ - مقاله ارسالی نباید قبلاً یا همزمان برای چاپ یا ارائه به نشریات دیگر و یا همایش‌ها ارسال شده باشد.
- ۴ - نام نویسنده یا نویسندگان همراه با رتبه علمی، محل اشتغال و نشانی کامل و تلفن تماس همراه مقاله باشد.
- ۵ - نشانی کامل نویسنده عهده‌دار مکاتبات: شامل نشانی پستی، شماره تلفن، شماره دورنگار و نشانی پیام‌نگار (E-Mail) به فارسی و انگلیسی.
- ۷ - چنانچه مخارج مالی تحقیق یا تهیه مقاله توسط مؤسسه‌ای تأمین شده باشد باید نام مؤسسه در صفحه اول درج شود.

ب) ساختار و شکل ارائه مقاله

- ۱ - رعایت ساختار پیشنهادی الزامی است: عنوان، چکیده (حداکثر ۸ سطر)، کلید واژه (حداکثر ۵ واژه)، مقدمه (دربرگیرنده بیان مسئله و ضرورت، سؤال یا فرضیه و روش تحقیق)، چارچوب نظری (تحلیلی)، داده‌ها و مباحث تفصیلی تحقیق، نتیجه‌گیری، چکیده انگلیسی (حداکثر ۲۵۰ کلمه)، کلید واژه انگلیسی (حداکثر ۵ کلمه)، فهرست منابع (منابع لزوماً باید در متن مقاله استفاده شده باشد).
- ۲ - تیتراهای اصلی با شماره‌های ۱، ۲، ۳ و... و زیر تیتراها با شماره‌های ۱-۱، ۲-۱، ۳-۱ و... و به ترتیب با فونت‌های B Zar Bold ۱۱، ۱۰، ۹ مشخص شده باشد.
- ۳ - متن مقاله حداکثر در ۲۵ صفحه با نرم‌افزار Word 2003 به بالا و قلم B Lotus و فونت ۱۲ و متن انگلیسی با Calibri 10 آماده و ارسال گردد.
- ۴ - مقاله باید سلیس و روان و بدون هیچ‌گونه غلط املایی نگارش یابد و از آوردن اصطلاحات خارجی که معادل دقیق و ابلاغ شده فارسی دارد، خودداری گردد. معادل خارجی اسامی و اصطلاحات خارجی در پانویشت به صورت اتوماتیک آورده شود و در هر صفحه به طور مستقل شماره‌گذاری گردد.
- ۵ - نمودارها، جداول و اشکال با یکی از نرم‌افزارهای Office به زبان فارسی و در اندازه‌های ۸×۱۲ یا ۱۶×۱۲ طراحی شود و اختصارات آنها در پانویشت توضیح داده شود. نمودارها، جداول و اشکال باید دارای شماره‌های متوالی باشند و بدون نیاز به مراجعه به توضیحات متن گویا باشند.
- ۶ - تیتراهای عنوان و نوع قلم مربوط مطابق جدول شماره ۱ که در انتهای این راهنما خواهد آمد، می‌باشد.

ج) روش ارجاع به منابع

۱ - در متن

- ۱-۱ - مأخذ در متن مقاله داخل کمان به صورت (نام خانوادگی، سال انتشار: شماره صفحه)؛ مانند (متقی‌زاده، ۱۳۸۱: ۲۵)؛ (Smith, 1990: 23)

۲-۱ - اشاره به منابع دارای چند نویسنده به صورت (نویسنده و همکاران، سال انتشار، شماره صفحه) مانند (متقی‌زاده و همکاران، ۱۳۸۹: ۱۸)؛ (Smith, etal, 2004: 8)

۳-۱ - اشاره به آدرس‌های اینترنتی به صورت (نام‌خانوادگی نویسنده / نام مرجع تدوین‌کننده، سال)

۴-۱ - در تمامی منابع اگر نویسنده دارای دو یا چند منبع در یک سال باشد، پس از ذکر سال لازم است فصل یا ماه نشر اثر آورده شود، مانند (احمدی، پاییز ۱۳۸۸) و (احمدی، بهار ۱۳۸۸)؛ (Digman, Jan 1999) و (Digman, Apr 1999)

۲ - در پایان مقاله

فهرست منابع در پایان مقاله به ترتیب حروف الفبا به صورت زیر آورده شود:

۱-۲ - کتاب تألیفی: نام‌خانوادگی، نام (سال انتشار)، عنوان کتاب، محل نشر، نام ناشر.

۲-۲ - کتاب ترجمه‌ای: نام‌خانوادگی، نام (سال انتشار)، عنوان کتاب، نام مترجم، محل نشر، نام ناشر.

۳-۲ - مقاله: نام‌خانوادگی، نام، «عنوان مقاله»، نام مجله، دوره، شماره، شماره صفحات (ابتدا و انتهای مقاله)، سال نشر.

۴-۲ - آدرس اینترنتی: نام‌خانوادگی، نام و نویسنده و نویسندگان / مرجع تدوین‌کننده، عنوان مطلب، آدرس صفحه اینترنتی، تاریخ بارگذاری، تاریخ مشاهده.

(د) تذکرات

۱ - آرا و دیدگاه‌های ارائه شده در مقالات الزاماً بیانگر نظر و دیدگاه مجله نیست.

۲ - مسئولیت ناشی از صحت علمی یا دیدگاه‌ها و ارجاعات مندرج در مقاله به عهده نویسنده یا نویسندگان است.
۳ - مجله حق رد یا قبول و نیز ویراستاری مقالات را برای خود محفوظ می‌دارد و از بازگرداندن مقالات رد شده معذور است.

۴ - دریافت مقاله از سوی مجله الزاماً به معنای پذیرش قطعی آن برای چاپ نیست.

جدول شماره ۱

نوع قلم	عنوان	نوع قلم	عنوان
B Lotus 10 Italic	متن چکیده و کلیدواژگان	B Zar 11 Bold	عنوان مقاله با تیتراژ ۱
B Lotus 9	متن پانویس فارسی	B Zar 10 Bold	عنوان چکیده، کلید واژگان، مقدمه و ... نتیجه‌گیری (تیتراژ ۲)
Calibri 8	متن پانویس انگلیسی مانند:	B Zar 9 Bold	عناوین فرعی زیرمجموعه‌ی تیتراژ ۲ با تیتراژ ۳
B Lotus 12	متن مقاله	B Lotus 11 Bold	عناوین فرعی زیرمجموعه تیتراژ ۳ با تیتراژ ۴
B Lotus 10	ارجاعات منابع داخل متن به فارسی مانند: (متقی‌زاده، ۱۳۸۱: ۲۵)	B Lotus 10 Bold	تیتراژ جدول‌ها، نمودارها و عکس‌ها (تیتراژ جدول‌ها و نمودارها باید بالای آن‌ها و تیتراژ شکل‌ها پایین آن‌ها و در وسط ذکر شود).
Calibri 9	ارجاعات منابع داخل متن به انگلیسی مانند: (Smith, 1990: 23)		

کلیه حقوق برای مرکز مطالعات دفاعی و امنیت ملی دانشگاه امام حسین (ع) محفوظ است.
نقل مطالب مجله با ذکر مأخذ آزاد است.

فهرست مطالب

مجله سیاست دفاعی، سال هجدهم، شماره پیاپی ۷۱، تابستان ۱۳۸۹

صفحه

عنوان

مقاله‌ها

- تحلیل جایگاه تهدیدهای نوین در تدوین راهبردهای دفاعی - امنیتی با تأکید بر حکمرانی راهبردی ... ۹
/ نی/... ابراهیمی
- بررسی تطبیقی رویکردها، مکاتب و روش‌های تدوین راهبرد منابع انسانی ۲۷
/ مجتبی اسکندری
/ محمد اسماعیل رستمی نیا
- سنجش تأثیر ملموس هزینه‌های نظامی بر رشد اقتصادی ایران (۸۴-۱۳۳۸) ۵۹
/ حسین دری‌نوگورانی
- اقتصاد و هژمونی: تأثیر بحران اقتصادی بر جایگاه جهانی آمریکا ۸۹
/ ایوب پورقیومی
- عوامل ساختاری - سیاسی مؤثر در ناکارآمدی ارتش صفوی و تأثیر آن بر اقتصاد و جامعه
(۹۳۲ تا ۱۰۴۷ ه.ق) ۱۱۵
/ ابراهیم مشفق‌فر
- تبیین عوامل مؤثر در انتخاب صحنه‌های عملیات جمهوری اسلامی ایران با رویکرد جنگ‌های آینده ۱۴۹
/ قدیر نظامی
/ هادی مرادپیری
- سیر تاریخی و مفهومی پدافند غیرعامل ۲۰۳
/ غلامرضا جلالی

چکیده انگلیسی

/ سید سعادت حسینی دماهی

سخن سردبیر

امروزه این نکته بدیهی می نماید که حفظ و حراست از استقلال سیاسی، تمامیت ارضی، یکپارچگی ملی و ارزشهای حاکم بر جامعه نیازمند قدرت ملی است که نیروی نظامی قوی و قدرتمند یکی از اجزا و عناصر ضروری آن به شمار می رود. به همین دلیل بوده است که تقریباً هیچ جامعه ای خود را بی نیاز از نیروی مسلح فرض نکرده است. اما اگر در گذشته مفهوم امنیت منحصر به حوزه نظامی یا به نحو کلی تر به موضوع حفظ تمامیت ارضی کشور یا صرفاً ایمنی و دوام فیزیکی حکومت در برابر تهدیداتی که بالقوه خشونت آمیز بودند، محدود می شد، در دنیای کنونی مفهوم امنیت مرکب از چندین ارزش ملی به شمار می آید که پاسداری از بقای سیاسی و سرزمینی کشور، تضمین بقای ارگانیک (فیزیکی و جمعی) مردم، ایجاد شرایط لازم برای رفاه اقتصادی، و تأمین و حفظ هماهنگی میان اقوام و طوایف درون کشور را شامل می شود. در واقع، در پرتو شرایط متحول دنیای کنونی، گفتمان های امنیتی نیز تغییر اساسی یافته است و با این تحولات، دستور کار جدیدی نیز سرلوحه راهبردهای امنیتی - دفاعی کشورها قرار گرفته و می توان گفت، نقش دولت ها در تأمین و تضمین امنیت ملی و نیز نوع مسئولیت ها و اختیارات آنها در این زمینه دگرگون شده است.

در این میان، نه تنها شناخت تحولات امنیتی دنیای کنونی، بلکه شاید مهمتر از آن، درک و دریافت گفتمان های امنیتی و مکاتب تأثیرگذار این حوزه نیز اهمیت دارند. افزون بر آن، بازگشت به گذشته و مطالعه تاریخی تجربه سیاسی - امنیتی ملت ها نیز به همان اندازه ضرورت می یابد. به هر حال، مجله سیاست دفاعی، به منزله یکی از نخستین و ماندگارترین فصلنامه تخصصی حوزه امنیت و دفاع، در این شماره نیز تلاش داشته است تا با گردآوری و

انتشار مهمترین دستاوردهای پژوهشی در این حوزه، با مخاطبان گرانقدر خود در عرصه ابعاد گوناگون اندیشه و عمل تعامل شایسته برقرار کند. امید است که اندیشه و رزان و صاحب‌نظران دفاعی کشور، دست نیاز دست اندرکاران این فصلنامه را به گرمی بفشارند و ما را در تحقق رسالت خطیر خود یاری رسانند.

دکتر سیدیحیی صفوی

تحلیل جایگاه تهدیدهای نوین در تدوین راهبردهای دفاعی - امنیتی با تأکید بر حکمرانی راهبردی

نبی‌الله ابراهیمی^۱

تاریخ دریافت مقاله: ۸۹/۲/۲۵

تاریخ تأیید مقاله: ۸۹/۴/۱۶

صفحات مقاله: ۹-۲۶

چکیده

هدف اصلی این نوشتار، تحلیل جایگاه تهدیدهای نوین در تدوین راهبردهای دفاعی - امنیتی و ارائه مدلی کارا و مؤثر در همین زمینه است. پارادایم در حال پیدایش و متحول پس از جنگ سرد، و غالب شدن بر پارادایم پیشین مبتنی بر دولت محوری و مطالعات راهبردی صرف، نیاز مطالعات امنیتی به رویکردی جدید را پیش از پیش نیازمند کرده است. امروزه، با ایجاد فضای جدید و سپهر امنیت بین‌المللی و پدیداری تهدیدهای نوین، پارادایم کنونی بویژه پس از یازدهم سپتامبر، هم دولت محور است و هم فرادولتی. ورود کنشگران غیردولتی به مسائل دفاعی - امنیتی، ما شواهد نوعی پارادایم دو وجهی دولتی - غیردولتی هستیم. با تهدیدهای نوین، سیاستگذاران ناچارند در تدوین راهبردهای دفاعی - امنیتی نو، بر گفتمان همکاری دولتی و غیردولتی تکیه کنند. نوشتار حاضر این نوع تعامل را در برابر تهدیدهای نوین را مشمول «حکمرانی راهبردی» دانسته و آن را پیشنهاد می‌کند.

* * * * *

کلید واژگان

مطالعات امنیتی - مکتب کپنهاگ، مکتب انتقادی، حکمرانی، حکمرانی راهبردی، تهدید زیست

محیطی، تهدید سایبری، امنیت بین‌الملل

مقدمه

مفهوم امنیت، امروزه - یعنی دوران پساجنگ سرد بویژه یازدهم سپتامبر تحت مقوله احساس مشترک تعریف می‌شود. در طول جنگ سرد، سیطره مفهوم امنیت عمدتاً پیرامون قدرت نظامی و روابط استراتژیک بین کشورها معنی و مصداق داشت. از پایان سال ۱۹۸۰ گفتمان امنیتی آن روز تعامل مشترک میان سپهر دولتی و غیردولتی درگیر یک منولوگ (monologue) بود، تا یک دیالوگ (Dialogue) در فردای پس از یازدهم سپتامبر و حملات تروریستی به ایالات متحده آمریکا، نگاهی جدید و تمایزی شدید میان دو اردوگاه، سنتی مطالعات امنیتی واقع‌گرایانه و انتقادی‌ها صورت پذیرفت. (Kenn, 2007: 66)

در نگاه واقع‌گرایانه، بر انکار وجود کنشگران غیردولتی و تک بعدی بودن بزنگاه‌هایی برای تهدیدهای نو در تدوین راهبردهای دفاعی - امنیتی با پارادایم دولتی خویش به بی‌راهه می‌رفت. ولی در اردوگاه انتقادی‌ها (شامل سازه‌انگاری، انتقادی، مکتب کپنهاگ) نوعی تعامل سپهر غیردولتی و دولتی‌ها در برابر چالش‌های نوین امنیتی - دفاعی دیالوگ تعامل‌گرایانه را پیشنهاد می‌دهند. انتقادات جاری، پیرامون حملات پیش‌دستانه و پیش‌گیرانه ایالات متحده ضد تروریسم بین‌المللی و عدم موفقیت کامل در این بزنگاه، خود باعث رشد رویکرد انتقادی نسبت به این گفتمان واقع‌گرایانه، و ارائه رویکردهای بدیلی در قالب پارادایم تعامل‌گرایانه و همکاری جویانه سپهر دولتی و غیردولتی شد. (Robin, 2004: 99) این مفهوم‌سازی مجدد در حوزه امنیتی - دفاعی با مجموعه امنیت انسانی جهانی^۱ که دو حوزه امنیت انسانی و امنیت دولت را پیش‌روی سیاست‌گذاران قرار داده است، ساختارشکنی عمیقی در مطالعات امنیتی ایجاد کرده است. این ساختارشکنی بعضاً در ابعاد حساسی همانند حوزه‌های فرهنگی، دینی، ملت باوری، رشد علائق نوین در حوزه زندگی بین‌دارا و ندار، تهدیدهای نوظهور با پیدایش تروریسم نو، افزایش جمعیت، آلودگی محیط زیست، مسأله فقر، طبقه جنسیت و دین - نیازمند

1 - The collective of global human security

تعامل پویا میان کنشگران غیردولتی و دولتی در چارچوب تدوین راهبردهای امنیتی - دفاعی مشترک شده است. (Kenn, Ibid: 1-2) این استراتژی بنام «حکمرانی راهبردی» هدف این نوشتار است.

لذا فرضیه حاضر بدین گونه مطرح می‌شود که «با توجه به تهدیدهای نوین در جهان پسا یازدهم سپتامبر، تدوین راهبردهای دفاعی - امنیتی در چارچوب «حکمرانی راهبردی» مورد توجه قرار گرفته است، خلق این فرضیه، دولت دیگر مرجع حوزه امنیت به طور مطلق نیست و کنشگران جدید مدعی حضور در این راهبرد هستند. بنابراین پژوهش حاضر سعی در ارائه الگوی نوینی دارد که به طور قیاسی از راهبردهای مدون در کشور کانادا به صورت شاهد استفاده می‌شود.

ملاحظات مترولوژیک و روش‌شناختی در حوزه «امنیت پژوهشی» این نوشتار متضمن تأکید بر روش‌شناسی، انتقادی (سازهانگاری، مکتب کپنهاک و انتقادی) در مطالعات امنیتی است. به عبارتی، روش و نظریه در این پژوهش عمدتاً متوجه روش‌شناسی انتقادی است. اساساً رد نظریه امنیتی واقع‌گرایانه در تدوین راهبرد دفاعی - امنیتی از اهم شاخص‌های این پژوهش خواهد بود. در خور یادآوری است که فضای امنیتی پس از یازدهم سپتامبر، اهمیت «حکمرانی راهبردی» و تعامل کنشگران غیردولتی را مورد کندوکاو قرار داده است. در نهایت با توجه به تهدیدهای نوین، تدوین راهبردهای دفاعی - امنیتی، مدل مورد نظر ارائه خواهد شد.

مکتب انتقادی، روش و نظریه در حوزه امنیت پژوهشی

با تحولات صورت گرفته در حوزه مطالعات امنیت ملی، در پرتو ظهور مکتب انتقادی، حیات علمی مطالعات امنیتی شاهد تحول چشمگیری بوده است. «آدلف» به جای اهمیت علل و ریشه‌ها «به تفسیر و آینده‌نگری» اهتمام داشت. نگرش انتقادی که از رهگذر نقد عقل حاصل آمده و بر این مبنا استوار است و معتقد است با نقد وضع موجود به نفع وضع مطلوب و تلاش برای رسیدن وضع مطلوب، رضایت انسان مدرن را می‌توان جلب نمود. از این نظر، امنیت،

شان و جوهری «انتقادی» می‌یابد و با سیاست‌های انسان‌مدارانه پیوستگی تام دارد. تصویری که از جهان در این نگرش ارائه می‌شود «رودی متلاطم» است که پیوسته در حال تغییر و تحول می‌باشد و آن چه می‌تواند به انسان، رضایت و آرامش بخشد «نقد» است. سنت‌گرایی مانند باری بوزان در کتاب، مردم دولت‌ها، هراس مفهوم امنیت را «ایستا» و ناظر به کنشگر دولتی فرض می‌کنند. این معنا، از سوی «مندیک» و استیواسمیت - ناقدان جدی کتاب بوزان - به چالش کشیده و با تأکید بر ابعاد فرهنگی و اجتماعی ملت، دولت، محوریت، ایده دولت در نظریه بوزان را به نقد گذاشته‌اند. مکتب انتقادی با طرح مفهوم «رضایت» توانست تفسیری موسع از امنیت «فرد محور» برای عصر جدید را ارائه دهد. به این ترتیب بحث جاری را به نفع دولت‌گرایان (تا حدودی) خاتمه دهد. تفسیر فرد محورانه بالا در بستر مکتب انتقادی، توجه به مفهوم «بنیادین ساخت اجتماعی»^۱ را ضروری می‌داند. (افتخاری و همکاران، ۱۳۸۳: ۱۰۷-۱۰۴)

در همین راستا، مکتب کپنهاگ با رویکردی انتقادی نسبت به مکتب واقع‌گرایی در آثار جدید خود (ویور، دوپلد و همکاران) با تعدیل نظرات بوزان در خصوص امنیت دولت‌محور، موضوع امنیت را مشمول ساخت اجتماعی می‌دانند و بر تعامل دولت و کنشگر غیردولتی تأکید دارند. این مکتب، مکمل مکتب انتقادی در کنار اهمیت فردی، دستور کار «امنیت اجتماعی» را پیشنهاد می‌دهد.

مفهوم سازمان‌دهنده بخش اجتماعی در این مکتب «هویت» است زمانی که ناامنی اجتماعی وجود دارد که هویت‌هایی از هر نوع، تحول یا احتمالی را به عنوان تهدیدهایی برای بقای خودشان به عنوان یک هویت تعریف کنند. البته امنیت اجتماعی همان «امنیت هویت»^۲ است. امنیت اجتماعی همان تأمین اجتماعی^۳ نیست. تأمین اجتماعی ناظر بر نیازهای مادی و

1 - Social Structure
2 - Identity Security
3 - Social Security

عمدتاً سرشتی اقتصادی دارد ولی امنیت اجتماعی ناظر بر جمع‌ها و هویت‌هاست. مثلاً مهاجرت، بیکاری و بزهکاری و غیره تهدیدی برای افراد هستند (تهدیدهای جامعه) و تنها در صورتی که با خطر فروپاشی جامعه همراه باشند به مسائل امنیت اجتماعی تبدیل می‌شوند. (بوزان، ۱۳۸۶: ۱۸۷-۱۸۶) در اینجا ما به نوعی از امنیت فردی (مکتب انتقادی) به امنیت اجتماعی (هویت) - مکتب کپنهاگ - سوق پیدا کردیم ولی در کل نقد امنیت در نظریه واقع‌گرای و رد تنها مرجع یعنی «دولت» در راهبردهای دفاعی - امنیتی منظور است.

مکتب انتقادی و کپنهاگ برخلاف مکتب تفسیری تا حد زیادی از انتزاعی بودن صرف و توجه به اصول پراگماتیسم صرف فاصله گرفته‌اند و ضمن توجه به اصل هرمنوتیک، به نوعی طرفدار برقراری رابطه مناسب بین نظریه و عمل هستند، لذا می‌توانند تا حد زیادی تهدیدهای نوین را بررسی و در قبال آن به تدوین راهبردهای دفاعی و امنیتی دست بزنند. (Klima: 15) برنامه پیشنهادی مکتب انتقادی برای طراحی استراتژی دفاعی - امنیتی بر سه اصل بنیادین است:

نخست آگاهی: برای ارتقای ضریب امنیتی جامعه و افزایش رضایت‌مندی نزد کنشگران، ارتقاء سطح آگاهی کنشگران در خصوص شناخت وضع موجود، اصلاح وضع موجود، خواسته‌های اصیل و راه‌های وصول به وضع مطلوب ضروری است.

دوم: ابزار انگاری، عالمان علوم اجتماعی می‌توانند با بهره‌مندی از مجموعه قوانین علی برای تغییر و افزایش رضایت‌مندی کنشگران بهره بجویند.

سوم: مردم‌سالاری، امر سیاستگذاری و حکمرانی جامعه اگرچه فعالیتی تخصصی است، مثلاً بدون حضور مردم، به صورت رضایت بخشی ضرورت نمی‌پذیرد و زمینه بروز ناآرامی را فراهم می‌آورد. در کشور کانادا سه عنصر و مؤلفه مهم و کارساز تلقی می‌شود. (افتخاری، پیشین: ۱۲۸) در کل راهبرد پیشنهادی مکتب انتقادی برای برقراری امنیت و فائق آمدن بر تهدیدهای نوین، آمیزه‌ای را ملاحظات مکتب تفسیری (ذهنی‌گرایی و آرمان‌گرایی) و حول مکتب پوزیتیویستی (عمل‌گرایی محض) بوده و از حیث تحلیلی در میانه این دو قرار دارد.

به عبارت دیگر، اندیشه‌گران انتقادی عطف به جوهره رهنوتیکال امنیت، بر این باورند که برای تحلیل رضایت‌مندی می‌توان با نقد ایدئولوژی حاکم و اصلاح نظریه بهره جست.

(مکین، ۱۳۸۰: ۷۲-۱۱) با توجه به بررسی کلی نظری، پژوهش بر مبنای روش‌شناسی انتقادی (مکتب کپنهاگ و انتقادی) ضروری است تا مدل مورد پیشنهادی خود یعنی «حکمرانی راهبردی» را طبق این نظریه بررسی و امنیت پژوهشی فوق را مورد کندوکاو قرار دهیم. لازمه این مدل و الگو، بررسی تهدیدهای نوین پس از یازدهم سپتامبر ۲۰۰۱ در حوزه مطالعات راهبردی و امنیتی است.

یازدهم سپتامبر، شرایط نو

امنیت امروزه، شامل تعداد متنابهی از مسائل نظامی و غیرنظامی است. همانند، جرائم سازمان‌یافته^۱، سوداگران تسلیحات^۲، رازپوشی^۳، گرمایش جهانی^۴، امنیت انرژی^۵، تروریسم و امنیت سایبر^۶ که توجه سیاستگذاری و تدوین‌گران راهبردهای امنیتی - دفاعی را جلب کرده است. دولت‌ها در این بزنگاه، تنها مرجع امنیت نیستند و کنشگران دیگری همچون شرکت‌های امنیتی خصوصی و دیگر کنشگران با امنیت دولت مرتبط شده‌اند. این مسأله اذهان پژوهشگران و سیاستگذاران حوزه امنیتی و دفاعی را به خود معطوف ساخته است.

براستی بهترین گزینه برای فهم و مفهوم‌پردازی در خصوص شبکه تهدیدها و چالش‌های امنیتی که جهان امروز ما با آن مواجه است چیست؟ این مسأله پس از یازدهم سپتامبر وارد چه گفتمان نوینی شده است و چه استراتژی را طلب می‌کند؟ (www.crisisgroup, 4333)

یازدهم سپتامبر و دستور کار جدید امنیتی - دفاعی

با تحولات و تغییرات مندرج در امنیت بین‌المللی به تبع دستور کار جدیدی سرلوحه

-
- 1 - Organized Crimes
 - 2 - Weapons Proferater
 - 3 - Privacy
 - 4 - Global Warming
 - 5 - Energy Security
 - 6 - Terrorism and Cyber - Security

راهبردهای امنیتی - دفاعی کشورهای بزرگ و تأثیرگذار قرار گرفت. امروزه و در دنیای پس از یازدهم سپتامبر امنیت داخلی، و منطقه‌ای و بین‌المللی در کنار یکدیگر مفاهیم متناظری هستند که جداگانه بررسی آنها محال و مشکل است، لذا جهانی شدن نیز منجر به شماری از پیشرفت‌های چشمگیر شده است که مهم‌ترین آنها پیدایش موضوعاتی است که دغدغه‌های امنیتی دولت، فرد و منطقه را دو چندان کرده است.

اینها شامل تروریسم، سلاح‌های کشتار جمعی، ایدز، قاچاق مواد مخدر و اعتیاد، تخریب محیط زیست، فقر و فساد و افزایش قاچاق بین مرزی افراد و کالاست، پایان تحولات، امنیت دنیای معاصر به سوی یک «جستار امنیت انتقادی نظام جهانی» در حال رشد و نمو است. تحولی که ظهور جامعه مدنی جهانی، عواملان جهانی برای رأی دهندگان حوزه‌های انتخابی و پاسخگویی جهانی و آسیب‌پذیری مشترک را بدنبال داشته است. در جهان پس از یازدهم سپتامبر در حالی که نیروهای گسستگی شامل دولت‌های مداخله‌گر و عوامل بنیادگرایی غیردولتی مانند سازمان‌های تروریستی دخیل هستند. کارگزاران امنیتی گفتمان انتقادی نیز سعی نموده‌اند تحولات نوین را زیر نظر داشته باشند.

جنگ ویتنام، پایان جنگ سرد و بویژه دوران پرتلاطم پس از یازدهم سپتامبر ۲۰۰۱، به تضعیف واقع‌گرایی و افزایش برتری نظریه‌های انتقادی در امنیت و روابط بین‌الملل کمک کرد. پس از آن راه برای ایده‌های نوین با رشد مکاتب ساختارزدایی و پست مدرنیسم که اصول ایدئولوژیکی و امنیت سیاسی به مثابه ابزار سلطه دولت را زیر سؤال بردند باز کرد. البته انتقادی‌ها راه‌حل میانه و همکاری نهاد دولت با نهاد غیردولتی در مقوله امنیت را جهت مقابله با تهدیدهای نوین پیشنهاد می‌کنند. (Mally, 2006: 11-13)

با وجود این، یکی از تهدیدهای نوین پس از یازدهم سپتامبر، تهدیدی جهانی و نامتقارن بنام تروریسم بود. به طور کلی پذیرفته شده است که تهدیدهای جهانی نامتقارن به شیوه القاعده از طغیان انسان‌های تحت فشار جهانی‌سازی ناشی می‌شود. از کشورهای فقیر سومالی تا منطقه محرومی که در کشورهای ثروتمند وجود دارد. این تهدیدها علیه مراکز صورت می‌گیرند که بر جهان فرمان می‌رانند نابرابری‌های ناشی از اندیشه نئولیبرال، این تهدیدها را برمی‌انگیزد و از فناوری نوین ارتباطی در جهت

نزدیک ساختن طغیان‌ها در تمام کشورها سود می‌جویند. (Howard, 2001: 101)

اندیشه واقع‌گرایانه و لیبرال‌گرایانه امنیتی در افغانستان و عراق با طرح مارشال و خاورمیانه بزرگ، نه تنها تهدیدهای نوین پس از یازدهم سپتامبر رد خاورمیانه به گفته «ریچارد چینی» «مقاومت رو به زوال» را کاهش نداد بلکه به نقل از رئیس سرویس مخفی تفنگداران دریایی آمریکایی در عراق «نیروهای نظامی ایالات متحده در عمل نتوانستند کاری برای بهبود وضعیت سیاسی و اجتماعی انجام دهند چرا که تعداد تلفات در حال رسیدن به تعداد دو برابر قربانیان حملات یازدهم سپتامبر است.» (Washington post, 2006)

این امر به گفته کارشناسان رفتن به سوی نقد سیاستگذاری و راهبردهای کنونی و اهتمام به جامعه مدنی «کشورهای مقاومت‌گرا»، اهمیت به نقش فرهنگ، هنجار، دین و قواعد آن کشورها و نیز یاری خواستن از کنشگران غیردولتی در این راهبرد امنیتی را تشویق کرد. (Koithara, 2000: 145-70) رویکرد امنیت با انتقادی به تهدیدهای نوین و دغدغه‌های امنیتی زمان حاضر و طبق برداشت‌های ذهنی عمومی از تحولات سامانه بین‌المللی بر اساس آرایش اذهان تعریف می‌شود. زیرا ساختارها بیش از هر چیز مستلزم دگرگونی عمیق ساختارهای ذهنی است. لذا مدیریت ادراک، یکی از مهم‌ترین عناصر تشکیل دهنده نگرشی امنیتی مدیریت در شناخت جامعه اطلاعاتی، انقلاب اطلاعاتی و نگرشی امنیتی تعامل جویانه میان دولت و بخش غیردولتی است. (در بخش مطالعه مورد حکمرانی راهبردی به آن خواهیم پرداخت) بنابراین توجه به فضای سایبر، مدیریت ادراکی، هنجارها و فرهنگ جوامع، محیط زیست، فقر و بیماری، جرائم سازمان‌یافته به مثابه تهدیدهای نوین جامعه امنیتی بین‌المللی بویژه پس از یازدهم سپتامبر ضروری است.

در این سیاق، با حوادث تروریستی یازدهم سپتامبر ۲۰۰۱ به مراتب سنت نئولیبرال و واقع‌گرایی در عراق و افغانستان، باب بررسی گفتمان انتقادی امنیتی گشوده شد و توجه مشخص به کنشگران غیردولتی در مبارزه با تهدیدهای نوین، سرلوحه تدوین‌گران، و راهنمایی راهبردهای امنیتی - دفاعی شد. پارادایم‌های امنیت انسانی، حکمرانی‌های امنیتی، سیاسی و راهبردی از دیگر زوایای مهم گفتگو و گفتمان انتقادی است. زمانی که شورای امنیت سراًحتاً در ۱۲ سپتامبر ۲۰۰۱ به اتفاق آراء حملات تروریستی سپتامبر را محکوم کرد و چنین اقداماتی

را تهدید علیه صلح و امنیت بین‌الملل برشمرد.

بنابراین از ترمینولوژی مفتوح ماده ۳۹ فصل هفتم منشور ملل متحد استفاده کرد شورا از «جامعه بین‌الملل» خواست تا تلاش‌هایشان برای جلوگیری از اقدامات تروریستی را دو چندان کنند و همکاری را در اجرای کنوانسیون‌های ضدتروریستی را افزایش دهند. (Working group UN Doc, 2001) در این قطعنامه «جامعه بین‌الملل و همکاری» از مفاهیم عمده‌ای هستند که راه را برای مفهوم‌پردازی حکمرانی راهبردی یا امنیتی باز کرد.

۲۸ سپتامبر ۲۰۰۱ قطعنامه دیگری به اتفاق آراء در مقابل تروریسم بین‌الملل صادر شد که در آن عبارت خاص «اقدامات طبق فصل هفتم منشور ملل متحد» صراحتاً بیان شد «که کشورها» قانوناً متعهد به اجرای آن هستند. (Working group UN Doc, 2001) این ادبیات به طور واقعی عزم جامعه بین‌المللی و تمامی کشورها را در قبال تروریسم، پرورش داد، ولی اقدامات ایالات متحده با نگرشی واقع‌گرایانه در عراق تو افغانستان و عدم توجه به جامعه مدنی جهانی، امنیت انسانی، و امنیت فرهنگ محور، مشکلات عدیده‌ای رد برابر تهدیدهای نوین امنیت بین‌المللی ایجاد کرد که راه‌حل آن رد گفتمان انتقادی امنیتی است. بنابراین این نوشتار، پس از تهدیدهای نوین امنیتی، یکی از مهم‌ترین راه‌حل‌های مبارزه با این تهدیدها را در قاعده‌ها سازی و هنجاری کردن «حکمرانی راهبردی» می‌داند.

حکمرانی و حکمرانی راهبردی

علی‌رغم شکست رژیم طالبان و نابودی حکومت بعثی صدام در عراق توسط نیروهای ائتلاف به رهبری ایالات متحده در زمان بوش پسر، شبکه القاعده همچنان پایدار مانده و تهدیدی برای شهروندان خاورمیانه و غرب است. گرایش‌های ضدآمریکایی^۱ همچنان در حال رشد است. مؤسس چتام در گزارش^۲، می‌نویسد که «حملات تروریستی همچنان پس از نه سال از عملیات یازدهم سپتامبر مستمراً از بالی تا قاهره و از مادرید، لندن ادامه دارد و این‌ها

1 - Anti-Americanism
2 - Chatam House Report

نشان از شکست برچیدن تهدید دارد.» (Shani, 2006: 2-3)

بنابراین، شکست گفتمان جنگ علیه تروریسم توسط ایالات متحده با نگرش صرف نئولیبرال و واقع‌گرایی ناچیز انگاشتن نظریه‌های انتقادی و عدم توجه به مطالعات امنیتی فراوان صورت گرفته باعث گسترش نفوذ شبکه‌ای القاعده و گروه‌های تروریستی به مثابه تهدید نو شده است. البته تهدیدهای بی‌شمار دیگری مانند فجایع زیست محیطی، فقر، ایدز، جرایم سازمان‌یافته، جرایم سایبری، وجود دارند که به آن توجه خواهد شد. در خور یادآوری است که مطالعه مفهوم حکمرانی و مفهوم‌پردازی حکمرانی راهبردی از گرانینگاه این نوشتار است.

الف) حکمرانی

طی جنگ سرد، امنیت با اصطلاحات عمدتاً سیاسی و نظامی درک می‌شد به طوری که حمایت از قلمرو ملی و کنترل مردم بود. در این صورت نه امنیت انسانی^۱ و نه حکمرانی^۲ مرکز بحث‌های امنیت نبودند. حکمرانی مفهومی متأثر از تجربه ایالات متحده و اروپای غربی بود که نخستین نظریه‌های امنیت در آنجا بوجود آمد. با توجه به رقبای مهم دولت و کم‌رنگ شدن نظریه امنیتی واقع‌گرا، شرکت‌های چند ملیتی و گروه‌های جامعه مدنی، دولت را به مبارزه می‌طلبند. مفهوم جدیدی از امنیت بوجود آمده که در آن حکومت و امنیت انسانی در کنار مفهوم قدیمی امنیت دولتی، مفاهیم کلیدی هستند، لذا گسترش گفتمان حقوق بشری و قواعد بشردوستانه، رویکرد جدیدی برای مفهوم‌سازی حکمرانی شده است، بنابراین، تحت عنوان الگوی حکمرانی، معانی نوظهور می‌کنند. (Shani, Op: 4)

حکمرانی، روشی است که جامعه به صورت دسته‌جمعی مشکلاتش را حل و نیازهایش را مرتفع می‌کند و نیازمند مشارکت عمومی، تمرکززدایی و شراکت بین دولت، جامعه مدنی و بخش خصوصی است. بنابراین، حکمرانی رویکردی یکپارچه‌تر به تصمیم‌گیری، برنامه‌ریزی

1 - Human Security

2 - Governance

توسعه و مدیریت اجتماعی است. (Hodes, 1999: 635)

حکمرانی، باعث افزایش شفافیت، پاسخگویی و فراگیری اجتماعی است بنابراین به انسجام اجتماعی، منجر می‌شود. این مفهوم اجتماعی - سیاسی سپس با تحول نظریه‌های امنیت بین‌الملل از واقع‌گرایی به رویکرد متأخری همچون مکتب کپنهاگ، انتقادی و سازه‌نگاری وارد ادبیات امنیتی و روابط بین‌الملل شد.

از حکومت تا حکمرانی امنیتی - راهبردی

با تحول و تغییر در معماری امنیتی در حوزه آتلانتیک و آمریکای شمالی، الگوی حکمرانی امنیتی - راهبردی کشور کانادا مورد اهتمام این نوشتار است که به آن خواهیم پرداخت. تحول در مفهوم امنیت و رشد و نمو سازمان‌های غیردولتی، شرکت‌های امنیتی خصوصی به شکلی فزاینده حوزه مطالعات راهبردی و امنیتی را با تحولات گسترده‌ای همراه ساخت. تهدیدهای نوین مجازی و غیرمجازی، باب ورود گفتمان حکمرانی امنیتی - راهبردی را هموار ساخت.

این تحولات در کشور کانادا و اروپای غربی، به بسترسازی سامانه‌ای بنام «حکمرانی امنیتی» منجر شد. کاهش گفتمان دولت محوری در ماهیت تهدیدهای نوین، و شبکه‌های پیچیده از دولت‌ها و گنشگران غیردولتی، تغییر از پارادایم حکومت به حکمرانی را میسر ساخته است. (Krahman, 2003: 5) لذا با ابطال نظریه‌های موازنه قدرت^۱، رژیم امنیتی^۲ و جوامع امنیتی^۳ و عدم پاسخگویی این نظریه‌ها به تحولات صورت گرفته در پس از یازدهم سپتامبر با توجه به تهدیدهای نوین، سامانه حکمرانی امنیتی - راهبردی مورد توجه پژوهشگران حوزه امنیت قرار گرفت. مثلاً ناتو بعنوان یک رژیم امنیتی مشترک فاقد تأثیرگذاری از تسری

1 - Blance of Power

2 - Security Regime

3 - Security Communities

تهدیدهای کنونی در امنیت انسانی است.

این سازمان تا حد زیادی نتوانسته در حوزه راهبردی و امنیتی، خود را با شرایط جدید و هویت‌های مانند کنشگران امنیتی خصوصی و تهدید جرایم فراملی منطبق کند. بنابراین سامانه حکمرانی امنیتی - راهبردی سال‌ها در مراکز علمی و پژوهشی کانادا و ایالات متحده بدیلی مناسب در مقابل نظریه‌های قدیمی امنیتی شد. (Branett, 1998: 29-32) با تحول در مفهوم «تهدید» یعنی تحول از تهدیدات نظامی به غیرنظامی، مدیریت سامانه حکمرانی راهبردی - امنیتی روی‌های روبه گسترش به خود گرفت.

به عبارتی امنیت از دولت به جوامع و افراد و از امور نظامی به غیرنظامی تغییر موضع داد. این ساختار، منطبق با نظریه‌های انتقادی و کپنهاگ است که تهدیدات را برخلاف واقع‌گراها در امور نظامی خلاصه نمی‌کنند. حوزه امنیت راهبردی کشورهای آمریکای شمالی (ایالات متحده و کانادا) و اروپای غربی، اکنون مواجه به کنشگران جامعه مدنی، حل منازعه، پناهندگی، مهاجرت، تروریسم، مسائل زیست محیطی، تهدیدات هویتی است. این تهدیدات نوپا خود راهبردی مشخص را می‌طلبد. (Litly, 2000: 29)

حکمرانی در جامعه بین‌الملل براساس رشد آگاهی از مشکلات جهانی و شناخت تهدیدات نوین امنیتی مانند تروریسم بین‌الملل، جرایم سازمان‌یافته بین‌المللی مهاجرت و براساس همکاری بین‌المللی است. (Krahman: 11)

به عبارتی جهانی شدن امنیت، تعاملات جهانی بین جهان سوم و جهان پیشرفته را می‌طلبد چراکه مشکلات پیش‌رو که برآمده از تهدیدات نو می‌باشند، نیازمند مؤلفه‌ای هستند که این مؤلفه برآمده از اجزای زیر می‌باشد:

- ۱ - بهینه‌سازی کاربردی
- ۲ - توزیع منابع، منافع
- ۳ - هنجارها و تصمیم‌سازی
- ۴ - اعمال سیاست

در کل حکمرانی امنیتی - راهبردی از لحاظ مفهومی به ساختار و فرآیندهایی اشاره دارد که در

حوزه خصوصی و عمومی اشارت دارد که منافع متقابل را از طریق همکاری و هماهنگی همچنین، اجرای سیاست‌های الزام‌آور در فقدان یک حاکمیت مرکزی طلب می‌کند. (Krahman: 13)

درخور یادآوری است که اشاره تلویحی هر چند مختصر، به دو نوع تهدید نوین همچون تهدید «سایبری» و تهدیدات «زیست محیطی» معماری امنیتی در سامانه حکمرانی امنیتی راهبردی در قبال این تهدید را نشان می‌دهد. این دو نوع تهدید در الگوهای حکمرانی راهبردی - امنیتی کشور کانادا و اروپای غربی بیشتر مورد توجه واقع شده است.

الف) تهدید زیست محیطی

هدف امنیت زیست محیطی^۱ تحت لوای حفاظت از مردم در برابر تخریب کوتاه مدت و بلند مدت طبیعت، تهدیدات انسان ساخته در قبال آن و زوال محیط زیست محیطی است. در کشورهای در حال توسعه، نبود دسترسی به آب پاکیزه یکی از بزرگ‌ترین تهدیدات زیست محیطی است. در کشورهای صنعتی نیز آلودگی هوا از جمله تهدیدات عمده می‌باشد. از دیگر مسائل امنیت زیست محیطی، گرم شدن جهان و سوراخ شدن لایه ازن به دلیل افزایش گازهای گل‌خانه‌ای است.

در همین ارتباط مثلاً مک دونالد^۲ در مقاله‌ای تحت عنوان «گفته‌های امنیتی و تغییرات زیست محیطی» معتقد است که امنیت برساخته‌ای اجتماعی^۳ است و معنای هر تغییر در بسترهای متفاوت است. مثلاً مفهوم امنیت به طور واضحی امروزه در گفتمان زیست محیطی به دلیل بستر خاص تعریف می‌شود. تحلیل‌های امنیتی زیست محیطی با بقای انسان یا حتی تهدیدات سنتی مانند حفظ تمامیت ارضی و دولت - ملت هم‌پوشانی دارد. مثلاً به گفته پژوهشگران حوزه امنیت گرمایش زمین در آمریکای شمالی و کانادا و یا کشورهای

1 - Environmental Security

2 - Matt Mac Donald

3 - Social Construction

اسکاندیناوی یا نابودی جنگل‌های آمازون از تهدیدات سرزمینی هم خطرناک‌تر شده‌اند این گفتمان زیست محیطی با فاصله‌ای فراوان از ادبیات تجربه باورانه به ادبیات مکتب کپنهاگ و سازه‌انگاری و حتی ادبیات پس ساختارگرایی و ساخته شدن ذهنی تهدیدات، در چارچوب امنیتی شدن^۱ موضوعات، نزدیک است. (Matt Macdonald, Hawaii: 5-6) با این گفتمان فراگیر، و امنیتی شدن آن به عنوان یک تهدید کشورها به سمت حل این تهدید از طریق سامانه حکمرانی راهبردی - امنیتی رفته‌اند. به عبارتی با معماری امنیتی در پست کیاتو^۲ درخصوص «همیاری و هماهنگی جهانی درخصوص مقابله با فاجعه زیست محیطی» مشارکت، جامعه مدنی، دولت‌ها سازمان‌های غیردولتی و سیاستمداران با قواعد اصولی مبارزه الزامی می‌کند. این سیاست همگرایی جویانه نیازمند سامانه حکمرانی جدیدی است که دربرگیرنده کنشگران دولتی و غیردولتی است. (O.Koehena, 2007: 3) در این کنش و واکنش همکاری بین‌المللی، منطقه‌ای و داخلی همگی سامانه حکمرانی را تکمیل می‌کنند.

ب) تهدید سایبری و حکمرانی راهبردی - امنیتی

فناوری اطلاعات به طور اعم و گسترش اینترنت به طور اخص به طور معناداری یکی از ویژگی‌های رایج جهانی شدن شده‌اند و به طور فزاینده‌ای تأثیر عمده‌ای بر حوزه جوامع و کشورهای جهان داشته‌اند. این بزنگاه تهدیدات و فرصت‌هایی را به طور اساسی، خلق نموده‌اند. در مقابل این انتقال اطلاعات، به طور فزاینده‌ای، نقش شرکت‌ها و سازمان‌های غیرانتفاعی و جنبش‌های اجتماعی، تجارب شبکه‌ای افراد را گسترش داده است و این کنشگران غیردولتی هستند که به عنوان چالش‌گران امنیتی نوین شناخته می‌شوند. امروز به جای این که امنیت ملی مطرح باشد، امنیت جامعه اطلاعاتی مطرح است و تهدید اطلاعات می‌تواند به مثابه تهدید جوامع پیشرفته و در حال توسعه محسوب می‌شود. (Rosen, 2002: 2)

1 - Securitization

2 - Post Kyoto

18) با این تحولات و تحول، در مفهوم امنیت کشورهایی مانند آمریکا، کانادا و روسیه و حتی چین، افرادی را در برای کنترل، نظارت و تحلیل تخمین ریسک‌ها و تهدیدات جامعه شبکه‌ای استخدام می‌کنند. فضای تهدیدات برای کشورها در مقابل از دست دادن کنترل جامعه اطلاعاتی مطرح شده است.

این فضا در مقابل فضای تروریستی^۱، فضای جرائم^۲ مطرح می‌شود. چراکه فضای مجازی اینترنت بدون کنترل دولت‌ها به فضای تهدید علیه امنیت ملی آنها و حتی امنیت بین‌الملل تبدیل می‌شود. در همین ارتباط، مطالعات ملی کانادا، معتقد است که تروریسم آینده، پیش از آنکه با بمب تهدید کننده باشد با کیبورد تهدید کند حتی در ایالات متحده، و رای‌گفتار فضای تهدید از مفهوم «پزل هاربر الکترونیک»^۳ به عنوان سناریوی جدید خرابکاران تروریستی اینترنت که می‌توان کلیه خطوط راه‌آهن را متوقف، حساب‌های پول فراوان فرد را خالی کند، استفاده می‌کند. این حملات مجازی به مثابه کنش تروریسم، تهدید و خطرات نوظهور در عصر دیجیتال برای کشورها و جوامع شناخته شده است.

لذا سیاست کشورها و جوامع در قبال ظهور گروه‌های آنلاین نوین مثل وبگاه^۴ و تالارهای گفتگو^۵ چیست؟ آیا می‌بایست یک اجماع جهانی بین دولت‌ها و شرکت‌های ارائه‌دهنده خدمات اینترنتی بوجود آید؟

این راهبرد امنیتی - دفاعی می‌تواند در چارچوب حکمرانی دیجیتال بوجود آید؟ جوزف - های، به عنوان یک نویلیرال به نوعی کثرت‌کنشگران غیردولتی ودولتی در فناوری اطلاعات و مطالعات امنیتی را پیشنهاد می‌دهد. او معتقد است که با این راهبرد، می‌توان فضای صلح و تهدید را شناخت. لذا وابستگی امنیتی متقابل بین دولت، جامعه مدنی، جامعه بین‌المللی جهانی و کشورهای ملی در زمینه

1 - Cyber Terrorism
 2 - Cyber Crime
 3 - Electronic perl Harber
 4 - Blogs
 5 - Chatrooms

کنترل و حکمرانی راهبردی در حوزه سایبر قابل پیگیری است لرنزو ولری^۱ معتقد است که می‌توان به نوعی رژیم بین‌المللی برای اعتبار اطلاعات را بسترسازی کرد و به نوعی قاعده حکمرانی را عملی ساخت. ولگر، تأسیس چنین حکمرانی راهبردی - امنیتی را براساس فهم مشترک، یعنی قواعد و هنجارها و اصول، اساس کار جمعی و همکاری بین تجار و دولت‌ها باشد. (Erikson, etal: 13-17)

بنابراین یکی از ابعاد مبارزه با تهدیدات نوین که در فضای مجازی ساخته و وارد فضای واقعی می‌شود، نیازمند راهبردی مؤثر است و آن حکمرانی راهبردی در حوزه سایبر است.

این حکمرانی خود زمینه تعادل و مشارکت بخش دولتی و غیردولتی در قبال جرایم سازمان‌یافته اینترنتی خرابکاری امنیتی رخنه‌گراها (هکرها) در فضای اطلاعات و تهدیدات تروریستی را مهیا می‌کند. (Erikson, etal: 137)

نتیجه‌گیری

با توجه به تحول در مفهوم امنیت و ماهیت تهدیدات، ناکارآمدی نظریه‌های سنتی دولت محور همچون واقع‌گرایی امنیتی نیاز پژوهش‌های جدید و راهبردی به راهکارها و نظرات متأخر امنیتی دو چندان شده است. این نوشتار با تکیه بر نظریه‌های انتقادی همچون مکتب کپنهاگ، انتقادی و سازه‌نگاری در پی ارائه الگوی حکمرانی راهبردی است. تعامل میان شرکت‌های امنیتی با دولت از یک طرف و مشارکت جامعه مدنی از طرف دیگر از زوایای مهم این سامانه امنیتی نوین طبق الگوی کشور کانادا است. به عبارتی دیگر دولت تنها مرجع امنیت چه در سطح داخلی و چه در سطح بین‌المللی نیست. لذا با توجه به تهدیدات نوین پس از یازدهم سپتامبر از قبیل تروریسم، گسترش تهدیدات سایبری، تهدید زیست محیطی و غیره، رویکردهای سنتی فاقد هر گونه راه‌کار مؤثر در زمینه مهار آن هستند. حکمرانی راهبردی با توجه به خصلت متکثر خود و نگاه حداکثری به اصالت چند نگرشی می‌تواند الگوی مناسب برای ترسیم دورنمای مبارزه با تهدیدات مدرن و پست مدرن باشد.

1 - Leronzo Veler

منابع

- 1 - Kenn, Booth (2007), Theory of World Security, Cambridge University Press.
- 2 - Robin, Corey (2004), Fear The history of a political idea. (Oxford: Oxford University Press).
- ۳ - افتخاری، اصغر و نصری، قدیر (۱۳۸۳)، روش و نظریه در امنیت پژوهشی، تهران: پژوهشکده مطالعات راهبردی.
- ۴ - بوزان، باری و ویور، الی (۱۳۸۶)، چراجویی تازه برای تحلیل امنیت، علیرضا طیب: تهران پژوهشکده راهبردی.
- 5 - Klima, Ivan, Between Security and Insecurity. Trnas Cerry Turner and Hundson.
- ۶ - مک‌کین، لای، آردی و آرتیل (۱۳۸۰)، امنیت جهانی، رویکردی نظری، اصغر افتخاری تهران: پژوهشکده مطالعات راهبردی.
- 7 - Security Challenges For 21 century <http://www.diis.DK/sw77617> as. P9. use.
- 8 - Mally, Robert, NewYork Review of Books, 10 September 2006.
- 9 - Howard, Michel (2001), The Invention of Peule and Reinvention of war, profile London.
- 10 - Washington post. 11 September 2006.
- 11 - Crisis group.org/hom/index.CFM,id:4333
- 12 - Koithara, Varghes (2000), society state and security (the Indian Experience) sag publication.
- 13 - On the Energy ette, start of the counter = Terrorism committee. Led by the British permanent Representation. Un Doc 2001, 733/and www.un.org/committees/1376
- 14 - the Report of the Working Group in UN Doc. A/?/56L. 9.29. October. 2001
- 15 - Shani, Girovgio (2006), Introduction: Protecting Human Security in a Post 9/11 World, London, Palgrare Macmillian.
- 16 - R.Hodes, R.A.W (1999), the New Governance without Government. Political Studies, IV.
- 17 - Krahman, Elek, Conceptualizing Security Governance. Cooperation and conflict. Journal of the Nordic International Studies Association. 2003. VI.38.

- 18 - Branett.A. Adler (1998), A Framework for the Study of Security Communitities, in Emenuel Alder anal Miceal Barnet (eds) Security communities. Cambridge: Cambridge university press.
- 19 - Litly, D. Privatization of Security and Peace Building, London International Alert 2000.
- 20 - Macdonald, Matt, Discourses of Security and Environmental Change. International Studies Association. Hawaii.
- 21 - O.Koehena, Robert (2007), Toward a post-kiyato climate change. Architecture: Application Analyses. Wodrow Wilson School of Publication and International Affairs. Princeton University. New York: Cambridge; Cambridge university press.
- 22 - Rosena, J. (2002), Information Technology and Global Politics the Scope of Power and Governance. ALBANY. State University of New York Press.
- 23 - Johnson Erikson and Siumpeir. GIAMELL. International Relations and Security in the Age Digital. London; Rotelege.

بررسی تطبیقی رویکردها، مکاتب و روش‌های تدوین راهبرد منابع انسانی

تاریخ دریافت مقاله: ۸۹/۳/۲۴	مجتبی اسکندری ^۱
تاریخ تأیید مقاله: ۸۹/۵/۱۰	محمداسماعیل رستمی‌نیا ^۲
صفحات مقاله: ۲۷-۵۷	

چکیده

برای تدوین راهبرد در سطوح و موضوعات مختلف، مبانی، رویکردها، مکاتب، و روش‌های متنوعی وجود دارد. که قبل از تدوین راهبرد به ترتیب رویکردها، مکاتب و روش‌ها مورد توجه قرار می‌گیرد. در این مقاله رویکردها و روش‌های تدوین راهبرد در بخش منابع انسانی مورد مطالعه تطبیقی قرار گرفته و رویکردهای مورد توجه مانند تجویزی و توصیفی، عقلایی،^۳ فرایندی،^۴ ترکیبی،^۵ جبرگرایانه^۶ و نهادی و نیز مبتنی بر برنامه‌ریزی عقلایی رویکرد فزاینده،^۷ 5p^۸ و مبتنی بر نقاط راهبردی^۹ نگرش یکپارچه،^{۱۰} نگرش الزامی، تعاملی، تقسیم‌بندی شده و در پایان ضمن بیان الگو و روش‌های مناسب تدوین راهبرد روشی تلفیقی برای تدوین راهبرد در بخش منابع انسانی پیشنهاد شده است.

۱ - استادیار دانشگاه جامع امام حسین (ع).
۲ - استادیار دانشگاه جامع امام حسین (ع).

- 3 - Rational
- 4 - Processual
- 5 - Configurational
- 6 - Determinist
- 7 - Incremental
- 8 - Philosophy, Policy, Programs, Practices and Processes
- 9 - Strategic Reference Points (SRPs)
- 10 - Integrated

کلید واژگان

راهبرد، راهبرد منابع انسانی، مدیریت راهبردی، مدیریت راهبردی منابع انسانی

امام خمینی (ره):

در هنگام نبرد، مجال پرداختن به همه جهات قوت‌ها و ضعف‌ها و طرح‌ها و برنامه‌ها و در حقیقت ترسیم استراتژی دفاع همه‌جانبه نبوده است ولی در شرایط عادی باید با سعه صدر و به دور از حب و بغض‌ها به این مسائل پرداخت و از همه اندوخته‌ها، تجربه‌ها، استعدادها و طرح‌ها استفاده نمود. (صحیفه نور، جلد ۲۱: ۱۹)

سؤال تحقیق

تدوین راهبرد منابع انسانی سازمان خود را چگونه آغاز کنیم؟

۱ - مقدمه

در فرایند مدیریت (برنامه‌ریزی) راهبردی توجه به راهبرد امری ضروری و از مراحل مهم آن می‌باشد. در بیان اهمیت توجه به آن همین بس، که سازمان‌های موفق، سازمان‌هایی هستند که راهبرد محور باشند.

نگاهی گذرا به عنوان این نوشتار «بررسی تطبیقی الگوها و روش‌های تدوین راهبرد منابع انسانی» مبین آن است که الگوها و روش‌های تدوین راهبرد، متنوع بوده و وجود این تنوع با مدنظر داشتن تنوع سازمان‌ها، گزینش دقیق و متناسب را طلب می‌کند و به عبارت دیگر، هر کدام از سازمان‌ها شایسته است با توجه به ویژگی‌های خود از قبیل اندازه، پیچیدگی، مسائل، سطح سازمانی، فرهنگ سازمانی، روحیه کارکنان ... روشی از روش‌های متنوع تدوین راهبرد را انتخاب نمایند. از این رو، هدف این مقاله آن است که الگوها و روش‌های تدوین راهبرد را هرچند به اختصار (با مروری به مبانی، رویکردها و مکاتب) برای شرایط گوناگون معرفی و مقایسه نماید.

۲- تعریف مفاهیم و اصطلاحات

شاید ادعایی بدور از غلو باشد که بنا به اهمیت روزافزون مباحث راهبرد، تعاریف آن و مفاهیم مرتبط آن از حد خارج شده و گستره آن موجب پذیرش بار معنایی و تعبیر متعدد شده باشد که در این اجمال به نظر، مناسب است قبل از پرداختن به روش های تدوین راهبرد به معدودی از تعاریف آن و مفاهیمی که با تدوین راهبرد مرتبط باشد، اشاره گردد:

۲-۱- راهبرد

بسیاری از نویسندگان، تعاریف مختلفی از موضوع راهبرد ارائه کرده اند، مثلاً:
 ۲-۱-۱- راهبرد عبارت است از تعیین اهداف و آرمان های بلند مدت و اساسی برای یک شرکت و پذیرش مجموعه ای از اقدامات و تشخیص منابع لازم برای حصول به این اهداف و آرمان ها (چندلر، ۱۹۶۲)

۲-۱-۲- راهبرد مجموعه ای از انتخاب بنیادی یا حساس است درباره نتایج یک فعالیت و ابزار انجام آن فعالیت (چابلد، ۱۹۷۲)

۲-۱-۳- راهبرد به حرکت و مسیر حرکت بلند مدت و هم چنین گستره فعالیت های یک سازمان اطلاق می شود. هم چنین به این مهم می پردازد که چگونه سازمان جایگاه خود را با توجه به محیط و بویژه با توجه به رقابیش تثبیت می کند ... راهبرد به چگونگی ایجاد مزیت رقابتی، که در طول زمان و به شکلی ایده آل پایدار بماند و با کمک حرکت های تکنیکی و توجه به اهداف بلند مدت می پردازد. (فاولکنر و جانسون، ۱۹۹۲)

۲-۱-۴- یک راهبرد، چه راهبرد منابع انسانی باشد یا نوع دیگری از راهبرد مدیریت، باید دارای دو عنصر کلیدی باشد: باید اهداف راهبردی وجود داشته باشد (یعنی، آن چیزهایی که راهبرد قرار است به دست آورد) و باید یک طرح عملی وجود داشته باشد (یعنی ابزاری که به وسیله آنها می توان اهداف مشخص شده را به دست آورد. (ریچاردسون و تامپسون، ۱۹۹۹)

۲-۱-۵- استراتژی عبارت است از بسط رسالت سازمان برای ایجاد پلی بین سازمان (یا جامعه) و محیط آن. استراتژی ها نوعاً برای برخورد با مسائل استراتژیک تنظیم می شوند؛ به

سخن دیگر، استراتژی واکنش سازمان به انتخاب‌های است که در زمینه خط‌مشی‌های بنیادی صورت می‌گیرد. (اگر درباره مسائل استراتژیک، رویکرد هدف به کار رود استراتژی‌ها برای دستیابی به اهداف تدوین خواهند شد؛ یا اگر رویکرد چشم‌انداز موفقیت در پیش گرفته شود، استراتژی‌ها برای حصول به چشم‌انداز مورد نظر تدوین خواهند شد.) (برایسون، ۱۳۸۶: ۲۱۸)

۶-۱-۲ - خلاصه‌ای از کامل‌ترین جمع‌بندی در مورد مفهوم راهبرد را مینتزبرگ^۱ ارائه

نموده، او معتقد است راهبرد یعنی:

- طرح^۲
- مانور^۳
- الگو^۴
- موضع^۵
- چشم‌انداز یا دیدگاه^۶

بنابراین، راهبرد دیدگاهی است مشترک، مانند فرهنگ موجود میان اعضای یک سازمان بر مبنای مقاصد یا اقدامات آنان، یا هم مقاصد و هم اقدامات آنان. پس در این تعریف، نکته اساسی در بررسی راهبرد، چگونگی درک و شناخت اندیشه جمعی است. (حسینی، ۱۳۷۸: ۱۰۹-۱۱۸)

۷-۱-۲ - صاحب‌نظران دیگری در مورد مفهوم راهبرد اظهار نظر نموده‌اند؛ مجموع مفهوم‌پردازی‌های متفاوتی که درخصوص راهبرد صورت پذیرفته است آن‌ها را می‌توان در دوازده استعاره اساسی خلاصه کرد. آن دوازده استعاره عبارتند از:

- راهبرد به مثابه طرحی هنرمندانه و نقشه‌ای استادانه
- راهبرد به مثابه موضع‌گیری رقابتی

1 - Mintzberg
 2 - Plan
 3 - Play
 4 - Pattern
 5 - Strategy as Position
 6 - Strategy as Perspective

- راهبرد به مثابه انگاره‌ای از یک رشته تصمیمات یا اقدامات
- راهبرد به مثابه توسعه عقلانی شایستگی‌های اساسی
- راهبرد به مثابه فرصت‌طلبی
- راهبرد به مثابه عرضه توان بالقوه انسانی
- راهبرد به مثابه تعهد
- راهبرد به مثابه مشارکت کارکنان
- راهبرد به مثابه انطباق با محیط
- راهبرد به مثابه همکاری با مشتریان و مخاطبان
- راهبرد به مثابه پیشرفت نسبت به کیفیت جامع و پیش جستن فزاینده از بهترین رقبا
- راهبرد به مثابه بی‌نظیری و بی‌همتایی (عباس‌پور، ۱۳۸۲: ۳۹)

۲-۲ - سلسله مراتب و سطوح راهبرد

سلسله مراتب راهبرد عبارت است از گروه‌بندی انواع راهبرد با توجه به سطوح سازمانی. این سلسله مراتب یا زنجیره راهبرد مجموعه‌ای از راهبردهای متداخل یکدیگر است که یکدیگر را تکمیل و حمایت می‌کنند. (هانگر و ویلن، ۱۳۸۴: ۲۵)

دسته‌بندی‌های گوناگونی توسط صاحب‌نظران در رابطه با سطوح راهبرد صورت گرفته است و هر یک از منظر خاصی راهبردها را به شکل‌های متفاوت تقسیم‌بندی می‌نمایند. این دسته‌بندی‌ها از منظر سازمانی، عملکردی و سرمایه‌گذاری‌های مشترک می‌باشد. در ذیل به سطوح راهبرد از منظر سازمانی اشاره می‌شود. بطور کلی راهبرد را از منظر سازمانی می‌توان به سه سطح مستقل دسته‌بندی نمود:

- ۱ - راهبردهای کلی که شامل همه موضوعات سازمان است و بسیار کلان و فراگیر است.
- ۲ - راهبردها در سطح واحد سازمانی که به یک قسمت از سازمان مرتبط است.
- ۳ - راهبردها در سطح بخش کوچکی از یک سازمان که به آن راهبردهایی در سطح یک دایره می‌گویند.

به عبارت دیگر سطوح راهبرد به شکل زیر دسته‌بندی می‌شود:

۱- راهبرد کلی ۲- راهبرد موضوعی ۳- راهبرد عملیاتی (طبسی، جمال‌الدین و ملکی، رضا، ۱۳۸۲)

۲-۳- تدوین راهبرد

تدوین راهبرد را اینچنین می‌توان تعریف کرد:

۲-۳-۱- تعیین روند صحیح اقدامات برای نیل به اهداف است و شامل فعالیت‌هایی چون تجزیه و تحلیل، برنامه‌ریزی و انتخاب راهبردهایی است که احتمال دستیابی به اهداف سازمان را افزایش می‌دهد. (سرتو و پیتر، ۱۳۸۰: ۱۲۷)

۲-۳-۲- عبارت است از طراحی طرح‌های بلند مدت برای مدیریت مؤثر فرصت‌ها و تهدیدهای محیطی و بررسی نقاط قوت و نقاط ضعف شرکت. تدوین راهبرد شامل تعریف مأموریت شرکت، تعیین اهداف قابل تحویل طراحی راهبردها و تعیین رهنمودهای مربوط به سیاست (خط‌مشی) (هانگر و ویلن، ۱۳۸۴: ۲۳)

۲-۴- راهبرد منابع انسانی

همانطور که دایر و ریوز (۱۹۹۵) گفته‌اند، راهبردهای منابع انسانی «مجموعه‌های منسجمی از روش‌های مدیریت منابع انسانی‌اند. راهبرد منابع انسانی بر مقاصد خاص سازمان درباره آنچه که باید انجام بشود و تغییری که باید اعمال بشود، تمرکز خواهد کرد. مسائلی که این راهبردها به آنها خواهند پرداخت عبارتند از: اطمینان خاطر از اینکه سازمان کارکنان مورد نیاز خود را در اختیار دارد. آموزش، پاداش انگیزشی، انعطاف‌پذیری، کارگروهی و روابط با ثبات کارکنان. اینها مسائلی‌اند که دستیابی راهبردهای شرکت به اهداف خود را تضمین می‌کنند. (آرمسترانگ، ۱۳۸۲: ۶۵)

۲-۵- تدوین راهبرد مدیریت منابع انسانی

تدوین راهبرد مدیریت منابع انسانی یک فرایند نظام یافته برای طراحی برنامه جامع، بلندمدت، هدفمند و ساختار یافته درباره منابع انسانی است که از روش واحد و منحصری تبعیت نمی‌کند. (آرمسترانگ، ۱۳۸۲)

۳- انواع رویکردها در تدوین راهبرد

روند تکاملی راهبرد در بستر رویکردهای مختلف تحقق یافته است. هر رویکرد جدیدی، ابعاد تازه‌ای از مفاهیم عمیق راهبرد را روشن می‌سازد و پاره‌ای از ناشناخته‌های آن را آشکار می‌کند. در اینجا به برخی از رویکردهای مهم که در این سیر تکاملی پدیدار شده است اشاره می‌کنیم. درک این رویکردها و ساختار معانی آنها، زیربنای مهمی برای فهم رویکرد «راهبرد اثربخش» فراهم می‌سازد. (غفاریان و کیانی، ۱۳۸۳: ۲۵)

۳-۱- بعضی صاحب‌نظران دو رویکرد کلی را، راجع به تدوین راهبرد مطرح می‌نمایند که عبارتند از:

۳-۱-۱- رویکرد تجویزی

این رویکرد، آغازگر مباحث راهبرد به شمار می‌آید. متقدمانی مانند آندروز، چندلر و آنسوف پرچم‌داران این رویکرد که به مکتب طراحی راهبرد معروف است هستند. این رویکرد شامل نظریاتی است که شکل‌گیری راهبرد را حاصل یک فرایند تحلیلی و قاعده‌مند می‌دانند. درون‌مایه اصلی این روش‌ها جفت‌وجور کردن عوامل (نقاط قوت و ضعف) و عوامل بیرونی (فرصت‌ها و تهدیدات) به منظور بهره‌مندی از منافع نهفته در فرصت‌ها (یا اجتناب از زیان‌های نهفته در تهدیدات) است. (غفاریان و کیانی، ۱۳۸۳: ۲۵)

۳-۱-۲- رویکرد توصیفی

نظریات متفاوت لیندبلوم، کوئین و میلتزبرگ سرآغاز رویکرد جدیدی در راهبرد به شمار می‌آید. صاحبان این مکتب، شیوه تحلیلی در تدوین راهبرد را مردود دانسته و بر این باورند که راهبرد از مباحث علت و معلول و متعلق به حوزه علوم است و نه منطق، فلذا فرایندهای گام به گام از پیش تعریف شده نمی‌توانند ما را به تصمیمات درست راهبردی، هدایت کنند. آنان همچنین به تغییرات سریع، غیرخطی و غیرقابل پیش‌بینی محیط اشاره می‌کنند و تردیدهای جدی خود را در مورد اثربخشی روش‌های ساده رویکرد تجویزی ابزار می‌نمایند.

میلتزبرگ خلق راهبرد نو را حاصل یک سنتز ذهنی ذکر می‌کند که بهترین حالت آن هنگامی

است که یک ذهن منفرد و مطلع، بستر زایش راهبرد باشد. یک راهبرد بدیع، خلاق و اثربخش الزاماً از روش‌های قاعده‌مند حاصل نمی‌شود. اگر قصد رسیدن به مقصدی متفاوت از آنچه امروز رسیده‌ایم را داریم باید راهی را رفت که تاکنون در آن پای نهاده‌ایم، هرچند هیچ راهی برای دستیابی به یک راهبرد تحول‌آفرین ضمانتی ایجاد نمی‌کند. (غفاریان و کیانی، ۱۳۸۳: ۲۷)

۳-۲ - صاحب‌نظر دیگری می‌گوید: «از لحاظ مبانی نظری تاکنون رویکردهای متفاوتی در مورد تدوین راهبرد ارائه شده است که به دلیل تنوع و تکثری که از لحاظ شیوه‌های طبقه‌بندی در رشته نظری مربوط به موضوع وجود دارد شاید بتوان آنها را دست کم از ۵ دیدگاه کلی بررسی کرد:

۳-۲-۱ - رویکردهای عقلانی

۳-۲-۲ - رویکردهای فرایندی (از شناخت تا شهود)

۳-۲-۳ - رویکردهای هیأت‌گرا یا ترکیبی

۳-۲-۴ - رویکردهای جبرگرا (نازایی یا سترونی راهبردی)

۳-۲-۵ - رویکردهای نهادی (سستی ناقص)

جدول شماره ۲ شاخص‌هایی از پنج رویکرد را نشان می‌دهد:

با وجود این تکثر «یک سازمان می‌تواند از ۱۳ نوع راهبرد استفاده نماید، آنها بدین قرارند: یکپارچگی عمودی به بالا، یکپارچگی عمودی به پایین، یکپارچگی افقی، رسوخ در بازار، توسعه بازار، توسعه محصول، تنوع همگون، تنوع ناهمگون، تنوع افقی، مشارکت، کاهش، واگذاری و انحلال هر یک از این راهبردها دارای انواع مختلف است.» (دیوید، ۱۳۸۴: ۱۰۲)

یکپارچگی راهبردی برای ایجاد هم‌خوانی بین راهبرد منابع انسانی و راهبرد شرکت ضروری است زیرا این دو راهبرد مکمل یکدیگرند. هدف، ایجاد هماهنگی راهبردی و همگونی بین اهداف مدیریت منابع انسانی و اهداف شرکت است. (آرمسترانگ، ۱۳۸۲: ۶۶)

۳-۳ - نوع دیگری از دسته‌بندی‌های روش‌های تدوین راهبرد منابع انسانی تقسیم‌بندی دوگانه (کلی) زیر را ارائه نموده است؛ (این دو دسته کلی دارای اجزایی هستند که در ادامه به شرح آنها پرداخته می‌شود).

۱-۳-۳- مدل های عقلایی یا منطقی (مبتنی بر راهبرد سازمان)

نخستین مدل ها برای تدوین راهبرد منابع انسانی، در میانه دهه ۱۹۸۰، با نگرشی عقلایی، منطقی و فنی و متکی بر «راهبرد سازمان» طراحی شده اند. تأثیرگذاری یک طرفه راهبرد سازمان بر راهبرد منابع انسانی در این مدل ها، در شکل شماره ۱ نشان داده شده است. (بامبرگر و مشولم، ۱۳۸۱: ۳۹)

درون داد منابع انسانی ← راهبرد سازمان ← راهبرد منابع انسانی

شکل شماره ۱ - الگوهای عقلایی (منطقی) (تأثیر یک طرفه راهبرد سازمان بر راهبرد منابع انسانی)

جدول شماره ۲ - شاخص های رویکردهای مختلف به تدوین راهبرد

رویکرد عقلانی	رویکرد فرایندی	رویکرد ترکیبی	رویکرد جبرگرایانه	رویکرد نهادی
<p>حکایت ایده آل آنان این است که چگونه در زمینه راهبرد کتاب درسی تهیه کنیم. راهبرد از فنون برنامه ریزی استفاده می کند و درک و فهم آگاهانه ای نسبت به عرصه فعالیت، محیط خارجی و منابع و قابلیت های سازمان دارد.</p>	<p>حکایت واقعی آنان این است که چگونه راهبرد را در شرایط دنیای واقعی بسازیم، نقلی به صورت محاسبه تأثیرات محدود و تواناسازی شناختی، عملی، سیاسی، معنابخشی و عوامل شهودی</p>	<p>حکایت متعادل و متوازن آنان این است چگونه جنبه های سازمان را به شیوه های تقویت کنندگی متقابل تنظیم کنیم؛ چگونه مزیت راهبردی از یک پیکرندی و هیأت گرایمی ناشی می شود؛ چگونه بین آنها جنبش و حرکت ایجاد کنیم.</p>	<p>حکایت دیگری دارد: شناسایی و محدودیت ها برای عمل و یادآوری سودمندی آنچه نمی توان انجام داد.</p>	<p>حکایتی است: مناسب سازی: نیاز به سازگار کردن راهبرد با تقاضاهای نهادی برای مشروعیت و اثربخشی در اینکه قلمرویی برای یافتن اثر بخشی بیشتر با پاسخ های خلاقانه وجود دارد.</p>
<p>ساختار باید از راهبرد پیروی کند.</p>	<p>علت مبهم و نامشخص، شکافها و فاصله هایی اتفاق می افتد؛ ساختار ممکن است راهبرد را هدایت کند.</p>	<p>ساختار برای تناسب و برازندگی با راهبرد مجدداً سازماندهی خواهد شد.</p>	<p>ساختار حق انتخاب ندارد بلکه مجبور است از راهبرد پیروی کند.</p>	<p>ساختار خیلی مطابق با زمینه خواهد بود، اما با برخی ملاحظات و اختیارات مدیریتی</p>

مقایسه موارد خاص	رویکرد عقلانی	رویکرد فرایندی	رویکرد ترکیبی	رویکرد جبرگرایانه	رویکرد نهادی
م. ا. ک. ن. م. ر. ه. د. ی.	برنامه ریزی بهترین راهبرد را تولید می کند.	برنامه ریزی می تواند مانع راه راهبرد شود، لکن ممکن است اهداف دیگری را تأمین می کند.	برنامه ریزی اهمیت کمتری دارد تا اقدامات اتخاذ شده به تحقق راهبرد منجر شود.	برنامه ریزی عمدتاً نامربوط و بی ارتباط است، زیرا محیط درونی و بیرونی را انحصاری و گزینشی کند.	برنامه ریزی نهادی شدن در زمینه خاصی هست (یا نیست)
م. ا. ک. ن. م. ر. ه. د. ی.	بزرگ ترین استراتژیست ها باید محرک و برانگیزاننده تغییرات راهبردی باشند.	استراتژیست ها محرک تغییرات راهبردی از طریق تنوعی از روش ها و وسایل و معمولاً در یک طریق تکاملی هستند؛ راهبردسازی می تواند از پایین به بالا باشد.	استراتژیست های بزرگ معمولاً محرک و برانگیزاننده تنظیم مجدد راهبرد هستند، اگرچه در موارد دیگری هم ممکن است درگیر باشند. تغییرات راهبردی در جهش های عظیم روی می دهد.	اقدامات استراتژیست ها عمدتاً نامربوط است. زیرا محیط درون و بیرون را انحصاری و گزینشی می کنند.	نقش استراتژیست ها کم و بیش مرتبط با وابستگی به زمینه است.
م. ا. ک. ن. م. ر. ه. د. ی.	عمدتاً توصیفی است.	نمونه های توصیفی که براساس آن توصیه ها و تجویزها ممکن است دریافت شود.	عمدتاً تجویزی است و مبتنی بر برخی موارد توصیفی با مفاهیم است.	عمدتاً توصیفی است.	عمدتاً توصیفی است هرچند برخی تجویزات هم ممکن است از آن استنباط شود.

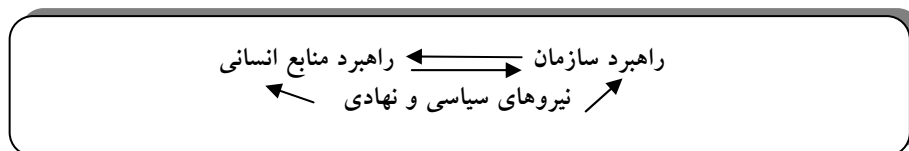
(عباس پور، ۱۳۸۲: ۴۰)

این مدل ها فقط در صورتی قابل اجرا هستند که راهبرد سازمان، به صورت آماده و از قبل تهیه شده باشد. البته در این صورت، هرگونه اشتباه و انحراف در فرآیند راهبرد سازمان، عیناً به راهبرد منابع انسانی نیز سرایت می نماید. بدیهی است، عناصر تصمیم گیری در این مدل ها، همانند مدل های تدوین راهبرد سازمان، شامل نقاط قوت و ضعف (عوامل درون/سازمان)^۱ و فرصت ها و تهدیدات (عوامل بیرون سازمان)^۲ هستند.

- 1 - Internal Factors
- 2 - External Factors

۲-۳-۳- مدلهای فزاینده^۱ یا واقعی (مبتنی بر عوامل ویژه مدیریت منابع انسانی)

از اواخر دهه ۱۹۸۰، مدل‌هایی با نگرشی فزاینده یا گام به گام، مطرح شده‌اند که در فرآیند تدوین راهبرد منابع انسانی به نقش عوامل سیاسی و نهادی درون و بیرون سازمان بسیار بیشتر از محاسبات و عوامل کمی و فنی، توجه نشان می‌دهند. این مدل‌ها همچنین، توانستند الگوهای راهبردی منابع انسانی را بدون وجود راهبرد سازمان، ارائه نمایند؛ چراکه عناصر تصمیم‌گیری در آنها، شامل عوامل ویژه مربوط به مدیریت منابع انسانی (یعنی بازار کار و یا نحوه کنترل) می‌باشد. البته در مواردی نیز که راهبرد سازمان وجود دارد، این مدل‌ها، هماهنگی خود را با آن، از طریق ایجاد رابطه‌ای دو طرفه، حفظ می‌نمایند. این ارتباط، در شکل شماره ۲ ترسیم شده است. (بامبرگر و مشولم، ۱۳۸۱: ۳۹)



شکل شماره ۲ - فرآیند تدوین راهبرد منابع انسانی در الگوهای فزاینده (واقعی)

(رابطه‌ای دو طرفه راهبرد سازمان و راهبرد منابع انسانی)

۴-۳- در شرح و توضیح بیشتر دو دسته کلی فوق جزئیاتی مطرح است که تحت عناوین؛ الگوی 5P، تئوری نقاط مرجع راهبردی، نگرش‌های الزامی و نگرش تعاملی در تدوین راهبرد منابع انسانی که بدان اشاره می‌شود.

۱-۴-۳- تدوین راهبرد منابع انسانی مبتنی بر «5P»

شولر (۱۹۹۲) الگوی تدوین راهبرد منابع انسانی مبتنی بر «5P» ارائه کرد. الگوی مزبور هم بر این فرض قرار داشت که راهبرد منابع انسانی باید براساس راهبرد سازمان، قرار گیرد. راهبرد از این دیدگاه مورد توجه قرار می‌گیرد که آبخاری است که از بالا فرو می‌ریزد و در فرآیند تدوین راهبرد در

1 - Incremental

سطح سازمان به نیازهای سازمان توجه می‌شود و آنها را معرفی می‌کند. عوامل خارجی (برای مثال، اقتصادی، بازار، سیاسی، فرهنگی، اجتماعی - مردم نگاری) و داخلی (برای مثال، فرهنگ سازمانی، جریان نقدی، فناوری) تعیین کننده نیازها هستند و شیوه‌ای را که باید به آنها توجه کرد مشخص می‌کنند. با تجزیه و تحلیل این نیازها، مدیریتی که مسیر رأس هرم به قاعده را می‌پیماید، مأموریت یا رسالت کل سازمان را تعیین می‌کند، با توجه به این رسالت هدف‌های اصلی یا کلیدی را مشخص می‌کند و برای کمک در راه تأمین این هدف‌ها، سیاست و برنامه‌های گسترده طرح‌ریزی و تعیین می‌کند. این هدف‌های بلند مدت، برنامه‌ها و سیاست‌ها مبنای راهبرد منابع انسانی را تشکیل می‌دهند و این همان چیزی است که شولر آن را الگوی «5P» می‌نامد.

۲-۴-۳ - فلسفه، سیاست، برنامه‌ها، عملیات و فرایند

از این رو در الگوی مزبور به رابطه بین راهبرد سازمان و راهبرد منابع انسانی توجه دقیق می‌شود و راهبرد منابع انسانی بر راهبرد سازمان متکی است. نخستین تحقیق‌های توصیفی، کاربرد این گونه الگوهای هنجاری یا دستوری را تأیید می‌کردند. برای مثال، دایر (۱۹۸۴) پیشنهاد کرد که «راهبرد سازمان بزرگ‌ترین عامل تعیین کننده راهبرد منابع انسانی سازمان است» و تعداد زیادی تحقیق برشمرد که این دیدگاه را تأیید می‌کردند.

۳-۴-۳ - تدوین راهبرد منابع انسانی مبتنی بر تئوری نقاط راهبردی

بامبرگر و فیکن بام (۱۹۹۶) در تلاشی برای سازگاری الگوهای فزاینده سیاسی (برای تدوین استراتژی منابع انسانی) با الگوهایی که براساس نگرش برنامه‌ریزی عقلایی قرار دارند، از زاویه نقاط مرجع استراتژیک به موضوع نگاه کردند تا بتوانند بدین وسیله فرایند تدوین استراتژی منابع انسانی را شرح دهند. پژوهشگران نقاط مرجع استراتژیک منابع انسانی را بدین گونه تعریف می‌کنند: هدف‌ها یا الگوهای شاخصی که تصمیم گیرندگان سازمانی برای ارزیابی راه‌ها یا گزینه‌های خود به کار می‌برند تا بتوانند بدان وسیله تصمیم‌های استراتژیک را اتخاذ کنند و اولویت‌های کل سیستم را به آگاهی گروه‌های ذی‌نفع اصلی برسانند نویسنندگان بر این باورند که استراتژی منابع انسانی در اصل بر پایه تعیین هدف‌ها یا نقاط مرجع قرار دارد که تصمیم گیرندگان سیستم در نظر می‌گیرند. (بامبرگر و مشولم، ۱۳۸۱: ۵۰)

۳-۴-۴ - تدوین راهبرد منابع انسانی مبتنی بر نگرش‌های الزامی

تئوری‌های توصیفی مورد بحث در بالا، بیانگر این هستند که راهبرد منابع انسانی، به صورت مستقیم و غیرمستقیم (از طریق راهبرد سازمان) تحت تأثیر عوامل محیطی قرار می‌گیرند. ولی در این تئوری‌ها تصمیم‌گیرندگان سیستم منابع انسانی آزادی عمل دارند تا این عوامل را شناسایی، تفسیر، تجزیه و تحلیل و سپس بر آن اساس اقدام کنند. مجموعه دیگری از تئوری‌ها بیانگر این است که در شکل دادن به تئوری منابع انسانی نقش مدیریت بسیار محدود است. برای مثال، همانگونه که بیش از این بحث کردیم سازمان‌ها در مسیر تأیید مشروعیت و قبولاندن خود به گروه‌های ذی‌نفع نهادی (برای مثال، سازمان‌های دولتی و انجمن‌های حرفه‌ای) باید بدون توجه به راهبرد کل سازمان، مجموعه‌ای از راهبردهای متداول منابع انسانی را بپذیرند و بکار برند. این نگرش نهادی (دیما جیو و باول، ۱۹۸۳؛ میر و روان، ۱۹۷۷) بیانگر این است که حتی عناصری از راهبرد منابع انسانی که با منافع راهبرد سازمان سازگار هستند، امکان دارد به نفع عناصری از منابع انسانی که تصور می‌رود بقا و دوام سازمان را تضمین نمایند کنار گذارده شوند. همان‌گونه که رایت و مک ماهان (۱۹۹۳) یادآور شدند: «هرچه رخ می‌دهد الزاماً از روی عزم و اراده نیست و هرچه نتیجه‌ای نمی‌تواند حاصل فرایندهای تصمیم‌گیری آگاهانه باشد». (بامبرگر و مشولم، ۱۳۸۱: ۴۸)

۳-۴-۵ - تدوین راهبرد منابع انسانی مبتنی بر نگرش‌های تعاملی

دایر (۱۹۸۳) در یکی از نخستین تحقیق‌های توصیفی در مورد تدوین راهبرد منابع انسانی به این نتیجه رسید که فرایند تدوین راهبرد منابع انسانی و سازمانی از نوع تعامل (دارای روابط متقابل) هستند و سه روش را شناسایی و معرفی کرد که سازمان‌ها بدان وسیله این دو فرایند را یک پارچه می‌کنند. یعنی فرایند تدوین راهبردهای سازمانی و فرایند تدوین راهبردهای منابع انسانی در هر سه مورد، واحد منابع انسانی در تدوین راهبرد سازمان ایفای نقش می‌کند و در این فرایند، نخست به برنامه‌نیازهای راهبردی خود می‌اندیشد. در هر سه فرایند باید امکان‌سنجی، مطلوبیت و هزینه ناشی از نگرش منابع انسانی را برآورد کرد. «فرایند برنامه‌ریزی موازی» را بدین گونه بیان می‌کنند: فرایندی از برنامه‌ریزی که در اجرای آن برنامه‌ریزان واحد تجاری، پس از اتخاذ تصمیمات راهبردی، گزارش مربوط به کاربرد

گزینه‌های راهبردی (از دیدگاه منابع انسانی) ارائه می‌کنند علاوه بر ناگزیر ساختن برنامه ریزان واحد سازمانی مبنی بر توجه به امکان‌سنجی واحد منابع انسانی، مطلوبیت و هزینه‌های برنامه خود، یک چنین فرایند ایجاب می‌کند کسانی که مسئول سیستم منابع انسانی هستند برای رویارویی با چالش‌های منابع انسانی (ناشی از اتخاذ برنامه خاص راهبردهای خود را ارائه کنند. مقصود از فرایند برنامه‌ریزی فراگیر این است که پیش از پذیرفتن یک برنامه خاص، جنبه‌های گوناگون منابع انسانی مورد توجه قرار گیرند. مدیران واحد سازمانی باید این مطلب را ثابت کنند که برنامه‌های راهبردی آنها امکان‌پذیر و مطلوب است (از دیدگاه منابع انسانی). فرایند سوم که آن را «نگرش مشارکتی» می‌نامند فرایند است که پیشاپیش داده‌هایی را برای کسانی جمع‌آوری می‌کنند که مسئول ارابه سیستم منابع انسانی هستند. سازمان‌هایی که چنین روشی را به کار می‌برند به افراد اجازه می‌دهند که فرایند تدوین راهبرد سازمان را مطالعه و بررسی کنند و در این راه توصیه‌های ارابه دهند (ولی در صورت لزوم به آنها این قدرت را می‌دهند) که برنامه‌های موجود را به چالش بطلبند و همه مسیر تا سطح مدیریت عالی را بیمایند و جزئیات را مورد مطالعه و بررسی قرار دهند)، یعنی روشی مشارکتی در تدوین راهبرد منابع انسانی بدین گونه است که در مورد منابع انسانی به تصمیم‌گیرندگان اختیار داده می‌شود که در فرایند ارابه‌خط‌مشی شرکت هم مشارکت کنند. (بامبرگر و مشولم، ۱۳۸۱: ۴۶-۴۵)

۳-۵- تدوین راهبرد منابع انسانی مبتنی بر تئوری‌های فلسفی مدیریت

گاهی مبانی تدوین راهبرد توجه به فلسفه حاکم بر تئوری‌های مدیریتی می‌باشد که برخی از آن نظریه‌ها عبارتند از:

- ۱-۵-۳ - الگوی جامع اثربخشی (ریچارد اچ، هال)
- ۲-۵-۳ - سیستم‌های طراحی ساختار سازمانی (ریچارد ال، دفت)
- ۳-۵-۳ - مدل رهبری وضعی (هرسی و بلانچارد)
- ۴-۵-۳ - مدل «SWOT» برای تدوین راهبرد سازمان (فرد آر. دیوید)

۴- مکاتب مدیریت راهبردی

در تدوین راهبرد، مکاتب مختلفی مطرح است. هنری میتنبرگ نیز ۱۰ مکتب راهبردی

را معرفی کرده است که تعمق در ویژگی و منشاء شکل گیری هر کدام از آنها می تواند مبنایی برای تدوین راهبرد منابع انسانی قرار گیرد. در جدول شماره ۱ به خلاصه ای از ویژگی های آن مکاتب اشاره نموده و در ادامه به شرح مختصر هر کدام پرداخته می شود:

جدول شماره ۱ - خلاصه ای از ویژگی های مکاتب راهبردی

نام مکتب	زمان	بنیانگذار	مبنای علمی	مکانیزم اصلی	اقدام اصلی	نوع مکتب	پیام مرتبط
مکتب تدبیر: یک فرایند مفهومی	اوایل دهه ۱۹۷۰	P.Sleznick K.Andrews	---	تطابق بین عوامل داخلی و خارجی سازمان	تفکر	تجویزی	قبل از اقدام فکر کن
مکتب برنامه ریزی: یک فرایند رسمی	دهه ۱۹۷۰ به اوج دنیای راهبرد رسید	I.Ansoff	نظریه سیستم ها سایبرنتیک	رسمیت بخشیدن به فرایند راهبرد	برنامه ریزی	تجویزی	یک اقدام به موقع، از ده اقدام دیگر جلوگیری می کند.
مکتب جایگاه یابی: یک فرایند تحلیلی	دهه ۱۹۸۰	دانشگاه Purdue M.E. Porter	اقتصاد و علوم نظامی	تحلیل شرایط	محاسبه داده ها	تجویزی	به هیچ چیز غیر از حقایق تکیه مکن
مکتب کارآفرینی: یک فرایند آرمان گرایانه	---	J.A. Shumpeter	---	دیدگاه سازی	تمرکز بر محور کارآفرین	توصیفی	ای راهبر، ما را نیز با خود ببر
مکتب ادراکی: یک فرایند ذهنی	از دهه ۱۹۸۰	H.A. simon J.G. March	روان شناسی	تطابق با خلاقیت	مراقبت از محیط	توصیفی	من آنچه را که بینم، باور می کنم
مکتب یادگیری: یک فرایند خودجوش	---	C.E. Lindbliom J.E. Quinn G. Hamel	نظریات یادگیری آشفستگی	یادگیری	تجربه از محیط	توصیفی	اگر موفق نشدی، دوباره سعی کن
مکتب قدرت گرایی: یک فرایند چانه زنی	---	G.T.Allison J.Pfeffer	علوم سیاسی	ارتقاء	انباشت قدرت	توصیفی	فقط دنبال عالی ترین سطح باشی
مکتب فرهنگی: یک فرایند اجتماعی	عمده موفقیت ها در دهه ۱۹۸۰	E.Rhenman R.Normann	مردم شناسی	همبستگی	تداوم بخشیدن	توصیفی	هیچگاه یک انسان از جامعه خود، کاملاً جدا نمی شود
مکتب محیط گرایی: یک فرایند عکس العملی	---	M.T.Hannan J.Freeman	زیست شناسی	عکس العمل مناسب	هماهنگی با محیط	توصیفی	همه چیز بستگی به محیط دارد.
مکتب تلفیقی: یک فرایند دگر دیسی	---	A.D.Chandler H.Mintzberg	تاریخ	یکپارچگی سازی دگر دیسی	تجمیع	توصیفی	برای هر چیز دوره ای وجود دارد.

۴-۱ - مکتب تدبیر^۱: یک فرایند مفهومی

در این مکتب شکل‌گیری راهبرد از طریق ایجاد تطابق بین نفاط قوت و ضعف داخلی و فرصت‌ها و تهدیدات خارجی انجام می‌شود. در این راستا، مدیر ارشد سازمان راهبردهای ساده، شفاف و منحصر به فردی را فرموله می‌کند و بدین لحاظ به راحتی قابل پیاده شدن است.

۴-۲ - مکتب برنامه‌ریزی^۲: یک فرایند رسمی

این مکتب، اغلب فرضیات مکتب تدبیر را دربردارد. به استثنای این مفهوم که: فرایند تدوین راهبرد نه فقط یک کار ذهنی بلکه یک کار رسمی و سیستماتیک است که قابل تفکیک به گام‌های مشخص، کنترل با چک لیست‌ها و اجرا با فنون مدیریتی می‌باشد. در این مکتب، نقش محوری مدیر ارشد در تدوین راهبرد (مکتب تدبیر) به طرح‌ریزان ستادی سپرده می‌شود.

۴-۳ - مکتب جایگاه‌یابی^۳: یک فرایند تحلیلی

ماهیت این مکتب، تجویزی است. این مکتب در کارکرد نظامی، سابقه طولانی دارد و مفاهیم آن در ادبیات مربوط به ژنرال چینی سان تزو به چشم می‌خورد. در این مکتب، راهبرد در قالب فرایندهای تحلیلی ساختار یافته از محیط، به منظور انتخاب جایگاه مناسب برای برتری بر رقیب تعریف می‌شود. این رویکرد نقش تحلیل‌گران، مشاورین و آکادمیسین‌ها را در برنامه‌ریزی سازمانی برجسته کرده و داده‌های واقعی را مبنای کار قرار می‌دهد.

۴-۴ - مکتب کارآفرینی^۴: یک فرایند آرمان‌گرایانه

در مکتب کارآفرینی درست مشابه مکتب تدبیر فرایند با محوریت مدیر ارشد اجرایی انجام می‌شود ولی برخلاف مکتب برنامه‌ریزی، مبنای کار شهود است. این رویکرد، راهبردها

-
- 1 - Design School
 - 2 - Planning School
 - 3 - Positioning School
 - 4 - Entrepreneurial School

را از تدابیر، طرح‌ها و جایگاه‌یابی دقیق و شفاف به چشم‌اندازهای مبهم و دورنماهای گسترده‌ای (که اغلب به واسطه چارچوب‌های فکری خاصی قابل درک است) مبدل می‌سازد. این ماهیت، مکتب کارآفرینی را به زمینه‌های خاص، تازه واردها، شرکت‌های کوچک با بازارهای محدود و رهبران قدرتمندی که نقش نجات شرکت‌های ورشکسته را بر عهده دارند، متوجه می‌سازد، هرچند هیچ سازمانی از دیدگاه‌های یک رهبر خلاق بی‌نیاز نیست. ولی در این رویکرد رهبر سازمان، بر پیاده‌سازی راهبرد و تحقق چشم‌انداز آن، کنترل نزدیک دارد.

۴-۵ - مکتب ادراکی^۱: یک فرایند ذهنی

راهبرد در ذهن افراد، در قالب چارچوب‌ها، الگوها، نقشه‌ها، برداشت‌ها یا تمهیدات ساخته می‌شود، ما در مورد فرایند ذهنی این شکل‌گیری چه می‌دانیم؟ از دهه ۱۹۸۰ تا به امروز مطالعات زیادی درخصوص مبانی ادراکی ساخته شدن راهبرد و مفاهیمی نظیر پردازش اطلاعات، نقشه‌برداری از ساختار دانش و مهارت‌های ادراکی انجام گرفته است. نتیجه این مطالعات، هرچند اندک بوده و لیکن در درک انسان از چگونگی شکل‌گیری یک راهبرد، بسیار مهم است. یک شاخه این مکتب با ذهن‌گرایی بیشتر به جای تصویر ذهنی از حقیقت بیرونی (و واقعی)، تفسیرهای خلاقانه از کسب و کار را مبنای ساختن راهبرد می‌داند.

۴-۶ - مکتب یادگیری^۲: یک فرایند خودجوش

از تمام مکاتب توصیفی، تنها مکتب یادگیری توانسته است یک جایگاه واقعی برای خود پیدا کرده و بر حوزه راهبرد تسلط یابد. این مکتب در بستری از نظریاتی چون راهبرد گام به گام گسسته^۳، راهبرد گام به گام منطقی^۴، راهبردهای خودجوش توسعه یافته است. این مکتب با مکاتب قبلی کاملاً متفاوت است و در آن راهبردها، پدیده خودجوشی دانسته می‌شود.

1 - Cognitive School

2 - Learning School

3 - Lindblom

4 - Quinn

۴-۷ - مکتب قدرت‌گرایی^۱: یک فرایند چانه‌زنی

این مکتب، ریشه شکل‌گیری راهبرد را در قدرت می‌داند. در این رابطه دو محور متمایز قابل تشخیص است. در محور اول، قدرت‌های خود داخل سازمان و فرایندهایی نظیر مذاکره، اقناع و مقابله ما بین بازیگران دارنده قدرت، مبنای شکل‌گیری راهبرد دانسته می‌شود. در محور دوم از دیدگان کلان، هویت راهبردی سازمان با قدرتی که در میان شرکت‌های همکار، شرکاء و سایر اعضای شبکه کاری دارد تعریف می‌شود. این قدرت، مبنای چانه‌زنی برای هدایت راهبردهای جمعی در راستای منافع سازمان دانسته می‌شود.

۴-۸ - مکتب فرهنگی^۲: یک فرایند اجتماعی

این مکتب، نقطه مقابل مکتب قدرت‌گرایی است. در قدرت‌گرایی، تمرکز بر مطلوبیت‌های فردی و جزءنگری بود و اساس این مکتب بر مطلوبیت‌های جمعی و یکپارچگی است. ... در این مکتب، شرکت‌های ژاپنی پیشنهاد می‌دهند و تنها پس از موفقیت‌های آنان در دهه ۱۹۸۰ بود که توجه شرکت‌های آمریکایی به آن جلب شد. در اروپا نیز سوئد، مطالعات قابل توجهی را در این راستا انجام داده است.

۴-۹ - مکتب محیط‌گرایی^۳: یک فرایند عکس‌العملی

این مکتب، شاید دقیقاً الگوهای راهبرد را تبعیت نکند ولی مبنای آن که توجه به توسعه درجات آزادی سازمان برای مانور در مقابل تغییرات محیطی است یک مفهوم جذاب راهبردی است. مبنای علمی این مکتب را می‌توان «نظریه اقتضایی» دانست و مکانیزم اصلی آن تشخیص پاسخ مناسب سازمان به شرایط مقطعی محیط است.

-
- 1 - Power School
 - 2 - Cultural School
 - 3 - Environmental School

۱۰-۴ - مکتب تلفیقی^۱: یک فرایند دگردیسی

این مکتب از یک سو توصیفی است و سازمان‌ها را به صورت گروه‌هایی از رقبا می‌نگرد. و از سوی دیگر تمام مکاتب را در جای خود، معتبر دانسته و آن‌ها را یکپارچه تصور می‌کند. برای مثال، مکتب برنامه‌ریزی برای سازمان‌های مکانیکی در محیط نسبتاً پایدار و رویکردی اثربخش خواهد بود و در عین حال مکتب کارآفرینی برای شرایط راه‌اندازی یک کسب و کار، کارساز است. سازمان‌ها در چرخه عمر خود، مراحل مختلفی را تجربه می‌کنند و این را می‌توان نوعی دگردیسی دانست. مکتب تلفیقی هر یک از مکاتب را برای یک مرحله از این دگردیسی مناسب می‌داند و تضاد ظاهری بین آن‌ها را در یکپارچگی و کامل‌کنندگی تعریف می‌کند. (غفاریان و کیانی، ۱۳۸۴: ۱۹۵-۱۸۵)

۵ - الگوها و روش‌های تدوین راهبرد

در واقع، روشی استاندارد برای تدوین راهبرد منابع انسانی، وجود ندارد. علاوه بر این فرآیند تدوین راهبرد منابع انسانی، اغلب به اندازه خودمحتوای راهبرد، اهمیت دارد. زیرا از طریق کار روی مسائل راهبردی و برجسته کردن موارد اختلاف، عقاید جدیدی ظهور می‌کند که در نهایت، به توافق بر سر آرمان‌های سازمان می‌انجامد. (آرمسترانگ، ۱۳۸۰: ۱۰۰)

۱-۵ - سه روش اصلی دلری و دتی

دلری و دتی (۱۹۹۶) سه روش اصلی را برای طراحی راهبرد منابع انسانی شرح داده‌اند که عبارتند از: «روش جهان شمول»، «روش اقتضایی» و «روش ترکیبی». ریچاردسون و تامپسون (۱۹۹۹) دو روش اول را به ترتیب «بهترین روش» و «بهترین هماهنگی» نامیده‌اند و نام روش آخر را تغییر نداده‌اند. مقصود گست (۱۹۹۷) از «هماهنگی یا تناسب»، مجموعه‌ای است ایده‌آل از روش‌ها، مثل روش اقتضایی. (آرمسترانگ، ۱۳۸۰: ۸۲)

۱-۱-۵ - بهترین روش / روش جهان‌شمول^۱

این نگرش بر پایه این باور استوار است که مجموعه‌ای از بهترین روش‌ها برای مدیریت منابع انسانی وجود دارد و انتخاب آنها موجب بهینه شدن عملکرد سازمان می‌شود. شاید بهترین مجموعه شناخته شده، فهرست پففر است که از هفت روش منابع انسانی مورد استفاده در سازمان‌های موفق تشکیل می‌گردد، این روش‌ها عبارتند از:

۱ - امنیت شغلی یعنی کارکنان صرفاً برای چیزهایی مثل بحران یا رکود اقتصادی یا اشتباهات استراتژیک مدیریت، که نقشی در آنها نیز ندارند، اخراج نمی‌شوند. این مسئله برای اجرای چنین روش‌های مدیریت عملکرد بالا مثل استخدام گزینشی، آموزش گسترده، تعمیم و نشر اطلاعات و تفویض اختیار، ضروری و بنیادی‌اند. شرکت معمولاً بر روی کارکنانی که موقتی‌اند سرمایه‌گذاری نمی‌کند و اگر سیاست شرکت پرهیز از اخراج یا انفصال از خدمت کارکنان است، شرکت با وسواس و دقت بیشتری به امر استخدام کارکنان اقدام خواهد نمود.

۲ - استخدام با دقت بسیار اجرای این روش مستلزم آن است که سازمان مهارت‌های اساسی مورد نیاز خود را به صراحت اعلام دارد تا بتوان براساس این نیازها و ویژگی‌ها که تغییر آنها دشوار یا غیرممکن است کارکنان را انتخاب کرد و به آنها رفتارها و مهارت‌هایی را آموزش داد که به سهولت قابل یادگیری باشند. در این روش، کارکنانی استخدام می‌شوند که ویژگی‌های لازم، ارزش‌ها و تناسب و قابلیت سازگاری فرهنگی را داشته باشد. این قبیل ویژگی‌ها را نمی‌توان به راحتی تغییر یا آموزش داد و براساس آنها عملکرد کارکنان ارزیابی می‌شود.

۳ - گروه‌های خود مدیر این گروه‌ها ترکیب دقیقی از سیستم مدیریت با عملکرد بالیند. آنها:

الف) کنترل براساس عملکرد همکار را جایگزین کنترل سلسله مراتبی می‌کند،

ب) با چنین جایگزینی، تعدادی از سطوح سازمانی را حذف می‌کنند،

پ) به کارکنان امکان می‌دهند عقاید خود را برای تولید بهتر و ارائه راه‌حل‌های خلاق‌تر برای حل مشکلات ابراز کنند.

۴ - پرداخت بالا به اقتضا و براساس عملکرد این روش بیشتر در سیستم‌های کاری با عملکرد بالا دیده می‌شود. چنین سیستم پرداختی می‌تواند اقتضایی و براساس عملکرد سازمان باشد، مثل تسهیم عواید یا تسهیم سود، یا آن را می‌توان به عملکرد گروهی یا فردی یا مهارت فردی مربوط کرد.

۵ - آموزش تمام روش‌های کاری عملکرد بالا به اهمیت آموزش در پرورش کارکنان ماهر و با انگیزه تأکید می‌کند که بتوانند وظایف مورد نیاز را اجرا کنند.

۶ - کاهش تفاوت‌ها و تبعیض‌ها مبنای سیستم‌های کاری عملکرد بالا این است که سازمان‌ها اگر بتوانند افکار، مهارت‌ها و تلاش کلیه کارکنان را جلب کنند، می‌توانند به سطح بالاتری از عملکرد کارکنان دست یابند. اما این امر، محقق نخواهد شد مگر اینکه تبعیض‌ها و علائم دال بر بی‌ارزش یا کم ارزش بودن کارکنان، رفع شود.

۷ - تسهیم یا نشر اطلاعات به دو دلیل این روش ترکیبی اساسی از سیستم‌های کاری عملکرد بالا است. اولاً، تسهیم اطلاعات مربوط به عملکرد مالی شرکت و راهبردهای آن، این پیام را به کارکنان منتقل می‌کند که آنها مورد اعتمادند. ثانیاً، حتی کارکنان با انگیزه و آموزش دیده نمی‌توانند بدون در اختیار داشتن اطلاعات مربوط به ابعاد مهم عملکرد در شرکت و همچنین دیدن آموزش نحوه تفسیر و استفاده از آن اطلاعات، در امر افزایش و ارتقای عملکرد شرکت مشارکت کنند و مؤثر باشند. (آرمسترانگ، ۱۳۸۲: ۸۸-۸۲)

۲-۱-۵ - بهترین هماهنگی / روش اقتضایی^۱

بسیاری از صاحب‌نظران بر این باورند که روش «بهترین هماهنگی» از روش «بهترین

روش»، مهم‌تر است. نمی‌توان هیچگونه نسخه جهان‌شمولی درخصوص سیاست‌ها و روش‌های منابع انسانی، تجویز کرد. هر روش به شرایط و محیط بستگی دارد. این مطلب به این معنا نیست که باید «روش خوب» یعنی روشی را که به خوبی در یک محیط جواب می‌دهد نادیده گرفت. تعیین استاندارد روشی است برای شناسایی حوزه‌های خلاقیت یا پرورش. اما سازمان از آگاهی از روش‌های مناسب و نامناسب می‌تواند روش مناسب خود را انتخاب کند و بفهمد که برای تأمین نیازهای عملیاتی و استراتژیک چه باید بکند. نقطه شروع، تجزیه و تحلیل نیازهای تجاری شرکت با توجه به بافت آن (فرهنگ، ساختار، فناوری و فرآیندها) است. به این وسیله شاید به راحتی بتوان فهمید که چه باید کرد. سپس می‌توان از برخی اجزای روش «بهترین روش» استفاده کرد و روشی را طراحی کرد که به خوبی بتواند نیازهای تجاری شرکت را تأمین کند.

اما «بهترین هماهنگی» مشکلاتی دارد، همان طور که پرسل (۱۹۹۹) اشاره کرده است: جست‌وجوی یک مدل سازگار کننده یا اقتضایی مدیریت منابع انسانی، به خاطر ممکن نبودن مدل‌سازی کلیه متغیرهای اقتضایی، دشواری نشان دادن ارتباط بین آنها و نحوه تأثیر تغییر یک متغیر روی دیگر متغیرها، دشوار شده است. از نظر «پرسل» سازمان‌ها باید به جای توجه به روش‌های «بهترین هماهنگی» و «بهترین روش» به فرآیندهای تغییر سازمانی توجه کنند تا در دام منطق انتخاب معقول نیفتند.

۳-۱-۵ - جمع کردن/ روش ترکیبی^۱

ریچاردسون و تامپسون (۱۹۹۹) می‌گویند: «موفقیت یک استراتژی به ترکیب هماهنگی بیرونی یا «عمودی» و هماهنگی درونی یا «افقی» بستگی دارد. این مسئله بر اهمیت «مجموعه‌های» روش‌های منابع انسانی افزوده است». این دو معتقدند که مک دافی (۱۹۹۵)،

1 - Configurational Bundling

آرتور (۱۹۹۲) و ایکنیوسکی و همکارانش، توان سازمان‌ها در تعیین ترکیب روش‌ها را کشف کرده‌اند و پی برده‌اند که آیا عملکرد سازمان تابع چنین مجموعه‌ای است یا خیر. آنها نتیجه گرفتند که شرکتی که مجموعه‌ای از روش‌های منابع انسانی را استفاده می‌کند، عملکرد بهتری خواهد داشت؛ مشروط به آن که به سطح بالایی از هماهنگی میان این روش‌ها با استراتژی رقابتی خود دست یابد.

مک دافی (۱۹۹۵) معتقد است که: فکر «جمع کردن» تلویحاً این مطلب را بیان می‌کند که روش‌های موجود در یک مجموعه با یکدیگر در ارتباط‌اند و از ثبات درونی برخوردارند و هر چه این انسجام و ثبات بیشتر باشد، عملکرد شرکت بیشتر خواهد بود، زیرا مجموعه روش‌های مختلف موجب تقویت یکدیگر می‌شوند.

مشکل موجود در روش جمع کردن این است که تصمیم‌گیری درخصوص این که راه ارتباط دادن روش‌های مختلف به یکدیگر چیست، دشوار می‌باشد. مدرکی وجود ندارد که نشان بدهد یک مجموعه بهتر از یک مجموعه دیگر کار می‌کند، اگرچه روش مدیریت عملکرد و چارچوب شایستگی دو روش مناسب به شمار می‌روند. (آرمسترانگ، ۱۳۸۲: ۹۱-۸۲)

۲-۵- روش سه مرحله‌ای تصمیم‌گیری

از دیدگاه دیگری برای تدوین راهبرد روش‌هایی در یک چارچوب تصمیم‌گیری سه مرحله‌ای مطرح می‌شود که طراحان آن بر این باور هستند که با استفاده از این چارچوب انواع سازمان‌ها می‌توانند راهبردهای خود را شناسایی، ارزیابی و گزینش نمایند این مراحل عبارتند از: مرحله اول چارچوب تدوین راهبردها شامل ماتریس ارزیابی عوامل داخلی، ماتریس ارزیابی عوامل خارجی و ماتریس بررسی رقابت می‌شود. مرحله اول که آن را مرحله ورودی می‌نامند اطلاعات اصلی مورد نیاز برای تدوین راهبردها مشخص می‌شود.

مرحله دوم که آن را مرحله مقایسه می‌نامند، به انواع راهبردها امکان‌پذیر توجه می‌شود و به همین منظور بین عوامل داخلی و خارجی سازمان نوعی توازن و تعادل برقرار می‌گردد. روش‌ها یا ابزارهایی که در مرحله دوم مورد استفاده قرار می‌گیرند، به شرح زیرند: ماتریس

تهدیدات، فرصت‌ها، نقاط ضعف، نقاط قوت، ماتریس ارزیابی موقعیت و اقدام راهبردی، ماتریس گروه مشاوران بُستن؛ ماتریس عوامل داخلی و خارجی و ماتریس راهبرد اصلی.

مرحله سوم که آن را مرحله تصمیم‌گیری می‌نامند تنها از یک روش منحصر به فرد، یعنی ماتریس برنامه‌ریزی راهبردی کمی استفاده می‌شود. در ماتریس مزبور از اطلاعات ارائه شده در مرحله اول استفاده می‌شود تا بتوان انواع راهبردهای قابل اجرا را که در مرحله دوم شناسایی شده‌اند، به شیوه‌ای عینی و بدون اعمال نظر شخصی مورد ارزیابی و قضاوت قرار داد. ماتریس برنامه‌ریزی راهبردی کمی جذابیت نسبی انواع راهبردها را مشخص می‌نماید و بدین گونه برای انتخاب راهبردهای خاص یک مبنای عینی (بدون اعمال نظر شخصی) ارائه می‌نماید.

مرحله اول: مرحله ورودی			
ماتریس ارزیابی عوامل خارجی ^۱		ماتریس بررسی رقابت ^۲	
ماتریس ارزیابی عوامل داخلی ^۳		ماتریس بررسی عوامل داخلی ^۴	
مرحله دوم: مرحله مقایسه			
ماتریس تهدیدات	ماتریس ارزیابی فرصت‌ها، نقاط ضعف و نقاط قوت ^۴	ماتریس موقعیت و اقدام راهبردی ^۵	ماتریس گروه مشاوران بُستن ^۶
ماتریس داخلی	ماتریس خارجی ^۷	ماتریس راهبرد اصلی	ماتریس ارزیابی عوامل داخلی ^۳
مرحله سوم: مرحله تصمیم‌گیری			
ماتریس برنامه‌ریزی راهبردی کمی ^۸			

در به کارگیری تمام ۹ روش متعلق به چارچوب تحلیلی تدوین راهبرد، باید یکپارچگی

- 1 - External factors Evaluatain (EFE)
- 2 - Competitive profile matrix (CPM)
- 3 - Internalfactor Evaluation (IFE)
- 4 - Threats-Opportunities-weakness- Strengths (TOWS)
- 5 - Straegic position and an action Evaluation (SPACE)
- 6 - Boston Consulting Group (BCG)
- 7 - Interanl-External (IE)
- 8 - Quantitative Strategic Plannang Matrix (QSPM)

در قضاوت‌های شهودی و تجزیه و تحلیل‌های منطقی را در نظر داشت. برای تعیین راهبردها و هدف‌های بلند مدت بخش‌های یک سازمان از همین روش‌های تدوین راهبرد استفاده می‌کنند. تجزیه و تحلیل‌های بخشی مبنایی را به دست می‌دهند که می‌توان بدان وسیله، در سطح کل شرکت، راهبردها را شناسایی، ارزیابی و انتخاب کرد. (دیوید، ۱۳۸۴: ۳۵۶)

۶- راهبردهای منابع انسانی در سازمان‌های مختلف

میلز و اسنو (۱۹۷۸) سه نوع راهبرد سازمانی را معرفی کرده‌اند که می‌توانند پایه‌ای برای تجزیه و تحلیل و ارزیابی راهبردهای سازمانی باشند. روش‌های بهره‌گیری از این سه نوع راهبرد، طبق نظر مارچینگتون و ویکلینسون (۱۹۹۶) به شرح زیر می‌باشد.

۶-۱ - در سازمان‌های نافع، که به دنبال ثبات، تمرکزگرایی، تولید انبوه، کاهش هزینه‌های تولید و کنترل فشرده و دقیق می‌باشند، راهبرد منابع انسانی به بهره‌گیری محدود از منابع بیرونی، ارتقای کارکنان خود سازمان، آموزش گسترده و اجرای یک سیستم پاداش که بر انسجام درونی مبتنی باشد؛ تأکید می‌کند.

۶-۲ - در سازمان‌های فرصت‌طلب، که به دنبال فرصت‌های جدید، تمرکز بر توسعه و باور انعطاف‌پذیری می‌باشند، راهبرد منابع انسانی بر جذب نیرو از طریق بهره‌گیری از تکنیک‌های پیچیده‌گزینه‌ش و جذب نیرو تأکید می‌کند. آموزش، با هدف تأمین نیازهای سازمانی اجرا می‌شود و سیستم پاداش نتیجه‌گر است.

۶-۳ - در سازمان‌های تحلیل‌گر، که به دنبال کسب منافع و مزایای هر دو نوع بالا می‌باشند، راهبردهای منابع انسانی معمولاً متنوع تر یا ترکیبی‌اند.

عوامل مؤثر در تدوین راهبرد منابع انسانی

هندری و پیتگرو (۱۹۸۶) می‌گویند، طراحی و اجرای راهبرد فرآیندی است پیچیده، که شدیداً تحت تأثیر عوامل تاریخی و محیطی قرار دارد. در چنین شرایطی، همان‌طور که گست (۱۹۹۱) سؤال کرده است، چگونه می‌توان بین راهبرد شرکت و راهبرد منابع انسانی هماهنگی

ایجاد کرد؟ تراس (۱۹۹۹) اشاره کرده است که پذیرش برخی مدل‌های سازگار کننده مدیریت راهبردی منابع انسانی به معنای آن است که رابطه‌ای مستقیم و خطی، بین راهبرد شرکت و راهبرد منابع انسانی وجود دارد. (آرمسترانگ، ۱۳۸۲: ۷۱)

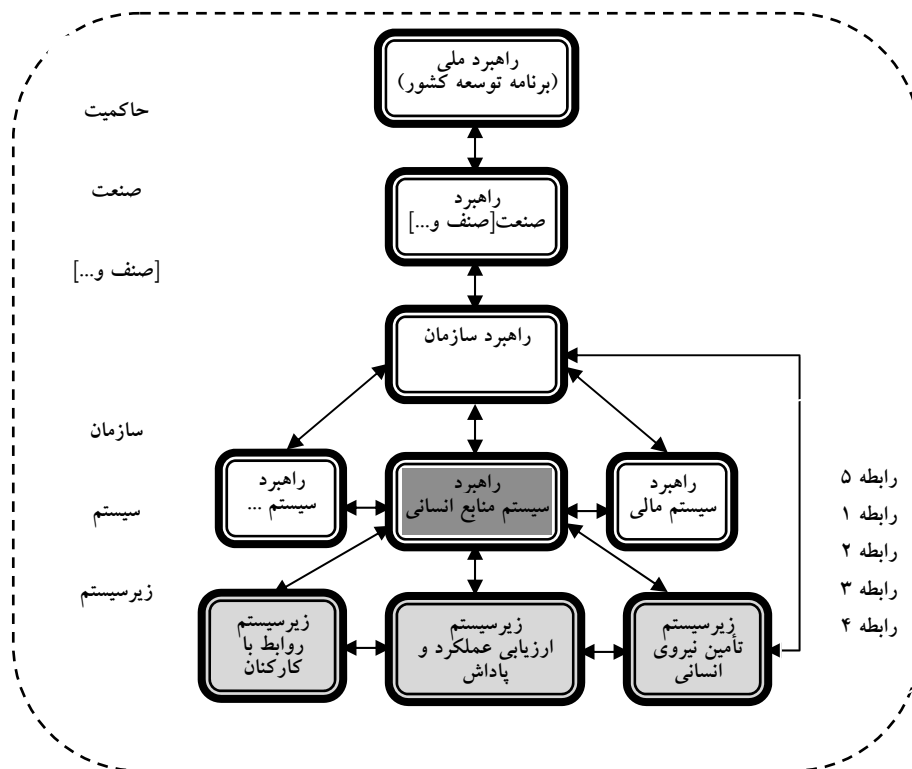
ادبیات راهبرد منابع انسانی، مبین ضرورت روابط بین راهبردهای مختلف بشرح زیر می‌باشد که شکل شماره (۳) آن را نشان می‌دهد.

- رابطه ۱: میان راهبرد منابع انسانی و راهبرد سازمان، برای ایجاد هماهنگی بیرونی (عمودی)
- رابطه ۲: میان راهبرد منابع انسانی و راهبرد سایر واحدهای سازمانی، برای ایجاد هماهنگی بیرونی (افقی)
- رابطه ۳: میان راهبرد منابع انسانی و زیرسیستم‌های منابع انسانی، برای ایجاد هماهنگی درونی (عمودی)
- رابطه ۴: میان زیرسیستم‌های منابع انسانی، برای ایجاد هماهنگی درونی (افقی)
- رابطه ۵: میان زیرسیستم‌های منابع انسانی با راهبرد سازمان، برای ایجاد هماهنگی بیرونی (عمودی) زیرسیستم‌ها

منتقدان، اگرچه این الگوها را منطقی می‌دانند، آن را غیرواقعی دانسته و معتقدند الزاماتی که تعیین کننده راهبردهای منابع انسانی می‌باشند منحصراً راهبردهای بالادستی نبوده، بلکه عوامل دیگری نیز در تدوین راهبردهای منابع انسانی مؤثرند.

«هامل» براساس مطالعاتی که انجام داده است، پنج توصیه اساسی را در فراهم کردن زمینه خلق راهبرد اثربخش پیشنهاد می‌کند:

- ۱ - پیشنهاد جدید: مدیران ارشد سازمان می‌بایستی خلق راهبرد را در انحصار خود ندانند و هوشیارانه لایه‌های بعدی را ترغیب به فعالیت در این خصوص نمایند.
- ۲ - گفتگوهای جدید: چنانچه گفتگو در مورد راهبرد از حد متعارف فراتر رود، احتمال خلق یک راهبرد جدید نیز افزایش خواهد یافت. هر چند می‌بایستی از آفت‌های آن اجتناب کرد.



شکل شماره ۳ - روابط راهبردی سیستم منابع انسانی (مورعی، ۱۳۸۲)

۱ - احساسات جدید: عامل دیگر، بهره‌گیری از حس اکتشافی است که تقریباً در هر انسانی وجود دارد. باید این احساسات را به جستجوی راهبردهای ارزش‌آفرین معطوف کرد.

۲ - دیدگاه‌های جدید: دیدگاه‌های جدیدی که امکان رؤیت حیطه فعالیت، توانایی‌های شرکت و نیازهای مشتری را فراهم سازد، ابداع راهبرد را تسریع می‌کند.

۳ - تجارب جدید: تجربه در شرایطی که خالی از مخاطره باشد کمک می‌کند تا اثربخشی راهبردها آزمون شود، ایده‌هایی که از گفتگوهای فراگیر درباره راهبرد نشأت می‌گیرند، هیچ‌یک بی‌نقص نیستند. تجربه کردن این ایده‌ها در قلمرو بازار نکات

ارزشمندی را برای خلق یک راهبرد کارساز آشکار می‌کند.

یکی از اصطلاحات جدید در دنیای راهبرد «تفکر راهبردی» است. هنوز هیچ تعریف مشخص و همه‌پذیری برای این اصطلاح وجود ندارد ولی همگان در این اندیشه که تفکر راهبردی می‌تواند زیربنای مناسبی برای راهبردهای خلاق و اثربخش باشد، اتفاق نظر دارند. هامل و پراهالاد تفکر راهبردی را شیوه خاصی برای اندیشیدن می‌دانند که می‌توان آنرا «مهارت معماری راهبرد» دانست.

راهبرد خلاق حاصل تفکر راهبردی و برنامه‌ریزی راهبردی تسهیل روند کار و پیاده‌سازی نتایج آن را بر عهده دارد. لیدکا برای تفکر راهبردی پنج ویژگی قائل است:

۱ - نگرش سیستمیک: تفکر راهبردی بر مبنای نگرش سیستمیک کامل، ارزش‌ها را در ذهن خود ایجاد کرده و ارتباط بین اجزای آن را به خوبی درک می‌کند.

۲ - تمرکز بر هدف: تفکر راهبردی جهت‌گیری سازمان را مشخص می‌سازد و آن را در کانون توجه سازمان قرار می‌دهد. این تمرکز به سازمان و افراد اجازه می‌دهد تا تمامی انرژی خود را در این جهت صرف کند.

۳ - فرصت‌جویی هوشمندانه: در تفکر راهبردی، کشف فرصت‌ها و بهره‌گیری از آن‌ها یک اصل مهم است. این ویژگی به مفهوم استقبال از تجارب و موضوعات جدید است و سازمان را برای اتخاذ راهبردهای تازه در جهت فرصت‌های جدید آماده می‌سازد.

۴ - تفکر در زمان: تفکر راهبردی، تفکری در طول زمان است که گذشته، حال و آینده را به هم پیوند می‌دهد. راهبرد نیز پلی بین حال (وضع موجود) و آینده (وضع مطلوب) است.

۵ - فرضیه‌سازی: فرضیه‌سازی، حلقه واصل بین خصوصیات خلاقانه و تحلیلی تفکر راهبردی است. تفکر راهبردی، هم خلاق است و هم از ابزار تحلیلی، بهره می‌جوید. این تلفیق از طریق فرضیه‌سازی (خلاقیت) و آزمون فرضیه (تحلیل) صورت پذیرد.

(غفاریان و کیانی، ۱۳۸۳: ۳۴-۲۵)

در مدیریت راهبردی منابع انسانی، خود فرآیند طراحی می‌تواند به اندازه محتوای راهبرد

مهم باشد. تیسون و ویچر (۱۹۹۴) هم چنین براساس تحقیقات خود عنوان داشته اند که: فرآیند طراحی راهبرد منابع انسانی اغلب به اندازه خود محتوای راهبرد مهم بوده است. ادعا کرده اند که از طریق کار روی مسایل راهبردی و برجسته کردن موارد تنش، عقاید جدیدی ظهور کرده است و بر سر آرمان های سازمان توافق حاصل شده است. (آرمسترانگ، ۱۳۸۲: ۱۰۰)

امروزه مدیران منابع انسانی برای تدوین راهبرد در سازمان ها با مشکلات گوناگونی، روبرو می باشند و در حوزه راهبردی منابع انسانی، چالش هایی فراروی مدیران منابع انسانی قرار دارد که این چالش ها در قالب سؤالات ذیل مطرح است:

الف) چگونه می توان بین زیرسیستم های منابع انسانی (مانند: برنامه ریزی منابع انسانی، نظام تأمین، آموزش و تربیت، ارزیابی عملکرد، نگهداری، روابط با کارکنان، و پایان خدمت موظف هماهنگی درونی، یعنی یکپارچگی و انسجام، ایجاد کرد؟

ب) چگونه می توان بین سیستم منابع انسانی با سایر سیستم های همپراز در سازمان (مانند: مالی و حسابداری، بازرگانی، تحقیق و توسعه، و اطلاعات ...) یکپارچگی و هماهنگی بیرونی (افقی) برقرار کرد؟

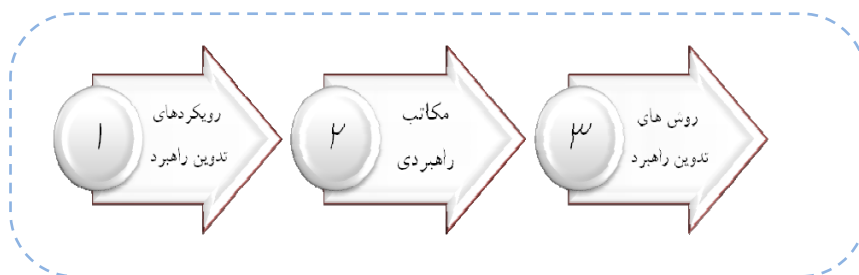
ج) چگونه می توان بین راهبردهای منابع انسانی با راهبردهای بالا دستی (مانند: راهبرد کسب و کار و راهبرد سازمان) یکپارچگی و هماهنگی بیرونی (عمودی) به وجود آورد؟ (بامبرگر و مشولم، ۱۳۸۱: ۲۹)

۸ - نتیجه

با مرور به محتوای رویکردها و مکاتب متفاوت، می توان نتیجه گرفت که برای تدوین راهبرد، مباحث گوناگونی مدنظر قرار می گیرد. که تنوع رویکردهای مدیریتی، هدف، نوع تفکر، نگرش و اندیشیدن، مدت زمان برنامه ها، هنجاری یا تجویزی بودن، عقلایی یا طبیعی بودن، تمرکز به عوامل داخلی یا خارجی، توجه یا بی توجهی به راهبردهای افقی و عمودی و... از جمله این مبانی می باشد.

از آنچه مرور شد، مشخص می شود، که روش منحصر به فردی برای تدوین راهبرد منابع

انسانی وجود ندارد، به علاوه گویا در موارد بسیاری، الفاظ فوق به صورت مترادف به کار رفته و تشخیص و تفکیک موضوع را با ابهامات و تعبیر متفاوتی مواجهه نموده است که در نتیجه نمی توان به راحتی بین آنها ترتیب و تقدم خاصی را معلوم نمود. با این حال برای تدوین مناسب و دقیق تر آن، به ترتیب؛ مطالعه رویکرد، مکاتب و روش ها پیشنهاد می شود. که لازم است پس از اخذ رهنمودهای کلی از رویکردها در عناصر، پیامها و آمال مکاتب، تعمق نموده و یکی از آنها و یا تلفیقی از آنها را انتخاب، و از روشی که مقاصد پیش بینی شده را تأمین نماید بهره جست. در واقع توجه به فرایند، مندرج در شکل شماره ۴، عمل به مرحله صفر (توافقات اولیه) مدیریت راهبردی می باشد. که قبل از تدوین باید به صورت جدی مورد توجه قرار گیرد.



شکل شماره ۴ - مراحل قبل از تدوین راهبرد منابع انسانی (رستمی نیا، ۱۳۸۸)

منابع

- ۱ - آرمسترانگ، مایکل (۱۳۸۰)، راهبردهای مدیریت منابع انسانی (مترجم خدایار ایبلی و حسن موفق) تهران: فرا.
- ۲ - آرمسترانگ، مایکل (۱۳۸۲)، مدیریت استراتژیک منابع انسانی (مترجم سیدمحمد اعرابی و داود ایزدی)، تهران: دفتر پژوهش‌های فرهنگی.
- ۳ - امام خمینی^(ره)، صحیفه نور، جلد ۲۱.
- ۴ - بامبرگر، پیتر و مشولم، ایلن (۱۳۸۱)، استراتژی منابع انسانی، تهران: دفتر پژوهش‌های فرهنگی.
- ۵ - برایسون، جان. ام. (۱۳۸۶)، برنامه‌ریزی استراتژیک برای سازمان‌های دولتی و غیرانتفاعی (مترجم عباس منوریان)، تهران: مؤسسه عالی آموزش و پژوهش مدیریت و برنامه‌ریزی.
- ۶ - جیمز، براین و کوین، هنری و میتزبرگ و رابرت ام. جیمز، (۱۳۷۶)، مدیریت استراتژیک (مترجم محمد صائبی)، تهران: مرکز آموزش دولتی.
- ۷ - حسینی، سید محمود (تابستان ۱۳۷۸)، مفهوم استراتژی در ادبیات مدیریت، مجله مجتمع آموزش عالی قم، (سال اول) شماره دوم.
- ۸ - دیوید هانگر، جی و ویلن، توماس ال. (۱۳۸۴)، مبانی مدیریت استراتژیک (مترجمان محمد اعرابی و داود ایزدی)، تهران: دفتر پژوهش‌های فرهنگی.
- ۹ - دیوید، آرفرد (۱۳۸۴)، مدیریت استراتژیک (مترجمان علی پارسائیان و سیدمحمد اعرابی)، تهران: دفتر پژوهش‌های فرهنگی.
- ۱۰ - رحمان سرشت، حسین (۱۳۸۳)، مدیریت راهبردی (راهبرد) در اندیشه نظریه‌پردازان، دانشگاه علامه طباطبایی تهران.
- ۱۱ - سرتو، ساموئل و پیتر پائول (۱۳۸۰)، مدیریت استراتژیک (ترجمه علی شمخانی)، تهران: دوره عالی جنگ سپاه.
- ۱۲ - عباس‌پور، عباس (۱۳۸۲)، مدیریت منابع انسانی پیشرفته، تهران: انتشارات سمت.
- ۱۳ - غفاریان، وفا و کیانی، غلامرضا (۱۳۸۳)، استراتژی اثربخش، تهران: فرا.
- ۱۴ - غفاریان، وفا و کیانی، غلامرضا (۱۳۸۳)، ۵ فرمان، برای تفکر راهبردی سازمان، فرهنگی فرا.
- ۱۵ - مورعی، محمدهادی (۱۳۸۰)، توسعه مدل یک‌پارچه تدوین استراتژی منابع انسانی (مطالعه موردی: شرکت مپنا) دانشگاه علامه طباطبایی.
- ۱۶ - میرسپاسی، ناصر (۱۳۷۵)، مدیریت منابع انسانی و روابط کار، بی‌جا.
- ۱۷ - میرسپاسی، ناصر (۱۳۷۹) مدیریت منابع انسانی، روابط کار در سازمان‌های چندبخشی، تدبیر، شماره ۱۰۶.

سنجش تأثیر ملموس هزینه‌های نظامی بر رشد اقتصادی ایران (۸۴-۱۳۳۸)

حسین درّی نوگورانی^۱

تاریخ دریافت مقاله: ۸۹/۴/۱

تاریخ تأیید مقاله: ۸۹/۵/۹

صفحات مقاله: ۵۹-۸۷

چکیده

در یک تقسیم‌بندی بسیار کلی می‌توان، نتایج به دست آمده از مطالعات درباره اثرات هزینه‌های نظامی بر رشد اقتصادی را به صورت ذیل دسته‌بندی نمود: الف) مطالعاتی که منافع مثبت، یافته‌اند و دیدگاه به اصطلاح کینزین نظامی را تأیید کرده‌اند. ب) مطالعاتی که به تأثیری منفی دست یافته‌اند. ج) مطالعاتی که به هر دو تأثیر مثبت و منفی دست یافته‌اند. در این مقاله که برگرفته از پژوهشی در این باره می‌باشد، درصد بوده‌ایم که به آزمون این فرضیه ادعا شده بپردازیم که «هزینه‌های دفاعی، تأثیری منفی بر رشد اقتصادی ایران بر جای می‌گذارد».

الگوی مورد استفاده پژوهش حاضر مبتنی بر الگوی رشد نئوکلاسیکی و حاصل تغییر در تابع تولید ملی بوده است. ضرایب برآورد شده با استفاده از سری زمانی ۸۴-۱۳۳۸ به قیمت‌های ثابت ۱۳۷۶ با روش حداقل مربعات معمولی نشان می‌دهند، افزایش هزینه‌های دفاعی تأثیری منفی بر رشد اقتصادی کشور بر جای نمی‌گذارد، بلکه یک درصد افزایش این هزینه‌ها، ۰/۰۵ درصد به تولید ناخالص داخلی واقعی می‌افزاید.

* * * * *

کلید واژگان

هزینه‌های نظامی / دفاعی، رشد اقتصادی، الگوی اقتصادسنجی

مقدمه

از زمانی که سلاح سرد و مهارت‌های فردی غیرحرفه‌ای مردمان، ابزار جنگ بودند، سده‌ها گذشته است. اختراع مهمات و سلاح آتشین و گلوله‌ها و توپ‌های یک بار مصرف، مقتضیات صحنه نبرد را کاملاً دگرگون کرد. تا پیش از آن، بسیاری از ابزارهای جنگی بارها و در جنگ‌های متعدد، قابل استفاده بودند و نبرد بیش از آن که بر سلاح متکی باشد، بر مهمات و شجاعت رزم‌آوران و نبوغ استراتژیک فرماندهان، استوار بود. در آن هنگام، جنگ‌ها کمتر بر اقتصاد طرف‌های درگیر اتکا داشتند و کشورهایی با اقتصاد ضعیف نیز می‌توانستند در رویارویی با کشورهای با اقتصاد قوی‌تر، عرض اندام نمایند.

با شکل‌گیری ارتش‌ها و دولتی شدن آن‌ها، و حرفه‌ای شدن جنگ‌ها، اتکای فعالیت‌های نظامی بر امکانات اقتصادی بسیار بیش از پیش شد، و تقاضای انبوهی که در اثر نیاز نظامیان به لباس و سلاح و ملزومات متحدالشکل ایجاد گشت، اقتصاد و صنوف تولیدی و اقتصادی را دگرگون ساخت. در این هنگام، سلاح گرم و جهش‌های فناورانه در ابزارهای جنگی در کنار تحولات سازمان‌دهی نظامی و گسترش جبهه رزم و دامنه تأثیر و سرایت جنگ‌ها از نظر جغرافیایی و اقتصادی و روانی و امثال آنها، جنگ‌ها را بیش از پیش از مرحله درگیری عملی نظامی در صحنه نبرد، به مراحل پیش و پس از درگیری نیز کشانید، و آماده‌سازی‌های جنگی و دفاعی (نظامی) و بازسازی‌های پس از درگیری‌ها، به مراتب پر هزینه‌تر و غیرقابل مقایسه با گذشته شدند. در این مرحله، فعالیت نظامی در دوران غیرجنگ نیز همانند جنگ، با شدت و جدیت چشم‌گیری استمرار داشت و با هزینه‌های هنگفتی که این نوع فعالیت‌ها در هر سه مرحله پیش و در حین و پس از نبرد جنگی دربرداشت، رابطه بین فعالیت‌های نظامی و گذران امور اقتصادی، بسیار تنگاتنگ گشت.

در قرن بیستم و با رخ دادن دو جنگ جهانی ویران‌گر، به تدریج اقتصاد جهانی با تلاطم‌های شدیدی روبه‌رو گشت و بویژه از نیمه این قرن، با دگرگونی در رونق اقتصادی کشورها، شکاف بین کشورهای غنی و فقیر چشم‌گیرتر شد، و موضوع رشد اقتصادی کشورهای کمتر توسعه یافته بویژه از دهه ۱۹۷۰ به بعد مورد توجه بیشتری قرار گرفت.

محدودیت‌های ناشی از رکود اقتصادی که در دهه ۱۹۷۰ حتی در کشورهای پیشرفته صنعتی نیز بارز شدند، سیاست‌های صرفه‌جویی و امثال آنها را در دستور کار دولت‌ها قرار دادند. با توجه به منابع فراوانی که فعالیت‌های نظامی به خود اختصاص می‌دادند، پرداختن جدی به منابع صرف شده در این جهت نیز مورد توجه خاص، قرار گرفت. با توجه به اختلاف‌نظرهای بسیاری که در زمینه پیامدهای فعالیت‌های نظامی - که در چارچوب هزینه‌های نظامی قابل سنجش بوده و هستند - وجود داشت، مبحث رابطه بین دفاع و رشد و توسعه اقتصادی بویژه از جنگ جهانی دوم به بعد، برای هر دو دسته کشورهای در حال توسعه و توسعه یافته مطرح (Eatwell et.al., 1987, Vol. 1: 762)، و با حادث شدن محدودیت‌های مالی کشورها، این موضوع از اهمیت بیشتری برخوردار گردید. این موضوع از آن جهت اهمیتی ویژه یافته است که به تبع خود، بعضاً تجویزهای سیاست‌گذاری را به همراه داشته، و سیاست‌گذارانی که رابطه‌ای مثبت یا منفی بین این دو متغیر مرکب قائل شده‌اند، برای ترغیب یا کاهش دیگری، از عامل اول استفاده کرده‌اند، اما سیاست‌گذارانی که رابطه‌ای بین این دو قائل نبوده‌اند، بدون توجه به یکی، دیگری را جهت‌گیری نموده‌اند.^۱ البته اگرچه ما ابتدا به جنگ و روند تحول در نحوه و ابزار منازعات اشاره‌ای کردیم تا به نقش اقتصاد در فعالیت‌های نظامی و بالعکس، ورود یابیم، اما باید در اینجا، خاطر نشان کنیم که در بررسی رابطه بین دفاع و رشد و توسعه اقتصادی، نباید بین منازعه و هزینه‌های نظامی، خلط کنیم و پیامدهای یکی را عیناً به دیگری نسبت دهیم. (Smith and Dunne, 2004)

۱ - پیشینه تحقیق

پیشینه تحقیق درباره رابطه بین دفاع و رشد و توسعه اقتصادی، با پژوهش پیشگامانه امیل بنویت (Benoit, 1973-1978) پیوندی گسست‌ناپذیر خورده است.^۲ بنویت ارتباط بین مخارج

۱- در این باره رک به: Sandler and Hartley, 1995: 200.

۲- به گفته سندلر و هارتلی [Sandler and Hartley, op.cit.] هزینه‌ای که در کشورهای در حال توسعه صرف دفاع و

دفاعی و رشد اقتصادی^۱ را در ۴۴ کشور در حال توسعه بین سال‌های ۱۹۵۰ و ۱۹۶۵ مورد بررسی قرار داد. دیدگاه اولیه وی که فرضیه تحقیق را نیز تشکیل می‌داد این بود که بار فزون‌تر مخارج دفاعی، احتمالاً با رشد اقتصادی ضعیف‌تر پیوند خورده است. اما پژوهش بنویت با این نتیجه‌گیری پایان یافت که ممکن است عکس این قضیه صادق باشد. ادبیات علمی در این قلمرو، از زمان بنویت به بعد به طور گسترده‌ای در دو جهت توسعه یافته است. نخست، نگرش تفصیلی‌تر به رابطه بین کل بار دفاعی و عملکرد رشد اقتصادهای در حال توسعه، و دوم، گشودن راهی جدید با ارزیابی منافع بهره‌وری متصور ناشی از تحقیق و توسعه دفاعی و همچنین سایر شکل‌های مخارج دفاعی در اقتصادهای در حال توسعه. (Oxford Economic Forecasting, 2004)

۱-۱ - رابطه بین دفاع و رشد

درباره اثرات هزینه‌های نظامی بر رشد اقتصادی ادعاهای مختلفی مطرح شده است و برای اثبات هر کدام نیز به مطالعاتی تجربی استشهد شده است. در یک تقسیم‌بندی بسیار کلی می‌توان نتایج به دست آمده از مطالعات مزبور را به صورت ذیل دسته‌بندی نمود: (Wilkins, 2004)

الف) مطالعاتی که منافع مثبت یافته‌اند و دیدگاه به اصطلاح کینزین نظامی را تأیید کرده‌اند. آتسوگلو و مولر^۲ در سال ۱۹۹۰ یک الگوی دو بخشی فدر - رام^۳ را برای ایالات متحده آمریکا در دوره ۸۹-۱۹۴۹ استفاده کردند و به تأثیر مثبت بخش دفاع بر بخش غیرنظامی دست

امنیت شده است، هیچ‌گاه به عنوان یک پدیده مهم اقتصادی توسط اقتصاددانان تحلیل نشده است. در مقایسه با بررسی‌هایی که درباره سایر جنبه‌های هزینه‌های دولت - نظیر بهداشت، آموزش یا زیرساخت‌های عمومی - صورت گرفته و منتشر شده است، اقتصاددانان‌های توسعه معمولاً از نزدیک شدن به موضوعات مرتبط با مخارج نظامی اکراه داشته‌اند. کتاب‌هایی نیز که به اقتصاد توسعه پرداخته‌اند، به ندرت اشاره‌ای به مخارج نظامی دارند. این غفلت در حالی صورت گرفته است که سهم منابع مالی و فیزیکی اختصاص یافته به دفاع و امنیت در کشورهای مختلف در سطح جهانی، همواره قابل توجه بوده است.

۱- که بتوان آن را با رشد واقعی بخش غیرنظامی اندازه‌گیری کرد.

2 - Atesoglu and Mueller

3 - Feder - Ram

یافتند. استوارت^۱ در سال ۱۹۹۱ یک تابع تقاضای کینزی را برای گروهی از کشورهای در حال توسعه به کار برد و دریافت که هر دوی هزینه‌های دفاعی و غیردفاعی، تأثیری مثبت بر رشد دارند اما اثر مخارج غیردفاعی قوی‌تر است. وارد و دیویس و پنوبارتی و راجمیرا و کوکران^۲ در سال ۱۹۹۱ با استفاده از یک الگوی فدر - رام سه بخشی با تفکیک تأثیرات خارجی^۳ و تأثیرات بهره‌وری برای کشور هندوستان در دوره ۸۷ - ۱۹۵۰، به تأثیر مثبت هزینه‌های دفاعی بر رشد رسیدند. مولر و آتسوگلو نیز در سال ۱۹۹۳ با استفاده از داده‌های آمریکا در دوره ۹۰ - ۱۹۴۸، تغییرات فناوری را در یک الگوی دو بخشی فدر - رام گنجانیدند و تأثیر معنی‌دار دفاع بر رشد را نتیجه گرفتند. (Ibid) سالای مارتین و همکارانش^۴ در ۲۰۰۴، ۶۷ متغیر - از جمله سهم اولیه مخارج نظامی - را به عنوان عوامل محتمل رشد در دوره ۹۶ - ۱۹۶۰ برای یک نمونه مقطعی ۸۸ کشوری بررسی کرده‌اند. در این تحقیق، تأثیر ۱۸ متغیر معنی‌دار قلمداد شدند و سهم مخارج نظامی رتبه ۴۵ را کسب نمودند. (Dunne and Smith and Willenbockel, 2005) تحقیق موردی در خصوص مالزی (Frederiksen and McNab, 2001) متضمن تأثیر مثبت هزینه‌های نظامی بر رشد اقتصادی این کشور بوده است. تحقیق در مورد پاکستان (Khan, 2004) در ۲۰۰۴ متضمن زیان‌بار نبودن مخارج دفاعی برای رشد بلند مدت اقتصادی^۵ بوده است. علاوه بر محققان پیش‌گفته، مک‌نیر و همکارانش^۶ در ۱۹۹۵، کلتسوس و کولیا^۷ در ۱۹۹۵، دان و نیکولیدو^۸ در ۲۰۰۱، و ییلدیریم و سزگین^۹ در ۲۰۰۲^{۱۰} نیز شواهدی تجربی دال

1 - Stewart

2 - Ward and Daris and Penubarti and Rajmaira and Cochran

3 - Externality Effects

4 - Sala-i-Matrin et al.

۵- در کوتاه مدت، تأثیر معنی‌داری نتیجه نشده است.

6 - MacNair et al.

7 - Chletsos and Kollias

8 - Dunne and Nikolaidou

9 - Yildirim and Sezgin

۱۰- نتیجه به دست آمده ییلدیریم و سزگین در سال ۲۰۰۵ در مطالعه‌ای تجربی برای تحلیل تأثیر هزینه‌های نظامی بر رشد اقتصادی کشورهای خاورمیانه و ترکیه در دوره ۹۹-۱۹۸۹، متضمن تقویت رشد اقتصادی کشورهای مورد بررسی در اثر

بر رابطه مثبت ارائه نموده‌اند. (Yidirim and Sezgin and Ocal, 2005)

ب) مطالعاتی که به تأثیری منفی دست یافته‌اند.

شیتز^۱ در سال ۱۹۹۱ با استفاده از داده‌های تلفیقی مقطعی و سری زمانی چهار کشور آمریکای لاتین (شیلی، آرژانتین، پرو و پاراگوئه) در دوره ۸۷-۱۹۶۹ دریافت که هزینه‌های نظامی تأثیری منفی بر سرمایه‌گذاری برجای می‌گذارند. وارد و دیویس^۲ در سال ۱۹۹۲ یک الگوی سه بخشی فدر - رام را برای آمریکا در دوره ۹۰-۱۹۴۸ استفاده کردند، و با تفکیک اثرات مخارج دفاعی به دو نوع اثر بهره‌وری و خارجی دریافتند که مخارج دفاعی با تأثیر منفی بهره‌وری و تأثیر مثبت خارجی، روی هم رفته تأثیری منفی بر رشد اقتصادی در بردارد.

گالوین^۳ در سال ۲۰۰۳ با به کار بستن داده‌های مقطعی از طریق رویکردهای 2SLS و 3SLS به منظور برآورد الگوی جانب تقاضا و جانب عرضه برای ۶۴ کشور در حال توسعه، نتیجه گرفت که مخارج دفاعی تأثیری منفی بر هر دوی رشد اقتصادی و نسبت پس‌انداز به درآمد (میل متوسط به پس‌انداز) دارد. میتز و هوئانگ^۴ در سال ۱۹۹۰ با استفاده از یک الگوی سه معادله‌ای برای آمریکا، تأثیرات منفی هزینه‌های دفاعی بر سرمایه‌گذاری و در نتیجه بر رشد را نشان داد. (Wilkins, op.cit.) مطالعه در مورد مصر و رژیم صهیونیستی و سوریه (Abu-Badr and Abu-Qarn, 2003) نیز متضمن تأثیر منفی بار نظامی بر رشد اقتصادی بوده است.

علاوه بر محققان یاد شده، لبوویچ و اسحاق^۵ در سال ۱۹۸۷، آسیری^۶ در ۱۹۹۶، دان و ووگاس^۷ در ۱۹۹۹، و دان و همکارانش^۸ در ۲۰۰۲ برای کشورهای مختلف فرضیه رابطه منفی

هزینه‌های نظامی می‌باشد.

1 - Scheetz

2 - Ward and Davis

3 - Galvin

4 - Mintz and Huang

5 - Lebovic and Ishaq

6 - Asseery

7 - Duune and Vougas

8 - Dunne et.al.

را با شواهدی تجربی تأیید کرده‌اند. (Yidirim and Sezgin and Ocal, op.cit.)

ج) مطالعاتی که به هر دو تأثیر مثبت و منفی دست یافته‌اند.

چاودهری^۱ در سال ۱۹۹۱ یک آزمون علیت گرانجری^۲ را با استفاده از داده‌های سری زمانی بار دفاعی ۵۵ کشور در حال توسعه به اجرا گذاشت، و برای ۷ کشور، علیت مثبت دفاع برای رشد و برای ۱۵ کشور، علیت منفی مشاهده کرد، و برای ۳۰ کشور نیز علیتی به دست نیاورد، در حالی که درباره ۳ کشور علیت دوسویه (تعاملی) مشاهده نمود. (Wilkins, op.cit.)

استراپ و هکلمان (Stroup and Heckelman, 2001) در ۲۰۰۱ در مطالعه تجربی تأثیر مخارج و نیروی انسانی نظامی بر رشد اقتصادی کشورهای آفریقایی و آمریکای لاتین، ۴۴ کشور را در مقطع ۸۹-۱۹۷۵ با استفاده از الگویی از سبک الگوی رشد اقتصادی بارو^۳ به این نتیجه رسیدند که روی هم رفته تأثیر بار دفاعی بر رشد اقتصادی این کشورها غیرخطی بوده است و سطوح پایین مخارج نظامی، رشد اقتصادی را افزایش، و سطوح بالای آن، رشد اقتصادی را کاهش می‌دهند. ویلکینز (Wilkins, op.cit.) در ۲۰۰۴ با استفاده از داده‌های ترکیبی ۸۵ کشور در ۲۰۰۲-۱۹۸۸ به این نتیجه رسیده است که به کار بردن داده‌های هزینه‌های دفاعی به صورت تفکیک نشده، می‌تواند به یافته‌های خطا رهنمون شود. به عقیده وی، وقتی روابط بین تولید ناخالص داخلی، نیروی کار، و هزینه‌های دفاعی را در سطح یک کشور منفرد (تک موردی) درون یک الگوی داده‌های ترکیبی مورد بررسی قرار می‌دهیم، نه تنها از نظر تئوریک شکل رابطه مبهم باقی می‌ماند بلکه از نظر تجربی نیز رابطه موجود مشخص نمی‌شود و بررسی‌های تجربی، نتایجی متفاوت ارائه می‌کنند. براساس مطالعه یاد شده، در حالی که برای برخی کشورها، دفاع ضریبی منفی و از این رو تأثیری کاهنده برای رشد اقتصادی دارد، در چارچوب، رشد تأثیری مثبت بر جای می‌گذارد. این نتیجه می‌تواند به سادگی در هنگام

1 - Chowdhury

2 - Granger Causality Testing

3 - Barro

استفاده از داده‌های تلفیقی^۱ از نظر دور داشته و پنهان گردد. تحقیقاتی موردی درباره تأثیر مورد بحث، در ترکیه نتایجی متناقض دربرداشته‌اند.

تحقیق درباره آفریقای جنوبی (Coetzee, 2002) در برخی مقاطع مثبت و در برخی دوره‌های زمانی، منفی، و برآیند تأثیرات از سال ۱۹۶۰ تا ۱۹۹۹ خنثی (بی‌تأثیر) معنی‌دار بوده است. همچنین تحقیق در مورد یونان و پرتغال و اسپانیا^۲ (Dunne and Nikolaidou, 2005) در ۲۰۰۵ متضمن نتایج متفاوت در پی استفاده از روش‌های مختلف در کشورهای حتی متجانس بوده است.

دگر^۳ در سال ۱۹۸۶ (دگر: ۴۱۴-۳۹۶) به وجود پیچیدگی در این رابطه و یکسان نبودن آن در همه موارد اشاره دارد، و مادن و هاسلهhurst^۴ در ۱۹۹۵، و کولیس و ماکریدakis^۵ در ۱۹۹۷ شواهدی دال بر تأیید این امر ذکر کرده‌اند. (Yidirim and Sezgin and Ocal, op.cit.)
(د) مطالعاتی که هیچ تأثیری نیافته‌اند.

هوانگ و مینتز^۶ در ۱۹۹۰ یک الگوی سه بخشی فدر - رام را با استفاده از تکنیک‌های رگرسیونی و داده‌های سالانه ۸۸-۱۹۵۲ آمریکا، برآورد کردند، و هیچ رابطه‌ای بین دفاع و رشد نیافتند. آنها در سال ۱۹۹۱ الگوی اولیه خود را با تفکیک کل تأثیرات به تأثیرات بهره‌وری و خارجی توسعه دادند، و با استفاده از همان داده‌ها و تکنیک برآورد یکسان، دوباره هیچ رابطه‌ای مشاهده نکردند. آلساندر^۷ در سال ۱۹۹۰ یک الگوی چهار بخشی فدر - رام را برای ۹ کشور توسعه یافته در مقطع زمانی ۸۵-۱۹۷۴ با داده‌های مقطعی و سری زمانی استفاده کرد

۱- (Pooled Data) تلفیقی از داده‌های مقطعی و سری زمانی.

۲- با پایین‌ترین سطح توسعه نیافتگی صنعتی در میان کشورهای جامعه اروپا.

3- Deger

4- Madden and Haslehurst

5- Kollias and Makrydakis

6- Huang and Mintz

7- Alexander

و نتیجه‌ای مشابه گرفت. آدامز و بهرمان و بولدین^۱ نیز در ۱۹۹۱ با استفاده از یک الگوی سه بخشی (دفاع، غیردفاع و صادرات) با داده‌های مقطعی و سری زمانی گروهی از کشورهای در حال توسعه در دوره ۸۶-۱۹۷۴، تأثیری برای مخارج دفاعی بر رشد نیافتند، اما برای صادرات تأثیری مثبت مشاهده کردند. گریس^۲ در سال ۲۰۰۲ از روش‌شناسی سبک تحلیل طیفی^۳ استفاده کرد تا نوسانات هزینه‌های نظامی، غیرنظامی، و تولید ناخالص داخلی ایالات متحده آمریکا را بررسی کند. او شواهدی دال بر این موضوع یافت که هزینه‌های غیرنظامی، به عنوان یک ابزار تثبیت‌کننده ضدچرخه‌ای (ضدادواری)^۴ استفاده شده‌اند اما هزینه‌های نظامی این گونه نبوده‌اند. بار دیگر، در سطح کلی، ضرایب متغیرهای نیروی کار و سرمایه از نظر آماری معنی‌دار بودند و علامت صحیح مورد انتظار نیز داشتند در حالی که ضریب متغیر دفاع معنی‌دار نبودند. با وجود این، در نگرش به هر کشور به تنهایی، متغیر دفاع برای ۳۲ کشور مثبت و معنی‌دار، و برای ۸ کشور منفی و معنی‌دار بود، و برای ۴۵ کشور باقی‌مانده معنی‌دار نبود. (Wilkins, op.cit.)^۵ اسمیت و دان (Smith and Dunne, op.cit.) در ۲۰۰۱ با استفاده از داده‌های ترکیبی ۲۸۶ کشور در خلال سال‌های ۹۷-۱۹۶۰ رابطه بین هزینه‌های نظامی، سرمایه‌گذاری، و رشد را بررسی کردند. در این مطالعه تجربی، هیچ رابطه قدرتمندی بین هزینه‌های نظامی و سرمایه‌گذاری یا رشد به دست نیامد. براساس تحقیق داکورا و همکارانش (Dakurah et al, 2001) در ۲۰۰۱ با استفاده از الگوهای هم‌انباشتگی (هم‌گرایی یکسان)^۶ تصحیح خطا^۷ برای ۶۲ کشور، هیچ رابطه مشترک علی‌ای بین مخارج نظامی و رشد مشاهده نشده است.

1- Adams, Behrman and Boldin

2 - Gerace

3 - Spectral Analysis Type Methodology

4 - Counter - Cyclical Stabilisation Tool

۵- مثلاً این ضرایب برای سوئد و ژاپن مثبت معنی‌دار بودند، و برای انگلستان و سنگاپور و چین، معنی‌دار نبودند.

6 - Panel Data

7 - Co-integration

8 - Error Correction

۲-۱ - منافع بهره‌وری (تولیدی) مخارج دفاعی

همان‌گونه که اشاره کردیم، مطالعات پس از بنویت در دو مسیر اصلی استمرار و گسترش یافتند که درباره مسیر نخست، مطالبی ارائه گردید. مسیر دوم به مطالعاتی مربوط می‌شود که فعالیت‌های تحقیق و توسعه دفاعی و سایر فعالیت‌های مولد دفاعی مشابه را مورد بررسی قرار داده‌اند. دیوید زال^۱ در ۲۰۰۱ رابطه‌ای مثبت بین تحقیق و توسعه‌ای که برای تدارک دفاعی صورت می‌گرفته است و رشد بهره‌وری در آمریکا یافت. براساس پژوهش وی، این رابطه در بخش‌های صنعتی‌ای که با دفاع ارتباط بسیاری داشته‌اند، به شدت مثبت، و به طور میانگین در کل اقتصاد تا حدی مثبت بوده است. ادواردو مورالس - راموس^۲ در ۲۰۰۲ بین هزینه‌های تحقیق و توسعه دفاعی و غیردفاعی تمایز قائل شد، و مطرح نمود که شواهد تئوریک و تجربی دلالت دارند که عنصر تحقیق و توسعه‌ای مخارج دفاعی ممکن است تأثیری مثبت بر رشد داشته باشد در حالی که عناصر غیرتحقیق و توسعه‌ای ممکن است اثر منفی داشته باشند، و به همین دلیل در تأثیر کل مخارج دفاعی ابهام وجود دارد. کلای و ریشی^۳ در ۲۰۰۳، از تحقیق تجربی خود چنین نتیجه گرفتند که در مورد اثرات جانبی مخارج دفاعی ممکن است مبالغه صورت گرفته باشد چراکه کل مخارج دفاعی ممکن است برای رشد بی‌تأثیر باشد. در نقطه مقابل، شیه، لای و چانگ^۴ در ۲۰۰۲ دریافته بودند که «در تأیید یافته‌های تجربی مشهور بنویت، افزایش مخارج نظامی گرایش دارد که نرخ رشد پایدار را ترغیب کند». در حالی که شواهد نشان می‌دهند که اثرات ازدحامی (رانشی)^۵ خارج دفاعی منفی هستند، اثرات جانبی^۶ بر بهره‌وری مثبت می‌باشند، و به علاوه اثرات بسیج منابع دیگری نیز وجود دارند که ممکن است

-
- 1- Saal
 - 2- Eduardo Morales-Ramos
 - 3- Kelly and Rishi
 - 4- Shieh and Lai and Chang
 - 5- Crowding out Effects
 - 6- Spin of Effects

مثبت باشند. بوزان و سن^۱ در ۱۹۹۰ نقش تحقیق و توسعه نظامی در کشورهای توسعه‌یافته را از یک دیدگاه تاریخی بلندمدت‌تر مورد بررسی قرار دادند. آنها به مطالعات تجربی مختلفی اشاره کردند که گرایش داشتند که رابطه‌ای منفی بین تحقیق و توسعه نظامی و رشد بهره‌وری در بقیه اقتصاد بیابند، اما در ادامه، به تفصیل توضیح دادند که چگونه پیشرفت‌های فناورانه کلیدی معینی،^۲ از تحقیق و توسعه اولیه نظامی حاصل شده‌اند. آنها مطرح کردند که تقاضای ناشی از بخش نظامی کشورهای پیشرفته برای نوآوری فناورانه، گسترش غیرنظامی صنایع خاصی را از نظر تجارت، شدنی و امکان‌پذیر می‌سازد. مثلاً اگر قرار باشد که بخش غیرنظامی همه هزینه‌های تحقیق و توسعه - و مخاطرات - فناوری در حال توسعه رایانه‌ای یا قدرت هسته‌ای را متحمل شود، این فعالیت محقق نخواهد شد و یا حداقل بسیار کندتر به پیش خواهد رفت.^۳ آنها همچنین تصریح کردند که اثرات سودمند تحقیق و توسعه نظامی برحسب پیشبرد مرزهای فناوری برای بخش غیرنظامی ممکن است به کشوری که این تحقیق و توسعه را انجام می‌دهد، منحصر نشود.^۴ کوآرسما و ریشولر^۵ در ۲۰۰۳ دریافتند که برای رابطه مثبت بین مخارج دفاعی و رشد در آمریکا شواهدی تجربی وجود دارند. البته این رابطه، برای سطوح نسبتاً پایین مخارج دفاعی، قوی‌تر است. به بیان دیگر، افزایش بهره‌وری ناشی از مخارج دفاعی، دارای بازدهی نهایی نزولی می‌باشد. (Oxford Economic Forecasting, op.cit.)

در پایان این قسمت خاطر نشان می‌کنیم که برخی نویسندگان،^۶ بسیاری از مطالعات ارزشمند

1- Buzan and Sen

۲ - در هوانوردی، رایانه‌ها، قدرت هسته‌ای، و فناوری ماهواره‌ها.

۳ - البته به نظر می‌رسد که با توجه به محدودیت‌های شدید انرژی در دهه‌های آینده و نیز بازدهی بسیار سودمند انرژی هسته‌ای، سرمایه‌گذاری در تحقیق و توسعه برای پیشبرد توان هسته‌ای، نیاز چندانی به منابع نظامی نداشته باشد.

۴ - در این باره، ژاپن را مثال می‌زنند که پس از جنگ، با اتکا به پیشرفت‌های فناوری نظامی‌ای که مقدمتاً و به طور اولیه در کشورهای دیگر صورت گرفته بودند، به پیشرفت‌های فناورانه بزرگی دست یافت.

5- Cuarsema and Reitschuler

۶ - از جمله ر.ک. (Sandler and Hartley, op.cit., 216-299) و (Hartley and Sandler, 1995, 255-257). در جدولی که در این دو منبع با کمی اختلاف وجود دارد، در هر مورد الگویی که شالوده مطالعه تجربی را تشکیل می‌داده است، و همچنین نمونه، برخی توضیحات، و سرانجام نیز نتیجه ذکر شده‌اند. در این جدول، بیان اصلی وجود تأثیر، و در صورت وجود این تأثیر، علامت آن (منفی یا مثبت) مورد تأکید بوده است.

درباره تأثیر هزینه‌های نظامی بر رشد از اوایل دهه ۱۹۷۰ تا نیمه ۱۹۹۰ را فهرست کرده‌اند. پژوهشگران این حوزه، از الگوهای مختلف و انواع برآوردکننده‌ها و انواع نمونه‌ها و انواع داده‌ها استفاده کرده‌اند و شاید به همین دلیل نیز نتایجی بسیار متفاوت گرفته‌اند. البته برخی تحقیقات حتی با روش‌شناسی یکسان نیز نتایجی متفاوت در پی داشته‌اند.^۱ (Alptekin, 2005) این اختلافات در خود ادبیات رشد فراوان است تا چه رسد به نقش هزینه‌های نظامی در آن. (Smith and Dunne, op.cit.) به گفته برخی، تجربه نشان داده است که هزینه‌های دولت اثری اندک بر رشد داشته‌اند^۲ و از این رو، درباره یکی از عناصر این هزینه‌ها - یعنی هزینه‌های نظامی - نمی‌توان ادعای تأثیر چشم‌گیر داشت.^۳ (Aizenman and Glick, 2003) از سوی دیگر، بنا به یک نظر، این موضوع اصولاً از نظر تئوریک، حل ناشدنی است. (Wilkins, op.cit.)

۲- رابطه سنجش‌پذیر بین دفاع و رشد اقتصادی در ایران

اگرچه در مطالعات پیش گفته، ایران نیز در میان سایر کشورها لحاظ شده است، اما مطالعات مستقلی نیز درخصوص تأثیر هزینه‌های نظامی بر رشد اقتصادی ایران صورت گرفته است. ما در این قسمت، به معرفی برخی از این مطالعات می‌پردازیم و آنگاه با معرفی یک الگوی اقتصادسنجی با بهره‌گیری از آنچه در این‌باره مرور شد، به برآورد تأثیر سنجش‌پذیر مخارج دفاعی بر رشد اقتصادی کشور خواهیم پرداخت تا به ارزیابی مقداری صحت این فرضیه ادعا شده بپردازیم که "هزینه‌های دفاعی، تأثیری منفی بر رشد اقتصادی ایران بر جای می‌گذارد".

۱- تجربه عملی نیز بارها نشان داده است که با وجود انتخاب داده‌ها از منبعی که یک نویسنده معین، داده‌های خود را از آن گرفته، و استفاده از روش و معادلات یکسان، نتیجه‌ای متفاوت از برآورد رایانه‌ای، حاصل شده است که این تفاوت، حتی در مواردی، نه تنها در میزان ضریب یک یا چند متغیر، بلکه در علامت آن بوده است.
 ۲- نظر مخالف نیز نتیجه مشترک برخی مطالعات درباره تأثیر کل هزینه دولت بر رشد اقتصادی بلند مدت را تعیین کننده بودن هزینه دولت برای رشد اقتصادی قلمداد می‌کند. (Abu-Badr and Abu-Qarn, op.cit.)
 ۳- البته عده‌ای از صاحب‌نظران، مطرح می‌کنند که از یک دیدگاه اقتصادی، برخلاف بیشتر سایر مخارج دولتی، هزینه‌های دفاعی علل و پیامدهای خاصی داشته‌اند که لزوماً با سایر عناصر یکسان و هم‌ردیف نیستند. (Wilkins, op.cit.)

۱-۲ - پیشینه بحث

مطالعات متعددی، تأثیر عوامل توضیح دهنده رشد اقتصادی ایران را بررسی تجربی کرده‌اند. با توجه به نقش آشکاری که نفت به عنوان متغیری مسلط بر اقتصاد ایران داشته و دارد، برخی محققین به بررسی تأثیر صادرات پرداخته‌اند. (اکبری و کریمی، ۱۳۷۹) با برآورد رابطه رشد اقتصادی براساس تابعی از رشد نیروی کار، رشد سرمایه، رشد صادرات نفتی، رشد صادرات غیرنفتی، رشد صادرات صنعتی، و رشد واردات واسطه‌ای و سرمایه‌ای، در سطح کلان و همچنین بخش‌های منتخب صنعت و معدن و کشاورزی نشان داده‌اند که رشد صادرات صنعتی و نفتی، عامل مؤثری در رشد اقتصادی است و رشد صادرات نفتی، مؤثرترین عامل تعیین‌کننده رشد سرمایه‌گذاری در کشور می‌باشد. البته در تحقیق (عظیمی، ۱۳۷۹) که تولید کل کشور را به عنوان تابعی نئوکلاسیک از عوامل تولید متضمن متغیرهای تعیین‌کننده اشتغال، سرمایه‌گذاری، مواد اولیه و کالاهای واسطه‌ای وارداتی، سهم صادرات نفتی از صادرات غیرنفتی و صادرات غیرنفتی قلمداد کرده است، با توجه به معنادار نبودن ضرایب متغیرهای صادرات غیرنفتی و واردات مواد اولیه و کالاهای واسطه‌ای، فرضیه اثرگذاری صادرات غیرنفتی بر رشد تولید ناخالص داخلی بدون نفت در ایران، تأیید نشده است. نتایج پژوهش (ابریشمی و محسنی، ۱۳۸۱) نیز با استفاده از تابع تولید نئوکلاسیک مبتنی بر رهیافت فدر^۱ حاکی از آن است که بی‌ثباتی صادرات نفتی در بلندمدت اثری بر تولید ناخالص داخلی کشور ندارد، بلکه این اثر در کوتاه‌مدت ظاهر می‌شود.^۲

در مطالعاتی دیگر، نقش آموزش رسمی (تاری و اوضرومجیلر، ۱۳۸۱) و همچنین سرمایه اجتماعی (رحمانی و همکاران، ۱۳۸۶) در رشد اقتصادی ایران سنجیده شده است. در مورد نخست، تولید کل تابعی از سرمایه فیزیکی، نیروی انسانی و سرمایه انسانی در نظر گرفته شده

1 - Feder

۲ - در (توکلی و کریمی، ۱۳۷۶) نیز تأثیر رشد صادرات بر رشد تولید ناخالص داخلی کشور مثبت تلقی شده است که در اثر آن، بهره‌وری نهاده‌های سرمایه و نیروی کار افزایش می‌یابد.

است و در برآورد سه الگو، هزینه‌های آموزش رسمی با وقفه‌ای ۱۲ ساله، بر رشد اقتصادی مؤثر تشخیص داده شده است و در همان حال، ضرایب برآوردی نشان داده‌اند که موجودی سرمایه فیزیکی در مقایسه با هزینه‌های آموزش رسمی، نقش مؤثرتری در رشد اقتصادی ایران داشته است. در مورد نقش سرمایه اجتماعی، ضمن گسترش مدل‌های رشد نئوکلاسیکی به بیان روش اقتصادسنجی فضایی، الگوی تجربی رشد اقتصادی استان‌های کشور در سال‌های ۸۲-۱۳۷۹ مورد بررسی قرار گرفته و براساس نتایج تجربی، نتیجه‌گیری شده است که با اضافه نمودن سرمایه اجتماعی به الگوهای رشد اقتصادی استانی، قدرت توضیح‌دهندگی رشد اقتصادی افزوده می‌شود.

عوامل دیگری از قبیل تورم (مردوخی، ۱۳۷۸) و توسعه مالی (نظیفی) و تأمین مالی اندازه دولت (پورفرج، ۱۳۸۳) بر رشد اقتصادی کشور در مطالعات تجربی دیگری بررسی، و به ترتیب تأثیر منفی تورم، و اثر منفی رشد سهم اعتبارات اعطا شده به بخش خصوصی (توسعه مالی) نشان داده شده‌اند، و مشخص شده است که کاهش وابستگی عملیات جاری به تراز واکذاری دارایی، اندازه دولت را اصلاح می‌کند و اقتصاد ایران را در مسیر رشد قرار می‌دهد.

مطالعاتی نیز شناسایی و تحلیل مجموع عوامل مؤثر بر رشد اقتصادی را هدف قرار داده‌اند. از جمله (عسلی و همکاران، ۱۳۷۷)، شش عامل نرخ تورم، رشد سرمایه‌گذاری خصوصی، رشد سرمایه‌گذاری دولتی، درجه باز بودن اقتصاد و سهم مخارج مصرفی دولت از تولید ناخالص داخلی را وارد معادله رشد کرده‌اند و دریافته‌اند که در ایران نرخ تورم دارای اثر منفی و رشد صادرات دارای اثر مثبت بر رشد تولید ناخالص ملی واقعی بوده و افزایش سهم مخارج مصرفی دولت موجب کاهش رشد اقتصادی شده است.

علاوه بر آنچه گفته شد، مطالعات اندکی در کشور رابطه بین مخارج دفاعی و رشد اقتصادی ایران را بررسی کرده‌اند. در این میان، بجز (جعفری صمیمی، ۱۳۷۱) که بیشتر به ارائه شاخص‌ها و روندها پرداخته و الگویی ارائه نکرده است، (بیضایی، ۱۳۸۰) و (فلیحی، ۱۳۸۰) الگویی برای برآورد نوع و میزان این رابطه معرفی کرده‌اند و به تخمین آن اقدام نموده‌اند. بیضایی در تحقیق خود عوامل تعیین‌کننده مخارج نظامی را نیز بررسی کرده است و در سنجش

تأثیر مخارج یا بار نظامی^۱ (نسبت مخارج نظامی به تولید ناخالص داخلی) از تکنیک حداقل مربعات معمولی^۲ خطی و نیمه‌لگاریتمی با داده‌های ۱۳۵۱-۷۶ در برآورد الگویی استفاده شده است که تولید ناخالص داخلی، کل مخارج دولت، کل مخارج نظامی کشور بجز مخارج مربوط به امنیت و نظم داخلی، ارزش صادرات نفتی (نفت و گاز)، و کل سرمایه‌گذاری کشور متغیرهای مستقل آن بوده‌اند. البته اطلاعات متغیرهای مزبور بجز ارزش صادرات نفتی، از منابع خارجی^۳ استخراج شده است و متغیرهای مجازی نیز برای لحاظ کردن اثر رویدادهای خاص مورد استفاده قرار گرفته‌اند. براساس برآورد مزبور، مجموع اثرات بار نظامی بر رشد اقتصادی کشور منفی نشان داده شده است. این تأثیر منفی در یک معادله، با ضریب بزرگ $-۳/۵۸۲$ و در معادله دیگر با ضریب نسبتاً کوچک $-۰/۰۸$ بروز کرده است.

فلیچی، برخلاف بیضایی، به تأثیر مثبت مخارج دفاعی بر رشد اقتصادی کشور، دست یافته است. در تحقیق وی، عوامل مؤثر بر رشد اقتصادی شامل متغیرهای نیروی کار، موجودی سرمایه، مخارج دفاعی و متغیر مجازی جنگ شناسایی شده‌اند و با استفاده از روش حداقل مربعات معمولی طی دوره ۱۳۵۰-۷۸ تابع به شکل لگاریتمی یک بار با استفاده از مقادیر سطح (مطلق) و بار دیگر با استفاده از رشد متغیرها تخمین زده شده است. براساس الگوی یاد شده، یک درصد افزایش مخارج دفاعی، تولید ناخالص داخلی را به میزان $۰/۰۹$ درصد افزایش می‌دهد.

علاوه بر تحقیقات یاد شده، برخی پایان‌نامه‌های تحصیلات تکمیلی نیز، رابطه مورد بحث را موضوع خود قرار داده‌اند. در الگوی مورد استفاده (رعیت، ۱۳۷۸)، از متغیرهای درجه باز بودن اقتصاد، نرخ رشد صادرات، مخارج عمرانی با دو سال وقفه، نرخ رشد سرمایه‌گذاری خصوصی و نرخ رشد مخارج نظامی استفاده شده است. نتایج چهار الگوی برآورد شده رعیت پس از رفع خود همبستگی، دال بر وجود تأثیر مثبت مخارج نظامی بر رشد اقتصادی ایران بوده است. (گرگی، ۱۳۸۰) نیز با

1- Military Burden

2- OLS

3- IFS & GFS

ملاحظه رشد سرمایه‌گذاری بخش خصوصی، رشد صادرات، رشد اشتغال، سهم مخارج دفاعی از کل بودجه دولت و متغیرهای مجازی جنگ، رشد تولید ناخالص داخلی را بررسی نموده است اما نتایج برآورد الگو در چهار حالت مختلف و سه مقطع زمانی بیانگر آن بوده است که نمی‌توان قاطعانه بر تأثیر مثبت هزینه‌های نظامی بر رشد اقتصادی کشور صحه گذاشت. تأثیر منفی غیرمعنادار مخارج نظامی در مقطع زمانی ۱۹ ساله پیش از انقلاب اسلامی (۵۶ - ۱۳۳۹)^۱ و تأثیر مثبت بسیار ناچیز پس از پیروزی انقلاب اسلامی در این پژوهش، تردیدآفرین می‌باشند.

۲-۲- الگوی تحقیق

مروری بر آنچه گفته شد نشان می‌دهد که نتایج پژوهش‌ها، به نوع الگوها و متغیرهای دخیل، تکنیک‌های برآورد، داده‌ها^۲ و دوره مورد بررسی بسیار حساس هستند. تحقیقاتی که درباره کشورمان نیز صورت گرفته‌اند، با نتایجی متفاوت و بعضاً مخالف یکدیگر، ابهام را در زمینه رابطه مورد بحث بیشتر می‌کنند. در تحقیق حاضر، همانند بیشتر مطالعاتی که برشمرده شدند، الگوی مورد استفاده مبتنی بر الگوی نئوکلاسیکی رشد و حاصل تغییر در تابع تولید ملی می‌باشد. شکل عمومی تابع تولید سولو^۳ به صورت ذیل است:

$$Y=Af(K,L,Z) \quad (۱)$$

که در آن، Y تولید ناخالص داخلی، A ضریب فناوری، K موجودی سرمایه، L نیروی انسانی، و Z بردار سایر متغیرهای مؤثر بر رشد می‌باشد. با دیفرانسیل گرفتن از طرفین داریم:

$$dY = f(K, L, Z)dA + A \frac{\partial f}{\partial L} .dL + A \frac{\partial f}{\partial K} .dK + A \frac{\partial f}{\partial Z} .dZ \quad (۲)$$

۱ - شایان ذکر است که در زمان انجام پژوهش مزبور، آمارهای رسمی اعتبارات دفاعی در بودجه دولت، از سال ۱۳۵۰ به بعد در دست بوده است. از این رو، اگر در این مطالعه از آمارهای رسمی داخلی استفاده شده باشد، در باره چگونگی دسترسی به آمارهای سالیان پیش از آن، ابهام وجود دارد.

۲ - برخی مطالعات تجربی، تأثیر استفاده از منابع داده‌های هزینه‌های نظامی بر نتایج حاصل از برآورد الگوهای اقتصادسنجی را که در باره رابطه بین رشد و هزینه‌های نظامی بوده‌اند، عملاً نشان داده‌اند. این اختلاف حتی گاهی به متفاوت شدن علامت ضرایب منجر شده است. در این باره از جمله ر.ک به: (Deger and Smith, 1983).

3- Robert M. Solow

طرفین معادله (۲) را بر Y تقسیم می‌کنیم:

$$\frac{dY}{Y} = f(K, L, Z) \frac{dA}{Y} + A \frac{\partial f}{\partial K} \cdot \frac{dK}{Y} + A \frac{\partial f}{\partial L} \cdot \frac{dL}{Y} + A \frac{\partial f}{\partial Z} \cdot \frac{dZ}{Y} \quad (۳)$$

با ضریب و تقسیم جملات سوم و چهارم به ترتیب در L و Z و با توجه به برابری‌های

ذیل:

$$f(K, L, Z) = \frac{Y}{A}$$

$$A \frac{\partial f}{\partial K} = \frac{\partial Y}{\partial K}$$

$$A \frac{\partial f}{\partial L} = \frac{\partial Y}{\partial L}$$

$$A \frac{\partial f}{\partial Z} = \frac{\partial Y}{\partial Z}$$

داریم:

$$\frac{\partial Y}{Y} = \frac{dA}{A} + \frac{\partial Y}{\partial K} \cdot \frac{dK}{Y} + \frac{\partial Y}{\partial L} \cdot \frac{L}{Y} \cdot \frac{dL}{L} + \frac{\partial Y}{\partial Z} \cdot \frac{Z}{Y} \cdot \frac{dZ}{Z} \quad (۴)$$

با تصریح هزینه‌های نظامی^۱ و صادرات از بردار Z داریم:

$$\frac{\partial Y}{Y} = \frac{dA}{A} + \frac{\partial Y}{\partial K} \cdot \frac{dK}{Y} + \frac{\partial Y}{\partial L} \cdot \frac{L}{Y} \cdot \frac{dL}{L} + \frac{\partial Y}{\partial ME} \cdot \frac{ME}{Y} \cdot \frac{dME}{ME} + \frac{\partial Y}{\partial X} \cdot \frac{X}{Y} \cdot \frac{dX}{X} \quad (۵)$$

رابطه (۵) را به صورت ذیل بازنویسی می‌کنیم:

$$\dot{Y} = \dot{A} + MP_K \frac{I}{Y} + \xi_L \dot{L} + \xi_{ME} \dot{ME} + \xi_X \dot{X} + U \quad (۶)$$

که در این معادله، \dot{Y} رشد تولید ناخالص ملی، \dot{A} رشد بهره‌وری، $\frac{I}{Y}$ سهم سرمایه‌گذاری^۲ در تولید ناخالص داخلی، MP_K بهره‌وری نهایی سرمایه، ξ_L کشش تولیدی نیروی کار، \dot{L} رشد نیروی کار، ξ_{ME} کشش تولیدی هزینه‌های نظامی، \dot{ME} رشد هزینه‌های نظامی، ξ_X کشش تولیدی صادرات، \dot{X} رشد صادرات، و U جمله اختلال می‌باشد.

۱ - هزینه‌های نظامی به علت نقش مؤثری که در ایجاد امنیت دارند و همچنین با توجه به نقش آشکاری که امنیت در بسترسازی فعالیت مولد اقتصادی، ایفا می‌کند و بعلاوه، نقشی که نیروها و صنایع نظامی در ایجاد سرمایه ملی و فعالیت صنعتی و امثال آن دارند، می‌توانند یکی از عوامل تولید ملی به حساب آیند.

۲ - سرمایه‌گذاری نیز خود، رشد موجودی سرمایه می‌باشد.

۳-۲- داده‌ها و دوره مورد بررسی

داده‌های اقتصاد کلان ایران بعضاً دارای ناسازگاری‌های غیرقابل چشم‌پوشی هستند. استفاده از قیمت‌های ثابت، بویژه با توجه به یکسان نبودن شاخص‌های قیمت مناسب در تورم‌زدایی ارزش‌های پولی در بخش‌های مورد بررسی و همچنین تغییر سال‌های پایه، مشکلاتی را در مطالعات تجربی به همراه دارد. کاستی‌های ناشی از تبدیل هزینه‌ها و ارزش‌های پول‌های خارجی^۱ به پول ملی و یک کاسه کردن مقادیر برحسب ریال نیز به دشواری یاد شده می‌افزاید. مقایسه آمارهای منتشر شده رسمی مندرج در منابع مختلف نیز نشان می‌دهد که حتی برای یک موضوع یکسان، در طول سالیان متمادی مقادیری بعضاً بسیار متفاوت گزارش شده است تا بدان حد که حتی آمارهای منتشر شده قبلی توسط یک منبع رسمی، بعضاً در سال‌های بعد با مقادیری تغییر یافته، گزارش شده‌اند. البته برخی از این اختلاف‌ها، به تغییر تعریف مفاهیم اقتصادی جهت انطباق با تعاریف بین‌المللی و یا تغییر رویه در سطح ملی باز می‌گردند. تغییر گروه‌بندی و تلفیق یا انفکاک برخی فعالیت‌ها از یکدیگر بویژه در سال‌های اخیر ایجاد سری‌های زمانی ماندگار و استوار و پیگیری مقایسه‌ای روند اقتصادی کشور را با ظرافت‌های علمی بیشتری روبه‌رو کرده است. اما در همان حال، بویژه با توجه به انحرافی که در اثر تورم در واقع‌نمایی روندهای اقتصادی پیش می‌آید و همچنین با توجه به این که در تابع تولید، از آمارهای نیروی کار به عنوان داده‌هایی واقعی^۲ استفاده می‌شود، در این تحقیق نیز از داده‌ها بر حسب مقادیر واقعی (ثابت، ۱۳۷۶) استفاده کرده‌ایم.

آمار فعالیت‌های دفاعی با دشواری‌های به مراتب فزون‌تری نسبت به آنچه گفته شد، روبه‌رو است. این دشواری گاهی تا بدان حد سردرگمی ایجاد می‌کند که برخی از پژوهش‌گران، به جای استفاده از آمارهای داخلی رسمی در این زمینه، از آمارهای منابع خارجی بهره گرفته‌اند.^۳ البته قسمتی

۱ - بویژه ارز نفتی.

۲ - نه اسمی.

۳ - از جمله ر.ک به: بیضایی، پیشین، ۳۳.

از این ابهام در گزارش هزینه‌های دفاعی با رده‌بندی حفاظتی، طبیعی است.

در حال حاضر حداقل به سه صورت، آمارهای رسمی هزینه‌های دفاعی در کشورمان گزارش می‌شود. بویژه از اوایل دهه ۱۳۸۰ هنگامی که ارائه آمارهای اقتصادی کشور برحسب سیستم حسابداری ملی^۱ ۱۹۹۳ در دستور کار بانک مرکزی قرار گرفت و طبقه‌بندی مصرف دولتی برحسب وظایف^۲ در ۱۴ گروه اصلی در کشورمان صورت گرفت (اداره حساب‌های اقتصادی، ۱۳۸۵)، علاوه بر آمار مربوط به پرداختی‌های دولت بابت امور دفاعی (دفاع ملی)، هزینه‌های نظامی در قالب فعالیت‌های خدمات جمعی عمومی در جدول ارزش ستانده و همچنین جدول مصارف واسطه فعالیت‌های اقتصادی و جدول ارزش افزوده فعالیتها به همراه «اداره امور عمومی و تأمین اجتماعی»، و سرانجام در جدول هزینه‌های مصرف نهایی دولت برحسب وظایف گزارش شده است. البته از سال ۱۳۷۷ تا ۱۳۸۰^۳، برخلاف گذشته (از ۱۳۵۰ به بعد) که فقط هزینه‌های جاری^۴ امور دفاع ملی^۵ منتشر می‌شد، مبالغی نیز به عنوان هزینه‌های عمرانی دفاع گزارش گردید. در اینجا باید خاطر نشان کنیم که حداقل قسمتی از ارقامی دیگر نیز در قالب «سایر امور» و یا «تقویت بنیه دفاعی» و امثال آن، به فعالیت‌های دفاعی اختصاص داشته است که در ردیف امور دفاع ملی، قرار داده نشده‌اند.

با توجه به آن که در سال‌های پیش از ۱۳۷۷ هزینه‌های عمرانی دفاع گزارش نشده است و کل هزینه‌های امور دفاعی نیز از ۱۳۵۰ به بعد منتشر شده است، و همچنین به این دلیل که از سال ۱۳۸۰ تاکنون داده‌های تفکیک شده «امور» هزینه‌های دولتی بویژه به تفکیک هزینه‌ای و تملک دارایی‌های سرمای‌های منتشر نشده است، ما در این تحقیق اولاً از آمارهای هزینه‌های مصرف نهایی دولت که از سال ۱۳۳۸ تا ۱۳۸۴ را پوشش می‌دهند و برای نخستین بار در آن، هزینه‌های دفاعی نیز در این

1 - SNA93

2 - Classification of Functions of The Government: COFOG

۳ - در سال ۱۳۷۱ نیز مبلغ ناچیز ۰/۲ میلیارد ریال، در ردیف هزینه‌های عمرانی امور دفاع ملی درج شد.

۴ - که در سال‌های اخیر با عنوان «اعتبارات هزینه‌ای» - در مقابل «اعتبارات تملک دارایی‌های سرمای‌های» - نامگذاری شده‌اند.

۵ - آن هم فقط «دفاع نظامی» آن.

محدوده طولانی گزارش شده‌اند، استفاده کرده‌ایم^۱، و ثانیاً بویژه جهت رعایت سازگاری درونی در منبع گزارش‌کننده آمارهای کلان اقتصادی، آمارهای رسمی اخیر بانک مرکزی را که خود تولیدکننده بخشی از آمارهای اقتصادی کشورمان (حسابهای ملی و ...) می‌باشد، ملاک قرار داده‌ایم.

سری زمانی اشتغال، از ۱۳۴۵ تا ۱۳۷۵ بر اساس (امینی و همکاران، ۱۳۷۷)، و از ۱۳۳۸ تا ۱۳۴۵ و از ۱۳۸۰ تا ۱۳۸۴ با استفاده از آمار سرشماری و درون‌یابی ارقام سالهای میانی، و از ۱۳۷۶ تا ۱۳۷۹ از (اداره بررسی‌ها...، ۱۳۸۰) گردآوری شده است.

۲-۴- نتایج برآورد الگو

ضرایب متغیرهای الگوی معرفی شده تحقیق حاضر، با استفاده از آمارهای اولیه مندرج در جدول (۱) به صورت ذیل برآورد شده‌اند:

$$g(\text{GDP}) = 0/68g_L + 7/4i + 0/05g(\text{ME}) + 0/18g_X - 5/64\text{WarDum} + 0/6\text{MA}(1)$$

$$(2/97) \quad (2/18) \quad (3/32) \quad (6/27) \quad (-2/66) \quad (4/4)$$

$$F=23/3 \quad D.W.=2/05 \quad \overline{R}^2 = 0/71$$

الگوی برآورد شده، بر اساس معادله (۶) بازنویسی شده است و در آن، $g(\text{GDP})$ رشد تولید ناخالص داخلی، g_L تغییر جمعیت شاغل، i نسبت کل سرمایه‌گذاری (تشکیل سرمایه) ناخالص به تولید ناخالص داخلی، $g(\text{ME})$ رشد هزینه‌های دفاعی، g_X تغییر صادرات کالاها و خدمات، «WarDum» متغیر مجازی جنگ (عدد یک برای مقطع ۶۷-۱۳۵۹ و عدد صفر برای سایر سالها)، و $\text{MA}(1)$ میانگین متحرک مرتبه اول می‌باشد. همان گونه که مشاهده می‌شود، بدون

۱ - داده‌های ۱۳۳۸ تا ۱۳۸۲ از آمارهای سری زمانی هزینه ملی به قیمت‌های ثابت، و ارقام ۱۳۸۳ و ۱۳۸۴ تعدیل شده ارقام «دفاع» در چارچوب هزینه‌های مصرف نهایی دولت برحسب طبقه‌بندی مصرف دولتی بر حسب وظایف (COFOG) بانک مرکزی می‌باشند. شایان ذکر است که ارقام مربوط به هزینه‌های مصرف نهایی دولت و به عبارتی، مصرف خدمات جمعی در سیستم حسابهای ملی بنا به تعریف به خدماتی ارتباط دارند که به طور همزمان برای تمامی اعضای جامعه یا تمامی اعضای بخش خاصی از جامعه تهیه می‌شوند و در واقع، همان کالای عمومی (Public Goods) در نظریه اقتصادی می‌باشند. (اداره حسابهای اقتصادی، پیشین، ۶۷)

مقدار ثابت (عرض از مبدأ) که در معنی‌داری ضرایب برآوردی و آزمون اعتبار الگو اختلال ایجاد می‌کند، بر اساس آماره t (اعداد درون پرانتز)، کلیه ضرایب الگو در سطح ۹۵ درصد اطمینان معنی‌دار هستند. در همان حال، مطابق انتظار (مبنای نظری)، علامت جبری ضرایب مثبت است بجز ضریب متغیر مجازی جنگ که ضمن بزرگ بودن نسبی، منفی نیز می‌باشد. در این میان، اگرچه مقدار ضریب هزینه‌های نظامی ناچیز است اما تأثیری منفی بر رشد تولید ناخالص داخلی در مقطع ۴۶ ساله پیش و پس از پیروزی انقلاب اسلامی از خود نشان نداده است.

در این تحقیق، علاوه بر برآورد ضرایب الگوی ارائه شده، علیت دو به دوی گرنجری^۱ را نیز در میان مقادیر مطلق و همچنین تغییرات دو متغیر تولید ناخالص داخلی و هزینه‌های دفاعی کشور در مقطع پیش‌گفته بررسی کرده‌ایم.^۲ نتایج نشان می‌دهند که برای مقادیر مطلق، حساسیت چندانی نسبت به تعداد وقفه‌ها (۴، ۸، و ۱۲ وقفه) وجود ندارد اما تعداد وقفه‌ها در بررسی علیت گرنجری میان مقادیر تغییرات دو متغیر مورد بحث، نتایج را به طور چشمگیری تغییر می‌دهند، اگرچه در همان حال، نتیجه کلی دگرگون نمی‌شود. نتیجه علیت گرنجری با چهار وقفه، به صورت ذیل به دست آمده است:

Null Hypothesis:	Obs	F-Statistic	Probability
GDP does not Granger Cause ME	41	1.78658	0.15586
ME does not Granger Cause GDP		6.76662	0.00046

همان گونه که از نتیجه استنباط می‌شود، با استفاده از مقادیر مطلق نمی‌توان این فرضیه را رد کرد که تولید ناخالص داخلی علت هزینه‌های دفاعی کشور نمی‌باشد اما می‌توانیم فرضیه دوم را نپذیریم. به عبارت دیگر، مقدار هزینه دفاعی می‌تواند علت ایجاد تولید ناخالص داخلی باشد. نتیجه مزبور با توجه به پابرجا بودن در اعمال وقفه‌های مختلف، می‌تواند نسبتاً مورد اعتماد باشد.

1 - Pairwise Granger Causality

۲ - برای آگاهی از نمونه‌ای از مطالعات انجام شده در این زمینه از جمله ر.ک. به: (Al-Jarrah و Kalyoncu and Yucl, 2006).

جدول شماره ۱ - داده‌های اولیه استفاده شده در برآورد الگو (ارقام ریالی به قیمت‌های ثابت سال ۱۳۷۶ - میلیارد ریال)

سال	تولید ناخالص داخلی به قیمت بازار	کل سرمایه گذاری ناخالص	صادرات کالاها و خدمات	دفاع (در هزینه‌های مصرفی دولتی، بر حسب وظایف)	جمعیت شاغل (هزار نفر)
1338	46,433/3	10,885	14,736/3	1,040/4	6,246/9
1339	51,313/7	12,258	16,272/6	1,131/9	6,364/2
1340	54,897/7	13,997	18,245/0	1,096/7	6,483/7
1341	58,318/5	14,131	20,650/0	1,127/2	6,605/5
1342	61,846/0	13,980	22,744/1	1,237/6	6,729/6
1343	66,246/2	17,193	25,568/3	1,521/8	6,856/0
1344	76,962/2	21,864	29,758/1	1,998/5	6,984/8
1345	84,987/0	24,228	33,474/7	2,522/2	7,116/0
1346	94,018/7	26,451	38,903/4	3,172/7	7,432/8
1347	105,772/9	34,383	44,438/6	4,307/0	7,342/4
1348	119,424/3	36,391	52,578/3	5,511/8	7,270/1
1349	131,171/0	40,473	59,252/6	5,812/4	7,235/2
1350	148,196/0	39,465	69,449/2	4,382/2	7,337/3
1351	172,334/7	53,004	79,427/7	5,514/1	7,658/2
1352	181,871/1	46,958	88,540/9	6,742/4	7,800/6
1353	198,939/0	80,759	86,920/7	18,193/3	8,262/2
1354	210,385/6	111,075	78,035/9	21,095/9	8,746/3
1355	247,688/8	133,339	86,522/0	24,356/2	9,443/3
1356	244,467/3	138,388	79,730/4	21,833/4	9,926/5
1357	226,182/7	106,311	58,030/9	21,669/0	9,845/9
1358	210,069/1	77,558	45,218/9	9,793/0	9,621/0
1359	182,277/7	84,088	15,327/2	10,537/4	9,719/2
1360	172,801/7	75,040	13,689/8	18,303/7	9,678/6
1361	195,191/3	73,065	26,466/8	18,994/2	9,764/8
1362	219,801/4	97,495	32,260/3	19,008/2	10,725/9
1363	216,342/4	69,036	25,603/5	16,976/8	11,389/8
1364	220,810/1	60,793	23,189/6	17,951/4	11,611/3
1365	200,560/1	65,971	19,407/1	14,081/2	11,056/3
1366	197,744/8	77,413	28,327/3	14,999/5	10,801/7
1367	185,288/4	57,974	32,299/5	12,069/6	10,565/0
1368	196,735/5	69,968	34,866/0	9,580/2	10,829/3
1369	223,664/2	101,029	44,289/7	8,074/0	11,750/4
1370	251,833/2	127,568	51,879/8	6,935/3	13,096/6
1371	262,538/8	122,146	53,717/2	6,000/0	13,661/9
1372	258,401/8	90,176	62,001/9	5,292/4	14,016/4
1373	257,495/9	61,013	66,008/2	6,532/2	14,159/6
1374	264,326/5	80,171	52,265/6	6,296/3	14,220/7
1375	283,095/6	103,388	53,562/4	7,522/1	14,571/6
1376	292,677/9	104,620	51,006/6	8,615/5	14,803/0
1377	300,699/0	101,392	56,345/0	8,334/2	14,963/0
1378	306,513/9	103,229	57,515/9	8,026/6	15,177/0
1379	322,278/4	111,083	58,478/7	7,893/0	15,576/0
1380	334,104/5	108,525	57,393/0	8,552/0	16,917/0
1381	359,215/3	124,787	62,174/0	8,716/0	17,575/5
1382	384,772/0	146,867	69,120/0	9,519/0	18,259/6
1383	404,334/0	153,800	68,533/0	9,047/0	18,970/4
1384	423,207/9	160,361	73,221/3	9,461/0	19,708/8

۳- نتیجه‌گیری

با شکل‌گیری ارتش‌ها و دولتی شدن آنها، و حرفه‌ای شدن جنگ‌ها، انکای فعالیت‌های نظامی بر امکانات اقتصادی بسیار بیش از پیش شد، و تقاضای انبوهی که در اثر نیاز نظامیان به لباس و سلاح و ملزومات متحدالشکل ایجاد گشت، اقتصاد و صنوف تولیدی و اقتصادی را دگرگون ساخت. اما مبحث رابطه بین دفاع و رشد و توسعه اقتصادی بویژه از جنگ جهانی دوم به بعد، برای هر دو دسته کشورهای در حال توسعه و توسعه یافته مطرح، و با حادث شدن محدودیت‌های مالی کشورها، این موضوع از اهمیت بیشتری برخوردار گردید.

پیشینه تحقیق درباره رابطه بین دفاع و رشد و توسعه اقتصادی، با پژوهش پیشگامانه امیل - بنویت پیوندی گسست‌ناپذیر خورده است. ادبیات علمی در این قلمرو، از زمان بنویت به بعد به طور گسترده‌ای در دو جهت توسعه یافته است. نخست، نگرش تفصیلی‌تر به رابطه بین کل بار دفاعی و عملکرد رشد اقتصادهای در حال توسعه، و دوم، گشودن راهی جدید با ارزیابی منافع بهره‌وری متصور ناشی از تحقیق و توسعه دفاعی و همچنین سایر شکل‌های مخارج دفاعی در اقتصادهای در حال توسعه. درباره اثرات هزینه‌های نظامی بر رشد اقتصادی ادعاهای مختلفی مطرح شده است و برای اثبات هر کدام نیز به مطالعاتی تجربی استشهد شده است. در یک تقسیم‌بندی بسیار کلی می‌توان نتایج به دست آمده از مطالعات مزبور را به صورت ذیل دسته‌بندی نمود:

الف) مطالعاتی که منافع مثبت یافته‌اند و دیدگاه به اصطلاح کینزین نظامی را تأیید کرده‌اند.

ب) مطالعاتی که به تأثیری منفی دست یافته‌اند.

ج) مطالعاتی که به هر دو تأثیر مثبت و منفی دست یافته‌اند.

مطالعاتی که فعالیت‌های تحقیق و توسعه دفاعی و سایر فعالیت‌های مولد دفاعی مشابه را مورد بررسی قرار داده‌اند، غالباً دریافته‌اند که عنصر تحقیق و توسعه‌ای مخارج دفاعی و همچنین اثرات جانبی آن ممکن است تأثیری مثبت بر رشد داشته باشند، در عین حال که اثرات ازدحامی ناشی از آن ممکن است برای رشد اقتصادی زیانبار باشد و اثر کلی هزینه‌های

نظامی بر رشد اقتصادی را خنثی و یا حتی منفی کند.

با فهرست کردن مطالعات ارزشمند درباره تأثیر هزینه‌های نظامی بر رشد از اوایل دهه ۱۹۷۰ تاکنون باید اذعان کنیم که پژوهشگران این حوزه، از الگوهای مختلف و انواع برآوردکننده‌ها و انواع نمونه‌ها و انواع داده‌ها استفاده کرده‌اند و شاید به همین دلیل نتایجی بسیار متفاوت گرفته‌اند. البته برخی تحقیقات حتی با روش‌شناسی یکسان نیز نتایجی متفاوت در پی داشته‌اند. این اختلافات در خود ادبیات رشد فراوان است تا چه رسد به نقش هزینه‌های نظامی در آن. به گفته برخی، تجربه نشان داده است که هزینه‌های دولت اثری اندک بر رشد داشته‌اند و از این رو، درباره یکی از عناصر این هزینه‌ها - یعنی هزینه‌های نظامی - نمی‌توان ادعای تأثیر چشم‌گیر داشت.

مطالعات متعددی، تأثیر عوامل توضیح‌دهنده رشد اقتصادی ایران را بررسی تجربی کرده‌اند. اما مطالعات اندکی در کشور، رابطه بین مخارج دفاعی و رشد اقتصادی ایران را بررسی کرده‌اند. این مطالعات اندک نیز بعضاً به نتایجی ناسازگار با یکدیگر دست یافته‌اند. در تحقیق حاضر، در صدد بودیم که به ارزیابی مقداری صحت این فرضیه ادعا شده بپردازیم که «هزینه‌های دفاعی، تأثیری منفی بر رشد اقتصادی ایران بر جای می‌گذارد».

همانند بیشتر مطالعاتی که در این متن برشمرده شده‌اند، الگوی مورد استفاده پژوهش حاضر مبتنی بر الگوی نئوکلاسیک رشد و حاصل تغییر در تابع تولید ملی بوده است. ضرایب برآورد شده با استفاده از آمار جمعیت شاغل و رشد داده‌های سری زمانی ۸۴-۱۳۳۸ به قیمت‌های ثابت ۱۳۷۶ با روش حداقل مربعات معمولی متضمن میانگین متحرک مرتبه اول نشان می‌دهند که افزایش هزینه‌های دفاعی تأثیری منفی بر رشد اقتصادی کشور برجای نمی‌گذارد، بلکه یک درصد افزایش این هزینه‌ها، ۰/۰۵ درصد به تولید ناخالص داخلی واقعی می‌افزاید. البته داده‌های موجود، هزینه‌های مصرفی دولت در بخش دفاع را در بر دارند و میزان ریالی فعالیت‌های اقتصادی و سازندگی نیروهای مسلح را کماکان، مشاهده نشده باقی می‌گذارند. در یک نتیجه‌گیری کلی تحقیق مورد بحث می‌توان چند نکته را به صورت ذیل مطرح نمود:

۱ - مخارج دفاعی، بویژه در بخشی که در حوزه مصرفی دولت به صورت رسمی

- گزارش شده است، بر رشد اقتصادی ایران، تأثیر منفی بر جای نمی‌گذارد.
- ۲ - با توجه به هدف و مأموریت و علت وجودی نیروهای مسلح و با توجه به مقدار تأثیر مثبت سنجیده شده، این ایده که هزینه‌های نظامی را اساساً و انحصاراً در جهت رشد اقتصادی سامان‌دهی کنیم و با معیار رشد، کارآیی فعالیت‌های دفاعی را بسنجیم، ایده‌ای مورد تأمل و احیاناً انحرافی است. کارآیی و اثربخشی هر فعالیتی، با توجه به هدف آن فعالیت، ارزیابی می‌شود و مسلماً فایده اقتصادی، هدف غایی نیروهای مسلح نیست تا با آن معیار ارزیابی نهایی شوند.
- ۳ - بررسی پژوهش‌های انجام شده در باره نقش هزینه‌های دولتی در رشد اقتصادی کشورها نشان می‌دهد که نتایج حاصل در کل این قلمرو، در کشورهای مختلف و در دوره‌های متفاوت، یکسان نیستند و تفصیل‌بردار می‌باشند. با توجه به این که هزینه‌های دفاعی نیز یکی از عناصر هزینه‌های دولتی کشورمان هستند، به ناچار برخی تأثیرات کلی هزینه‌های دولتی را با خود به همراه دارند و تأثیرات مزبور بعضاً اختصاص به بخش دفاع ندارند و البته مشمول برخی ابهام‌ها در حوزه آنها نیز می‌باشند.

منابع

- ۱ - ابریشمی، حمید؛ و رضا محسنی (زمستان ۱۳۸۱). "نوسانات صادرات نفتی و رشد اقتصادی". در فصلنامه پژوهش‌های اقتصادی ایران. ش ۱۳.
- ۲ - اداره بررسیها و سیاستهای اقتصادی (۱۳۸۰). خلاصه تحولات اقتصادی کشور ۱۳۷۹. بانک مرکزی جمهوری اسلامی ایران.
- ۳ - اداره حساب‌های اقتصادی بانک مرکزی جمهوری اسلامی ایران (۱۳۸۵). آمارهای اقتصادی برحسب SNA93.
- ۴ - اکبری، محمدرضا؛ و حسین کریمی هسنیجه (مرداد و شهریور ۱۳۷۹). "تأثیر رشد صادرات بر رشد اقتصادی و تشکیل سرمایه". در مجله برنامه و بودجه، ش ۵۲ و ۵۳.
- ۵ - امینی، علیرضا؛ و مجید نهاوندی؛ و مسعود صفاری‌پور (آبان و آذر ۱۳۷۷). "برآورد آمارهای سری زمانی اشتغال و موجودی سرمایه در بخشهای اقتصادی ایران". در مجله برنامه و بودجه، ش ۳۱ و ۳۲.
- ۶ - بافر، جان؛ و انور شاه (دی ۱۳۷۷). "بهره‌گیری مخارج عمومی، گزینش‌های تخصیص بخشی و رشد اقتصادی". ترجمه پیمان قربانی و همایون خاتمی. در مجله برنامه و بودجه، ش ۳۳.
- ۷ - بکر، گاری؛ و ادوارد گلیزر؛ و کوین مورفی (بهار و اسفند ۱۳۷۹). "جمعیت و رشد اقتصادی". ترجمه مازیار صالحی. در مجله برنامه و بودجه، ش ۵۸ و ۵۹.
- ۸ - بیضایی، سیدابراهیم (بهار و تابستان ۱۳۸۰). "رابطه بین مخارج نظامی و برخی متغیرهای اقتصادی در ایران (۱۳۵۱-۱۳۶۶)". در فصلنامه علوم انسانی دانشگاه الزهراء (س)، سال یازدهم، شماره ۳۷ و ۳۸.
- ۹ - پایگاه‌های اینترنتی بانک مرکزی جمهوری اسلامی ایران و مرکز آمار ایران.
- ۱۰ - پورفرج، علیرضا (بهار و تابستان ۱۳۸۳). "بررسی اثر تأمین مالی اندازه دولت بر رشد اقتصادی در ایران". در فصلنامه پژوهش‌های اقتصادی، سال چهارم، شماره یازدهم و دوازدهم.
- ۱۱ - تازی، فتح...؛ و نسرتین اوزرومیچیلر (تابستان ۱۳۸۱). "بررسی نقش و تأثیر هزینه‌های آموزش رسمی بر رشد اقتصادی در ایران طی سال‌های ۱۳۴۲-۱۳۷۷". در فصلنامه پژوهش‌های اقتصادی ایران. ش ۱۱.
- ۱۲ - توکلی، اکبر؛ و فرزاد کریمی (بهار ۱۳۷۶). "تأثیر رشد صادرات کالاها و خدمات بر رشد تولید ناخالص داخلی کشور (۱۳۷۲-۱۳۳۷)". در فصلنامه پژوهش‌ها و سیاست‌های اقتصادی، سال پنجم، شماره ۱ (پیاپی ۷).
- ۱۳ - جعفری صمیمی، احمد (تابستان و پائیز ۱۳۷۱). "بررسی روند و اثرات اقتصادی مخارج نظامی در کشورهای مختلف جهان". در مجله سیاست خارجی. شماره ۳ و ۲.
- ۱۴ - دگر، سعادت (۱۳۷۴). تحلیل اقتصادی هزینه‌های نظامی در جهان سوم. ترجمه حسین درزی نوگورانی. انتشارات دانشگاه امام حسین (ع).

- ۱۵ - رحمانی، تیمور؛ و حسین عباسی‌نژاد؛ و میثم امیری (تابستان ۱۳۸۶). "بررسی تأثیر سرمایه اجتماعی بر رشد اقتصادی ایران؛ مطالعات موردی: استان‌های کشور با روش اقتصادسنجی فضایی". در فصلنامه پژوهش‌های اقتصادی، سال ششم، شماره دوم.
- ۱۶ - رعیت، کیومرث (۱۳۷۸). "تأثیر مخارج نظامی بر رشد اقتصادی کشورهای در حال توسعه؛ با تأکید بر ایران". پایان‌نامه کارشناسی ارشد علوم اقتصادی دانشکده علوم انسانی و اجتماعی بابل.
- ۱۷ - عسلی، مهدی؛ و عباس ولدخانی؛ و یدا... ابراهیمی فر (بهار و اسفند ۱۳۷۷). "رشد اقتصادی، الزامات سیاسی و ثبات سیاست‌های اقتصادی: مطالعه‌ای براساس شاخص‌های کلان اقتصادی گروه کشورهای منتخب". در مجله برنامه و بودجه. ش ۳۴ و ۳۵.
- ۱۸ - عظیمی، علیرضا (آذر و دی ۱۳۷۹). "بررسی اثرهای صادرات غیرنفتی بر رشد اقتصادی در ایران". در مجله برنامه و بودجه. ش ۵۶ و ۵۷.
- ۱۹ - عمادزاده، مصطفی؛ و رحمان خوش‌اخلاق؛ و مسعود صادقی (اردیبهشت و خرداد ۱۳۷۹). "تغش سرمایه انسانی در رشد اقتصادی". در مجله برنامه و بودجه. ش ۴۹ و ۵۰.
- ۲۰ - فلیحی، نعمت (تابستان ۱۳۸۰). "بررسی اثر مخارج دفاعی بر رشد اقتصادی ایران با تأکید بر جنگ تحمیلی عراق و ایران". در فصلنامه مطالعات دفاعی و امنیتی، سال هشتم، شماره ۲۷.
- ۲۱ - گرجی مهلبانی، حمزه‌علی (۱۳۸۰). "تحلیل تطبیقی تأثیر هزینه‌های نظامی بر رشد و توسعه اقتصادی جمهوری اسلامی ایران". پایان‌نامه کارشناسی ارشد اقتصاد دفاع پژوهشکده علوم دفاعی دانشگاه امام حسین (ع).
- ۲۲ - مردوخی، ژیان (فروردین ۱۳۷۸). "بررسی رابطه تورم و رشد در اقتصاد ایران: تحلیلی آماری به روش اقتصادسنجی". در مجله برنامه و بودجه. ش ۳۶.
- ۲۳ - نظیفی، فاطمه. "توسعه مالی و رشد اقتصادی در ایران". در پژوهش‌نامه اقتصادی.
- 24 - Abu-Badr, Suleiman ; and A. S. Abu-Qran (2003). **"Government Expenditures, Military Spending and Economic Growth : Causality Evidence Form Egypt, Israel and Syria"**. in Journal of Policy Modeling 6-7 23.
- 25 - Aizenman, Joshua; and Reuven Glick (March 19, 2003). Military Expenditure, Threats, and Growth. www.frbsf.org/publications/economics/papers/2003/wp03-08bk.pdf.
- 26 - Alexander Volkov (1998). Long Run and Short Run Effects of Government Expenditures on Economic Growth_Are there Lessons for Ukraine. www.eerc.kiev.ua/research/matheses/1998/Volkov_Alexander/body.pdf.
- 27 - Al-Jarrah, Mohammed A. (-). Defense Spending and Economic Growth: A Causal Analysis for an Oil-Rich Country, Saudi Arabia. www.dr-aljarrah.com/ds.pdf.
- 28 - Alptekin, Aynur (June 2005). Economic Growth and Military Expenditure. carecon.org.uk/Conferences/Conf2005/Abstracts/Alptekin.pdf.
- 29 - Benoit, E. (1973). Defence and Economic Growth in Developing Countries. Lexington Books.
- 30 - Benoit, E. (1978). **"Growth and Defence in Developing Countries"**. in Economic Development and Cultural Change, Vol. 26.
- 31 - Bose, Niloy; and M. Emranul Haque; and Denise R. Osborn (2007). **"Public**

- Expenditure and Economic Growth_A Disaggregated Analysis for Developing Countries***". in Manchester School, Vol. 75, No.5.
- 32 - Coetzee, C.E. (2002). South African Defence Expenditure in The 20th Century. <http://129.3.20.41/eps/othr/papers/0205/0205003.pdf>.
- 33 - Dakurah, H.; and S. Davies; and R. Sampath (2001). ***"Defense Spending and Economic Growth in Developing Countries: a Causality Analysis"***. in Journal of Policy Modelling, Vol. 23.
- 34 - Deger, Saadet; and Ron Smith (June 1983). ***"Military Expenditure and Growth in Less Developed Countries"***. in The Journal of Conflict Resolution ,27.
- 35 - Dunne, J. Paul; and Eftychia Nikolaidou. (2005) (October 2005). Military Spending and Economic Growth in Greece, Portugal and Spain. in Frontiers in Finance and Economics Journal, 2(1).
- 36 - Dunne, John; and Ronald Smith; and Dirk Willenbockel (2005). ***"Models of Military Expenditure and Growth: A Critical Review"***. in Defence and Peace Economics, Vol. 16, issue 6.
- 37 - Eatwell, John; and Others (1987). The New Palgrave; A Dictionary of Economics. Macmillan Press Ltd. .
- 38 - Erdogdu, Oya Safinaz (2006). Political Decisions, Defence and Growth. mpra.ub.uni-muenchen.de/2520/1/MPRA_paper_2520.pdf.
- 39 - Frederiksen, P.C.; and Robert McNab (December 2001). ***"The Relationship between Defence Spending and Economic Growth: A Granger Causality Analysis for Malaysia, 1961 to 1999"***. in STRATEGI: Journal of Strategic Studies and International Relations 9.
- 40 - Halicioglu, F. (September 6-9 , 2003). ***"An Econometric Analysis of the Effects of Aggregate Defense Spending on Aggregate Output"***. METU International Conference in Economics / VII, Ankara, Turkey.
- 41 - Hartley K.; and T. Sandler (1995). Handbook of Defense Economics, Vol. 1. Elsevier.
- 42 - Kalyoncu, Huseyin; and Fatih Yucel (2006). ***"An analytical approach on defense expenditure and economic growth: the case of Turkey and Greece"***. in Journal of Economic Studies, Vol. 5, No. 33.
- 43 - Khan, Mahmood-ul-Hasan (December 2004). Defence Expenditure and Macroeconomic Stabilization: Causality Evidence from Pakistan. State Bank of Pakistan Working Paper No. 6.
- 44 - Morrissey, Oliver (2000). Government Spending and Economic Growth in Tanzania, 1965-1996. www.nottingham.ac.uk/economics/credit/research/papers/cp.00.6.pdf.
- 45 - Oxford Economic Forecasting (2004). The Economic Contribution of BAE Systems to the UK and Implications for Defence Procurement Strategy. www.oef.com/Free/pdfs/BAEFinalReport.pdf
- 46 - Powell, Kristiana (2004). The Impact of Arms Transfers on Sustainable

Development: A Review of the Literature. <http://www.ploughshares.ca/libraries/WorkingPapers/wp043.pdf>.

- 47 - Sandler, T.; and K. Hartley (1995). *The Economics of Defense*. Cambridge University Press.
- 48 - Smith, Ron; and J. Paul Dunne (2004). *Military Expenditure, Growth and Investment*. [carecon.org.uk/Armsproduction/Papers/MEI and Gnew.pdf](http://carecon.org.uk/Armsproduction/Papers/MEI%20and%20Gnew.pdf).
- 49 - Stroup, Michael D.; and Jac C. Heckelman (Nov 2001). ***“Size of The Military Sector and Economic Growth: A Panel Data Analysis of Africa and Latin America”***. in *Journal of Applied Economics*, Vol. IV, No. 2.
- 50 - Wilkins, Nigel (February 2004). *Defence Expenditure and Economic Growth: Evidence from a Panel of 85 Countries*. cama.anu.edu.au/macroworkshop/Nigel%20Wilkins.pdf.
- 51 - Yidirim, Julide, and salami Sezgin; and Nadir Ocal (August 2005). ***“Military Expenditure and Economic Growth in Middle Eastern Countries: A Dynamic Panel Data Analysis”***. In *Defence and Peace Economics*, Vol. 16, No. 4.
- 52 - Yildirim, Julide; and Selami Sezgin (2003). ***“Military Expenditure and Employment in Turkey”***. in *Defence and Peace Economics*, Vol. 14, No.2.

اقتصاد و هژمونی: تأثیر بحران اقتصادی بر جایگاه جهانی آمریکا

ایوب پورقیومی^۱

تاریخ دریافت مقاله: ۸۹/۲/۲۰

تاریخ تأیید مقاله: ۸۹/۴/۱۵

صفحات مقاله: ۸۹-۱۱۳

چکیده

تلاش آمریکا برای تسری قواعد داخلی آن کشور به حوزه نظام بین‌الملل و مخالفت بازیگرانی چون کشورهای اروپایی، چین و روسیه باعث شده که این روند به سایر کشورها نیز منتقل گردیده و سطح جدیدی از تعارض در پیرامون بوجود آمد و در شرایط موجود آمریکا به تنهایی قادر به اتخاذ تصمیم نهایی در رابطه مسائل و موضوعات پیچیده جامعه بین‌المللی نباشد. با نگاهی به روند، سطح و میزان هژمونی اقتصادی ایالات متحده در اقتصاد جهانی مشاهده خواهیم کرد که شاخصه‌های اقتصادی این کشور به تدریج ضعیف تر گردیده است. چالش دیگر برای هژمونی آمریکا رقابت سرسخت اقتصادی آسیایی و اروپایی هستند که با آمریکا رقابت جدی دارند و با توجه به شرایط موجود و بحران مالی پیش آمده، در صورت بهره برداری درست از این وضعیت می‌توانند شرایط را به سود خود تغییر دهند. تاریخ ظهور بازیگران هژمون و قدرت‌های سلطه‌گر نشان می‌دهد که هیچ کشوری بدون قابلیت اقتصادی نتوانسته است به قدرت هژمونیک نائل و یا بدون برخورداری و بهره‌گیری از قدرت اقتصادی قابل ملاحظه جهان را رهبری نموده و یا حتی یک قدرت بزرگ باقی بماند.

* * * * *

کلید واژگان

هژمونی، اقتصاد، نظریه‌ی ثبات هژمونیک، رئالیسم تهاجمی، بحران مالی آمریکا.

۱ - کارشناس ارشد مطالعات استراتژیک و مدرس دانشکده شهید مطهری، دانشگاه افسری امام حسین (ع).

مقدمه

هژمونی به عنوان یک نظریه قابل توجه در عرصه بین‌المللی، مورد توجه برخی اندیشمندان، نظریه پردازان و سیاستمداران بوده و هر کدام به گونه‌ای آن را مورد مطالعه قرار داده‌اند. این واژه به معنی سرکردگی است و امریکا با توجه به برتری قابل توجه بر رقیب در مولفه‌های نرم افزاری و سخت افزاری تلاش می‌کند در این فضا و در غیاب قدرت رقیب جدی در عرصه بین‌الملل، از برتری‌های خود برای کنترل روابط کشورها استفاده و خود را به عنوان ثبات دهنده واحد در عرصه بین‌المللی مطرح نموده و حکمرانی مطلق در این وادی داشته باشد.

اینکه هژمونی چیست و از چه زمانی وارد ادبیات بین‌الملل شد؟ چه برداشتهایی از آن در میان نظریه پردازان به وجود آمد؟ مبانی هژمون‌گرایی امریکا و چالش‌های آن چیست؟ بحران اقتصادی اخیر چه تأثیری بر جایگاه جهانی امریکا داشته است؟ پرسشهایی هستند که این مقاله در صدد پاسخگویی به آنهاست.

مفهوم هژمونی در حوزه اندیشه‌های سیاسی

اگرچه قبلاً افراد دیگری چون پلخانوف، لنین و مارتوف واژه هژمونی را به کار برده‌اند، (پورقیومی، ۱۳۸۷: ۲۷-۲۸) اما این واژه بیشتر با نام آنتونیو گرامشی^۱ مانوس است. از نگاه او فرایند هژمونی، فرایند تثبیت موقت هویتها بوده که طبقات و نیروهای اجتماعی را که مجموعه‌هایی متزلزل هستند، به طور موقت منسجم می‌کند. (laclao, 1989: 53-57) هژمونی در بردارنده تولید معنا و اندیشه برای کسب و تثبیت قدرت و تبدیل آن به حقیقت است و سلطه را به جای زور بر اندیشه و اقناع مبتنی می‌کند؛ همچنین دستگاههای ایدئولوژیک را بر دستگاههای اجبار مقدم داشته و می‌کوشد تا با کسب رضایت و اجماع مردم، نظام هژمونیک را

۱ - گرامشی (Gramsci) (۱۸۹۱-۱۹۳۷) تئورسین سیاسی مارکسیست، و از رهبران و بنیان‌گذاران حزب کمونیست ایتالیا بود.

از مقبولیت برخوردار سازد. (howarth, 2000:4) گرامشی گاهی برای توصیف هژمونی، آن را گونه‌ای رهبری اخلاقی، فرهنگی و فقهی توصیف کرده که می‌تواند یک نیروی متحد سیاسی را به وجود آورد. تلاش نیروهای سیاسی برای تثبیت سلطه از راه گسترش گفتمان‌های معین، «اعمال هژمونیک» نامیده می‌شود. زمینه اعمال هژمونیک حوزه اجتماعی خصمانه و نیروها و پروژه‌های مختلفی است که با هم در نزاع و رقابت بوده و می‌کوشند تا نیروهای اجتماعی را به خود جذب کرده و گفتمان‌های مورد نظر خود را تحمیل کنند. اگر یک گفتمان بتواند بر دیگر گفتمان‌ها چیره شده و ذهن و اندیشه عامل‌های اجتماعی را در اختیار بگیرد و از این راه، هویت، رفتار و فعالیت‌های اجتماعی آنان را تحت تأثیر قرار دهد به گفتمان هژمونیک در جامعه تبدیل شده است. (حسینی زاده، ۱۳۸۶: ۲۲)

در وضعیت هژمونی طبقه مسلط، توانسته است سایر طبقات را به پذیرفتن ارزش‌های اخلاقی، سیاسی و فرهنگی خود ترغیب کند. گرامشی دو گونه متفاوت از کنترل اجتماعی را توصیف می‌کرد: یکی کنترل اجباری که از طریق اعمال زور مستقیم یا تهدید به آن اعمال می‌شود و زمانی که درجه رهبری هژمونیک دولت پایین آمده یا شکننده شده به آن نیاز دارد؛ دوم کنترل مبتنی بر رضایت طرفین که زمانی ظاهر می‌شود که جهان بینی گروه غالب پذیرفته شده است. وی هژمونی را به سازه‌هایی مانند چاره‌گری‌های فرهنگی، سیاسی، اقتصادی و یا رویکردهای نهادهای اجتماعی (اعم از دولتی یا غیر دولتی) اطلاق می‌کند که «مردم را به جای سرکوب، از راه اجماع به قدرت حاکم پیوند می‌دهد». (ایگلتون، ۱۳۸۱: ۱۸۱) حالت اقتدار گرایانه نظام هژمون، پیرامون غلبه مستقیم و زور گویی به دول ضعیف و درجه دوم دور می‌زند، اما نظام هژمونی می‌تواند سیاست‌های زورگویانه کمتری داشته و بیشتر از سر خیرخواهی، عمل کند و در اطراف مفاهیم روابط دو جانبه، مبتنی بر رضایت طرفین و نهادینه شدن، سازماندهی شود. می‌توان سه نوع مکانیسم را برای توضیح استمرار مکانیسم نظام هژمونی ارائه کرد. اولین مکانیسم، سلطه تحمیلی است. در این حالت، کشورهای ضعیف و درجه دوم از موقعیت زیر دست بودن خویش ناراضی هستند و فعالانه می‌کوشند تا در صورت امکان این تسلط را براندازند. اما توزیع نیروی مسلط، قابلیت‌های ناکافی در اختیارشان نهاده و

قادر به مقابله با کشور سلطه‌جو نمی‌باشند. این نوع تشکیلات سیاسی، عملاً یک نظام امپراطوری غیر رسمی می‌باشد. نوع دوم از نظم هژمونیک را می‌توان با حداقل اشتراک منافع طرفین استوار کرد. کشور سلطه‌جو می‌تواند خدماتی را به کشورهای زیر دست ارائه دهد به شکلی که آنان تمایلی به براندازی نظام موجود نشان ندهند. سرانجام اینکه، نظام هژمونی ممکن است حتی بیشتر و کاملتر نهادینه شده و با توافق و رضایت طرفین و فرآیند دو طرفه تعامل سیاسی همراه و سلسله مراتب قدرت کاملاً شفاف گردد. در این صورت یک هژمونی لیبرال حاصل خواهد شد. هر گاه هژمونی حالتی خیرخواهانه به خود گیرد و اعمال قدرت آن واقعا محدود گردد، نظام حاصله با شدت کمتری توزیع قدرت زیربنایی را منعکس می‌نماید. (Princeton University Press, 2001) تفاوت‌هایی که در خصوصیات هژمونی مشاهده می‌شود به تفاوت در این معنا می‌انجامد که چرا کشورهای درجه دوم و ضعیف در یک نظام هژمونی تحمیلی تمایلی به تقابل و توازن در برابر کشور سلطه‌گر نشان نمی‌دهند. این کشورها در اینگونه نظام، اصولاً قابلیت مقابله را ندارند و غلبه و استیلا خود مانع ایجاد یک سیستم توازن قواست. در نظام‌های هژمونی ملایم و مبتنی بر رضایت طرفین که در آنها محدودیت‌های مکفی بر قدرت سلطه‌گر اعمال می‌شود، از ارزش مقابله با قدرت مسلط کاسته می‌شود. اگرچه مقابله و توازن همچنان انتخاب کشورهای ضعیف‌تر است، اما طبع ملایم و محدودیت‌های نهادی قدرت هژمون، انگیزه آنها را از میان می‌برد. (ایکنبری، ۱۳۸۲: ۲۵-۲۷)

گرامشی هژمونی را سلطه توأم با رضایت می‌داند. بدین صورت که، طبقه حاکم، ارزش‌ها و علایق خود را در کانون فرهنگ مشترک و خنثی ارائه می‌کند و طبقات دیگر با پذیرش آن فرهنگ مشترک، در سرکوب خودشان، همدست طبقه حاکم می‌شوند و حاصل کار نوعی سلطه نرم و مخملی است (برتنز، ۱۳۸۲: ۲۶) از نظر وی برتری و تفوق به دو شیوه متجلی می‌شود، یکی به شکل سلطه و دیگری به شکل رهبری فکری و اخلاقی. بنابر این روشنفکران و هدایت‌کنندگان افکار عمومی به گونه‌ای تلاش می‌کنند تا منافع حکام، از طرف حکومت شوندگان به عنوان منافع خودشان و یا منافع عمومی اجتماعی مورد قبول، قرار گیرد. به همین منظور، طبقه حاکم تلاش می‌کند تا با کمک ابزارهای فرهنگی-ایدئولوژیک

هژمونی (از قبیل وسایل ارتباط جمعی و موسسه‌های فکرسازی) موافقت حکومت شونندگان را سازماندهی کند. وی مشخصه اصلی اعمال هژمونی راترکیبی از زور و رضایت می‌داند به نوعی که این دو عنصر یکدیگر را تعدیل می‌کنند و همواره تلاش می‌شود که این اطمینان ایجاد شود که زور اعمال شده، مبتنی بر رضایت اکثریت است. این رضایت، اغلب توسط ارگان‌های افکار عمومی، روزنامه‌ها و تشکل‌ها و... اعلام می‌شود. (Gramsci, 1971: 8) قدرت‌های هژمونیک معمولاً از توان خود برای ایجاد مجموعه‌ای از ساختارهای سیاسی و اقتصادی و هنجارهای رفتاری، که باعث پیشبرد ثبات در نظام می‌شود، استفاده می‌کنند و در عین حال این ساختارها و هنجارها امنیت را در کشورهای هژمونیک تقویت می‌کنند. (اس.لوی، ۱۳۷۷: ۱۱۷-۱۱۸)

«جوزف نای»^۱ هژمونی را موقعیتی می‌داند که در آن؛ یک کشور به اندازه‌ای قدرتمند است که بر روابط بین کشورها حکومت کند و قصد چنین کاری را نیز داشته باشد. (Brilmayer, 1994: 14) بر اساس این دیدگاه نظم بین‌الملل از برتری قدرت حاصل می‌شود نه از موازنه و تداوم نظم ایجاد شده توسط قدرت مسلط برای حفظ ثبات ضروری است. (امینیان، ۱۳۸۶: ۳۱-۳۲) بنابراین اینکه یک قدرت بتواند به واسطه برتری در مؤلفه‌های سیاسی، اقتصادی، نظامی، فرهنگی و... به تنهایی روابط بین‌الملل را کنترل نماید، امری است که خمیرمایه اصلی نظام هژمونیک را تشکیل می‌دهد.

ابعاد و ملزومات هژمونی

هژمونی دارای دو بعد مادی و غیرمادی است. برداشت مادی، هژمونی را با توزیع به خصوصی از منابع مادی برابر دانسته و معتقد به وجود یک دولت مشخص و مسلط است. (Krasner, 1976: 47) توزیع تک قطبی قدرت به خودی خود برای برقراری هژمونی کافی نیست،

۱ - جوزف نای (Joseph S. Nye Jr) یکی از نظریه پردازان نامی در حوزه سیاست بین‌الملل، عضو تحریریه پژوهشگاه مرکز بلفر وابسته به دانشگاه جان اف کندی، دستیار سابق وزیر دفاع آمریکا و استاد دانشگاه هاروارد.

بلکه باید تا حد زیادی موافقت دیگر قدرتهای بزرگ نیز وجود داشته باشد. در یک نظم هژمونی، رهبر باید پیروانی داشته باشد و هرچه این پیروان ارزش‌ها و اهداف مشترک بیشتری داشته باشند، نظم هژمونی پایدارتر خواهد بود. (ایکنبری، ۱۳۸۲: ۲۷۳) برخی دانشمندان بر ساختار اقتصادی جهانی تاکید می‌کنند در حالی که برخی دیگر، معتقدند دولت برای احراز شرایط هژمونی باید بر توزیع قدرت نظامی و اقتصادی مسلط باشد. عده‌ای دیگر هم معتقدند هژمونی، فراتر از توزیع منابع اقتصادی یا نظامی است. هژمونی، تنها شامل قدرت مادی نیست، بلکه اهداف اجتماعی را نیز می‌طلبد. چالز کیندلبرگر، معتقد است که کشور پیشناز باید عملکرد قدرتمند یک نظم آزاد اقتصادی را برای تضمین یک نتیجه حیاتی به عهده بگیرد (Kindleberger, 1973). یک دولت هژمونیک قدرت شکل دهی به قوانین بازی بین‌المللی بر طبق ارزش‌ها و منافع خود را دارد، البته توزیع هژمونیک قدرت همیشه نتایج مشابه بین‌المللی ایجاد نمی‌کند، بلکه نتایج بستگی به اهداف و اولویتهای خاص دولت دارای سلطه دارد. شرط دوام هژمونی در این است که قلدرانه و صیادانه و تنها به نفع دولت مسلط نبوده و رضایت سایر بازیگران را نیز جلب نماید. می‌توان گفت هژمونی زمانی بهتر عمل می‌کند که کمتر در دید باشد و دیگران بطور عادی آن را بپذیرند. بروس کامینز معتقد است «هژمونی اگر غیر مستقیم، جمعی، چند بعدی و مبتنی بر مصالحه باشد بیشترین تأثیر را دارد و اگر به جای رهبری مشروع جهانی، شکل سلطه داشته باشد، نتیجه عکس خواهد داشت». توانایی منابع مادی، اهداف اجتماعی، کنترل نتایج بین‌المللی حائز اهمیت برای دولت مسلط، و رضایت و پذیرش مستقیم توسط دیگر دولت‌ها از ملزومات هژمونی هستند. ضمن اینکه باید توجه داشت که توانایی کنترل نتایج بین‌المللی به معنی کنترل همه نتایج بین‌المللی در همه زمانها نیست، اما در یک ساختار هژمونی باید گروهی از نتایج بین‌المللی را که با اهداف و اولویتهای دولت مسلط همخوانی دارد شناسایی گردیده و دولت مسلط حتی اگر در تمام مناقشات غالب نباشد باید در تعیین قوانین بازی نقش کلیدی داشته باشد. نکته دیگر اینکه رضایت نسبی دیگر دولتها به معنی اشتیاق بی حد و تمایل عامه به نظم هژمونی نیست. (ایکنبری، ۱۳۸۲: ۲۷۵-۲۷۸) پایدارترین نوع هژمونی آن است که برای رهبری دولت مسلط و اهداف اجتماعی آن رضایت عمومی وجود داشته باشد.

کاربرد هژمونی در ادبیات بین‌الملل

در دهه‌های ۵۰ و ۶۰ که بیشتر دانشمندان سیاسی آن را بالاترین نقطه هژمونی ایالات متحده می‌دانند، واژه هژمونی به نحوی طنز گونه به ندرت در ادبیات ارتباطی بین‌المللی، ظاهر شد. سپس در دهه ۷۰ یعنی در زمانی که بسیاری از دانشمندان سیاسی آمریکا، مسئله هژمونی افول‌کننده را مطرح ساختند، کاربرد بیشتری یافت و هژمونی و در سال‌های دهه ۸۰ ثبات هژمونیک به کانون موضوعات مربوط به روابط بین‌الملل تبدیل شد. (ایکنبری، ۱۳۸۲: ۲۷۵)

برخی محققان مثل «رابرت کاکس»^۱ و «استفن گیل»^۲ بحث هژمونی را تقریباً با همان لوازمی که مورد توجه گرامشی بود در سطح بین‌الملل، مورد پردازش قرار دادند، اما اشخاص دیگری مثل «رابرت گیلپین»^۳، «رابرت کوهین»^۴ و «ایمانوئل والرشتاین»^۵ با ادبیاتی نسبتاً متفاوت از گرامشی، مساله هژمونی را در روابط بین‌الملل و به طور مشخص در اقتصاد سیاسی بین‌الملل مورد تجزیه و تحلیل قرار دادند که آن را در قالب دو برداشت (قنبرلو، ۱۳۸۵: ۸۷۱-۸۶۰) زیر مورد بررسی قرار می‌دهیم:

الف) برداشت مارکسیستی

این نگاه به مفهوم هژمونی در اقتصاد سیاسی، تحت تأثیر مفروضه‌های مارکس، درباره سرمایه داری است لذا همان نیروهایی که مبارزه طبقاتی و توسعه نابرابر را به وجود می‌آورند، اقتصاد سیاسی جهانی را تحت تأثیر قرار می‌دهند. مارکسیست‌ها در تحلیل هژمون پیش از هر چیز، بستر طبقاتی آن را مد نظر قرار می‌دهند. دو نحله قابل توجه از مارکسیست‌هایی که در باب هژمونی در عرصه جهانی تئوری پردازی کرده‌اند عبارتند از: «سیستم جهانی»^۶ و «نوگرامشینیسم»^۱ که از شاخص‌ترین

1 - Robert w. cox

2 - Stephen gill

3 - Robert Gilpin

4 - Robert o. koehane

5 - Immanuel Wallerstein

6 - World-System

نمایندگان آنها به ترتیب می‌توان به ایمانوئل والرشتاین و رابرت کاکس، اشاره کرد.

(ب) برداشت رئالیستی - لیبرالیستی

تعریف این دو جریان^۲ از هژمونی تقریباً مشترک بوده و بیشتر بر عناصر ملموسی چون قدرت اقتصادی و نظامی تأکید دارند. از نظر اینها در سیستم هژمونیک، توزیع قدرت به گونه‌ای نابرابر است که یک دولت ابرقدرت، نقش هژمون را بازی میکند. دو تن از شاخص‌ترین نمایندگان این گروه، رابرت گیلپین و رابرت کوهین هستند.^۳ اینها هژمونی را با رویکردی دولت-ملتی در مباحث مربوط به اقتصاد سیاسی بین‌الملل مورد استفاده قرار داده و نقش ویژه‌ای برای قابلیت‌های اقتصادی دولت هژمون قائلند.

نظریه‌ی ثبات هژمونیک

«نظریه‌ی ثبات هژمونیک»^۴، اقتصاد بین‌المللی لیبرال را که بر آزادی تجارت بین‌الملل تمرکز دارد، با اتکا به قابلیت‌های هژمون تحلیل می‌کند و در اصل یک نظریه رئالیستی تلقی می‌شود. این نظریه ابتدا توسط کیندلبرگر^۵ مطرح گردید. وی که معتقد به وجود ثبات دهنده واحد برای ثبات اقتصاد جهانی بود، پس از بررسی راههای احتمالی مختلف برای تهیه «کالای عمومی»^۶ در عرصه بین‌الملل، رهبری^۷ یا «حکمرانی مطلق خیر خواهانه»^۸ را تنها راه حل ممکن (Kindleberger, 1983/84:626-630) و رشد و شکوفایی کالاهای عمومی جهانی را مستلزم

1 - Neo-Gramscianism

۲ - در اینجا تأکید بر دو نحله نورتالیسم و نهاد گرایی نولیبرال است.

۳ - برای آشنایی بیشتر بانظرات اندیشمندان این دو نوع تفکر، رک: قنبرلو، ۱۳۸۵، ثبات هژمونیک در استراتژی اقتصادی-امنیتی امریکا، فصلنامه مطالعات راهبردی، سال نهم، شماره چهارم، زمستان ۱۳۸۵، صص ۸۸۷-۸۶۱.

4 - Hegemonic Stability Theory

5 - Kindleberger

6 - Public goods

7 - Leadership

8 - Benevolent Despotism

رهبر یا مجری می‌دانست. (قنبرلو، ۱۳۸۵: ۸۷۱) بر اساس این نظریه، قدرت هژمون خدماتی به نظام بین‌المللی ارائه می‌کند و سایر کشورهای موجود در این سیستم، اگر این خدمات را مفید ارزیابی کنند، از تلاش برای چالش فعال با هژمون خودداری خواهند کرد. (طهماسبی دهکردی، ۱۳۸۳: Bashgah.net) بنابراین در یک فرایند دوطرفه مبتنی بر رضایت نسبی از سوی هژمون و سایر کشورها، هزینه‌های مربوط به ثبات تحقق یافته و اهداف آنها تامین می‌گردد.

دیدگاه رئالیسم تهاجمی

رئالیستها در چارچوب ثبات هژمونیک معتقدند سیستم باز اقتصاد بین‌الملل به این خاطر جریان دارد که قدرت هژمون خواهان آن بوده و منافع او نیز در اتخاذ این سیاست است و از آنجا که دغدغه قدرت هژمون حفظ و تقویت موقعیت قدرت خود در عرصه بین‌المللی است، از شکل‌گیری همکاری با رژیم‌هایی که مغایر با این هدف باشند جلوگیری می‌کند و در راستای هماهنگی سیستم علاوه بر ترغیب، به اجبار نیز متوسل می‌شود. (قنبرلو، ۱۳۸۵: ۸۷۴)

از نظر رئالیستهای تهاجمی، قدرتهای بزرگ و رقابت مستمر آنان با یکدیگر برای کسب قدرت بیشتر، همواره سیاستهای بین‌المللی را رقم زده است. هدف اولیه هر دولت به حداکثر رساندن سهم خود از قدرت جهانی است، بدین معنا که قدرتهای بزرگ با یکدیگر به رقابت پرداخته، اما نمی‌کوشند که به قدرتمندترین دولت تبدیل شوند، بلکه هدف غایی آنان تبدیل شدن به هژمون است، یعنی در سیستم، تنها باید یک قدرت بزرگ وجود داشته باشد. از این رو، به اعتقاد میرشایمر، در سیستم بین‌المللی، قدرتهای طرفدار وضع موجود وجود ندارند؛ چرا که آنها می‌خواهند برای تبدیل شدن به هژمون موقعیت برتر خود را نسبت به رقبایشان حفظ کنند. (Mearshiemer, 2001: 2) رئالیستهای تهاجمی، تبدیل شدن به یک هژمون جهانی، را پایانی بر رقابتهای امنیتی در یک محیط آنارشی دانسته و معتقدند، امنیت مطلق برای یک قدرت هژمون، خط پایان بر آنارشی جهان و آغازی برای حکومت سلسله مراتبی یک هژمون جهانی خواهد بود. از نظر میرشایمر، اگر یک دولت بتواند موقعیت هژمون جهانی را به دست آورد، سیستم بین‌المللی از آنارشیک به سمت سلسله مراتبی تغییر خواهد یافت. (کامل، ۱۳۸۲: ۱۰)

هژمون‌گرایی آمریکا

امریکا پس از جنگ جهانی دوم به حدی از برتری رسید که نقش قدرت هژمون را ایفا نمود و این وضعیت دست کم تا زمان جنگ ویتنام یکی از مؤثرترین عوامل تعیین کننده در سیستم بین‌المللی بود. مدیریت تعامل و تقابل ژئوپلیتیکی با شوروی سابق، حفظ اتحادیه نظامی غرب، مدیریت روابط درون اتحادیه، مخالفت با استعمار سنتی، برقراری نظم جدید در کشورهای جهان سوم، حاکمیت دلار، ایجاد نهادهای پولی و بین‌المللی، فراهم سازی کالاهای عمومی سیستم بین‌الملل مثل امنیت و سرمایه‌های عمومی، جلوگیری از تغییرات اجتماعی رادیکال در اروپا و ایجاد اشتغال و رفاه اقتصادی در این قاره، از جمله مواردی هستند که در سایه هژمونی آمریکا در این مقطع مدیریت گردیدند. (امینیان، ۱۳۸۶: ۲۴) قدرت نظامی گسترده آمریکا، چیرگی آن بر عرصه اقتصاد بین‌المللی، نقش آن در نهادهای بین‌المللی وضعیت پیروزی آن در جنگ سرد، رهبری نظام لیبرالیسم، شکست ارتش‌های عراق و یوگوسلاوی و به طور کلی، فاصله قدرت آمریکا با سایر قدرت‌ها باعث شده تا در محافل علمی آمریکا و بخش مهمی از محافل اروپایی نظام بین‌الملل را تک قطبی و امنیت بین‌المللی را تابعی از هژمونی بلا معارض آمریکا تصویر نموده (کرمی، ۱۳۸۳: ۹۷) که به پشتوانه قدرت اقتصادی، نظامی، فناوری و فرهنگی خود در عرصه سیاست به کار می‌بندد.

افزون بودن بودجه نظامی آمریکا از مجموع بودجه نظامی ژاپن، آلمان، فرانسه، انگلستان، ایتالیا (قدرت اقتصادی دوم تا ششم جهان) روسیه دارنده نزدیک به ۵۰۰۰ کلاهک هسته‌ای و چین با بیش از یک میلیارد نفر، این کشور را از نظر موقعیت و جایگاه جهانی در منزلتی قرار می‌دهد که هژمونی آن اجتناب ناپذیر می‌شود. (دهشیار، ۱۳۸۲: ۴۵) زیرا در تمامی زمینه‌های سیاسی، اقتصادی، فرهنگی و نظامی فاصله آشکاری با سایر قدرت‌ها دارد و توانسته است روابط بین کشورها را تا حد زیادی مدیریت نماید.

از برتری به هژمونی

در دوران جنگ سرد، آمریکا در رقابت با شوروی در تمامی زمینه‌ها برتری داشت که در

نهایت عدم توانایی رقابت ساختارهای سیاسی، اقتصادی و نظامی شوروی منجر به اضمحلال نظام دوقطبی گردید. اما پس از فروپاشی شوروی آمریکا از جایگاهی ممتاز و تاریخی برخوردار گردید و در تلاش برای تثبیت هژمونی خود بر صحنه روابط بین‌الملل برآمد. بازگرداندن ثبات به اروپا در بحران یوگسلاوی، ساقط نمودن طالبان در افغانستان، توفیق در مجاب نمودن قدرتهای برتر جهانی به ضرورت خلع سلاح عراق و تلاش این کشور در شکل دادن به قواعد حاکم بر نظام بین‌الملل و روابط کشورها در همین راستا صورت گرفت. (همان: ۱۲۰)

علیرغم برتری آمریکا بر شوروی، هژمونی این کشور در طول جنگ سرد هرگز کامل نبود، زیرا شوروی چالشی ژئوپولیتیک و نماینده یک گزینه عقیدتی موفق بود. آمریکا به عنوان یک قدرت بزرگ در اواخر سالهای دهه ۹۰ و اوایل سالهای قرن بیستم ظهور کرد (Zakaria, 1999). در پایان جنگ سرد، موقعیت آمریکا در جهان بیشتر یک سلطه نظامی همراه با افول نسبی اقتصاد است، اما ده سال پس از آن، برتری نظامی آمریکا افزایش یافت و این کشور به طور همزمان موقعیت نسبی اقتصادی را نیز به دست آورد. اقتصاد این کشور در دهه ۹۰ با دیگر رقبا به مبارزه پرداخت. شرکت‌های مستقر در آمریکا و اقتصاد عام بیش از اقتصادهای دیگر کشورها از انقلاب تکنولوژیک اطلاعات بهره برد. آنچه در پایان سالهای دهه ۸۰ مبارزه برای برتری تکنولوژیک بین ژاپن و ایالات متحده بود، یک دهه بعد به نفع آمریکا پایان یافت و این کشور خود را در راس هرم توزیع قدرت مادی دید. ویلیام وولفورت در این مورد می‌گوید، تمایز و برتری آمریکا بی سابقه است و «هرگز در تاریخ مدرن، کشور برتر چنین تسلط اقتصادی و نظامی نداشته است». (wohlford, 1999: 13) طی سالهای دهه ۹۰ مقامات آمریکایی استراتژی ژئوپولیتیکی اتخاذ کردند که برای حفظ و گسترش برتری طراحی شده بود. این استراتژی تلاش‌هایی برای پیشگیری از ظهور چالش‌گرانه قدرتهای بزرگ، استفاده از نهادهای بین‌المللی مثل «WTO» یا «IMF» برای انعکاس ارزش‌های آمریکایی و درگیری در مناطق کلیدی که قدرت اقتصادی و نفوذ بالقوه ژئوپولیتیک در آن تمرکز پیدا کرده اند را شامل می‌شد. (Mastanduno, 1997: 49-88) در اروپا استراتژی آمریکا به حفظ و توسعه ناتو برای گسترش ثبات منطقه‌ای و جلوگیری از ظهور چالش‌گرتهای بزرگ ولی در آسیا-اقیانوسیه این حضور کمتر تهدید کننده و برای تامین امنیت کشورهای کوچک بیشتر اطمینان بخش بود. (ایکنبری، ۱۳۸۲: ۲۷۷-۲۸۷)

هنری کیسینجر می‌نویسد: نظام بین‌المللی قرن ۲۱، دارای حداقل شش قدرت اصلی امریکا، اروپا، چین، ژاپن، روسیه و احتمالاً هندوستان از پنج تمدن مختلف به اضافه کشورهای متوسط و کوچک خواهد بود. (Kissinger, 1996: 178) ساموئل هانتینگتون نیز معتقد است که در دوره پس از جنگ سرد تنها یک ابرقدرت وجود دارد که می‌تواند تنها با همکاری ضعیف کشورهای دیگر، حتی بدون پشتیبانی آنها، به گونه‌ای مؤثر مسائل بزرگ بین‌المللی را حل و فصل کند. وی مدعی است که ساختار قدرت در جهان تک قطبی چهار سطح دارد که در رأس همه امریکا قرار دارد و در سطح دوم قدرتهای عمده با نفوذ در بخشی مناطق مثل اتحادیه اروپا، روسیه، چین، هند، برزیل و ایران، و در سطح سوم قدرتهای متوسط منطقه‌ای که نفوذشان کمتر از قدرتهای عمده منطقه‌ای است و در نهایت سایر کشورها در سطح چهارم قرار می‌گیرند. (هانتینگتون، ۱۳۸۲: ۴) در کنار این دیدگاه نواقح گرایانی چون والتز معتقدند که در جهان پس از جنگ سرد، تنها یک ابرقدرت وجود دارد و این شرایط پس از سقوط امپراطوری روم بی سابقه است (والتز، ۱۳۸۲: ۱۱۴-۱۲۱) و سلطه امریکا تا آنجاست که نه یک کشور خاص بلکه ائتلافی از چندین کشور در آینده نزدیک، قادر به ایجاد تعادل و توازن با امریکا نخواهند شد (کرمی، ۱۳۸۳: ۹۰-۹۱)، زیرا همانگونه که گذشت، امریکا توانسته است در شاخصه‌های مختلف قدرت فاصله خود را با سایر کشورها حفظ نماید. البته این مساله هرگز مطلق و مستمر نبوده و چنانکه در صفحات بعد اشاره خواهد رفت هژمونی امریکا با چالشهایی روبرو گردیده که این چالشها به تدریج باعث افول آن خواهند شد.

از استراتژی تدافعی به نهاجمی

در دهه ۹۰ با حوادث اقتصادی شرق آسیا این ایده که «قرن پاسیفیک»^۱ در برابر است، زیر بار سنگینی «هژمونی اقتصادی» امریکا به زوال گرویده (Mastanduno, 2000: 493-508) و

دستاوردهای نسبی آمریکا در حیطه رقابت اقتصادی، منبع قدرت این کشور گردید. (Mastanduno, 1991: 73-74) با در نظر گرفتن این واقعیات بود که در ابتدای قرن ۲۱ این ذهنیت در بین تصمیم گیرندگان امریکایی شکل گرفت که قرن ۲۱ «به مانند قرن قبلی امریکایی خواهد بود». (Valladao, 1996) رهبران آمریکا در بطن این چارچوب فکری، استراتژی کلان مبتنی بر مفهوم ناهموردی آمریکا را با توجه به این درک که هیچ کشوری جز آمریکا قادر به شکل دادن به نظم و ثبات بین‌المللی نیست و تنها آمریکا از این توانمندی برخوردار است را بنیان نهادند. (Ikenberry, 2002) پل ولفووتیز که نقش اساسی در طراحی استراتژی تهاجمی آمریکا داشت معتقد است که جلوگیری از ظهور هر کشور رقیبی می‌بایست همواره پایه استراتژی اساسی آمریکا باشد. (Bacevich, 2002: 44) به جهت ماهیت هرج و مرج گرای نظام بین‌الملل این منطق همیشه وجود داشته است که «هیچ کشوری محق برای فرمان راندن نیست و در ضمن هیچ کشوری هم ضرورتی برای اطاعت کردن ندارد» (Waltz, 1979: 88)، اما آنچه وضوح فراوان دارد، این واقعیت است که رهبران آمریکا به لحاظ ظرفیت‌های نظامی و گستردگی جهانی ارزش‌های فرهنگی لیبرالیسم خود را دارای حق یافته اند و با توجه به این نکته است که آمریکا درصدد اشاعه است و ضرورتی برای توازن احساس نمی‌کند. هدف آمریکا و سایر دولت‌ها در طول قرن بیستم (به مانند قرون گذشته) این بود که «موقعیت خود را حفظ کنند». (Ibid: 126) اما امروزه آمریکا خواهان ایفای نقش هژمون در سیستم (Mearsheimer, 2001: 21) بوده و هدفش به حداکثر رسانیدن قدرتش (دهشیار، ۱۳۸۶: ۴۴-۵۶) با توجه به توانمندی ابتکاری در شیوه مدیریت جهانی و برتری بدون منازعه (calco, 1987: 14) و تلاش به عنوان معرفی خود به جهانیان در چهره هژمونی خیرخواه (Huntington, 1999: 37-38) که با بهره برداری از منابع اقتصادی، نظامی، ایدئولوژیک و سیاسی لازم (کیوان حسینی، ۱۳۸۳: ۳۴-۳۵) ایجاد شده، می‌باشد.

از آنجا که هویت ملی آمریکا بر اساس یک مجموعه از ارزشهای سیاسی و اقتصادی جهان شمول تعریف شده است، (Huntington, 1993: 82) این کشور باید میزان بیشتری از منابع، خوش

بینی و فعال بودن که موسوم به «انرژی سیاست»^۱ است را به صحنه جهانی سوق داده و فزونیترین مسئولیتها را تقبل نموده و در صحنه بین‌الملل فعال باشد تا برجسته تر از گذشته همانند ۱۸۹۸ «برای ی آرمان انسانیت» بجنگد و مانند ۱۹۱۷ دنیا را «مکانی امن برای دموکراسی گرداند». با توجه به قدرت نظامی غیر قابل رقابت با بودجه‌ای نزدیک به پانصد میلیارد دلار و اقتصادی پویا و سرانه تولید خالص بیش از ۱۲ تریلیون دلار و اینکه با در نظر گرفتن این مولفه‌ها امریکا در «لحظه تک قطبی» قرار دارد که در تاریخ بشر بی سابقه است، پس باید حضور همه جانبه را پیشه کند و نه تنها به نمایش قدرت بلکه به انعکاس ارزشهای کشور نیز پردازد. در سایه این مسائل بود که توجه رهبران امریکا، فراتر از حفظ ثبات و «راهبرد غلبه» معطوف گردید و منطق راهبرد تهاجمی جانشین راهبرد تدافعی گشت. از اینجا بود که سیاست‌های امپریالیستی در دستور کار آنها قرار گرفت. سیاست امپریالیستی نیز همیشه مستلزم ایدئولوژی است، زیرا برخلاف سیاست حفظ وضع موجود، امپریالیسم همیشه مسئولیت اثبات را بردوش دارد. امپریالیسم باید ثابت کند که وضع موجود (که درصد بر اندازی آن است) باید برانداخته و قدرت مجددا توزیع شود. دگرگونی گسترده در الگوهای قدرت در عرصه جهانی اوایل دهه ۹۰ منجر به طراحی مجدد راهبرد کلان امریکا بعد از دوران ریاست جمهوری روزولت گردید، امری که در سایه ماهیت نظام بین‌الملل که «خودیاری»^۲ را اعتبار می‌دهد و طبیعت دو سویه انسان را که از یک سو ترس را عصاره حیات دانسته و از جانب دیگر نیاز به همکاری را ضروری می‌بیند، اجتناب ناپذیر می‌نمود. با جابجایی قدرت، تعریف امریکا از منافع ملی جهانی تر شد و خطرات و نحوه مبارزه با آنها نیز عوض شدند و این امر باعث شد تا راهبرد دفاعی «بازیگر راضی و خرسند» که بازتاب جنگ سرد و خواهان حفظ وضع موجود بود جای خود را به راهبرد تهاجمی «بازیگر حد اکثر گرا» که خواهان به حداکثر رسانیدن قدرت خود و ایفای نقش «هژمون در سیستم» بود، بدهد. (دهشیار، ۱۳۸۵: ۳۵-۵۱)

1 - Policy Energy

2 - Self-Help

چالش‌های هژمونیک‌گرایی آمریکا

علی‌رغم اینکه آمریکا از قدرت مرکزی برخوردار است و در نقطه کانونی نظام بین‌الملل قرار دارد، با چالش‌هایی روبه‌رو گردیده که ناشی از ماهیت و عملکرد بازیگران اصلی آن در حوزه‌های منطقه‌ای تلقی می‌شود. (Ikenberry, 1996: 97) تلاش آمریکا برای تسری قواعد داخلی آن کشور به حوزه نظام بین‌الملل و مخالفت بازیگرانی چون کشورهای اروپایی، چین و روسیه باعث شده که این روند به سایر کشورها نیز منتقل گردیده و سطح جدیدی از تعارض در پیرامون بوجود آید. کشورهای متحد آمریکا در پیمان آتلانتیک شمالی، سازمان همکاری اقتصادی آسیا-اقیانوسیه و مجموعه تجارت آزاد امریکای شمالی مخالفت خود را با الگوهای رفتاری و جهت‌گیری‌های سیاست خارجی آمریکا در برخورد با موضوعات و حوادث مربوط به سیاست بین‌الملل، اعلام داشته‌اند. در شرایط موجود آمریکا قادر به اتخاذ تصمیم نهایی در رابطه مسائل و موضوعات پیچیده جامعه بین‌المللی نیست. به عبارتی می‌توان تأکید داشت که به هر اندازه سیستم جهانی از پیچیدگی و وابستگی متقابل گسترده تری برخوردار گردد، به همان میزان امکان اعمال هژمونی اقتدار آمیز از سوی یک قدرت مرکزی کاهش می‌یابد. (متقی، ۱۳۸۶: ۱۸-۱۹) چالش دیگر برای هژمونی آمریکا رقبای سرسخت اقتصادی آسیایی و اروپایی هستند که با آمریکا رقابت جدی دارند و با توجه به شرایط موجود و بحران مالی پیش آمده، در صورت بهره برداری درست از این وضعیت می‌توانند شرایط را به سود خود تغییر دهند.

یکی دیگر از شاخص‌های «سلطه جهانی»^۱ را می‌توان ارتقاء قابلیت‌های نظامی، دفاعی و استراتژیک کشورها دانست. کشوری که بتواند با تقویت شاخصه‌های لازم بر موازنه قوا غلبه کند، به قابلیت هژمونیک دست می‌یابد. بر اساس چنین سطحی از قدرت نظامی، ایالات متحده در دهه ۱۹۹۰ به گونه‌ای در روند بحران‌های منطقه‌ای و سیاست‌های بین‌الملل مداخله نمود که در راستای آن اگر از قابلیت‌ها و شاخص‌های مؤثر تری از قدرت اقتصادی برخوردار بود

1 - World Hegemony

می‌توانست رهبری نظام بین‌الملل را به عهده گرفته و در شکل بندی جهان به گونه مؤثرتری ایفای نقش نماید. به دلیل فقدان ابزارها و توان اقتصادی مطلوب، ادامه روند نظامی‌گری امریکا نیز به تدریج در طولانی مدت کاهش خواهد یافت و در نتیجه این کشور قادر نخواهد بود که قواعد بنیانی و جوهری نظام بین‌الملل را ارائه دهد. اما در دهه موجود دارای سطحی از توان و قدرت نظامی می‌باشد که بر اساس آن قادر خواهد بود اقدام باز دارنده برای مقابله با بازیگران به انجام رسانده و کشورهایی که قواعد مورد نظر جامعه جهانی را در سطح مختلفی بی‌ثبات می‌کنند، تحت تأثیر اقدامات خود قرار دهد. (Layne and Warz, 1993: 17) اما کسب چنین الگویی از هژمونی با توجه به تحولات بین‌المللی در آینده نظام بین‌الملل با ثبات تلقی نمی‌شود، (Modelski and Thompson, 1988: 84) زیرا به هر اندازه تمرکز هژمونیک کشورها و قدرت‌های بزرگ برای کنترل حوادث کاهش یابد، در طولانی مدت قابلیت و توان هژمونیک آنها نیز کاهش خواهد یافت. (Carpenter, 1997:29) از آنجا که امریکا درصدد است تا هزینه نظامی‌گری بین‌المللی را از طریق کشورهای دیگر جبران نماید، ادامه این روند، نیز منجر به تحقیر امریکا خواهد شد (Wallerstein, 152) و به تدریج در سایه این مسائل، قدرت کنترل نظام بین‌الملل را از دست خواهد داد و به همین میزان سلطه این کشور نیز افول خواهد داشت. (متقی، ۱۳۸۶: ۳۰-۳۶)

تاریخ ظهور بازیگران هژمون و قدرت‌های سلطه‌گر نشان می‌دهد که هیچ کشوری بدون قابلیت اقتصادی نتوانسته است به قدرت هژمونیک و مقام سلطه نائل گردد. در این رابطه «پل کندی» با ایجاد ارتباط بین ساخت تولیدی جوامع و نقشی که در تحولات ثانویه نظام بین‌الملل ایفا کرده اند، ثابت کرده است که هیچ کشوری نمی‌تواند بدون برخورداری و بهره‌گیری از قدرت اقتصادی قابل ملاحظه جهان را رهبری کند و یا حتی یک قدرت بزرگ باقی بماند و بتواند بر کشورهای دیگر تأثیر گذاری نموده، الگوهای خود را توسعه دهد. (Kennedy, 1989: 53) کندی بر نشانه‌های اقتصادی نظام‌های سلطه‌گرا تأکید داشته و آن را در تاریخ اقتصادی جهان مورد ملاحظه و تحلیل قرار می‌دهد. در حالی که تحلیل گران دیگری همانند جان ایکنبری، قدرت اقتصادی را شرط لازم اما ناکافی برای بازیگران هژمونیک گرا می‌دانند. آنان قدرت را در قالب نشانه‌های متنوعی تحلیل

می‌کنند. هرگاه آهنگ رشد اقتصادی کشورهای هژمون کاهش می‌یابد، در آن شرایط زمینه برای افزایش برنامه‌های نظامی و همچنین توسعه نظامی گری نیز فراهم خواهد شد. رابطه بین نظامی گری و رشد اقتصادی قدرت‌های بزرگ مورد توجه «چارلمز جانسن» قرار گرفته است وی بر این اعتقاد است که بودجه‌های نظامی کلان، روند نظامی گری در دهه ۱۹۸۰، هزینه‌های مربوط به تحقیق و توسعه و نیاز امریکا برای حفظ موقعیت نظامی خود برای ایجاد توازن منطقه ای، از جمله مواردی است که منجر به مطلوبیت برتر ابزارها و سازه‌های دفاعی ایالات متحده در مقایسه با سایر کشورهای صنعتی گردیده است. (Chalmers, 2000: 25)

با نگاهی به روند، سطح و میزان هژمونی اقتصادی ایالات متحده در اقتصاد جهانی مشاهده خواهیم کرد که شاخصه‌های اقتصادی این کشور به تدریج ضعیف تر گردیده است. این امر را باید در راستای سطح تولید ناخالص داخلی امریکا در مقایسه با کشورهای دیگر مورد توجه قرار داد. در سال ۱۹۵۰ ایالات متحده تقریباً نیمی از تولید ناخالص داخلی جهان را دارا بود در حالی که این روند در پایان دهه ۱۹۸۰ به ۳۵ درصد تولید ناخالص داخلی جهان کاهش پیدا نموده است. شواهد نشان می‌دهد که نرخ رشد درآمد سرانه امریکا در مقایسه با ژاپن، کشورهای بازارمشترک و برخی از کشورهای جهان سوم پایین آمده است. همچنین امریکا در مقایسه با ژاپن، آلمان و کشورهای عضو سازمان همکاری اقتصادی و توسعه که هریک به ترتیب در حدود ۳۰، ۲۰ و ۲۱ درصد از تولید ناخالص ملی خود را سرمایه گذاری می‌کنند، درصد کمتری را سرمایه گذاری کرده به گو نه‌ای که در سال ۱۹۸۷ این میزان (سرمایه گذاری) به ۱۶ درصد تولید ناخالص داخلی امریکا رسید. (Corden, 1990: 16) نشانه‌های دیگری چون افزایش بدهی اقتصادی امریکا نیز در راستای افول قابلیت‌های اقتصادی این کشور به چشم می‌خورد. ایالات متحده از زمان جنگ جهانی دوم به بعد از یک سو با کاهش تولید ناخالص داخلی روبه رو گردیده و از سوی دیگر سهم خود برای سرمایه گذاری در کشورهای دیگر را کاهش داده است. به عبارت دیگر در این دوران ایالات متحده بیش از آنکه سرمایه گذاری کرده باشد، مبادرت به جذب سرمایه کشورهای صنعتی اروپا، ژاپن و دیگر واحدها نموده است. «مایکل هانت» بر این اعتقاد است که امریکا به تدریج با محدودیت‌های فراگیری روبه رو گردید که این محدودیت‌ها توان اقتصادی آن کشور را به عنوان یکی از ابزارهای

سیاست خارجی کاهش می‌دهد. (Hant, 1990: 32) «میزان هژمونی اقتصادی آمریکا در سال ۱۹۵۰ در حدود ۵۳/۸ درصد، در سال ۱۹۵۵ در حدود ۵۰/۳ درصد، در سال ۱۹۶۰ به میزان ۴۶/۴ درصد، در سال ۱۹۸۵ به میزان ۳۶/۷ درصد، در سال ۱۹۹۰ به میزان ۳۵/۶ درصد بوده است. آمارهای فوق بیان‌کننده آن است که سطح هژمونی اقتصادی آمریکا در هر سال در حدود نیم درصد کاهش یافته است.» (Summers and Heston, 1991: 355) به موازات کاهش قابلیت اقتصادی آمریکا، سطح مداخله‌گرایی آن کشور در نظام بین‌المللی افزایش یافته است. این امر به مفهوم افول تساعدی بازیگر هژمون محسوب می‌شود. اگرچه هنوز هم سهم اقتصادی آمریکا در مقایسه با سایر کشورهای صنعتی غرب برتر و تایین‌کننده تر می‌باشد اما قادر نخواهد بود، سلطه مطلق خود را بر سیاست بین‌الملل اعمال کند. (Modelski and Thompson, 1988) تاریخ اقتصادی آمریکا نشان می‌دهد که این کشور در برخی از مقاطع زمانی با بحران‌های ناشی از کاهش اقتصاد سرمایه‌داری روبه‌رو می‌شود. واحدهایی که حجم بیشتری از قابلیت اقتصادی را به خود اختصاص دهند، طبعاً از آمادگی بیشتری برای ضربه دیدن از بحران‌های اقتصاد جهانی برخوردارند. چنین شرایطی را می‌توان در سال ۱۹۲۹ ملاحظه نمود. بحران اقتصادی جهان تأثیر قابل توجهی بر افول توانمندی اقتصاد آمریکا به جا گذاشت چنین روندی در دهه ۱۹۸۰ نیز شکل گرفت. (متقی، ۱۳۸۶: ۲۵-۳۰) به طور قطعی بحران اقتصادی اخیر نیز بر کاهش قابلیت‌های اقتصادی آمریکا در اعمال هژمونی، تأثیرهای منفی بسیار قابل توجهی بر جای خواهد گذاشت.

بحران اقتصادی آمریکا، ریشه‌ها و تبعات

پس از ۱۱ سپتامبر بانک مرکزی آمریکا با هدف افزایش سرمایه‌گذاری در بخش‌های تولیدی و رونق اقتصادی، اقدام به کاهش نرخ بهره نمود این نرخ از ۲/۵ درصد در اکتبر ۲۰۰۱، به ۱/۷۵ درصد در پایان سال ۲۰۰۱، ۱/۲۵ درصد در نوامبر ۲۰۰۳ و یک درصد در ژوئن ۲۰۰۳ رسید. این کاهش سبب شد تا نرخ وام و تسهیلات مسکن نیز کاهش یافته و با توجه به رکود نسبی بازار سهام، بخش مسکن از آن استقبال نماید. از طرفی رشد اقتصادی و تورم در آمریکا و سایر کشورها موجب شد تا بانک مرکزی نرخ بهره بانکی را افزایش دهد.

این امر موجب شد که وام گیرندگان بخش مسکن در پرداخت اقساط خود با مشکل مواجه گردیده و اعلام ورشکستگی نمایند. بانک‌ها نیز برای جبران زیان‌های خود، اموال و خانه‌های بدهکاران را مصادره و حراج کردند. اشباع بازار مسکن و نرخ بالای بهره نیز موجب کاهش قیمت مسکن شد و در نتیجه بحران مالی ابعاد گسترده خود را نمایان ساخت. (ماهنامه اقتصاد ایران، شماره ۱۱۹: ۴۸-۵۰) در مجموع مهمترین علل وقوع بحران عبارتند از طولانی شدن دوران رونق در بسیاری از اقتصادهای پویای جهان؛ رشد شدید بخش ساختمان در آمریکا و سایر کشورها به عنوان موتور رشد و توسعه؛ ترس از فرار سرمایه و واگذاری بسیار آسان اعتبارات در بخش‌های مختلف اقتصاد از جمله ساختمان؛ بسته بندی وام‌های اعطایی و توزیع آن بین سایر موسسات مالی در سراسر جهان؛ عدم رعایت ضوابط در انتقال ریسک بین موسسات مالی؛ (مرزبان، ۱۳۸۸: ۳۳)

این بحران که پس از بحران ۱۹۲۹ بی نظیر بود، اقتصاد ۱۴ هزار میلیارد دلاری این کشور را به زانو درآورده است. علاوه بر آن، آمریکا با ۱۰ هزار میلیارد از ۴۴ هزار میلیارد دلار بدهی خارجی جهانی، بدهکارترین کشور جهان به شمار می‌رود. در سال ۲۰۰۹ کسری بودجه آمریکا بیش از یک تریلیون دلار پیش بینی شده و علاوه بر آن قدرت آمریکا در مقابل رقبایی که از رشد اقتصادی بیشتری برخوردارند در حال کاهش است. (ماهنامه اقتصاد ایران، شماره ۱۱۹: ۴۳-۴۴) سقوط شاخص‌های بورس ایالات متحده نیز پس از بحران بزرگ ۱۹۲۹ کم سابقه بوده است. این شاخص‌ها در سال ۲۰۰۸ بیش از ۳۰٪ افت نمودند. در ماه دسامبر (۲۰۰۸) چین سی امین سالگرد آغاز سیاست‌های «اصلاحات و گشایش» را جشن گرفت در این مدت میانگین سالانه رشد اقتصادی چین ۹/۸ درصد بوده است. میانگین سالانه رشد اقتصادی هند در پنج سال اخیر ۸/۸ بوده که در کنار افزایش همزمان اهمیت و اعتبار هند در سطح جهان، شرایط ویژه‌ای را برای این کشور در مناسبات سیاسی و اقتصادی جهان فراهم کرده است. در سال ۲۰۰۸ ارزش یکصد یین ژاپن در برابر دلار در حدود ۲۰٪ و ده برابر یورو حدود ۲۲٪ افزایش یافت. (ماهنامه اقتصاد ایران، شماره ۱۲۰: ۵۳-۶۴)

ناکامی دولتمردان آمریکا در مهار بحران موجب کم‌رنگ شدن رهبری آمریکا در حوزه‌های

سیاسی، اقتصادی و فرهنگی گردیده است. این کشور از طرفی به دلیل سیاست‌های یکجانبه دولت بوش، به شدت نفوذ و اعتبارش را از دست داده و از طرف دیگر رقبای جدیدی مثل چین، هند و روسیه در عرصه مناسبات سیاسی، اقتصادی و نظامی عرض اندام می‌نمایند. در داخل نیز بحران اقتصادی، مشکلات فزاینده‌ای را برای این کشور ایجاد نموده است. به گونه‌ای که بحران اقتصادی در امریکا و موقعیت مناسبتر رقبای آن موجب تقویت این دیدگاه گردیده که هژمونی امریکا رو به زوال است و این کشور ناگزیر از اتخاذ چندجانبه‌گرایی در سیاست بین‌المللی است.

نتیجه گیری

امریکا پس از جنگ جهانی دوم به حلی از برتری رسید که نقش قدرت هژمون را ایفا نمود و این وضعیت یکی از مؤثرترین عوامل تعیین کننده در سیستم بین‌المللی بود. آنگونه که هائیتینگتون معتقد است، در آغاز هزاره سوم، رهبران امریکا راهبرد کلان خود را بر پایه دو فرض بنیان نهادند؛ یکی اینکه هیچ کشوری جز امریکا قادر به شکل دادن به نظم و ثبات بین‌المللی نیست و دیگر اینکه تنها امریکاست که هویت ملی اش بر اساس یک مجموعه از ارزشهای سیاسی و اقتصادی جهان شمول تعریف شده است. لذا با توجه به مولفه‌های گوناگون قدرت، از جمله قدرت نظامی غیر قابل رقابت، منطق راهبرد تهاجمی جانشین استراتژی تدافعی رهبران امریکا گردیده و سیاست‌های امپریالیستی در دستور کار آنها قرار گرفت. صدام حسین هم با حمله به کویت فرصتی طلایی برای توجیه اخلاقی پیاده سازی استراتژی تهاجمی امریکا ایجاد نمود و آنها نیز از این فرصت برای ایفای نقش هژمون و جلوگیری از حضور رقبای جدی در سطح منطقه‌ای و بین‌المللی استفاده کردند. اما از آنجا که دستیابی به هژمونی و باقیماندن در این موقعیت تابع مؤلفه‌ها و شرایط گوناگون و معمولا دشوار می‌باشد، این موضوع در خصوص امریکا نیز قابل اطلاق بوده و هژمونی این کشور با چالشهایی مواجه گردیده که روند افول آن را ملموس نموده است. ایالات متحده از زمان جنگ جهانی دوم به بعد از یک سو با کاهش تولید ناخالص داخلی روبه رو گردیده و از سوی دیگر سهم خود برای سرمایه گذاری در کشورهای دیگر را کاهش داده است. به عبارت دیگر در این

دوران ایالات متحده بیش از آنکه سرمایه گذاری کرده باشد، مبادرت به جذب سرمایه کشورهای صنعتی اروپا، ژاپن و دیگر واحدها نموده است. روند کاهش میزان هژمونی اقتصادی آمریکا در کنار افزایش بدهی اقتصادی و بحران مالی اخیر مبین این مساله است که این کشور قادر نخواهد بود، سلطه مطلق بر سیاست بین الملل اعمال کند و به ناچار به سمت چندجانبه‌گرایی در سیاست خارجی و پذیرش نقش سایر واحدها روی خواهد آورد.

منابع

منابع فارسی

الف) کتاب

- ۱ - امینیان، بهادر (۱۳۸۶) آمریکا و ناتو؛ پایایی و گسترش ناتو و هژمونی آمریکا، تهران: دانشگاه امام حسین (ع)، موسسه چاپ و انتشارات.
- ۲ - ایکنبری، جی جان (۱۳۸۲) تنها ابر قدرت؛ هژمونی آمریکا در قرن ۲۱، چاپ دوم، ترجمه عظیم فضلی پور، تهران: موسسه فرهنگی مطالعات و تحقیقات بین‌المللی ابرار معاصر.
- ۳ - ایگلتن، تری (۱۳۸۱)، درآمدی بر ایدئولوژی، ترجمه اکبر معصوم بیگی، تهران: نشر آگه.
- ۴ - برتنز، یوهانس ویلم (۱۳۸۲)، نظریه ادبی، ترجمه فرزانه سجودی، تهران: نشر آهنگ دیگر.
- ۵ - پورقیومی، ایوب (۱۳۸۷)، تأثیر جنگ ۳۳ روزه لبنان بر سیاست خاورمیانه‌ای نومحافظه کاران آمریکا، قم: اعتدال.
- ۶ - حسینی زاده، سید محمد علی (۱۳۸۶) **اسلام سیاسی در ایران**، قم: انتشارات دانشگاه مفید.
- ۷ - دهشیار، حسین (۱۳۸۶)، سیاست خارجی و استراتژی کلان ایالات متحده آمریکا، تهران: قومس.

ب) مقاله

- ۸ - اس. لوی، جک. (۱۳۷۷)، "نظریه‌های متعارض ستیز بین‌المللی: رهیافت سطح تحلیل"، ترجمه پیروز ایزدی، **مجله سیاست دفاعی**، شماره ۲۴ و ۲۳، سال ششم شماره ۳ و ۴ (تهران: تابستان و پاییز ۱۳۷۷).
- ۹ - افول هژمونی آمریکا، ماهنامه اقتصاد ایران سال یازدهم، شماره ۱۲۰، بهمن ۱۳۸۷.
- ۱۰ - اقتصاد در بحران، ماهنامه اقتصاد ایران، سال یازدهم، شماره ۱۱۹.
- ۱۱ - امید جدید آمریکا، ماهنامه اقتصاد ایران، سال یازدهم، شماره ۱۱۹، دی ۱۳۸۷.
- ۱۲ - دهشیار، حسین (۱۳۸۲/۳/۷)، "تعریف هژمونی آمریکا"، <http://bashgah.net> (۱۳۸۶/۸/۱۱).
- ۱۳ - دهشیار، حسین. (۱۳۸۵)، "آمریکا از استراتژی تدافعی به استراتژی تهاجمی" **فصلنامه رهیافت‌های سیاسی و بین‌المللی**، شماره ۸ (تهران: زمستان ۱۳۸۵).
- ۱۴ - ریشه‌های بحران مالی آمریکا، ماهنامه اقتصاد ایران، سال یازدهم، شماره ۱۱۹، دی ۱۳۸۷.
- ۱۵ - سقوط ارزش دلار، ماهنامه اقتصاد ایران، سال یازدهم، شماره ۱۲۰، بهمن ۱۳۸۷.
- ۱۶ - طهماسبی دهکردی، سعادت (۱۳۸۳/۵/۱۰)، "محدودیت‌های هژمونی آمریکا در سیاست و اقتصاد بین‌الملل"، <http://bashgah.net> (۱۳۸۶/۸/۱۱).
- ۱۷ - غول‌های بزرگ اما شکننده، ماهنامه اقتصاد ایران، سال یازدهم، شماره ۱۲۰، بهمن ۱۳۸۷.

- ۱۸ - قنبرلو، عبدالله. (۱۳۸۵)، "ثبات هژمونیک در استراتژی اقتصادی - امنیتی آمریکا"، فصلنامه مطالعات راهبردی، سال نهم، شماره چهارم (تهران: زمستان ۱۳۸۵).
- ۱۹ - کامل، روح الله (۱۳۸۲)، "مقدمه‌ای بر رئالیسم تهاجمی"، ماهنامه نگاه، شماره ۳۸، شهریور ۱۳۸۲.
- ۲۰ - کرمی، جهانگیر. (۱۳۸۳)، "نظام بین‌المللی جدید: هژمونی، چند قطبی، یا یک - چند قطبی؟"، مجله سیاست دفاعی، شماره پیاپی ۴۸، سال دوازدهم، شماره ۴ (تهران: پاییز ۱۳۸۳).
- ۲۱ - کیوان حسینی، سید اصغر. (۱۳۸۳) "نرم افزارگرایی آمریکا در صحنه عراق"، مجله سیاست دفاعی، شماره پیاپی ۴۸، سال دوازدهم، شماره ۴ (تهران: پاییز ۱۳۸۳).
- ۲۲ - متقی، ابراهیم (۱۳۸۶)، "هژمونیک‌گرایی بین‌الملل و شکل‌گیری نظام سلطه"، نظام سلطه در سراسری سقوط، تهران: اداره سیاسی ستاد نمایندگی ولی فقیه در سپاه.
- ۲۳ - مرزبان، هادی (۱۳۸۸)، بسته‌های آلوده، ماهنامه اقتصاد ایران سال یازدهم، شماره ۱۲۲، فروردین ۱۳۸۸.
- ۲۴ - مهره سیاه در خانه سفید، ماهنامه اقتصاد ایران، سال یازدهم، شماره ۱۱۹، دی ۱۳۸۷.
- ۲۵ - نااطمینانی از بورس‌های جهانی، ماهنامه اقتصاد ایران سال یازدهم، شماره ۱۲۰ بهمن ۱۳۸۷.
- ۲۶ - والتز، کنث، (۱۳۸۲)، "رئز و راز سیاست بین‌المللی"، ترجمه امی حسین تیموری، ماهنامه آفتاب، شماره ۳۱، آذر ۱۳۸۳.
- ۲۷ - هانتینگتون، ساموئل، (۱۳۸۲)، "امریکا در جهان معاصر"، ترجمه مجتبی امیری، ماهنامه اطلاعات سیاسی - اقتصادی، شماره ۱۸۸، فروردین و اردیبهشت ۱۳۸۲.

منابع انگلیسی

الف) کتاب

- 28 - Bacevich, Andrew, (2002), "Empire: the Reality and Consequences of U.S. Diplomacy", Cambridge: Harvard University Press.
- 29 - Brilmayer, lea (1994), "American Hegemony", New Heaven: Yale University Press.
- 30 - Callco, David (1987) beyond American hegemony: The Future of the Western Alliance, New York: Basic Books
- 31 - Chalmers yohnson, (2000), "blowback; The Costs and Concequences of American Empire", New York: Metropolitan Books, 2000.
- 32 - Gramsci, Antonio, (1971) Hegemony, Intellectuals and the State, Selection from Prison Notebooks, London.
- 33 - Howarth, David, and Others, (2000) Discourse Theory and Political Analysis: Identities, Hegemonies and Social Change.
- 34 - Ikenberry, John G. ed (2002), America Unrivaled: the Future of the Balance of Power, Ithaca, n. y.: Cornell University Press.
- 35 - Kennedy, paul, (1989) The Rise and Fall of Great Powers, New York: Vintage Books.
- 36 - Kindleberger, Charles p., (1973), the World in Depression, 1929-1939, Berkeley: University of California Press.
- 37 - Kissinger, Henry, (1996), the New World Order, in Managing Global Chaos, edited by C. Crocker and Others, (Washington D.C.: Institute of Peace Press).

- 38 - Laclao, Ernesto,(1989), Politics and the Limits of Modernity, in: A. Ross(ed.), Universal Abandon?: the Politics of Postmodernism, London: Routledge.
- 39 - Mearshiemer, John (2001),The Tragedy of Great Power Politics, New York. Norton Company.
- 40 - Modelski George and Thompson William (1988), Power in Global Politics , 1949-1993,London: Mac Millan.
- 41 - Princeton University Press, (2001), After Victory: Instiutions, Strategic Restraint, and the Building of Order after Major Wars, Princeton University Press.
- 42 - Valladao, Alfredo, (1996), the Twenty-first Century Will be American, London: Verso.
- 43 - Waltz, Kenneth n.(1979),theory of international politics, mass reading, Addison-wesley.
- 44 - Zakaria Fareed(1999), from Wealth to Power: the Unusual Origins of Americans World Role, Princeton, N.J.: Princeton University Press.

(ب) مقاله

- 45 - Carpenter ted calen,(1997) *“the New World Disorder”*, Foreign Policy ,No:84, Winter 1997.
- 46 - Corden, Max w.(1990), *“American Decline and the End of Hegemony”* , sais review, Vo1, 10 , No, 2, Summer-Fall, 1990.
- 47 - Hant, michael h.(1990), *“American Decline and the Great Debate: a Historical Perspective”*, Suis Review , vo1,10,no,2,summer-fall,1990.
- 48 - Huntington, Samuel (1993) *“Why International Primacy Matters”*: International Security, Vol 17. No 4 Spring.
- 49 - Huntington, Samuel (1999) *“The lonely Super Power”*, Foreign Affairs, Vol 78. No 2, March-Avril 1999.
- 50 - Ikenberry, John G. (1996) , *“the Myth of Post Cold War”*, Foriegn Affairs, Vol. 75. No.3, 1996.
- 51 - Kindleberger, Charles (1983/84) *“International Trade and National Prosperity “*, Cato Journal, vol. 3 Winter 1983/84.
- 52 - Krasner,(1976) *“Operationalize Hegemony in This Fasion in State Power and the Structure of International Trade,”* World Politics, 23, no.3 (Autumn 1976).
- 53 - Layne Christopher and Warz Benyamin sch,(1993), *“American Hegemony Without an Enemy”*, Foriegn Policy, no. 92,fall 1993.
- 54 - Mastanduno , Michael(1991),*“Do Relative Gains Matter? America’s Response to Japanese industrial policy”*, Vol.16, No.1, Summer1991.
- 55 - Mastanduno , Michael(1997), *“Preserving the Unipolar Moment: Realist Theories and US Grand Strategy after the Cold War,”* International Security, 21, No.4, Spring 1997.

- 56 - Mastanduno , Michael(2000), "***Models Morkets and Power :Political Economy and the Asia-Pacific***",1989-1999, Review of International Studies , vol.26, no,oct 2000.
- 57 - Summers Robert and Heston Alan,(1991), "***the Pen World Table: Asset of International Comparisons***" , 1950-1988, Quartely Journal for Economics, No.10,1991.
- 58 - Wohlford William c.(1999), "***the Stability of a Unipolar World,***" International Security , 24, No.1, Summer 1999.
- 59 - Wallerstein Immanuel, "***Foes as Friends***", Foriegn Policy, No139, Spring.

عوامل ساختاری - سیاسی مؤثر در ناکارآمدی ارتش صفوی و تأثیر آن بر اقتصاد و جامعه (۹۳۲ تا ۱۰۴۷ ه ق)

ابراهیم مشفق‌فر^۱

تاریخ دریافت مقاله: ۸۹/۵/۳

تاریخ تأیید مقاله: ۸۹/۶/۱۵

صفحات مقاله: ۱۱۵-۱۴۸

چکیده

ارتش قزلباش از اوان سلطنت شاه طهماسب تا زمان اصلاح ساختار سیاسی - نظامی کشور توسط شاه عباس اول (۹۳۱-۱۰۰۷ ه ق) در دفع و رفع تهدیدات نظامی - امنیتی از موجودیت حکومت و کشور به عنوان وظایف اصلی اش، قوی و کارآمد ظاهر نشد. در جستجوی عوامل این نقصان تأثیر عوامل ساختاری - سیاسی بر این ناکارآمدی نمایان گردید و پس از تحقیق، نتیجه این شد که مهمترین عامل این ضعف از ساختار ناهمگون ارتش و اشتغالات سیاسی نظامیان، ناشی می‌شد که به صورت تضادها و تقابلات سیاسی و نظامی طوایف تشکیل دهنده سپاه قزلباش و دخالت‌های غیرموجه و خارج از چارچوب‌های مقبول آنها در امور سیاسی بروز می‌کرد و هم چنین، نقش آفرینی نظامیان در عرصه‌های سیاسی و سرکوبی جنبش‌های سیاسی و اجتماعی تجلی داشت. این شرایط موجب گردید در مقطع زمانی مورد بحث بارها نظام سیاسی با چالش‌های جدی مواجه گردید و به سختی از ورطه سقوط، رهایی یافت. روند این قضایا یعنی ابعاد و جوانب ناکارآمدی ارتش و عوامل ساختاری - سیاسی مؤثر در آن و نتایج پیام‌های این تأثیر در کانون توجه این پژوهش قرار دارند.

* * * * *

کلید واژگان

سپاه قزلباش، ضعف ارتش، جنبش‌ها، عثمانی، ازبکها، عوامل سیاسی، عوامل ساختاری

نیروی نظامی حکومت صفوی در کنار نقاط قوت و توفیقاتش، دارای ضعف‌ها و ناکارآمدی‌های قابل توجهی هم بوده است. کارکردهای نیروی نظامی، حفظ سرحدات در مقابل تهاجمات خارجی و مقابله با تهدیداتی بود که در داخل موجودیت حکومت را در معرض مخاطره قرار می‌داد. وظایفی که امروز نیروهای انتظامی بعهدہ دارند نیز در آن اعصار در زمره وظایف نیروهای نظامی، بویژه در مقابل شورشهای سیاسی و اجتماعی بود. مسئله اصلی این است که چه رابطه‌ای بین ناکارآمدی ارتش و عوامل سیاسی و ساختاری وجود دارد. بررسی تحولات سیاسی-نظامی نیمه اول عمر حکومت صفوی نشان می‌دهد که ارتش قزلباش در انجام وظایف مزبور ضعیف و ناکارآمد ظاهر شد. تحمل شکست‌های نظامی از ارتشهای مهاجم بویژه عثمانی و ازبک و موضع انفعالی در مقابل آنها و نداشتن توان بازدارندگی و مواجهه گسترده‌ای ارتش با شورشهای سیاسی و اجتماعی این دوره، بنحوی که حاکمیت در برخی مواقع با چالش‌های جدی مواجه گردید و در پرتگاه سقوط قرار گرفت، نشانه‌های ناکارآمدی ارتش است.

بدیهی است مثل پیروزی‌ها در شکستها نیز نقش عوامل تاکتیکی، اطلاعاتی، آموزشی، تجهیزاتی، تدارکاتی و... دخیلند، اما تأثیر عوامل سیاسی و ساختاری مهمتر و چشمگیر تر بوده است و تأثیر عوامل اخیر در ضعف ارتش درخور ارزیابی است. ساختار ناهمگون و متنوع ایلیاتی ارتش قزلباش در درون خود حامل و حاوی ماده تعارضات و تضادهایی بود که در عصر کاریزماتیک شاه اسماعیل مجال رشد آن پدید نیامد، اما در عصر شاه طهماسب به سرعت رشد کرد و این ساختار مشکل‌دار، معضلات عدیده سیاسی را بوجود آورد که طوایف تشکیل دهنده ارتش هم موجب این تعارضات بوده و هم توان نظامی کشور در فرآیند آن صرف شد و این روند تا ۱۰۰۷هـ ق ادامه یافت که نتیجه ملموس این وضع ضعف و ناکارآمدی نیروی نظامی بود. نوشتار حاضر تفصیل این قضایا را در دوره اول صفویه در مباحثی چون ناکارآمدی نیروی نظامی و نقش عوامل ساختاری - سیاسی در آن و نتایج و آثار ناکارآمدی ارتش بر اقتصاد و جامعه عصر مورد بحث، مد نظر قرار داده است.

رهیافت نظری تحقیق

تأثیر عوامل سیاسی در ناکارآمدی ارتش صفوی از دو منظر قابل بررسی است. یکی از منظر کارکردهای نیروی نظامی است، زیرا معیار و میزان ضعف این نیرو ناکامی در انجام وظایف است. بنابراین ابتدا باید این کارکردها را شناخت و بعد با واقعیات آن عصر سنجید. و بهترین ملاک، کارکردهایی است که در دوره صفویه برای نیروی نظامی قایل شده‌اند. دیگر از منظر تداخل کارکرد دو حوزه سیاسی و نظامی در یکدیگر است.

کارکرد نیروی نظامی در جامعه و ابعاد و کیفیات آن در آراء اندیشمندان سیاسی متقدم و متاخر بازتاب دارد. آنان از زوایای متعددی ضرورت وجودی، نحوه عمل و وظایف ارتش را مدنظر قرار داده و رابطه آن با سیاست را هم مورد توجه قرار داده‌اند. در آراء افلاطون و خواجه نظام الملک فلسفه وجودی نیروی نظامی در «حرب و دفع» و «خدمت و کارازر» بیان شده است.^۱ ملا محمد باقر سبزواری که در عصر صفویه (۱۰۱۷-۱۰۹۰ ه. ق) می‌زیست. و کتاب **روضه الانوار عباسی** را در شیوه کشورداری نوشته است، کارکرد اصلی نیروی نظامی را بمنظور «رفع آفت متغلبان و طامعان» از جامعه و «دفع کفار و مخالفان ... دین» می‌داند. (سبزواری، ۱۳۸۳: ۷۵۲، ۷۴۳ و نظام الملک، ۱۳۷۵: ۱۱۸) وی سپاهیان را حامیان ملک و ملت و حارسان بیضه اسلام و دافعان «آفات ظالمان و متغلبان» بیان کرده و امر پادشاهی را به وجود سپاه قائم می‌داند (سبزواری، ۷۴۳) اما در میان قدما ابن خلدون نیاز پادشاه را به شمشیر در اوایل و اواخر دولت بیشتر از قلم می‌داند و در اواسط دولت نیاز به شمشیر را در صورتی تجویز می‌کند که غائله‌ای و رخنه‌ای در کشور راه یابد. (ابن خلدون، ۱۳۶۹: ۴۹۰-۴۹۱)

اندیشمندان معاصر نیز در بیان کارکردهای نیروی نظامی نقطه نظراتی دارند که تا حدودی همسو با دیدگاه‌های پیشینیان است. به زعم برخی از آنان وظایف ارتش عبارتند از: فتح و تسلط، تاسیس دولت و انتقال قدرت، نقش‌آفرینی در مخاصمات، دفاع از منافع شهروندان و مقابله با

۱ - ابن مقفع، (نظم را معلول قدرت سیاسی می‌داند (ولی، ۱۳۸۰، ۲۴۱) بنابراین نیروی نظامی بطور غیرمستقیم در تحقق نظم، نقش ایفا خواهد کرد.

تهدیدات خارجی. (Luttwek, ۱۹۸۲: ۱۲،۶۷)

اما کارکردهای مزبور در شرایطی است که تعادلی در روابط حوزه سیاسی و حوزه نظامی حکومت وجود داشته باشد و ساختار و روابط قدرت سیاسی در حالت متعادل باشد. حال اگر حوزه نظامی و نهادهای آن بیش از اندازه لازم قدرت داشته باشد مستولی خواهد کرد که در دوره اول صفویه چنین بود. در چنین حالتی ارتش دچار عوارضی خواهد شد که آنرا در عمل به وظایف اصلی خود تحت الشعاع قرار داده و تضعیف خواهد کرد و این همان حالتی است که اندیشمندی چون محقق سبزواری هشدار می‌داد که نظامیان نباید به «شغل‌هایی که بیرون از رسوم سپاهیگری باشد انس گیرند» که در این صورت کار خود را فراموش می‌کنند. (همان، ۷۴۷) این اشتغالات نظامیان در دوره اول صفویه در امور سیاسی و در اواخر صفویه در امور دیگر بود. تاکید وی به حدی است که در بیان تامین مایحتاج مادی آنها می‌گوید: «ایشان را به غیر شغل خود نباید [مؤنات] پرداخت» (همان، ۷۴۷) سبزواری بروز «خلاف و اختلاف [را بعنوان] ضعف و سستی سپاه» بیان می‌کند. او این امر را ناشی از نبود وحدت فرماندهی می‌داند (همان، ۷۵۶) که این حالت نیز مواقعی بروز می‌کند که تعادل در کارکرد سیستم سیاسی نباشد. اما اگر حوزه سیاسی دارای قدرت بیشتری شد، نیروی نظامی در سلطه آن قرار گرفته و نقش ابزاری خواهد داشت، چنانچه ماکس وبر آنرا «ابزار شخصی فرمانروای [پاتریمونیا]» و کلاوزویتس «ابزاری در دست قدرت ...، در جهت تحقق هدف سیاسی» قلمداد کرده اند. (شهابی ولینز، ۱۳۸۰: ۱۳ و وبر، ۱۳۷۴: ۳۵۸ و کلاوزویتس، ۱۳۷۸: ۵۱) بنابراین در این حالت ارتش ابزار سرکوب و اعمال خشونت فرمانروا و حاکمیت خواهد بود که در حاکمیت‌های سلطانیسم این کارکرد بیشتر دیده می‌شود و در دوره صفویه چنین کارکردی از عوامل ضعف نیروی نظامی در مقابل دشمنان خارجی بود و در این صورت دیگر ارتش فراتر از آن چیزی است که اسپنسر بعنوان بخشی «از لوازم حکومت» توصیف کرده است. (Outhweit, 1988:34)

به هر حال با توجه به اینکه ارتش از منزلت، سازمان برتر و سلاح برخوردار است امکان مداخله آن در سیاست در مقایسه با گروه‌های غیرنظامی بیشتر است. (سینایی، ۱۳۸۴، ۴۰) و در چهار سطح، دخالت نظامیان در سیاست امکان پذیر می‌شود. یکی نفوذ ارتش در دستگاه

حکومت، بدون آنکه قدرت از دست غیرنظامیان خارج شود؛ در این جا ارتش بعنوان یک گروه ذی نفوذ مطرح می‌شود. دوم اعمال تهدید و فشار از جانب ارتش بر حکومت به ویژه تهدید به کودتا به منظور تامین خواستها و منافع ارتش توسط حکومت... سوم دخالت مستقیم در سیاست و تغییر حکومت از طریق اعمال خشونت و نصب حکومت غیرنظامی دیگر به جای حکومت برکنار شده و چهارم تصرف مناصب حکومتی به وسیله مقامات ارتشی با برقراری حکومت نظامیان». (بشیری، ۱۳۷۸: ۲۷۲)

سطوح چهارگانه مزبور در مقاطعی از دوره صفویه تا حدودی، محقق گردیده و در مجموع به ضعف و ناکارآمدی نیروی نظامی در انجام کارکردهای اصلی خود باعث شده است و در رویارویی با چالش‌های گسترده بیرونی و درونی و بحران‌های ناشی از آن، انسجام و وفاداری سازمان نظامی تهدید شده و .. سستی و ناکارآمدی حاکم که همان دولت است و در دستگاه نظامی انعکاس یافته است. زیرا در نظام‌های سلطانی، سلطان بر سازمان و دیوانسالاری نظامی و به قول هورویتز به «شمشیر جنگاوران» متکی است. (نک به سینایی، ۶۶، Hurewitz, 1969: 15-27) اما تبعات و نتایج ضعف نیروی نظامی از دیدگاه محقق سبزواری از بین رفتن «وقع و هیبت پادشاه در نظر دشمنان و طمع ورزی آنان در ملک و پدید آمدن فساد و شورش در آن» می‌باشد. (سبزواری ۶۸۳-۶۸۴)

بنابراین اصول مشترکی در کارکردهای ارتش در جوامع پیشامدرن و مدرن وجود دارد که در آراء قدما و متأخرین نیز انعکاس دارد، نظیر حفظ سرحدات و مرزهای جغرافیایی، حراست از نظام حکومتی و بازداشتن دشمنان از آسیب زدن به حکومت و کشور و مردم.

ناکارآمدی سپاه قزلباش

نیروی نظامی دولت صفوی در نیمه اول عمر این سلسله، بویژه از اوان سلطنت شاه تهماسب اول تا زمانی که شاه عباس بزرگ بر مشکلات داخلی غلبه یافت و به جنگ با قوای خارجی بویژه عثمانی‌ها و ازبک‌ها پرداخت (۹۳۱ تا ۱۰۷۱ ه. ق) در عمل به وظایف اصلی خود ضعیف و ناکارآمد ظاهر شد. این ضعف در ابعاد مختلف نمایان است که مهمترین آن، ناتوانی

در حفظ سرحدات و مرزهای دولت صفوی بود. ارتش قزلباش از اقتدار لازم برخوردار نبود که بتواند حریم سرزمینی دولت صفوی را از تهدیدات، مصونیت بخشد و عامل بازدارنده‌ای در مقابل ارتشهای مهاجم باشد. ضعف دیگر آن نداشتن توانمندی لازم در دفع مخاطراتی بود که از داخل موجودیت حکومت را تهدید می‌کرد. هرچند این تهدیدها دولت صفوی را ساقط نکرد اما آنرا با چالش‌های سیاسی-امنیتی جدی مواجه کرد.

شکست‌های نظامی در مقابل ازبک‌ها

به هر حال، لازم است اولین و مهمترین شاخص ناکارآمدی نیروی قزلباش را در جریان جنگ‌های خارجی بکاویم و ابتدا در مقابل ازبک‌ها بررسی می‌کنیم. یک برآورد کلی از جنگ‌های ازبک‌ها و سپاه قزلباش از سال ۹۱۱ ه.ق/۱۵۰۵ تا ۱۱۲۹ ه.ق/۱۷۱۷ میلادی نشان می‌دهد که در عصر شاه اسماعیل اول که از خصایص کاریزماتیک برخوردار بود شکست‌ها و موفقیت‌های قوای صفوی در مقابل ازبک‌ها تقریباً مساوی بود، اما در عصر شاه تهماسب شکستهای قوای صفوی چشمگیرتر بود و در دوره‌های بعد نیز کماکان وجود داشت.

در جریان ۱۲ مورد رویارویی‌های نیروهای ازبک و صفوی در دوران سلطنت شاه اسماعیل اول (۹۰۷ تا ۹۳۰ ه.ق) در سالهای ۹۱۱، ۹۱۲، ۹۱۳، ۹۱۴، ۹۱۵، ۹۱۶، ۹۱۷، ۹۱۸، ۹۱۹، ۹۲۶، ۹۲۷ هجری قمری (تاریخ عالم آرای صفوی، ۲۸۴-۲۸۷، جهانگشای خاقان، ۳۸۱-۳۷۶، بیانی، ۳۷۸، تاریخ حبیب السیر، ج ۴، ۵۴۱، ۵۶۷، ۵۷۹-۵۸۱ و احسن التواریخ و...) شش بار قوای قزلباش در موضع تهاجمی بوده و پیروز عرصه درگیری‌ها بودند و پنج بار نیروهای ازبک چنین وضعیتی را داشتند. دو بار نبرد سازمان یافته بوقوع پیوست. که یک بار ازبک‌ها در قریه محمودی مرو (۲۸ شعبان ۹۱۶) بشدت شکست خوردند، و یکبار نیز در نبرد غجدوان (رمضان ۹۱۸/نوامبر ۱۵۱۲) قوای صفوی، متحمل شکست شده‌اند.

جغرافیای تهاجمات و درگیری‌ها در میمنه، فاریاب، هرات، بادغیس، بلخ، سمنان، دامغان، کرمان، طاهراآباد مرو، قرشی و غجدوان بوده است. لذا بیشترین برخوردها در اعماق قلمرو دولت صفوی و بویژه خراسان رخ داده است. بنابراین ملاحظه می‌شود که حتی در دوره

شاه اسماعیل که دوران طلایی کارنامه نظامی صفویهاست، در مجموع رویارویی‌های نظامی از حیث نتیجه نبردها تقریباً در وضعیت برابر، از بابت جغرافیای تهاجمات و درگیری‌ها در حالت انفعالی بوده و ازبک‌ها برتری داشتند.

در دوران سلطنت شاه تهماسب (۹۳۰-۹۸۴ ه. ق) از مجموع ۲۲ مورد درگیری میان قوای صفوی و ازبک در سالهای ۹۳۰، ۹۳۲، ۹۳۳، ۹۳۴، ۹۳۵، ۹۳۶، ۹۳۷، ۹۳۸، ۹۳۹، ۹۴۱، ۹۴۲، ۹۴۳، ۹۴۹، ۹۵۲، ۹۵۵، ۹۵۷، ۹۶۵، ۹۶۷ و ۹۷۱ و ۹۷۷ هجری قمری، ۲۱ بار قوای ازبک در موقعیت تهاجمی قرار داشتند و جغرافیای درگیری‌ها هرات، توس، بلخ، اسفراین، استرآباد، بسطام، مشهد، هرات، دامغان، ساروقمش، جام، مشهد، کنار رود جیحون، زاوه، خاف، هراترود، تونیان، نیشابور، آق‌گنبد و سرخس بود و ۸ مورد از درگیری‌های میان طرفین با موفقیت یک مرحله‌ای یا دو مرحله‌ای ازبک‌ها پایان یافت. در بقیه موارد قوای ازبک یا پس از مختصر درگیری و تحمل شکست به ماوراءالنهر عقب‌نشینی کردند و یا بدون درگیری و پس از غارت و تخریب و شیخون زدن و مدتی محاصره برخی از شهرهای مزبور متواری شدند. (نک به ذیل تاریخ حبیب السیر، احسن التواریخ، تاریخ عالم آرای عباسی، خلاصه التواریخ، تاریخ نظامی ایران عصر صفوی).

بنابراین در مجموع، قوای ازبک در موضع تهاجمی بودند و به اعماق قلمرو صفوی‌ها دست اندازی کردند و در رویارویی‌های نظامی با وجود تحمل شکست‌هایی، موفقیت‌های قابل توجهی هم داشته‌اند. اما در این بین عمده شکست‌های قوای صفوی در نبردهای سازمان یافته، جنگ‌های شهری و جنگ‌های قلعه، متأثر از عوامل سیاسی نظیر جنگ‌های قدرت طلبانه داخلی و شورش‌ها می‌باشد که برای ارتش صفوی عامل تضعیف‌کننده بوده است که ماجرای این شکست‌ها نیز در خور تأمل است.

پس از استقرار سلطنت شاه تهماسب (۱۹ رجب ۱۵۲۲/۹۳۰ م) ازبک‌ها دور جدیدی از تهاجمات نظامی خود بر قلمرو دولت صفوی را شروع کردند و اولین تهاجم آنها بی‌پاسخ ماند. (تذکره شاه تهماسب، ۱۳۸۳: ۴۹، ۵۰ و عبدی بیک، ۱۳۶۹: ۶۱ و حسن روملو، ۱۳۵۷: ۲۴۵) سپس در سال ۹۳۲ ه. ق عبیدخان ازبک از آب‌آمویه عبور کرده به مرو آمد و با سپاهیان

روانه توس شد و پس از مقاومت یک روزه بقایای نیروهای برون سلطان شهر توس را شش ماه در محاصره گرفت. همچنین در اوایل سال ۹۳۳ بار دیگر ازبک‌ها به هرات یورش بردند که با دریافت خبر عزیمت شاه به خراسان در راس نیرویی، به ماوراءالنهر بازگشتند. (عبدی بیک، ۶۳، تذکره، ۵۴) البته حضور شخص شاه در عرصه‌های جنگ معمولاً پیروزی آفرین و عامل شکست و عقب‌نشینی دشمن بود و به قول ماکس وبر «حضور شاهان [ایرانی] در محل» اقتدار آنها را در نزد رعایا زنده نگاه می‌داشت. (وبر، ۱۳۷۴: ۳۸۳) و در جنگ‌ها نیز این حضور کارساز بود، اما این حضور بندرت محقق می‌شد.

ازبک‌ها در اواخر سال ۹۳۲ ه‍.ق به هرات هجوم برده و هفت ماه آن را محاصره کردند که محصوران در بدترین شرایط قرار گرفتند. (خواند میر، ذیل، ۱۴۰، روملو، ۲۶۹) شاه تهماسب بار دیگر برای دفع ازبکان با سپاه آراسته‌ای حرکت کرد و در نبردی در برونه‌جام پس از تحمل شکست اولیه ناشی از فرار برخی فرماندهان، در نهایت با پایداری خویش ازبک‌ها را شکست داد. (تذکره، ۵۷، روملو، ۲۷۳) در ماه شوال ۹۳۳ بار دیگر نیروهای عبید خان ازبک به قلمرو صفوی‌ها دست اندازی کرده و این بار بسطام را هدف قرار دادند و بعد در جریان حرکت آنها به سمت استرآباد قراولان سپاه زینل خان به آنان برخورد و با وجود رشادتهای قیابا بیک قاجار این نیرو از ازبک‌ها شکست خورده، بازگشت و زینل خان نیز ناگزیر به ری عقب نشست. عبیدخان به بلخ بازگشت و استرآباد را به عبدالعزیز سلطان سپرد. اما با شنیدن خبر شکست وی از زینل خان در نبرد دیگری دوباره بازگشت و قراولانش بسطام را غارت کردند و در نبرد سازمان یافته‌ای که طبق مندرجات **احسن التواریخ**، نیروهای تحت امر اخی سلطان و دمری سلطان ۲۵۰۰ نفر بودند از قوای ۲۰۰۰۰ نفره عبید خان شکست سختی خوردند و خودشان نیز کشته شدند. (روملو ۲۶۲-۲۶۴، عبدی بیک، ۶۴)

این شکست در اعماق قلمرو دولت صفوی اتفاق افتاد و شاه تهماسب اقدام آن دو فرمانده در جنگ با ازبک‌ها را خودسرانه خواند. (تذکره، ۵۶) همچنین در طی سالهای ۹۲۴ تا ۹۳۷ ه‍.ق شش بار تهاجم ازبک‌ها به مشهد، هرات، زاوه، خاف، هرات رود و تونیان صورت گرفت که در دو مورد از این درگیری‌ها نیروهای قزلباش یک بار در ۱۹ ذی‌قعدة ۹۴۱

هق در هراترود تونیان شکست خورد و بار دیگر در ۲۰ رجب ۹۴۲ هق در قریه عبدال آباد مشهد سپاه ۲۰۰۰۰ نفره عبیدالله نیروی ۴۰۰۰ نفره صوفیان خلیفه را منہزم کرد و خود وی را به اسارت درآورده و به قتل رساند و در ۲۷ صفر ۹۴۳ نیز هرات را غارت کرد. (روملو، ۳۱۲، ۳۱۵، ۳۱۸، ۳۳۱، ۳۶۳، خواند میر، ذیل... ۱۵۸-۱۶۵، ۱۷۰-۱۸۴، ۱۹۲)

در خلال سالهای ۹۵۳ تا ۹۵۵ هق نیز چندبار ازبک‌ها تهاجماتی کردند که یکبار در ۹۵۵ علی سلطان ازبک به استرآباد تاخت و بار دیگر بیرام اوغلان ازبک که هراترود را تاراج کرد و هرچند در نهایت از محمدخان حاکم هرات شکست خورد و متواری شد اما خساراتی وارد کرد و برخی احشام را به غرjestان برد. (میرجعفری، «زندگانی القاص میرزای صفوی» ۲۰-۲۴، نوایی و غفاری، ۱۳۸۶، ۱۱۵، روملو، ۴۳۷-۴۳۸، خواندمیر، ذیل... ۲۲۹-۲۳۰) نیز در طی سالهای ۹۶۵ تا ۹۷۷ هق ازبک‌ها دست اندازیهایی به استرآباد و خراسان کردند و یک بار به غارت استرآباد و شکست قوای قزلباش موفق شدند (روملو، ۵۷۱-۵۷۳، نوایی و غفاری، ۱۱۶) و بار دیگر در زورآباد جام قوای قزلباش رابه سختی در هم شکستند. (ر. ک. به: جدول شماره ۱ در بخش ضمیمه)

در دوران سلطنت ۱۶ ماه و ۱۶ روزه شاه اسماعیل دوم (۲۸ جمادی الاول ۹۸۴ تا ۱۳ رمضان ۹۸۵) به یک مورد تعرض قوای ازبک به فرماندهی جلال خان ازبک به خراسان اشاره شده است که «امرای قزلباش یارای پایداری را در خود ندیده در قلعه‌های خود خزیدند و هر یک منتظر بودند تادیگری با دشمن بجنگد...» جنابدی تاریخ این تهاجم را در اواخر ۹۸۵ آورده «که آخر زمان پادشاه مبرور شاه اسماعیل ثانی و اول جلوس پادشاه مؤید شاه سلطان محمد بود با ۲۰۰۰۰ بها در ... از مرو... به خراسان نهضت نموده، همگی بر قتل و نهب اموال رعایا و عجزه آن محال مصروف گردانید. از ولایت ایبورد به دره قوچان و راتکان و خبوشان و طوس و اسفراین و ایل کرایلی و جوین و سبزوار و سلطان میدانی و نیشابور عبور نموده اموال و مراعی و مواشی بیرون از حد و عد جمع آورده از راه رخ به چمن زاوه نمود. اراده از نزول در این مقام آن بود که از راه سرخس به مرو مراجعت نماید و این اموال بیکران بران صوب رساند». (روضه الصفویه، ۱۳۷۸: ۳-۵۹۲) در احسن التواریخ و خلاصه التواریخ در ذیل حوادث ۹۸۵ هق یعنی ماه رجب سال مزبور که حدود ۲ ماه قبل از مرگ شاه اسماعیل درج

شده است. طبق گزارش اخیر «ابوالخان [ازبک]... تا نواحی نیشابور تاخت...» (روملو، ۶۴۴، قمی، ج ۲، ۱۳۸۳: ۶۵۱)

در دهه اول سلطنت شاه عباس نیز ازبک‌ها تهاجماتی به خراسان داشته‌اند. چنانچه در ۹۹۷هـ.ق عبدالله خان ازبک با ۳۰۰۰۰ نفر به هرات حمله کرد و پس از شکست قوای علیقلی خان خود وی را به اسارت درآورده و بعد کشته و به قتل و غارت مردم شهر پرداخته و مرتکب فجایعی شدند. (اسکندر بیگ، ج ۲، ۶۰۴-۶۰۵، نطنزی، ۳۰) نیز در سال ۹۹۸هـ.ق ازبک‌ها به قصد تسخیر مشهد حمله نمودند و آنجا را هفت ماه محاصره کردند. (نطنزی، ۳۶۷-۳۷۳ روضه الصفویه، ۷۲۲)

در سال ۹۹۹هـ.ق نبردهای پراکنده‌ای میان ازبک‌ها و امرای قزلباش رخ داد که در جریان یکی از آنها ازبک‌ها به فرماندهی دینم سلطان، قزلباشها را شکست داده و فرمانده آنها، سلیمان خلیفه را کشتند. و در سال بعد دینم سلطان برادر خود باقی سلطان را مأمور تصرف سیستان کرد و از قهستان تا اقصای ولایت سیستان را به تصرف درآورد. (نویی و غفاری، ۱۷۶) نیز در سال ۱۰۰۱هـ.ق ازبک‌ها نیشابور را محاصره کردند و درویش محمدخان به خاطر ناتوانی در جنگ با ازبک‌ها به مصالحه با عبدالمؤمن خان پرداخت. (نویی و غفاری، ۱۷۸، نطنزی، ۵۰۳-۵۰۴) در اواخر سال ۱۰۰۳ هـ.ق عبدالمؤمن خان قلعه اسفراین را محاصره کرد. (اسکندربیگ، ۸۰۲-۸۰۵) و در عاشورای ۱۰۰۴ سبزوار را محاصره کرد و به دستور وی، مردم شهر را قتل عام کردند. (همان، ۸۰۸-۸۰۹)

شکست‌های نظامی در مقابل ارتش عثمانی

اما در مقابل ارتش عثمانی هم در جریان حدود ۷۸ مورد تعرض، تهاجم و درگیری در خلال سالهای ۹۱۷ تا ۱۱۰۵هـ.ق / ۱۵۱۱ تا ۱۶۹۹ میلادی قوای نظامی صفویه کارنامه درخشانی برجای نگذاشتند. محدوده جغرافیایی تهاجمات و درگیری‌ها بین‌النهرین، قفقاز، آذربایجان، کرمانشاه و حتی اعماق قلمرو دولت صفوی است. و شکستهایی مثل چالدران (۹۲۰)، میانج یا میانه (۹۴۰)، شوره گل (۹۸۵) و بغداد (۱۰۳۹) سرنوشت ساز و تاریخی بوده است. و در

برخی پیروزی‌های قوای صفوی نیز دشمن را در داخل خانه خود شکست داده و به عقب نشینی وا داشته‌اند. اما ۱۰ مورد از ناکامی‌های قوای صفوی در مقابل عثمانی‌ها متأثر از عوامل سیاسی بویژه جنگ‌های قدرت داخلی بوده است. یکبار در سال ۹۳۸ هـ ق سلطان سلیم، فیل پاشا را با ۵۰۰۰۰ سوار به اتفاق الامه تکه‌لو بر سر شرف خان کرد فرستاد تا آن دیار را در اختیار خود بگیرند و بار دیگر در سال ۹۴۰ هـ ق سلطان سلیمان به درخواست الامه، ابراهیم پاشا وزیر اعظم خود را در راس ۹۰۰۰۰ نفر و الامه را با ۱۰۰۰۰ نیرو روانه تبریز کرد. (روملو، ۳۱۴، ۳۱۵ و ۳۲۴) سپس سلطان عثمانی رأساً به کمک وی شتافت و در نبردی با قوای پیشقراول عثمانی در قراآغاج (میانه) به علت کثرت نیروی خود با مقاومت جدی قزلباش‌ها مواجه نشدند و جنگ صعب واقع نشد. (روملو، ۳۲۶، قمی، ج ۱، ۲۳۱، تذکره، ۸۳)

ناکامی‌های نظامی در مقابل هندی‌ها

در ربیع الاول ۹۴۱ هـ ق نیز سلطان سلیمان با نیروهایش به بین‌النهرین تعرض کرد و پس از تصرف بغداد به آذربایجان حرکت کرد. (روملو، ۳۳۹-۳۳۵) نیز پس از پناهندگی القاص میراز به عثمانی و تشویق سلطان عثمانی به تهاجم به ایران در سال ۹۵۴ اولین تعرض قوای مشترک عثمانی و القاص به ارمنستان و محاصره ده روزه وان و سوختن و غارت سرزمین‌های صفوی مهمترین درگیری با قوای صفوی در ۱۹ جمادی‌الثانی ۹۵۵ در مرند رخ داد که قوای صفوی موفق به توقف پیشروی عثمانی‌ها نشدند و آنان در گام بعدی به تبریز رسیدند. (سفرنامه‌های ونیزیان در ایران، ۴۳۴-۴۳۵، تذکره، ۴۲-۵۳، اسکندریک، ج ۱، ۷۱، حسینی، ۱۳۷۹: ۱۶۸، میرجعفری، ۱۶۰) در دوران سلطنت شاه عباس بزرگ (۹۶۶-۱۰۳۸ هـ ق) در حدود ۲۵ مورد تهاجم و برخوردهای ارتش‌های عثمانی و صفوی ثبت شده است که از سال ۱۰۱۲ تا ۱۰۲۷ هـ ق در جریان بوده و قوای صفوی غیر از دو مورد ناکامی در بقیه موارد پیروز میدان بودند و یکی از آنها ربیع الاول ۱۰۲۵ در طسوج نیروهای صفوی از مقابل خلیل پاشا عقب‌نشینی کردند و دیگر در بهار ۱۰۲۷ هـ ق تبریز به اشغال درآمد. (ر. ک. به: جدول شماره ۲ در بخش ضمیمه)

در مقابل هندیها نیز کارنامه قوای نظامی صفویه در خور تأمل و توجه است و تنش‌هایی که دو کشور بر سر مسئله قندهار با یکدیگر داشتند به رویارویی‌های متعددی انجامید و این منطقه از سال ۹۳۷ تا ۱۰۶۶ در اثر کشاکش‌های بین قوای نظامی آن دو، دست به دست گشت. قوای صفوی به اندازه موفقیت‌ها، شکستهایی را هم از ارتش هند متحمل شدند که برخی از آنها به عوامل سیاسی داخلی بستگی داشتند. چنانچه در سال ۹۴۱ پس از نبرد سازمان یافته‌ای میان نیروهای صفوی به فرماندهی سام میرزا و آغزوارخان با قوای تحت حمایت هند به فرماندهی کامران میرزا، حاکم قندهار، قوای سام میرزا در یک مرحله از جنگ، متحمل شکست شد. و آغزوار خان به اسارت درآمد و به دستور کامران میرزا کشته شد و سام میرزا به گرمسیرات گریخت. (روملو، ۳۴۱-۳۴۲، خواندمیر، ذیل ...، ۱۷۴)

سه سال بعد کامران میرزا به قندهار حمله کرد و بر قوای ایرانی غلبه کرد و آنها را به عقب نشینی واداشت و تمام قلمرو منطقه تا رودخانه هلمند دوباره به دست کامران میرزا افتاد (۹۹۴ق/۱۵۳۸م) و در شوال سال ۹۵۱/دسامبر ۱۵۴۴ نیز پس از هشت ماه محاصره قلعه قندهار توسط هندی‌ها نیروهای صفوی با ناکامی و دلسردی در صدد بازگشت از قندهار برآمدند. (اسکندریک، ج ۱، ۶۹، روملو، ۴۰۴ و ریاض الاسلام، ۷۴-۷۵) و یک سال بعد بدنبال شش ماه محاصره قندهار ضعف نیروهای صفوی موجب مصالحه آنان با هندی‌ها گردید. (ریاض الاسلام، ۷۵) در سال ۱۵۴۸/۹۵۵ همایون پادشاه هند به بدخشان لشکر کشید و در جنگی میرزا سلمان را شکست داد و بر بدخشان مسلط شد، سپس به کابل حرکت کرد و درنبردی کامران میرزا تسلیم و مورد عفو قرار گرفت. در سال ۱۵۵۸/۹۶۵ نیروهای صفوی به فرماندهی سلطان حسنی میرزا پسر بهرام میرزا و ولی خلیفه شاملو و الله قلی بیک در قندهار و قلعه آن به نبردهایی با قوای هندی پرداختند و قلعه قندهار را محاصره کردند. و در جریان سه ماه درگیری هندی‌ها مقاومت کردند و به نوشته منابع هندی شاه محمد قلاطی، فرمانده قوای هندی قندهار، دوتلاش متوالی ایرانی‌ها را برای بازپس‌گیری قندهار ناکام گذاشت. و صرفاً به توصیه اکبرشاه قلعه را به ایرانی‌ها تسلیم کردند. (نک به ریاض الاسلام) در سال ۱۰۶۴/۱۶۳۶ شاه جهان فرمانروای هند بعد از ناکامی در مذاکرات محرمانه و اغوای علیمردانخان حاکم ایرانی قندهار، درصدد برآمد با تهاجم

نظامی، قندهار و قلعه آن را فتح کند. علیمردانخان قبل از اقدام نظامی هندی‌ها با آنها تماس‌هایی برقرار کرد. مخالفت دسته‌ای نیرومند از طرفداران دولت ایران در قندهار با وی و ارسال گاز رش آن به مرکز و اقدامات دولت مرکزی ایران موجب نزدیکی بیشتر علیمردانخان به هندی‌ها و حمله هندی‌ها در ۲۱ شوال ۱۰۴۷/۲۶ فوریه ۱۶۳۸ به قندهار و تصرف آن شد. (ریاض الاسلام، ۶۳، اصفهانی، ۲۵۳ تا ۲۵۵)

عوامل ساختاری - سیاسی ناکارآمدی نیروی نظامی صفویه

الف) عوامل ساختاری

اگر مجموع عوامل مؤثر در ضعف ارتش صفویه را بویژه در نیمه اول حیات این سلاله در نظر بگیریم عوامل متعددی همچون عوامل تاکتیکی، آموزشی، اطلاعاتی، تجهیزاتی و ... مؤثرند. اما در این میان عوامل ساختاری تأثیر و نمود بیشتری دارند. و ساختار ارتش صفویه ذاتا دارای تعارضات و تضادهایی بود که دخالت طوایف تشکیل دهنده آن را در کشاکش‌های سیاسی برمی‌انگیخت. نیز تعداد قابل توجهی از شکست‌های نظامی در جنگ‌های خارجی و حتی داخلی به علت اشتغالات سیاسی نظامیان در عرصه‌های سیاسی داخلی اعم از جنگ‌های قدرت طلبانه جناح‌ها و طوایف مختلف رقیب، نقش‌آفرینی در انتقال قدرت و سرکوبی جنبش‌های سیاسی - اجتماعی بر آن تحمیل شد و علت و مشوق تعدادی از تهاجمات ارتش‌های بیگانه وجود چنین مشغله‌هایی برای قوای نظامی صفویه بوده است.

در مرحله ایجاد سپاه قزلباش عواملی موجب کارآمدی آن بودند که در ادوار بعد آن عوامل کم‌رنگ شده و یا از بین رفتند یکی از آنها وجود «عامل معنوی و غیرمادی» است. اکثر قریب به اتفاق هواداران نظامی اسماعیل یکم به قبایل ترکمان تعلق داشتند. آنچه از آنها انتظار می‌رفت، صوفی‌گری بود. به زعم رویمر پایبندی آنان به تکالیف مذهبی و اطاعت محض از مرشد کامل^۱ از

۱ - آنان در جنگ‌ها رجز می‌خواندند و می‌گفتند: «قوریان اولدغیم پیریم مورشیدیم»

عوامل کارآمدی و قدرت سپاه قزلباش در اوایل این دوره است. (رویمر، ۱۳۸۰: ۳۲) اما بعد از جنگ چالدران این باور قدرتمند به مرشد آسیب دید و از او ان سلطنت شاه طهماسب اهداف سیاسی و مادی نیز جایگزین انگیزه‌های معنوی شد. اما عامل مهمتر ساختار ناهمگون و متشکل از طوایف متعدد سپاه قزلباش بود که در زمان شاه اسماعیل به سبب شخصیت کاریزمایی وی معایب و مشکلات آن مجال بروز نمی‌یافت. (نک به داریوش نویدی، ۱۳۸۶: ۵۴) اما در زمان شاه طهماسب در همان ابتدای کار به صورت تنش هم میان طوایف تشکیل دهنده سپاه که سران آنها مقامات عالی نظامی و حتی سیاسی را عهده‌دار بودند بروز کرد و به تخصم و رویارویی‌های نظامی آنها نیز انجامید و هم بصورت تعارضاتی با شاه انجامید.

بامروزی به شکل‌گیری این نیرو ملاحظه می‌شود که: «متشکل ساختن صف‌های قزلباش یا سرخ کلاهان و یک شکل کردن و هماهنگ ساختن آنها را باید مرهون کوشش‌های پیاپی و پی‌گیری‌های بی‌دریغ شیخ حیدر [پدر اسماعیل] دانست» (طاهری، ۱۳۸۳: ۱۶۴) اما پس از کشته شدن حیدر در جنگ با شروانشاهان در ۸۹۹ هـ.ق تا زمان بازگشت اسماعیل به اردبیل (۹۰۵ هـ.ق) «ماجراجویان و عناصر زرطلبی که هرج و مرج عهد را مغتنم می‌شمردند، بار دیگر پیوستن به پیروان سرخ کلاه مرشد جوان را وسیله‌ای برای نیل به آرزوهای برنیامده خویش یافتند.» وقتی خبر بازگشت اسماعیل پخش شد، گروه زیادی از قبایل مختلف ترک زبان که در دیار بکر و شام و ناحیه آناتولی و کرانه‌های دریای خزر بودند، روبه اردبیل نهادند.

انگیزه پیوستن افراد برخی از این قبایل به سپاه قزلباش صرفاً جنبه سیاسی داشت. چنانچه افراد دو قبیله حمیدلی و تکه‌لو که بعدها همه آنها به تکه‌لو مشهور شدند، بغض عجیبی نسبت به عثمانی‌ها داشتند. انگیزه پاره‌ای دیگر مثل افراد قبیله‌های شاملو، ورساق، صوفیه قراباغ و قاجار گرایش‌های مذهبی و عشق به کوچ و جنگاوری ماجراجویانه و بهبود اوضاع زندگی بود. دقیقاً معلوم نیست که در آغاز کار قبیله‌های هواخواه اسماعیل از چهار یا پنج تجاوز می‌کرد یا نه، اما بی‌تردید تا نخستین دهه سده دوازدهم هجری تعداد این قبیله‌ها به نه می‌رسید. قبایل نه گانه مزبور عبارت بودند از: تکه‌لو، روملو، شاملو، استاجلو، ذوالقدر، افشار، قاجار، ورساق و صوفیان قراباغ. (طاهری، ۱۷۸) این قسم شکل‌گیری و ساختار بندی

عوارضی داشت که از ذات و ماهیت آن ناشی می‌شد نظیر نقش اشرافیت قبیله‌ای بعنوان موجودیت اصلی سیاسی و واقعیت اجتماعی و تمرکز گریزی بعنوان هدف آنها و سازمان یافتن حول سنت‌های قبیله‌ای و تقسیم کشور بین قبایل متعددی که هر کدام اهداف و منافع خاص خود را دنبال می‌کردند.

البته از رهگذر جنگ‌های زیادی که در آغاز حکومت صفویه صورت می‌گرفت، ثروت کافی برای ارضای آنان به دست می‌آمد و این جنگ‌ها که مشخصه آغاز حکومت صفوی است برای همکاری سران قبیله‌ای کارآمد و مؤثر بوده است. بنابراین در خلال سلطنت شاه اسماعیل اول (۱۵۰۱/۹۰۷ - ۱۵۲۴/۹۳۰) رهبران قبیله‌ای متعدد علیرغم منازعات و کشمکش‌های فراوان، عموماً با هم همکاری می‌کردند و حکومت مرکزی را قویاً مورد چالش قرار نمی‌دادند (داریوش نویدی، ۵۴).

اما از همان ابتدای سلطنت شاه تهماسب، اختلافات بروز کرد و به رویارویی‌های نظامی خطرناکی هم انجامید که طوایف مختلف قزلباش در مقابل هم صف‌آرایی کردند و این کشاکش‌ها که جنبه سیاسی داشت و تا دهه اول سلطنت شاه عباس بزرگ (۹۹۶-۱۰۳۸ ه. ق) ادامه یافت عامل وضعی بر نیروی نظامی صفویه بود و آنرا در مقابل دشمنان خارجی تضعیف می‌کرد که باید به رابطه دو متغیر عوامل سیاسی و ناکارآمدی ارتش بیشتر بپردازیم تا این جنبه نیز قابل فهم باشد.

ب) عوامل سیاسی

عوامل سیاسی ناکارآمدی ارتش صفوی عمدتاً در دو بعد نمود داشته است یکی در رقابتهای قدرت طلبانه میان سران طوایف تشکیل دهنده قزلباش با یکدیگر و با شاه و ... و دیگر در فرآیند جنبشهای سیاسی - اجتماعی.

تضادها و تعارضات سیاسی در عصر شاه تهماسب

در جریان جنگ‌های قزلباشها و ارتش‌های مهاجم عامل بسیاری از ناکامی‌ها

گرفتاری‌های سیاسی داخلی قزلباش‌ها بود. با نگاهی به جنگ‌های مزبور می‌بینیم وقتی خبر حمله ازبک‌ها در اوآن سال ۹۳۱ به شاه طهماسب رسید (تذکره، ۴۹، عبدی بیگ، ۱۳۶۹، ۶۱)، موقعی بود که اختلافات میان فرماندهان طوایف تشکیل دهنده سپاه قزلباش بروز کرده بود. و این امر مقابله با ازبک‌ها را تحت الشعاع خود قرار داد و در حالی که دیو سلطان روملو که در امیرالامرای بر کپک سلطان مقدم بود، دفع ازبکان را به عهده گرفت و به فرمان شاه «امرای عراق و فارس و... جوهه سلطان تکه‌لو، حاکم همدان» نیز ماموریت یافتند که به او ملحق شوند، اما این جمع به جای مقابله با ازبکان «دفع و رفع کپک سلطان و طایفه استاجلو [را] پیشنهاد خاطر کردند و از آنجا به خراسان نرفتند، متوجه درگاه شدند» (عبدی بیگ، ۶۱، تذکره، ۴۹-۵۰، روملو، ۲۴۵)، که البته میان آن دو جنگی رخ نداد اما مقابله با ازبک‌ها فراموش شد و روند اختلافات عمق بیشتری یافت و در سال ۹۳۲ جنگ داخلی به اوج خود رسید به نحوی که به نوشته وقایع نامه‌ای «جامعه نظم و ترتیب خود را از دست داد و سردرگمی کشور را تجزیه کرد». (سیوری، ۱۳۶۲: ۴۶)

اوج این درگیری‌ها موقعی بود که کپک سلطان با تمام توان با دیوسلطان و جوهه سلطان در ۱۴ شعبان ۹۳۲ در محلی به نام سکسنجق^۱ درگیر شد که استاجلوه‌ها متحمل شکست شده و به سوی گیلان گریختند. مظفر سلطان رشتی آنان را دوباره سازمان داد و آماده نبرد کرد و نبرد بعدی در خزرویل، واقع در دره سفید رود با روملوه‌ها و تکه‌لوه‌ها روی داد و این بار هم کاری از پیش نبردند. (روملو، ۲۵۰، عبدی بیگ، ۶۲-۶۳، تذکره، ۵۰، باکه‌گرامون، ۱۳۸۴، ۱۰) در اواخر سال ۹۳۲ و اوایل سال ۹۳۳ تهاجمات دیگری توسط ازبک‌ها به هرات رخ داد که خواند میر علت تهاجم عبید خان را «خبر اختلاف امرای شاهی و...» ذکر کرده است. (ذیل...، ۱۴۰) دامنه اختلافات به حدی بود که سفرشاه برای مقابله با ازبک‌ها نیز تحت تأثیر آن قرار گرفت و از ساوجبلاغ پیش تر نرفت. زیرا طبق اخبار واصله از آذربایجان امرای استاجلو از رشت به اردبیل

۱ - در محل هشتاد جفت که ترکان عثمانی آنرا سکسنجک گویند (تذکره، ۵۱) که منطقه سلطانیه می‌باشد، جزو بیجار هم نوشته‌اند (عبدی بیگ، ۶۲، و سیوری (پائیز ۱۳۶۹ هـ. ش) «مناصب اصلی دولت صفوی...» ترجمه مهدی فرهانی، ۳۰۸)

رفته و در اثر درگیری، احمد آقای چاوشلو تواجی و کپک سلطان کشته شدند، سپس به خچورسعد که اردوی دیو سلطان و جوهه سلطان در آنجا بودند، رفتند و در از په چاهی [=ارپه چایی] نخجوان جنگ کردند و استاجلوه‌ها شکست خورده و کپک سلطان کشته شد و محمد بیک پسر بهرام بیک قراملو (قراملو) گرفتار و کشته شد. (تذکره، ۵۵، عبدی بیک، ۶۳)

به هر حال با وجود ایجاد وقفه در حرکت شاه به خراسان، این اقدام، صورت گرفت، با این حال هنوز کشمکش‌های دیگری از برخی فرماندهان نظامی گزارش می‌شد، نظیر خبر ذوالفقار بیک حاکم کلهر که در بیلاق ماهیدشت بر سر عمش ابراهیم خان موصولو که به حکومت عراق نصب شده بود، هجوم آورد و او را با بنی اعمامش کشته و خود والی تمام عراق عرب گردید. (تذکره، ۵۷، روملو، ۲۷۳) نیز در طی سالهای ۹۳۴ تا ۹۳۷ که ازبک‌ها شش بار به خراسان یورش بردند، کشاکش‌های قدرت طلبانه داخلی طوایف قزلباش در جریان بود، چنانچه در سال ۹۳۶ ه. ق. سام میرزا و حسین خان شاملو از هرات به سیستان رفتند و اهداف رقابت جویانه خود را دنبال کردند (تذکره، ۶۰-۶۱، عبدی بیک، ۶۶) و در بیلاق گندمان فارس در ذیقعه ۹۳۷ ه. ق. به درگیری‌هایی با چوهه سلطان پرداختند که «دولتخانه همایون» نیز از این کشاکش‌ها در امان نماند و در نهایت حسین خان شکست خورد و به فارس گریخت و چوهه سلطان توسط شاه عزل شد. (تذکره، ۶۱، عبدی بیک، ۶۸-۶۹، روملو، ۳۱۰)

در ادامه تنش‌ها یک رویارویی عمده میان تکه‌لوه‌ها با استاجلوه‌ها و ذوالقدرها و افشارها در دولتخانه همایون و در حضور شاه رخ داد که به دستور شاه تکه‌لوه‌ها قتل عام شدند و این واقعه به «آفت تکه‌لو» معروف شد (تذکره، ۶۲-۶۳ و روملو، ۳۰) و پناه بردن بقایای تکه‌لوه‌ها به سردمداری الامه به عثمانی و همدستی آنها با قوای عثمانی و حمله به قلمرو دولت صفوی در طی سالهای ۹۳۸ تا ۹۴۰ ه. ق. ادامه همان تنش‌ها بود. (تذکره، ۶۳-۶۷، روملو، ۳۱۱).

در خلال سالهای ۹۴۹ تا ۹۵۷ نیز به علت وجود اشتغالات سیاسی داخلی برای نظامیان در اثر بحران‌های سیاسی، بارها ازبک‌ها تهاجماتی داشتند و این در حالی بود که در طی سالهای ۹۵۳ تا ۹۵۶ ه. ق. به سبب شورش القاص میراز برادر شاه تهماسب قوای عثمانی نیز سرحدات غربی را درنوردیدند و به جنگ‌هایی با قزلباشها پرداختند. (میرجعفری، ۲۰-۴،

روملو، ۴۳۷-۴۳۸، خواندمیر، ذیل...، ۲۲۹-۲۳۰) در زمان سلطنت شاه اسماعیل دوم (۲۸ جمادی الاول ۹۶۸ تا ۱۳ رمضان ۹۸۵ هـ.ق) مرزهای شمال شرقی مثل سابق تهدید نشد، «شهرت دلاوری» اسماعیل، گرایش وی به تسنن و گرفتاری‌های داخلی از یک‌ها دلایل محتمل این امر است هرچند به یک مورد تهاجم از یک‌ها اشاره شده است، که آن نیز در مظان تردید است. (اسکندریک، ۱۳۷۷، ج ۱، ۱۶۴-۱۶۵، هینتس، ۱۳۷۱، ۹۳) برخی آن را در عصر اسماعیل دوم و برخی دیگر بعد از وی دانسته‌اند. گفتنی است اسماعیل دوم را سران قزلباش بر تخت نشانند و او را «دستاویزی برای رسیدن به مقاصد خود شمردند» و امرای برجسته قزلباش به سبب طمع قدرت و برتری طلبی، زیر دست وی بودند و جرات سرکشی از آنان سلب شده بود (پارسا دوست، ۱۳۸۱-۱۶۲) در دوران یازده ساله سلطنت شاه محمد (۹۸۵-۹۹۶ هـ.ق) با وجود مشکلات عدیده سیاسی ناشی از رقابتهای سران قزلباش دست‌اندازی از یک‌ها چندان قابل توجه نبود، الا اینکه دفع یکی از تهاجمات آنها در ۲۷ ربیع الاول ۹۸۶ هـ.ق روحیه استقلال طلبی را در مرتضی قلیخان تقویت کرد و مسئله تهاجم از یکان مستمسکی برای امرای خراسان که از استاجلوه‌ها و شاملوها بودند، گردید تا در موضع رقابت با امرای ترکمان و تکه‌لوی دربار قزوین از آن بهره ببرند. (پارسا دوست، ۵۵۶، قمی، ج ۲، ۶۷۳-۶۷۴، نظنزی، ۱۳۷۳، ۱۹۹، نوایی و غفاری فرد، ۱۶۲) شاه عباس یکم (۹۹۶-۱۰۳۸) نیز تا زمانی که درگیر سرکشی‌ها و قدرت طلبی‌های سران قزلباش بود، در جنگ با از یک‌ها، دچار مشکلاتی بود و از توان لازم در حل معضلات آن برخوردار نبود.

در اوایل ۹۹۶، به دنبال بروز اختلافات میان امرای قزلباش، علیقلی خان شاملو با عبدالله خان از یک سرسری یافت و با او قرار گذاشت که در صورت لزوم، نیروی کمکی جهت مساعدت وی اعزام کند (نظنزی، ۳۰) همچنین در ایامی که شاه عباس، سرگرم سرکوبی یعقوب خان ذوالقدر بود (۹۹۸ هـ.ق) از یک‌ها مشهد را هفت ماه محاصره کردند اما نکته جالبی را اسکندر بیگ یادآور می‌شود که نشان دهنده رابطه متقابل تهاجمات خارجی و معضلات سیاسی داخلی است. وی می‌نویسد: «از دو طرف دو پادشاه عالی جاه (عثمانی و از یک) روی به ممالک ایران آورده بودند و هنوز بی‌اتفاقی در میانه طوایف قزلباش واقع بود.»

(اسکندربیک، ج ۲، ۶۳۸) این بی‌اتفاقی‌ها موقعیت صفویها را در مقابل ازبک‌ها در سال‌های ۹۹۹ تا ۱۰۰۳ تضعیف کرد چنانچه در تهاجم ازبک‌ها به قلعه اسفراین و قتل عام ساکنان آن به سبب عصبانیهایی برخی حکام در اقصا نقاط کشور، شاه نتوانست به مسئله ازبکان پردازد و زمانی شاه عباس در سال ۱۰۰۷ ه. ق ازبک‌ها را در نبرد رباط پریان در هم کوبید که از گرفتاری‌های سرگرم‌کننده داخلی رهایی یافته بود. (ر. ک. به: جدول شماره ۱ در بخش ضمیمه) وضعیت مشابهی هم در مقابل عثمانی وجود داشت و عوامل سیاسی داخلی موقعیت نظامی صفویها را تضعیف کرده بود و بخشی از ناکامیها ناشی از گرفتاری‌های سیاسی داخلی بود. در سال ۹۳۷ ه. ق پس از قلع و قمع تکه‌لوه‌ها در جریان کشاکش‌های قدرت طلبانه داخلی، الامه تکه‌لو به عثمانی پناه برد و سلطان سلیمان و ابراهیم پاشا را به اردو کشی به قلمرو دولت صفوی تحریک کرد. نیز شورش القاص میراز بر ضد برادرش شاه‌تیماسب به انشقاق توان نظامی صفویها انجامید. وی به دربار سلطان سلیمان، پناه برد (۹۵۴ ه. ق) و او را به حمله به ایران تشویق کرد و به وعده داد که به محض ورود نیرویها مشترک عثمانی و القاص به خاک ایران «همه سران سپاه و دولت اطاعت وی را گردن خواهند نهاد» (میرجعفری، ۱۵۵) همچنین همزمان با حضور القاص در دربار عثمانی برهان علی سلطان فرزند حاکم اسبق شیروان نیز در دربار عثمانی بود و در استرداد این ناحیه از سلطان سلیمان کمک خواسته بود.^۱ نیروهای عثمانی وقتی در جمادی‌الثانی ۹۵۵ ه. ق به تبریز رسیدند به نوشته مورخین عثمانی سلطان سلیمان بعد از فتح تبریز از تصمیم خود در اعلام القاص میراز بعنوان پادشاه ایران منصرف شد. علت این امر، پیوستن سپاهیان صفوی موجود در سپاه عثمانی به شاه طهماسب بود. یعنی دقیقاً خلاف وعده‌های القاص که گفته بود قوای قزلباش به محض رسیدن به ایران به او خواهند پیوست، تحقق یافت.

بعد از مرگ شاه طهماسب (۱۵ صفر ۹۸۴ ه. ق) تا زمانی که شاه عباس در سال ۱۰۱۲ ه. ق

۱ - به نوشته مورخان عثمانی از جمله ابراهیم پچوی، سلطان سلیمان دستور داد که برهان علی سلطان را همراه نامه‌های همایونی به شیروان بفرستد (میرجعفری، ۱۵۵)

توانست به مسائل مرزهای غربی بپردازد اوضاع سیاسی دولت صفویه متزلزل و بی ثبات بود و در این ایام شورشهای زیادی هم رخ داد و در مجموع اشتغالات سیاسی نیروهای نظامی که حافظان سرحدات بودند موجب گردید که نقش شایسته‌ای در دفع تهاجمات قوای عثمانی ایفا نکنند و در این اثنا عثمانی‌ها بیش از پنج بار به درون حدود قلمرو دولت صفوی تعرض کند که معمولاً قوای صفوی نتوانستند دشمن را با شکست مواجه کنند، زیرا وجود جنگ‌های داخلی قدرت طلبانه، رقابتهای میان سران نظامی و نقش آفرینی آنان در انتقال قدرت مانع ایفای شایسته ارتش در مقابل دشمن می‌شد. (نک به نظری، ۷۵-۷۶، اروج بیگ، ۱۶۶-۱۹۸، ۲۰۵-۲۱۰، قمی، ج ۱، ۶۹۸، ۷۹۶-۷۹۹، فومنی، ۷۷، بیانی، ۲۷۲-۲۷۳، اسکندربیک، ۳۸۳، ۳۶۷ و ۳۷۱)

سرکوبی جنبش‌های سیاسی، اجتماعی و ضعف ارتش قزلباش در مقابل تهاجمات خارجی

اما یکی از نقش‌های برجسته سیاسی ارتش در عصر صفویه در عرصه رویارویی‌های حاکمیت با شورشها و قیام‌ها و جنبش‌های سیاسی، اجتماعی و مذهبی این دوره دیده می‌شود. بویژه در نیمه اول آن. این نقش در زمره وظایف ارتش بحساب می‌آید. بررسی علل و انگیزه‌های چنین کارکردی و روند آن در دوره صفویه، حکایت مفصلی دارد و از حوصله این بحث خارج است. اما تأثیر کارکردهای سرکوبگرانه ارتش در عرصه‌های مزبور بر کاهش توان آن در مقابل تهاجمات خارجی و توان بازدارندگی اش مرکز ثقل این بحث می‌باشد.

یکی از شورشهای سیاسی که برای ارتش قزلباش از جهات مختلفی مایه ضعف بود، در طی سالهای ۹۳۷ تا ۹۴۲ هـ.ق به طول انجامید و سردمدار آن الامه تکه‌لو بود که پس از سرکوبی تکه‌لوها توسط نیروهای شاه تهماسب و خروج آنها از چرخه قدرت، پنج سال مشغله ارتش صفوی گردید. از طرفی خود شورشیان و ده هزار نیروی تحت فرمان الامه از نظامیان قزلباش بودند که به عثمانی پناه برده و به کمک ارتش عثمانی به جنگ‌هایی با شاه تهماسب، مبادرت ورزیدند و از طرف دیگر آنها امیدوار به کمک و حمایت نیروهای قزلباش داخل کشور بودند که در صورت تهاجم به داخل قلمرو دولت صفوی به آنها خواهند پیوست. اما البته خلاف آن واقع شد و در عمل نه تنها قزلباشها به الامه نپیوستند، بلکه نیروهای موجود وی نیز به شاه

تھماسب روی آوردند. به هر حال این اقدامات موقعیت ارتش صفوی را هم در مقابل عثمانی‌ها و هم در مقابل ازبک‌ها آسیب‌پذیر کرد و در مقطع زمانی مزبور هم حملات آنها را موجب گردید و هم شکست‌هایی را نصیب قزلباش‌ها کرد. (عبدی بیگ، ۷۱، ۷۳-۷۴، ۷۶، ۷۸ و ۷۹ روملو، ۲۴۶-۲۴۵، ۳۱۴، ۳۱۵، ۳۲۴ و ۳۲۶، تذکره، ۷۸ و ۷۹، خواندمیر، ذیل... ۱۶۵، ۱۶۴، اسکندریک، ج ۱، ۶۹)

نیز از سال ۹۴۴ تا اوایل سال ۹۴۸ هجری شورشهای سیاسی، اجتماعی متعدد دیگری رخ داد که برای نیروهای نظامی صفوی سرگرم کننده بود. شورش قلندری در شیروان در سال ۹۴۴ هجری که ادعا می‌کرد شیخ شاه است که بعد از درگیری‌هایی با نیروهای دولتی شورش وی نهایتاً سرکوب و خودش کشته شد. (روملو، ۳۶۶، قمی، ج ۱، ۲۷۷) شورش محمد صالح بتکچی در استرآباد که با ازبکان نیز همدست بود بعد از مدتی ایجاد مشغله برای سپاهیان دولتی، بالاخره سرکوب شد.^۱ (روملو، ۳۶۷-۳۷۰) شکایات اعیان شیروان به شاه از سوء رفتار و سوء سیاست شاهرخ بن سلطان موجب گردید که القاص میراز با ۲۰۰۰۰ نیرو برای سرکوبی وی گسیل شود. بعد از چهار ماه محاصره قلعه بیقره شاهرخ تسلیم شد و به تبریز فرستاده شد و او را اعدام کردند.

عصیان امیره قباد حاکم آستاره (آستارای کنونی) در سال ۹۴۶ قوای دولتی به امرشاه متوجه آن منطقه شدند که شورش او را در هم شکستند و امیره قباد و یارانش را کشتند. (روملو، ۳۷۹، قمی، ج ۱، ۲۸۹) شورش مهدی قلی سلطان افشار حاکم شوشتر توسط قوای دولتی به فرماندهی حیدرقلی سلطان افشار سرکوب گردید و در ۲۱ ذیحجه ۹۴۶ او را کشتند و سرش را به شاه فرستادند. (روملو، ۳۸۰) در اوایل سال ۹۴۷ حاجی شیخ کرد راهزنانی را دور خود جمع کرد و به ایجاد ناامنی پرداخت که واحدهایی از قوای قزلباش موفق به سرکوب و قتل وی شدند. (روملو، ۳۸۳، قمی، ۲۹۳، اسکندریک، ج ۱، ۱۵۶) شورش حسن سلطان بن

۱ - محمد صالح در حین فرار به جنگل، دستگیر و به تبریز فرستاده شد. جوالدوزی بر زبان وی زدند و به دستور شاه او را در خم کرده و بالای مناره نصیریه بر زمین انداختند.

امیر ابواسحق^۱ در ریشهر در اواخر سال ۹۴۷ و اوایل ۹۴۸ توسط غازی خان ذوالقدر سرکوب شد. (روملو، ۳۸۷) و شورش علاء الدوله رعناشی، حاکم دزفول اردوکنشی شاه و سرکوب وی را موجب گردید. (روملو، ۳۸۸-۳۸۹، اسکندریک، ج ۱، ۱۵۶)

در این بین شورش القاص میرزا برادر تنی شاه تهماسب بیش از همه برای نیروی نظامی صفویه آسیب‌زا و تضعیف‌کننده بود. وی در جنگ با ازبک‌ها (۹۳۹هـ.ق) و در جنگ با قوای عثمانی (۹۴۰هـ.ق) و در جنگ شروان (۹۴۵هـ.ق) بازوی توانمند شاه بود، اما در سال ۹۵۳هـ.ق وی رویاروی شاه قرار گرفت. پس از وساطت افرادی شاه او را بخشید اما بعد در شروان سکه به نام خود زد و به مخالفت و عصیان پرداخت. شاه برای سرکوبی وی به شروان حرکت کرد. القاص در صحرای چرکس با معدودی به طرف شمخال رفت و طایفه تبرسران به او پناه دادند. شاه به قصد تسخیر قلعه گلستان آنجا را محاصره و بعد تصرف کرد.

القاص در اول بهار ۹۵۴ با ۴۰ نفر از یارانش به استانبول گریخت. (نوبی و غفاری فرد، ۱۳۵-۱۳۶، خورشاه، ۱۶۲-۱۶۳) و پس از چند روز اقامت در استانبول با انبوهی از لشکریان عثمانی متوجه عراق عجم شد و همراه سلطان سلیمان در ۹۵۶هـ.ق به ایران آمده و بر مرند تاخت سپس به تبریز رفتند. اما در تبریز سلطان سلیمان از ادامه توقف سپاهیان در قلمرو دولت صفوی منصرف شد و القاص و الامه را رها کرد. حرکت اردوی القاص به سمت کردستان و همدان و قم و کاشان و اصفهان و فارس تا سال ۹۵۷ توام با جنگ و درگیری‌هایی با قوای قزلباش بود که در نهایت به شکست و دستگیری وی انجامید و به زندان قهقهه فرستاده شد. (ر.ک به احسن التواریخ، خلاصه التواریخ، تذکره شاه تهماسب و تاریخ عالم آرای عباسی و ...)

در سال ۹۵۸هـ.ق بخاطر مخالفت‌های مکرر درویش محمدخان حاکم شکی، شاه تهماسب عازم سرکوبی وی گردید. بدرخان و شاهقلی س-طان استاجلو با نیروهای تحت

۱- او را پس از دستگیری روانه تبریز کردند و به دستور شاه کشتند.

امرشان بعنوان پیشقراولان با قراولان درویش محمد درگیر شده و آنها را مغلوب ساختند. اما جنگ اصلی میان طرفین در قلعه‌های کیش و کله سن کوره سن^۱، رخ داد که بعد از بیست روز قلعه‌ها سقوط کردند و درویش محمدخان نیز کشته شد. (روملو، ۴۴۹-۴۵۲)

در سال ۹۶۲ هـ ق شاه تهماسب برای دفع آبای ترکمان، گروهی از جنگجویان قزلباش را برای دفع وی فرستاد و بعد از جنگ‌هایی کار به مصالحه کشید. دوباره در سال ۹۶۵ هـ ق آبای استرآباد را غارت کرد و جنگ و گریزهای دیگری بین او و قزلباش‌ها، رخ داد، که آبای به کمک ازبک‌ها و به علت بروز اختلاف میان قزلباش‌ها برآنان فائق آمد، اما خواجه محمد به کمک ملازمانش او را غافلگیرانه کشت. (عبدی بیک، ۱۱۲، روملو، ۵۱۴، ۵۳۰)

در ۱۰ ربیع الاول ۹۷۲ هـ ق جنگ میان نیروهای اعزامی شاه به فرماندهی ابراهیم میرزا، محمد معصوم بیک، ارس بیک روملو، حیدربیک ترکمان، امیر اصلان بیک افشار و خلیل بیک کرد که برای سرکوبی قازق سلطان پسر محمدخان شرف الدین اوغلی تک‌لو (حاکم هرات) عازم جنگ شده بودند، قزلباشها موفق به شکست او شدند. تلاشهای بعدی وی نتیجه‌ای نداشت و در ۱۶ ربیع‌الآخر همان سال تسلیم شد.^۲ (روملو، ۵۴۳-۵۴۷، قمی، ج ۱، ۴۴۸-۴۴۹) شورش خان احمد گیلانی که با نافرمانی‌اش از شاه در سال ۹۴۷ هـ ق در جریان بود، موجب گردید که شاه تهماسب در سال ۹۵۷ هـ ق سپاهی به فرماندهی معصوم بیک صفوی به گیلان ارسال کند که به جنگی میان نیروهای او و قوای خان احمد انجامید و خان احمد شکست خورد و دستگیر گردید و در قلعه قهقهه محبوس گردید.

در سال ۹۷۹ هـ ق مردم گیلان شورش کردند و امیره دباح نامی را به سپهسالاری برگزیدند، آنگاه بر لاهیجان دست یافتند و قزلباشها را قتل عام کردند. امیره ساسان از گسکر بر سر شورشیان یورش برد اما شکست خورد شاه تهماسب گروهی را مامور دفع آنان کرد در جنگی که واقع شد امیره دباح کشته شد و شورشیان منهزم گشتند. (نوبی و غفاری فرد، ۱۳۹-۱۴۰) در سال ۹۷۷ هـ ق

۱ - یعنی بیایی و بینی

۲ - او به مرض استسقاء، گرفتار شده بود در رجب همان سال درگذشت که امرا سر او را پر از گاه کرده و به شاه فرستادند.

شاه بمنظور سرکوبی والیان گرمسیرات جرون^۱، والی کرمان یعقوب بیک افشار را ماموریت داد که به محاصره و تصرف قلاع آنان انجامید. (روملو، ۵۷۱-۵۷۲) اما شورش دامنه دار اجتماعی در واپسین ایام سلطنت و عمر شاه تهماسب در سال ۹۸۱ در تبریز اتفاق افتاد که درگیری‌های خونین میان حاکم شهر و ساکنان محلات مختلف شهر رخ داد و در نهایت به سرکوب و کشتار شورشیان انجامید. (روملو، ۵۸۷-۵۹۰، پیگولوسگایا، ۱۳۵۴: ۴۹۳)

در آغاز سلطنت شاه محمد در حدود چهار، پنج سال در نقاط مختلف کشور افرادی ادعا می‌کردند که شاه اسماعیل دوم هستند که هواخواهانی یافته و به جنگ‌هایی با نیروهای نظامی حکومت می‌پرداختند، چنانچه در سال ۹۸۸ هـ.ق قلندری در میان طوایف لر کوه گیلویه چنین ادعایی کرد و ۲۰۰۰۰ نفر دور خود جمع کرده و مرکز کوه گیلویه را تصرف کرده و در جنگ رستم بیک پسر حاکم دهدشت و در جنگی دیگر خود خلیل خان را کشتند اما در نهایت در جنگ نیروهای اسکندر خان حاکم جدید و امرای فارس که به دستور شاه اعزام شده بودند، این غائله خوابید، اما قلندران دیگری در سایر مناطق ادعای اسماعیل میرزایی کرده و مردم دور آنها جمع می‌شدند، «از جمله در لرستان و چمچال، یکی پیدا شد و اکراد و الوار قلمرو علشیکر بر سر او جمع آمدند و لشکریان به ده هزار نفر رسید». (اسکندر بیک، ج ۱، ۳۵۲)

در اوایل سلطنت شاه عباس نیز شورشهای متعددی رخ داد که برای قوای نظامی اسباب سرگرمی و موجب بازداشتن آنها از پرداختن به دشمنان خارجی گردید که در میان مهمترین آنها می‌توان به شورش کنستندیل خان گرجی که فرایندی طولانی داشت و تا سال ۱۰۳۴ هـ.ق در جریان بود. شورش یعقوب خان ذوالقدر که در سال ۹۹۸ شروع و در سال ۹۹۹ هـ.ق با تسلیم و بعد اعدام وی خاتمه یافت و شش ماه شاه عباس، راساً با سپاهیان سرگرم محاصره او در قلعه اصطخر فارس بود. (نطنزی، ۳۵۲-۳۶۰، جنابدی، ۷۱۹-۷۲۰)

شورش علی بیک در فومن و سید مظفر در آمل و ساری و ملک بهمن در دارالمرز در

۱ - به نوشته احسن التواریخ «الکای گرمسیرات جرون به واسطه ظلم والیان آنجا از نظام و انتظام افتاده و پریشانی تمام بر حال متواضعان آن مملکت راه یافته... بود» (روملو، ۵۷۱)

سال ۱۰۰۰ ه. ق (جنابدی، ۷۲۴-۷۲۶) و شورش امیرحمزه در طالش شورش در گیلان در همان سال و شورش شاهوردی عباسی لر در علیشکر (۱۰۰۲ تا ۱۰۰۶ ه. ق) و شورش نقطویان در ۹۹۹ ه. ق در شیراز و شورش میرزا علاءالملک در لار در سالهای ۱۰۱۰ و ۱۰۱۱ ه. ق (نوایی و غفاری فرد، ۲۰۶-۲۱۸) شورشهای دیگری بودند که هر چند سرکوب شدند. اما اسباب زحمت و مشغله نظامیان این دوره بودند.

نتایج و آثار ناکارآمدی ارتش بر اقتصاد و جامعه

ضعف نیروی نظامی قزلباش در مقابل مهاجمین خارجی و در تأمین امنیت داخلی دارای پیامدها و نتایج ویرانگری بر اقتصاد و جامعه نیز بود. این علاوه بر کاهش اعتبار بین‌المللی حکومت صفوی در مقاطعی بود که متحمل شکستهایی در مقابل ارتش‌های مهاجم عثمانی و ازبک و... می‌گردید، آثار مزبور در محورهای زیر قابل بررسی‌اند:

الف) آسیب دیدن مردم شهرهای در معرض تهاجم و فقدان سپر امنیتی برای آنها
ب) تخریب منابع و بنیانهای اقتصادی مردمان ساکن در مسیر تهاجمات ارتش‌های عثمانی و ازبک

ج) ناامنی شهرها و راه‌های مواصلاتی و آسیب دیدن تجارت و اقتصاد ملی
د) بوجود آمدن حس بدبینی در ساکنان مناطق مورد تهاجم نسبت به حکومت و ارتش
وقتی ازبک‌ها در سال ۹۳۲ ه. ق شهر توس را شش ماه در محاصره قرار دادند. در این مدت ذخیره غذایی محصورین تمام شد و گرسنگی بر مردم غلبه کرد و آنها «چرم کهنه را جوشانیده، می‌خوردند و بعضی که اسب داشتند رگ ایشان را گشاده، خون را تناول می‌کردند» (روملو، ۲۵۶) در اواخر سال ۹۳۲ و اوایل سال ۹۳۳ ازبک‌ها هفت ماه هرات را محاصره کردند و در جریان آن به دستور عبید خان فرمانروای ازبک راه‌ها و گذرها مسدود گردید که «از جنس خوردنی چیزی به درون شهر نبرند و آب را از محصوران شهر و محبوسان بی مهر گرفته انهار عافیت آن دیار را به خاک و خاشاک ظلم انباشت» (همان، ۲۶۹) و در ادامه محاصره بحدی کاربر محصوران سخت شد که حسین خان (حاکم هرات) و بزرگان و کلانتران، چاره کار را

در آن دیدند که کسانی که به تشیع شهرت نداشتند را اخراج کنند. به هر حال، علاوه بر اینکه تعدادی از مردم تلف شدند، یک من نمک به سنگ هرات به مبلغ ۳۰۰ دینار تبریزی ارزش یافت. (روملو، ۲۶۹-۲۷۰ و خواندمیر، ذیل...۱۴۴)

در سال ۹۵۵ هـ ق و قتی بیرام اوغلان ازبک به هرات رود تاخت، ضمن تاراج آنجا برخی احشام را به غرستان کوچانید (روملو، ۴۳۷-۴۳۸، خواندمیر، ۲۲۹-۲۳۰، نوایی و غفاری فرد، ۱۱۵) در اوایل ۹۸۶ جلال خان ازبک در حمله به خراسان به ولایت جام، تاخته و آنجا را غارت کرد. (نوایی و غفاری فرد، ۱۵۵) در سال ۹۹۷ هـ ق عبدالله خان ازبک با ۳۰۰ ازبک به هرات حمله کرد و به قتل و غارت مردم آن پرداخت و به نوشته نطنزی «موازی ۶۰۰۰ مقتول و ۴۰۰۰ از دختران و پسران مقبول و ارباب صناعت و اصحاب حرفت... به اسیری گرفته و به ماوراءالنهر برد» (نقاوه الآثار، ۳۰) هر چند ارقام نطنزی اغراق آمیز به نظر می‌رسد و اسکندر بیک فقط به قتل و غارت هرات و «قتل عموم قزلباش... و کشته شدن بسیاری از مردم تازی» و اسارت زنان و کودکان طایفه شاملو و غیره و فرستادن آنان به ماوراءالنهر و شکنجه «خواتین معظمه شاملو» اشاره کرده است (اسکندربیک، ج ۲، ۶۰۴-۶۰۵)، اما بهرحال، فاجعه بزرگی در هرات وقوع یافته بود.

در سال ۹۹۸ هـ ق در جریان هفت ماه محاصره مشهد توسط ازبک‌ها خرمن‌های غلات و باغات مردم، سوزانیده شد و گرسنگی بر مردم غلبه کرد که ناگزیر به «خوردن میته و سگ و گربه پرداختند» و ازبک‌ها به قتل و غارت مردم پرداختند. (نطنزی، ۳۶۷-۳۷۳) و در صحن آستانه مقدس حضرت رضا (ع)، «کشته‌ها بر زیر یکدیگر افتادند... صلحا، علما و سادات [کشته شدند]... میر محمد سید... از سادات مشهد مقدس [بدست ازبک‌ها] پاره پاره [شد]... عورات به دست ازبکان بی حیا اسیر و مبتلا.. شدند.. در کوچه‌ها و محلات [ازبک‌ها] به قتل و اسیر و یغما [ی] مردم پرداختند و...» (اسکندر بیک، ج ۲، ۶۴۱-۶۴۴) و در اواخر سال ۱۰۰۳ هـ ق که عبدالمومن خان ازبک شهر سبزوار را در محاصره قرار داد خود در پشت بام مسجد جامع نشسته و فرمان قتل عام مردم را در عاشورای ۱۰۰۴ هـ ق صادر کرد. اسکندر بیک منشی ترکمان که پس از این واقعه به همراه شاه عباس به سبزوار رفته بود می‌نویسد: «عبدالمومن خان تدارک مذلت و عار فرار خود را

در قتل جمعی فقرا و ضعفا سبزواری تصور نموده در شهر قتل عام کرد، چنانچه از کشتن کودکان شیرخواره خود را معاف نداشته بود.. عورات مقتوله.. که اطفال شیرخوار را بر روی سینه مادر نهاده به شمشیر دو پاره کرده بودند». (همان، ۸۰۸-۸۰۹)

آسیب‌ها و خسارات تهاجمات قوای عثمانی به قلمرو غربی دولت صفوی به گونه‌ای دیگر بود. صدمات ناشی از حرکت اردوهای عظیم ارتش عثمانی در شهرها و راه‌های این مناطق برای اقتصاد و معیشت مردم مخرب و ویرانگر بود تجارت آسیب‌های جدی می‌دید، حتی صدمات زیادی در اثر اجرای سیاست زمین‌های سوخته سلاطین صفوی، بویژه شاه طهماسب بر ساکنان مناطق مزبور و کشاورزی و محصولات آنها وارد می‌شد. وقتی در سال ۹۴۰ سلطان سلیمان ۹۰۰۰۰ نیروی عثمانی را به فرماندهی ابراهیم پاشا و ۱۰۰۰۰ نفر را به سرکردگی الامه تکه‌لو به تبریز گسیل کرد (روملو، ۳۲۴) معلوم است که چه میزان خسارات بر سرزمینهای سر راه و اشغال شده وارد می‌شود و علاوه بر آن اجرای تاکتیک امحاء منابع خسارات دیگری را وارد می‌کرد.

همچنین، وقتی در سال ۹۵۴ و ۹۵۵ قوای عثمانی در حمایت از القاص میرزا به ارمنستان و وان .. متعرض شدند، غارت و سوزاندن سرزمین‌های اشغالی د راس برنامه‌های مهاجمین قرار داشت و قوای صفوی نیز با نابودی غله و آذوقه و درخت‌ها و قنوات و جوی‌ها مانع از پیروزی قوای عثمانی می‌شدند (سفرنامه‌های ونیزیان، ترجمه امیری، ۴۳۴-۴۳۵، تذکره، ۴۲ و ۵۲، اسکندر بیگ، ج ۱، حسینی، ۱۳۷۹: ۱۶۸) همچنین در سلسله تعرضات قوای عثمانی در سالهای ۹۸۵ تا ۱۰۱۲ ه. ق سرزمینها و شهرهای قلمرو دولت صفوی در اثر اشغال و تخریب و سرکوبی و غارت قوای عثمانی متحمل خسارات فراوان شدند. (ر. ک. به: نطنزی، ۷۵-۸۰، اروج بیگ، ۱۶۶-۱۹۸، قمی، ج ۱، ۶۹۸، ۷۹۶-۷۹۹، اسکندر بیگ، ۳۸۳-۳۶۷ و ۳۷۱)

ناتوانی قوای نظامی و فقدان توان بازدارندگی آن و در نتیجه تاخت و تازهای قوای بیگانه اقتصاد و تجارت کشور را هم در معرض آسیب قرار می‌داد به نوشته تجار ونیزی تهاجمات مکرر قوای عثمانی موجب شده بود در تبریز تجارت ابریشم به نصف تقلیل یابد، (سفرنامه‌های ونیزیان، ۴۴۶) و در کنار همه این آسیب‌ها این روند، رابطه مردمانی که متحمل

خسارات و ناملایمات می‌شدند با حکومت، بویژه ارتش را خدشه دار می‌ساخت و بطور ناملموس و در دراز مدت حس خوش بینی و اعتماد آنان به قوای نظامی از بین می‌رفت و پیامدهای زیانبار دیگری می‌توانست داشته باشد.

نتیجه‌گیری

۱ - یافته‌ها و مستندات نشان می‌دهند که در کنار نقاط قوت‌های نیروهای نظامی صفویه (در دوره اول عمر این سلسله)، ضعف‌ها و ناکارآمدی آن نیز واقعیتی انکار ناپذیر است و بیشترین نمود آن در مقابل تهاجمات خارجی بویژه از طرف عثمانی و ازبک‌ها بوده است. همچنین بحران‌های سیاسی داخلی و نیز خطرناک و آسیب‌زا بوده است.

۲ - رابطه معنی دار بین ناکارآمدی ارتش با عوامل سیاسی وجود دارد. مهمترین عوامل سیاسی نیز در ایفای نقش‌های فراتر از وظایف مقبول و موجه نیروهای نظامی نمود داشته است. عواملی که ارتش را از عمل به وظایف خود باز داشته است.

۳ - کارکردهای موجه و پذیرفته شده ارتش از منظر عرف زمانه و آراء اندیشمندان عصر نیز بازتاب داشته است حفظ سرحدات، موجودیت مملکت، امنیت جامعه از خطرات خارجی و داخلی و ... بود که وجود مشغله‌های سیاسی مانع از عمل صلح ارتش به این وظایف شد.

۴ - گزارشات و آمار و ارقام و روند حوادث مربوط به جنگ‌های قوای صفویه با ازبک‌ها، عثمانی‌ها و هندیه‌ها نشان می‌دهد که شکست‌های ارتش صفوی چشمگیر بوده و در موضع انفعالی قرار داشت و این امر متاثر از اشتغالات سیاسی نظامیان در جنگ‌های قدرت طلبانه داخلی، سرکوبی شورش‌های سیاسی و اجتماعی و ... بوده است.

۵ - شورش‌ها و خیزش‌های سیاسی، اجتماعی از دو لحاظ برای ارتش تضعیف کننده بود، یکی به لحاظ شرکت بخش‌هایی از آنان در این شورش‌ها و شورش‌هایی که توسط

مقامات و حکام نظامی رخ می‌داد و دیگر به لحاظ نقش آفرینی بخش‌های دیگر نظامیان در سرکوبی آنها.

۶ - بخش قابل توجهی از عصیان و سرکشی‌های امرا و حکام در ارتباط آنها با دشمنان خارجی دولت مرکزی رخ نموده است که آسیب‌ها و خسارات آن بیشتر و جبران ناپذیرتر بوده است.

آثار و پیامدهای ضعف نیروهای نظامی در اقتصاد و جامعه به انحاء مختلف نمود داشته و بیشترین ضرر و زیان آن متوجه ساکنان سرزمین‌های واقع در مسیر و معرض تهاجمات عثمانی و ازبک‌ها بود.

ضمائم

جدول ۱ - تأثیر عوامل سیاسی در ناتوانی سپاه قزلباش در قبال تهاجمات ازبک‌ها

عنوان ردیف	تاریخ تهاجمات ازبک‌ها	مکان و نحوه تهاجمات	عوامل سیاسی ضعف ارتش	نتایج تهاجمات ازبک‌ها
۱	۹۳۲ هـ.ق / ۱۵۲۵ میلادی (سلطنت شاه تهماسب)	محاصره ۶ ماهه توس (احسن التواریخ، ۲۵۰؛ تکلمه الاخبار، ۶۲-۶۳)	اختلاف میان سران قزلباش (استاجلوها و تکه‌لوها)	خسارت بر شهر توس و ساکنان آن
۲	شوال ۱۵۲۶/۹۳۳	تهاجم به بسطام (تذکره، ۵۵، تکلمه الاخبار، ۶۳)	اختلاف میان سران قزلباش (جنگ داخلی در نخجوان)	پیروزی ازبک‌ها بر قوای صفوی
۳	اوایل ۱۵۲۷/۹۳۴	محاصره ۷ ماهه هرات (احسن التواریخ، ۲۴۴- ۲۴۵؛ ذیل تاریخ...، ۱۶۴-۱۶۵)	شورش داخلی (ذوالفقار خان حاکم کلهر)	خسارت به مردم هرات، قحطی و کشتار آنها
۴	ذیقعه ۱۵۳۴/۹۴۱	تهاجم به هراترود (احسن التواریخ، ۲۴۴- ۲۴۵؛ ذیل تاریخ...، ۱۶۴-۱۶۵)	شورش سام میرزا و آغزیوارخان	شکست قوای صفوی
۵	رجب ۱۵۳۵/۹۴۲	تهاجم به هرات (احسن التواریخ، ۳۱۲-۳۱۸؛ ذیل...، ۱۶۴-۱۶۵)	شورش داخلی و بدرفتاری حاکم هرات با مردم	شکست قوای صفوی در نبرد عبدالآباد مشهد
۶	صفر ۱۵۳۶/۹۴۳	دست اندازی به هرات (احسن التواریخ، ۴۳۷- ۴۳۸)	جنگ داخلی (میان شاه و سام میرزا)	کشتار ساکنان قلعه اختیارالدین
۷	۱۵۴۸/۹۵۵	دست اندازی به استرآباد (ذیل...، ۲۲۹- ۲۳۰؛ خلاصه التواریخ، ۴۷۲)	جنگ با خان احمد در گیلان	
۸	۱۵۵۷/۹۵۶	تهاجم به استرآباد (احسن التواریخ، ۵۳۷- ۵۷۱)	اختلاف میان سران قزلباش و شورش ترکمانان یقه	شکست قوای صفوی و غارت استرآباد
۹	۱۵۶۹/۹۷۷	تهاجم به خراسان (احسن التواریخ، ۵۷۱- ۵۷۳)	سرکوبی والیان گرمسیرات و جبرون توسط حاکم کرمان	شکست قوای صفوی در زورآباد جام

ردیف	عنوان	تاریخ تهاجمات ازبک‌ها	مکان و نحوه تهاجمات	عوامل سیاسی ضعف ارتش	نتایج تهاجمات ازبک‌ها
۱۰		۱۵۷۷/۹۸۵ (سلطنت شاه اسماعیل دوم)	تهاجم به حوالی نیشابور (احسن التسوارین، ۶۴۴ و خلاصه التسوارین، ج ۲، ۶۵۰-۶۵۲)	وجود رقابت‌های قدرت طلبانه داخلی	تهدید امنیت خراسان
۱۱		ربیع الاول ۱۵۷۸/۹۸۶	تهاجم به خراسان (خلاصه التسوارین، ۶۷۳-۶۷۴ نقاوه الاثار، ۱۹۹)	بحران سیاسی پس از مرگ شاه اسماعیل دوم	ناامنی و غارت خراسان
۱۲		۱۵۸۷/۹۹۶ (سلطنت شاه عباس اول)	تهاجم به هرات (نقاوه الاثار، ۳۰۱ و تاریخ عالم آرای عباسی، ج ۲، ۶۰۴-۶۰۵؛ روضه الصفویه، ۶۷۶-۶۷۷)	جنگ‌های قدرت طلبانه داخلی	شکست علیقلی خان و کشتار و غارت هرات
۱۳		۱۵۸۸/۹۹۷	تهاجم به مشهد (نقاوه الاثار، ۳۶۷-۳۷۳)	جنگ شاه عباس با یعقوب خان	محاصره ۷ ماهه مشهد غارت و سوزاندن باغات
۱۴		۱۵۹۰/۹۹۹	حمله به ولایت تربت (روضه الصفویه، ۶۶۷- ۶۷۵)	رقابت و اختلاف میان قزلباشها	شکست حاکم تون (سلمان خلیفه) در نبرد رودخانه ارغند
۱۵		۱۵۹۱/۱۰۰۰	تهاجم به سیستان (نوایی و...، ۱۷۶)	جنگ‌های قدرت داخلی	تصرف قلمرو صفوی از قهستان تا سیستان
۱۶		۱۵۹۲/۱۰۰۱ رمضان	تهاجم به خراسان (نقاوه الاثار ۵۰۳-۵۰۴)	شورش گیلان و لرستان	محاصره نیشابور
۱۷		عاشورای ۱۰۰۴/۱۵۹۵	حمله به سبزوار (عالم آرای عباسی، ۸۰۲- ۸۱۰)	شورش گیلان	تصرف سبزوار و قتل عام مردم آن
	جمع‌بندی و تحلیل	۱۷ مورد تهاجم و جنگ ازبک‌ها طی ۷۲ سال	۱۴ مورد تهاجم به خراسان و هرات ۳ مورد حمله به استرآباد	۷ مورد جنگ میان سران قزلباش ۵ مورد شورش ۴ مورد بحران سیاسی دیگر	۸ مورد محاصره و کشتار و غارت شهرها ۹ مورد شکست در جنگ‌های رویارویی و ایجاد ناامنی

جدول ۲ - تأثیر عوامل سیاسی در ناتوانی سپاه قزلباش در قبال تهاجمات ارتش عثمانی

ردیف	عنوان	تاریخ تهاجمات	مکان و نحوه تهاجمات	عوامل سیاسی ضعف قزلباشها	نتایج تهاجمات
۱		۹۴۰ هـ ق / ۱۵۳۳ میلادی (دوره شاه تهماسب)	میانه (میانج) نبرد سازمان یافته (احسن التواریخ، ۳۱۰ و تاریخ سلطانی ۶۱-۶۳)	خیابانست برخی فرماندهان و همدستی الامه با عثمانی‌ها	شکست در مرحله اول جنگ
۲		ربیع الاول ۱۵۳۴/۹۴۱	دره جزین، بسطان و ارجیش (احسن التواریخ، ۳۳۵-۳۳۹؛ عالم آرای عباسی، ج ۱، ۶۹)	ادامه شورش الامه تکولو	شکست اولیه و تصرف موقتی برخی مناطق مرزی
۳		رجب ۱۵۴۸/۹۵۵	در مرند بصورت جنگ و گریز (احسن التواریخ، ۴۳۱ و تذکره، ۴۲ و ۵۲، عالم آرای، ج ۱، ۷۱)	ادامه شورش القاص و الامه و همدستی آنها با عثمانی‌ها	اشغال موقتی آذربایجان و تخریب منابع اقتصادی
۴		ذی الحجه ۱۵۷۷/۹۸۵ (شاه اسماعیل دوم)	شوره گل (اران و شروران) (خلاصه التواریخ، ج ۲، ۷۰۷؛ نقاوه الآثار، ۷۵ و تاریخ گیلان، ۶۲-۶۳)	شورش در سیستان، مازندران و گیلان و...	شکستهای اولیه ایرانی‌ها
۵		اویل ۱۵۷۹/۹۸۷ (سلطنت شاه محمد)	چلدر (ارمنستان) (نقاوه الآثار، ۷۶-۸۰؛ خلاصه التواریخ، ج ۱، ۶۹۸؛ تاریخ عالم آرای، ج ۲، ۳۶۷، ۳۷۱ و ۳۸۳)	وجود جنگ قدرت داخلی	شکست کامل قزلباشها و تلفات سنگین آنها
۶		۱۵۸۳/۹۹۱ (سلطنت شاه عباس اول)	نخجوان، مرند، صوفیان و ایروان (بیانی، ۲۷۲-۲۷۳)	وجود جنگ قدرت داخلی	شکست قوای صفوی و اشغال بخشی از آذربایجان
۷		۱۵۸۶ تا ۱۵۸۴/۹۹۴ تا ۹۹۲	خوی، مرند، صوفیان و تبریز (خلاصه التواریخ، ۷۹۶-۷۹۹؛ دون ژوان ایرانی، ۲۰۵-۲۱۰)	جنگ داخلی و اختلاف امرا	اشغال آذربایجان و تخریب شهر تبریز و قتل و غارت مردم آن
۸		اواخر ۱۰۳۸ و اوایل ۱۶۲۹ / ۱۰۳۹ - ۱۶۲۸ (سلطنت شاه صفی)	مریوان و ماهیدشت کرمانشاه (خلاصه السیر، ۶۴-۸۱؛ خلد برین، ۳۹-۵۰)	همدستی برخی امرای کرد با عثمانی و مشکلات سیاسی اوان سلطنت شاه صفی	شکست قوای ایرانی در ماهیدشت و پیشروی عثمانی‌ها تا همدان
۹		۱۶۳۷/۱۰۴۷	بین النهرین (بغداد) (خلاصه السیر، ۲۵۷-۲۵۸ و ۲۵۹-۲۶۲، تاریخ سلطانی، ۲۵۷ و خلد برین، ۲۶۸-۲۶۹)	اختلافات میان شاه و فرماندهان نظامی و اعدام برخی از آنها	تصرف بغداد توسط سلطان مراد چهارم
	جمع‌بندی و تحلیل	۹ مورد تهاجم و اشغال و جنگ در طی ۱۰۷ سال	منطقه درگیری در سرزمینهای متعلق به دولت صفوی در بین‌النهرین، آذربایجان، کرمانشاه و قفقاز بود.	۴ مورد شورش داخلی و همدستی شورشگران با قوای عثمانی ۵ مورد جنگ داخلی و اختلاف میان شاه و فرماندهان نظامی	۵ مورد شکست اولیه و اشغال موقت سرزمین ۴ مورد شکست قطعی و اشغال دائم یا مدت دار

منابع

- ۱ - ابن خلدون، عبدالرحمن (۱۳۶۹ه.ش) مقدمه ابن خلدون، ج ۱، ترجمه محمد پروین گنابادی، تهران، انتشارات علمی و فرهنگی.
- ۲ - افوشته‌ای نطنزی، محمود ابن هدایت‌الله (۱۳۷۳ ه.ق)، نقاوه الآثار فی ذکر الاخیار، به اهتمام دکتر احسان اشراقی، شرکت انتشارات علمی و فرهنگی، چاپ دوم، تهران .
- ۳ - باکه گرامون، ژان لوئی (۱۳۸۴ ه.ش)، «فهرستی از امرای شورشی استاجلو در ۱۵۲۶/۹۳۲م» ترجمه کیومرث قرفلو، فصلنامه تاریخ پژوهان، قم .
- ۴ - بشیریه، حسین، (۱۳۷۸ه.ش)، جامعه شناسی سیاسی، تهران، نشر نی.
- ۵ - بلک، آنتونی (۱۳۸۶ه.ش) تاریخ اندیشه سیاسی اسلام، ترجمه محمد حسین وقار، تهران، انتشارات اطلاعات.
- ۶ - بیات، اروج بیک، (۱۳۶۰ه.ش) دون ژوان ایرانی، ترجمه مسعود رجب نیا، تهران، انتشارات ترجمه و نشر کتاب .
- ۷ - بیانی، خان بابا (۱۳۵۳ه.ش) تاریخ نظامی ایران در عصر صفویه، تهران، ستاد بزرگ ارتشتاران
- ۸ - پارسا دوست، منوچهر (۱۳۸۱ ه.ش) شاه اسماعیل دوم و شاه محمد، تهران، شرکت سهامی انتشار .
- ۹ - پیگولوسگایا، ن. و و دیگران (۱۳۵۴ه.ش) تاریخ ایران از دوران باستان تا پایان سده میلادی، ترجمه کریم کشاورز، تهران ، پیام.
- ۱۰ - حسینی قمی، احمدبن شرف الدین (۱۳۸۳ه.ش) خلاصه التواریخ، ج ۲، به تصحیح دکتر احسان اشراقی، چاپ دوم، تهران، انتشارات دانشگاه تهران.
- ۱۱ - حسینی، خورشاه بن قباد (۱۳۷۹ ه.ش) تاریخ ایلچی نظام شاه، تصحیح، تحشیه، توضیح و اضافات دکتر محمدرضا نصیری و کونچی‌ها نه دا، انجمن آثار و معاصر فرهنگی، تهران، انتشارات ترجمه و نشر کتاب .
- ۱۲ - خواند میر، امیر محمود (۱۳۷۰ه.ش) تاریخ شاه اسماعیل و شاه طهماسب صفوی (ذیل تاریخ حبیب السیر)، به تصحیح و تحشیه دکتر محمد علی جراحی، تهران، نشر گستره.
- ۱۳ - روملو، حسن (۱۳۵۷ه.ش) احسن التواریخ، به تصحیح دکتر عبدالحسین نوایی، تهران، انتشارات بابک .
- ۱۴ - رویمر، هانس (۱۳۸۰ه.ش)، تاریخ ایران دوره صفویه، پژوهش از دانشگاه کمبریج، ترجمه یعقوب آژند، تهران، انتشارات جامی.
- ۱۵ - سبزواری، محمد باقر (محقق سبزواری) (۱۳۸۳ ه.ش) روضه الانوار عباسی در اخلاق و شیوه کشور داری، مقدمه، تصحیح و تحقیق اسماعیل چنگیزی اردهایی، چاپ دوم، تهران، مرکز نشر میراث مکتوب.
- ۱۶ - سفر نامه‌های ونیزیان در ایران ، (۱۳۴۹ ه.ش)، ترجمه منوچهر امیری، تهران، انتشارات خوارزمی.

- ۱۷ - سینایی، وحید، (۱۳۸۴ هـ. ش) **دولت مطلقه**، سیاست و نظامیان در ایران (۱۳۵۷-۱۲۹۹ هـ. ش)، تهران، انتشارات کویر.
- ۱۸ - سیوری، راجر (۱۳۶۳ هـ. ش) **ایران عصر صفوی**، ترجمه احمد صبا، تهران، انتشارات کتاب تهران.
- ۱۹ - سیوری، راجر (۱۳۶۹ هـ. ش)، «منصب اصلی دولت صفوی در خلال پادشاهی تهماسب اول»، ترجمه مهدی فرهانی منفرد، **فصلنامه مطالعات تاریخی**، سال دوم، شماره سوم، انتشارات آستان قدس رضوی.
- ۲۰ - شهابی، هوشنگ ولینز، خوان (۱۳۸۰ هـ. ش)، **نظام‌های سلطانی**، ترجمه منوچهر صبوری، چاپ اول، تهران، انتشارات شیرازه.
- ۲۱ - شیرازی (نویدی)، عبدی بیک، (۱۳۶۹ هـ. ق) **تکلمه الاخبار**، تاریخ صفویه از آغاز تا ۹۷۸ هـ. ق، با مقدمه و تصحیح و تعلیقات دکتر عبدالحسین نوایی، تهران، نشر نی.
- ۲۲ - طاهری، ابولقاسم، (۱۳۸۳ هـ. ش)، **تاریخ سیاسی و اجتماعی ایران**، از مرگ تیمور تا مرگ شاه عباس، تهران، شرکت انتشارات علمی و فرهنگی.
- ۲۳ - طوسی، نظام الدین حسن، (خواجه نظام الملک) (۱۳۷۵ هـ. ش) **سیاست نامه**، تصحیح مرتضی مدرس، تهران، انتشارات زوار.
- ۲۴ - طهماسب صفوی، (۱۳۸۳ هـ. ش) **تذکره شاه طهماسب**، به تصحیح کریم فیضی، قم، مطبوعات دینی.
- ۲۵ - فومنی، عبدالفتاح، (۱۳۴۹ هـ. ش) **تاریخ گیلان در وقایع سال‌های ۹۲۳-۱۰۳۸ هـ. ق**، به تصحیح منوچهر ستوده، تهران، بنیاد فرهنگ ایران.
- ۲۶ - قزوینی، منشی بوداق، (۱۳۷۸ هـ. ش) **جواهر الاخبار** (بخش تاریخ ایران از قراقویینلوها تا سال ۹۸۴ هـ. ق)، با مقدمه و تصحیح و تعلیقات محسن بهرام‌نژاد، تهران، چاپ اول، مرکز نشر میراث مکتوب.
- ۲۷ - میرجعفری، حسین، «زندگانی القاص میرزای صفوی» **مجله بررسی‌های تاریخی**، شماره ۵، سال یازدهم، تهران، ستاد بزرگ ارتشداران.
- ۲۸ - منشی ترکمان، اسکندر بیک (۱۳۷۷ هـ. ش) **تاریخ عالم آرای عباسی**، جلد‌های ۱ و ۲، به تصحیح دکتر محمد اسماعیل رضوانی، تهران، انتشارات دنیای کتاب.
- ۲۹ - نوایی، عبدالحسین و غفاری فرد، عباسقلی (۱۳۸۶ هـ. ش) **تاریخ تحولات سیاسی، اجتماعی، اقتصادی و فرهنگی ایران در دوران صفویه**، چاپ چهارم، تهران، انتشارات سمت.
- ۳۰ - نویدی، داریوش، (۱۳۸۶ هـ. ش)، **تغییرات اجتماعی - اقتصادی در ایران صفوی**، ترجمه هاشم آقا جری، تهران، نشر نی.
- ۳۱ - وبر، ماکس، (۱۳۷۴ هـ. ش)، **اقتصاد و جامعه**، ترجمه عباس منوچهری و مهرداد ترابی‌نژاد و مصطفی عمادزاده، تهران، انتشارات مولی.
- ۳۲ - ولی، عباس، (۱۳۸۰ هـ. ش)؛ **ایران پیش از سرمایه داری** ترجمه شمس آوری، تهران، نشر مرکز.
- ۳۳ - هیتس، والتر (۱۳۷۱ هـ. ش) **شاه اسماعیل دوم صفوی**، ترجمه کیکاوس جهاندار، شرکت انتشارات علمی و فرهنگی، تهران.

34 - Hurewitz, J.C, (1969) **Middle East politics**, The Military Dimension NewYork: Fredrick. A Praeger Publishers.

35 - Outhwait , William and Martell, Luke (1998): **the Sociology of Politics** , Vol. 2, Uk. Edward Elyxr. Pub.

36 - Luttwak, Edward N (1982), **Perceptions and the Political Utility of Armed Forces**, In, Ron D. Mclaurin, Ed, «Military Propagand», NewYork, Praeger.

تبیین عوامل مؤثر در انتخاب صحنه‌های عملیات جمهوری اسلامی ایران با رویکرد جنگ‌های آینده

تاریخ دریافت مقاله: ۸۹/۳/۲۶	قدیر نظامی ^۱
تاریخ تأیید مقاله: ۸۹/۵/۱۰	هادی پیری ^۲
صفحات مقاله: ۱۴۹-۲۰۲	

چکیده

انتخاب صحنه‌های عملیات در تمام جنگ‌ها یکی از مباحث مهم و اساسی برای همه فرماندهان نظامی و اعضای ستاد آنها در سطوح مختلف به ویژه سطح میانی جنگ می‌باشد. زمانی می‌توان از انتخاب صحیح صحنه‌های عملیات اطمینان کسب کرد که انتخاب آنها بر مبنای شاخص‌های دقیق و عوامل مؤثر صورت گرفته‌اند. این امر، مستلزم آن است که عوامل یادشده به درستی شناسایی و مورد بررسی قرار گیرند. جمهوری اسلامی ایران برای مقابله با تهدیدات احتمالی آینده متناسب با شرایط و توانمندی‌های سیاسی، اقتصادی، اجتماعی و فرهنگی، نظامی و محیط جغرافیایی و همچنین با استفاده از عوامل و شاخص‌ها باید صحنه‌های عملیاتی خود را تبیین نماید. هدف از این تحقیق بازشناسی عوامل مؤثر در انتخاب صحنه‌های عملیات در جنگ آینده بوده است. برای این منظور محقق صحنه‌های عملیات در هشت سال دفاع مقدس، شناخت ویژگی‌ها و مشخصات جنگ‌های آینده و عوامل مؤثری که در هریک از این جنگ‌ها وجود داشته است را شناسایی و تدوین نموده است، سپس برای توسعه و تکمیل اطلاعات با استفاده از روش کتابخانه‌ای، اسناد، مدارک را مورد توجه قرار داده و به روش مصاحبه عمیق و پرسشنامه، نیز اطلاعات لازم را گردآوری و تکمیل نموده است. نوع

۱ - استاد یار دانشگاه عالی دفاع ملی.
۲ - استادیار دانشگاه جامع امام حسین (ع).

تحقیق، کاربردی، توسعه‌ای و روش تحقیق، تاریخی و پیمایشی بوده است. جامعه آماری این تحقیق نزدیک به ۱۰۰۰ نفر از فرماندهان ارشد، کارشناسان و اعضای هیات علمی ارتش و سپاه بوده که همه از خبرگان نظامی می‌باشند. روش تحقیق یادشده از طریق روش خوشه‌ای چندمرحله‌ای انجام گرفته، و حجم نمونه با استفاده از فرمول آماری فریدمن، ۲۳۳ نفر تعیین شده است. نتایج تحقیق یادشده نشانگر این است که عوامل اصلی و زیرشاخص‌های آنها در جنگ آینده به ترتیب اولویت شامل عوامل اجتماعی و فرهنگی، اقتصادی، نظامی، سیاسی و جغرافیایی نظامی می‌باشد.

کلید واژگان

صحنه‌ی عملیات، صحنه‌ی جنگ، جنگ آینده، صحنه‌های عملیات جمهوری اسلامی ایران

مقدمه

جنگ، از آغاز خلقت بشر تا به امروز با انسان همراه بوده و در آینده نیز خواهد بود. در هر جنگی فرماندهان می‌نمایند تا عملیات خود را طوری طرح‌ریزی و اجراء نمایند که در کوتاه‌ترین زمان و با کمترین هزینه بتواند بیشترین موفقیت را به همراه داشته باشد. جمهوری اسلامی ایران که در یک موقعیت بسیار حساس ژئوپلیتیکی در منطقه خاورمیانه قرار دارد با وجود تهدیدات بالفعل و بالقوه در اطراف خود، لازم است نیروهای مسلح را آماده دفاع در سطوح مختلف نمایند. از این رو، با توجه به توانمندی‌های فیزیکی دشمنان و توسعه فناوری و تجهیزات در صنایع دفاعی و همچنین ترکیب و تلفیق عوامل سیاسی، اقتصادی، اجتماعی و فرهنگی با عوامل نظامی و جغرافیایی می‌توان گفت که در امور نظامی یک تحول اساسی و بنیادی صورت گرفته است که همین عوامل باعث شده جنگ از بعد نظامی خارج و حوزه‌های مختلف دیگری را نیز در برگیرد. لذا جا دارد که کشور را به صحنه‌های عملیاتی مختلف تقسیم بندی کرده و براساس یک منطق علمی و راهبردی آماده دفاع همه جانبه کرد. طبیعتاً این امر مستلزم کار تحقیقی وسیع و عمیق در خصوص معیارهای انتخاب صحنه‌های عملیات می‌باشد. بنابراین، با توجه به ویژگی‌های جنگ آینده و استفاده از حوزه‌ها و ابعاد

مختلف قدرت ملی، این مقاله در پی تبیین عوامل مؤثر در انتخاب صحنه‌های عملیات جمهوری اسلامی ایران در جنگ آینده می‌باشد.

بیان مسئله

یکی از مهمترین مسائل و چالش‌های جنگ برای فرماندهان نظامی انتخاب صحنه‌ی عملیات بر مبنای عوامل مختلف و مؤثر و مرتبط می‌باشد، زیرا انتخاب درست صحنه می‌تواند توفیقات نظامی را فراهم نموده و یا در صورت خطا، شکستی غیرقابل جبران را به واحدهای نظامی تحمیل نماید. انتخاب صحنه‌ی عملیات فرایندی پیچیده و ناشی از متغیرهای سخت افزاری و نرم افزاری و مبتنی بر مجموعه‌ای متعدد و متنوع از عواملی مانند جغرافیا، قومیت، و توانایی نظامی و غیره می‌باشد. اگرچه اکثر کشورها از معیارها و مؤلفه‌های عمومی پیروی می‌نمایند، اما به طور طبیعی شرایط خاص عملیاتی در هر کشوری متغیر است. جمهوری اسلامی ایران به دلیل موقعیت خاص جغرافیایی خود و قابلیت‌های منحصر به فرد و همچنین آسیب پذیری‌های خود در انتخاب صحنه‌های عملیات نیازمند تبیین عوامل بومی شده می‌باشد. به نظر می‌رسد با توجه به تهدید احتمالی امریکا علیه نظام مقدس جمهوری اسلامی ایران با استفاده از تجارب گذشته و با مطالعه هشت سال دفاع مقدس می‌توان عوامل مؤثر بر انتخاب صحنه یا صحنه‌های عملیات جنگ آینده را شناسایی و انتخاب کرد. لذا مسئله اساسی این مقاله باز تعریف عوامل مذکور با توجه به شرایط خاص جمهوری اسلامی ایران می‌باشد.

اهمیت و ضرورت

- (۱) جنگ، یکی از پدیده‌های جاری در زندگی روزمره جوامع و کشورها است و آمادگی برای حضوری مؤثر و کارآمد در صحنه‌ی جنگ، نیازمند تشخیص قبلی صحنه‌های حضور نیروهای مسلح برای رزم و دفاع است.
- (۲) بی تردید انتخاب صحنه‌ی عملیات یکی از نیازهای اساسی برای اداره صحنه نبرد با هدف پیروزی بر دشمن و دست یابی به اهداف از پیش تعریف شده تاکتیکی،

عملیاتی و یا راهبردی است.

(۳) توسعه ادبیات و دانش مرتبط باتعیین و انتخاب صحنه‌های جنگ و عملیات در محیط-های علمی و آموزشی نیروهای مسلح یکی از دیگر ابعاد اهمیت و ضرورت این پژوهش می‌باشد.

اهداف تحقیق

- ۱- شناسایی و بازتعریف عوامل مؤثر در انتخاب صحنه‌ی عملیات در جنگ آینده
- ۲- اولویت بندی عوامل مؤثر در انتخاب صحنه‌ی عملیات در جنگ آینده
- ۳- کاربرد احتمالی عوامل مؤثر انتخاب شده در جنگ آینده

متغیرهای تحقیق

صحنه‌ی عملیات (متغیر وابسته)

آن قسمت از صحنه‌ی جنگ است که برای عملیات نظامی (رزمی، پشتیبانی رزمی و پشتیبانی خدمات رزمی) مورد لزوم بوده و دارای حدود مشخص و معینی می‌باشد. (محرابی، ۱۳۸۴: ۳۶)

عوامل مؤثر در انتخاب صحنه: (متغیر مستقل)

شامل مجموعه عواملی است (نظامی، جغرافیای نظامی، سیاسی، اقتصادی و اجتماعی و فرهنگی) و شاخص می‌باشد که در انتخاب صحنه‌های عملیات در جنگ آینده کاربرد خواهد داشت.

سؤالات تحقیق

- ۱- عوامل مؤثر (عوامل اصلی و شاخص‌ها) در انتخاب صحنه‌های عملیات در جنگ آینده کدامند؟
- ۲- اولویت بندی عوامل مذکور در انتخاب صحنه‌ی عملیات در جنگ آینده چگونه می‌باشد؟

روش تحقیق و ابزار گردآوری و تجزیه و تحلیل اطلاعات

روش مورد استفاده در این تحقیق روش تاریخی - پیمایشی است. در این مطالعه برای تدوین ادبیات موضوع و چارچوب نظری تحقیق از مطالعات اسنادی و کتابخانه‌ای و برای جمع آوری اطلاعات میدانی و نیز از پرسشنامه‌ای که محقق براساس طیف لیکرت تهیه نموده، استفاده شده است. برای بررسی میزان تأثیر بین متغیرها، پس از جمع آوری اطلاعات میدانی، داده‌ها با استفاده از نرم افزار «Spss» و نیز آمارهای توصیفی در تجزیه و تحلیل واقع و پس از تشکیل جداول فراوانی و تعیین آمارهای استنباطی، تست نرمالیته انجام و در ادامه از آزمون دو جمله‌ای و برای تعیین رتبه‌های میانگین متغیرها از آزمون فریدمن، استفاده شده است.

جامعه و نمونه آماری

جامعه آماری تحقیق متشکل از ۱۰۰۰ نفر از فرماندهان ارشد، صاحب نظران و اعضای هیات علمی نیروهای مسلح جمهوری اسلامی ایران در سطوح راهبردی و عملیاتی می‌باشند که به منظور ایجاد تعادل تعداد کارکنان ارتش و سپاه حدوداً در یک اندازه انتخاب گردیده و حجم نمونه برابر با فرمول زیر ۲۳۳ نفر می‌باشد.

$$N = \frac{n * z_{\alpha/2}^2 * pq}{e^2(n-1) + z_{\alpha/2}^2 * pq} = 233$$

$$Z_{\alpha/2} = 1/96 \quad \alpha = 0.05$$

$$n = \text{حجم جامعه آماری} = 1000$$

$$e = 5\%$$

$$p = 1/2$$

$$q = 1/2$$

۱- ادبیات و مبانی نظری تحقیق

۱-۱- مبانی صحنه‌ی عملیات

تعیین منطقه مسئولیت برای یگان‌های عملیاتی در سطوح مختلف علاوه بر شرایط جغرافیایی، تابعه عوامل دیگری مانند ظرفیت‌های نظامی سیاسی، اقتصادی، توان نیروی تهدید کننده و توان رزم موجود در هر منطقه می‌باشد به همین دلیل، فرماندهان و مسئولین در زمان جنگ علاوه بر سطح بندی جنگ (راهبردی، عملیاتی و تاکتیکی) مناطق مختلفی را به عنوان صحنه انتخاب می‌کند.

الف) مفهوم صحنه

صحنه، منطقه جغرافیایی مشخصی است که می‌تواند مربوط به داخل یا خارج از یک کشور یا ترکیبی از چند کشور باشد که تحت فرماندهی یک فرمانده عالی منطقه‌ای قرار دارد. (امیر بیگی، ۱۳۷۲: ۳۲) صحنه یا حوزه مسئولیت براساس طرح فرماندهی عالی و به لحاظ شرایط راهبردی، میزان همکاری نظامی مورد نیاز ملی و بین‌المللی و یا میزان منابع نظامی اختصاص یافته در صحنه مورد بررسی قرار می‌گیرد این چشم اندازها چگونگی اجرای عملیات در هر صحنه‌ای را توسط نیروی مشترک و یا یگانه تحت تأثیر قرار می‌دهند. (۷۴: ۱۹۹۵-۷-۱۰۰-FM)

ب) انواع صحنه

هر صحنه‌ای با توجه به شرایط تهدید، محیط جغرافیایی، توانمندی‌های خودی به صحنه‌های کوچکتر و مختلف تقسیم می‌گردد استراتژیست‌های نظامی آمریکا با توجه به ویژگی‌های مهم راهبردی و جغرافیایی غالباً آنها را به صحنه‌های (خشکی، هوایی، دریایی و ساحلی) تقسیم می‌نمایند.

ج) مفهوم صحنه‌ی جنگ و صحنه‌ی عملیات

فرماندهان عالی در زمان جنگ راهبرد عملیاتی نبرد را طوری سازمان می‌دهند که بتوانند متناسب با شرایط تهدید توانمندی‌های خودی و شرایط محیط منطقه نبرد، روابط و وحدت

فرماندهی را ممکن سازند. هر صحنه، می‌تواند شامل یک یا چند صحنه‌ی عملیاتی را در بر گیرد که متناسب با عرض و عمق منطقه واگذاری و شرایط جغرافیائی صحنه تقسیم می‌گردد. به ترتیب هر یک از صحنه‌ها توضیح داده می‌شود.

۱ - صحنه‌ی جنگ^۱

صحنه‌ی جنگ منطقه‌ای هوایی، زمینی، دریایی و فضایی است که مستقیماً با عملیات‌های جنگی مرتبط بوده یا خواهد بود. عملیات‌های صحنه‌ی جنگ معمولاً یگانه، مشترک و یا چند ملیتی می‌باشند. صحنه‌ی جنگ باید به لحاظ عملیاتی خود کفاء و دارای پایگاه پشتیبانی دائمی برای پشتیبانی عملیات‌های در عمق می‌باشد. (علمایی، ۱۳۸۲: ۷۸)

صحنه‌ی جنگ اساساً در سطح راهبردی طرح‌ریزی می‌شود و نحوه بکارگیری مجموعه امکانات کشور و سازمان دهی کلان نیروهای مسلح را برای دستیابی به اهداف عالی جنگ مشخص می‌نماید. (سلامی، ۱۳۸۵: ۵۷)

۲ - صحنه‌ی عملیات^۲

الف) تعاریف صحنه‌ی عملیات

- صحنه‌ی عملیات سرزمینی مشخص و معینی است (هوا، دریا و زمین) که زیر مجموعه صحنه‌ی جنگ محسوب می‌شود و در آن، نیروهای مسلح دو یا چند بازیگر ملی، فروملی یا فرا ملی با یکدیگر به مقابله می‌پردازند. (Allan, 2006: 4)
- آن قسمت از صحنه‌ی جنگ است که برای انجام عملیات نظامی (آفند و پدافند و...)، پشتیبانی رزمی و پشتیبانی خدمات رزم تقسیم می‌گردد. (آقایی و علی بابایی، ۱۳۶۶: ۲۵۲)

1 - Theater of War

2 - Theater of Operation

- صحنه‌ی عملیات به مناطق اصلی تحرک نیروهای رزمی، (آفند، پدافند) در مجموعه‌ی یک صحنه‌ی جنگ اطلاق می‌گردد. (نظامی، ۱۰/۱۷، ۱۳۸۷، مصاحبه)
- ب) عمده‌ترین اقدامات اساسی فرماندهان در صحنه‌ی عملیات عبارتند از:
 - مرحله بندی عملیات، تعیین زمان عملیات، انتخاب انواع یگانهای مانوری (پیاده، زرهی، مکانیزه و ...) و پشتیبانی رزمی و خدمات رزمی، تعیین نوع عمل (آفند، پدافند و...)، تعیین اهداف عملیاتی، شیوه استفاده از منابع و امکانات نظامی متناسب با محدودیت‌ها و مقدرات، ایجاد خطوط مواصلاتی برای پشتیبانی از نواحی رزم. در واقع، صحنه‌ی عملیات حلقه واسط بین کاربرد یگانهای رزمی در ناحیه رزم و تأمین اهداف راهبردی را در صحنه جنگ به وجود می‌آورد. (نوذری، ۱۳۸۴: ۳۵)

۳ - منطقه نبرد (ناحیه رزم)

ناحیه رزم (منطقه نبرد) قسمتی از صحنه‌ی عملیات است که یگان‌های مانوری در آن منطقه با دشمن، درگیر رزم می‌شوند؛ عمق این ناحیه با توجه به استعداد نیروهای عمل کننده، نوع عملیات خطوط مواصلاتی، عوارض مهم زمین وضعیت جغرافیایی منطقه و امکانات خودی و دشمن متغیر می‌باشد. (گروه مؤلفین، ۱۳۷۳: ۱۷۶) معمولاً محدوده ناحیه رزم به دو قسمت تقسیم می‌شود:

الف) منطقه نبرد: در این منطقه یگان‌های مانوری مانند سپاه‌ها، لشکرها، تیپ‌ها و گردانها اجراء مأموریت می‌نمایند.

ب) منطقه عقب: در این منطقه پشتیبانی از یگان‌های مانوری طرح‌ریزی و اجراء می‌گردد.

در بعضی از منابع و در مصاحبه‌ای که با فرماندهان هشت سال دفاع مقدس (ارتش و سپاه) به عمل آمد، ناحیه رزم را به عنوان صحنه نبرد و بعضاً صحنه‌ی عملیات نام برده‌اند که این دیدگاه نشأت گرفته از تجارب هشت سال دفاع مقدس به شرح ذیل می‌باشد.

۲-۱- بررسی اجمالی صحنه‌های عملیاتی ایران در طول جنگ عراق علیه ایران^۱

پس از حملات سراسری ارتش بعث عراق به مرزهای جمهوری اسلامی در صحنه‌های مختلف و اشغال قسمت اعظمی از مناطق مرزی غربی ایران نیروهای مسلح (ارتش، سپاه و ژاندارمری) برای مقابله با هجوم سراسری، اقدام به مقابله کرده و به دفاع پرداختند و به طور طبیعی در هر جا که یگان‌هایی از ارتش عراق، کشور ایران را مورد تهاجم قرار داده بود، نیروهای خودی اقدام به دفاع کردند. لذا صحنه‌های عملیات جمهوری اسلامی ایران، متناسب با اوضاع جغرافیایی هر منطقه و مناطقی که لشکرها و تیپ‌های دشمن اقدام به تک نمودند انتخاب گردید.

با توجه به مطالعات کتابخانه‌ای و مصاحبه‌هایی که با ۷۹ نفر از فرماندهان ارتش و سپاه انجام گردیده است، اکثراً صحنه‌های عملیاتی را به سه صحنه خشکی و یک صحنه عملیات دریائی تقسیم نموده‌اند و در ضمن بعضی از افراد که تعداد آنها بسیار اندک می‌باشد صحنه‌ی عملیات خشکی را به چهار صحنه و صحنه‌ی دریایی را نیز به دو صحنه‌ی عملیاتی، تقسیم بندی نموده‌اند. ولیکن نظر اکثر قریب به اتفاق، سه صحنه خشکی و یک صحنه دریائی بوده است. که صحنه‌های فوق نیز در همین راستا توضیح داده خواهد شد.

شایان توجه این‌که صحنه‌های عملیاتی بر اساس اصول و مبانی عملیاتی و وضعیت جغرافیایی و محیطی همیشه خود را به نوعی به انسان تحمیل می‌کند که ایجاد صحنه‌های فوق نیز از این قاعده مستثنی نمی‌باشد. (سلامی، ۱۳۸۵: ۲۸)

الف) صحنه‌های عملیات منطقه خشکی (زمینی)

(۱) صحنه‌ی عملیات جنوب غرب

صحنه‌ی عملیات جنوب غربی شامل استان خوزستان و قسمت محدودی از استان ایلام بوده که از دهانه اروندرکنار تا منطقه عمومی دهلران را شامل می‌شود. صحنه‌ی عملیات جنوب

۱ - مطالب فوق نتیجه مصاحبه عمیق با ۷۹ نفر از فرماندهان ارشد ارتش و سپاه می‌باشد که توسط محقق، گردآوری و تلخیص شده است.

بدلیل ذخایر عظیم نفت، گاز، آب فراوان و دسترسی به دریای خلیج فارس و گویش بعضی از مردم عرب زبان در منطقه و زمین باز و دشتی بودن دارای دید و تیر بسیار عالی بوده و یکی از مهمترین مناطق کشور جمهوری اسلامی ایران محسوب می‌گردد. از این رو، عراق احساس می‌نمود که اگر این منطقه را اشغال نماید می‌تواند جمهوری اسلامی را تحت فشار قرار داده و در نهایت خواسته‌های خود را به او تحمیل نماید. لذا، منطقه جنوب غرب یکی از صحنه‌های عملیاتی بسیار حیاتی و مهم برای جمهوری اسلامی ایران و عراق محسوب می‌گردد.

(۲) صحنه‌ی عملیات منطقه میانی (غرب)

صحنه‌ی عملیات غرب از منطقه عمومی شمال دهلران، شروع و تا منطقه عمومی باویسی و ازگله ایران ادامه می‌یابد. این صحنه بدلیل نزدیکی به بغداد (پایتخت عراق) و از طرفی به دلیل واسط بودن بین صحنه‌ی عملیاتی شمال غرب و جنوب برای هر دو کشور بسیار مهم می‌باشد. این صحنه از نظر جغرافیای طبیعی دارای زمینهای نیمه کوهستانی و ذوعارضه و از نظر آب و هوا، منطقه‌ای گرم و نیمه خشک می‌باشد و از نظر اجرای عملیات در تابستان‌ها نیروها را با مشکلاتی مواجه می‌نماید.

(۳) صحنه‌ی عملیاتی شمال غرب

صحنه‌ی عملیاتی شمال غرب از منطقه عمومی ازگله وپاوه شروع شده تا نطقه تلاقی مرز مشترک سه کشور ایران، ترکیه و عراق ادامه دارد که دو استان کردستان و آذربایجان غربی را شامل می‌شود. شاید بتوان گفت این صحنه بلافاصله پس از پیروزی انقلاب اسلامی برای اعمال فشار و تضعیف جمهوری اسلامی به عنوان صحنه‌ی عملیات داخلی در این دو استان به وجود آمد و جمهوری اسلامی در این صحنه از دو جبهه داخلی و خارجی تهدید می‌گردید. لذا این صحنه با توجه به نوع تهدیدات اعم از داخلی و خارجی نیز به نوبه خود یکی از صحنه‌های مهم به شمار می‌رود. این صحنه، بدلیل کوهستانی بودن منطقه و وجود عناصر ضدانقلاب در منطقه کردستان و به منظور تمرکز تلاش اصلی در صحنه جنوب تلاش

گسترده‌ای را برای تصرف مناطق و شهرهای این منطقه به عمل نیاورد و سعی نمود بیشترین توان رزم خود را در منطقه جنوب متمرکز نماید.

ب) صحنه‌ی عملیات دریائی

در صحنه‌ی عملیات دریائی با توجه به قدرت ضعیف نیروی دریائی دشمن (دو ناو تیپ) قدرت دریائی در شمال خلیج فارس در اختیار نیروهای خودی بود. محدوده صحنه‌ی عملیات دریائی از دهانه فاو در استان خوزستان شروع شده تا استان بوشهر را شامل می‌گردد. این صحنه در ابتداء جنگ با توجه به توانمندی‌های نیروی دریائی جمهوری اسلامی تا اواسط جنگ تقریباً راکد بود و پس از جنگ نفت کش‌ها و اجرای عملیات کربلای ۳ (انهدام سکوهاى البکر و العمیه) و پشتیبانی نیروهای دریایی کشورهای بیگانه این صحنه نیز به طور چشمگیر فعال شد. لازم به توضیح می‌باشد در این صحنه‌ی عملیات مشترک زمینی، دریائی و هوایی مانند عملیات والفجر ۸ و عملیات کربلای ۳ طرح‌ریزی و اجراء گردید که به نوبه‌ی خود از جمله عملیات‌های بی نظیر در عصر حاضر محسوب می‌شود. جدول شماره (۱) جدول نواحی (منطقه) رزم و نواحی مواصلاتی صحنه‌های عملیاتی کشور جمهوری اسلامی ایران در مقابله با عراق را نشان می‌دهد:

جدول شماره ۱ - نواحی (منطقه) رزم و نواحی مواصلاتی صحنه‌های عملیاتی جمهوری اسلامی ایران در مقابله با عراق

ردیف	نوع صحنه	نام صحنه‌ی عملیاتی	ناحیه مواصلات	نواحی (منطقه) رزم
۱	صحنه‌ی عملیاتی خشکی	صحنه‌ی عملیاتی جنوب غرب	اهواز، شوشتر، دزفول، اندیمشک	مناطق مرزی، شهرهای دهلران، بستان، کوشک، طلائیه، شلمچه، شهر خرمشهر و جزیره آبادان
		صحنه‌ی عملیاتی منطقه میانی (غرب)	شهرهای ایلام، صالح آباد، کرند، جوانرود و پاره	منطقه عمومی باویسی، قصر شیرین، سرپل ذهاب، منطقه عمومی گیلان غرب، سومار، چنگلوله، مهران
		صحنه‌ی عملیاتی شمال غرب	ارومیه، سنندج، مهاباد، نرده و شهرهای مرزی دو استان کردستان و آذربایجان غربی	شهرهای نوسود، مناطق مرزی، استان کردستان و قسمتی از آذربایجان غربی، بیرانشهر، اشنویه
۲	صحنه‌ی عملیاتی دریایی	صحنه‌های عملیاتی شمال خلیج فارس	استانهای بوشهر و خوزستان	رودخانه اروندرود، خور عبدالله، منطقه عمومی شمال خلیج فارس

علاوه بر عوامل تأثیرگذار در انتخاب صحنه‌های عملیاتی در جنگ‌های گذشته در هشت سال دفاع مقدس به عنوان تجربه‌ای جدید از متاخرترین جنگ‌های جهان عوامل دیگری در تعیین صحنه‌های عملیاتی مؤثر بوده و سازماندهی صحنه‌ی عملیاتی را تحت تأثیر قرار داده است و در بررسی‌های کتابخانه‌ای، اسنادی و مصاحبه با فرماندهان و نخبگان استخراج گردیده است که عوامل مؤثر در انتخاب صحنه‌های عملیاتی در هشت سال دفاع مقدس شامل (فرماندهی و کنترل، تحرک و جابجایی، ساختار و سازمان‌پویا و سبک، وجود اطلاعات دقیق از دشمن، استفاده از یگان‌های پیاده، استفاده از نیروهای مردمی (بسیج)، عملیات سد و موانع، وضعیت نیروهای خودی و دشمن، تاکتیک و دکترین رزم شبانه) بوده است.

۳-۱- عوامل مؤثر در انتخاب صحنه‌های عملیات در برخی از جنگ‌های پیشین

با توجه به مطالعه جنگ‌های گذشته در می‌یابیم که صحنه‌های عملیات در همه جنگ‌ها یکسان نیست بلکه متناسب با شرایط و وضعیت‌های مختلف متغیر بوده و در آینده نیز متغیر خواهد بود. در دوران جنگ‌های نسل اول صحنه‌های عملیاتی منحصر به جنگ افزارهای سبک، و تاکتیک‌ها متکی به نفرات پیاده بود به همین دلیل صحنه‌های عملیات، نسبت به امروزه، بسیار محدود طرحریزی و انتخاب می‌شد. مثلاً در جنگ‌های صدر اسلام در جنگ احد یا جنگ بدر بدلیل وجود نفرات پیاده و جنگ افزارهای سبک، مشاهده می‌شود که صحنه‌های عملیات در یک عرض و عمق محدود انتخاب می‌شود؛ یا در جنگ‌های ناپلئون با کشورهای همسایه خود به ویژه در حمله به آلمان به دلیل محیط جغرافیایی و استعداد رزمی محدود صحنه‌ی عملیات نیز محدود انتخاب می‌شد و سپس با پیشرفت سلاح، تجهیزات و فناوری، به مرور زمان جنگ‌ها گسترش یافته و به تبعه آن صحنه‌های عملیات نیز توسعه یافت؛ به طوری که در جنگ جهانی اول صحنه‌های عملیات از عوامل مؤثر بیشتری استفاده شد. در این جنگ برای اولین بار، صحنه‌های عملیات مشترک زمینی، هوایی و دریایی طرحریزی و اجرا شد. که در آن شرایط صحنه‌های عملیات از عرض و عمق بیشتر و وسیعتری برخوردار شد. سپس با پیشرفت فناوری در جنگ جهانی دوم، صحنه‌های عملیات با استفاده از عوامل مؤثر جدیدتر و افزایش متغیرها از وسعت بیشتری برخوردار گردید، که در این جنگ بعضاً مشاهده می‌شود که کل یک کشور یا چند کشور به عنوان یک صحنه‌ی عملیاتی انتخاب می‌شود. برای مثال، در جبهه شرق در جنگ جهانی دوم چندین ارتش آلمان در صحنه‌ی عملیاتی مسکو و استالینگراد به فرماندهی ژنرال گودریل اجرای مأموریت می‌نمایند و به موفقیت‌های چشمگیری دست می‌یابند و نیروهای خود را تا شهر مسکو و استالینگراد هدایت و کنترل می‌نمایند. همچنین در دوران جنگ سرد که کل کره زمین به دو صحنه‌ی جنگ بین شوروی سابق و امریکا تقسیم شده بود، صحنه‌های عملیاتی مختلفی در مناطق مختلف جهان به وجود آمده بود؛ مثلاً در صحنه‌ی جنگ امریکا که عمدتاً در حوزه اختیارات ناتو بود کشورهای اروپای غربی به عنوان یک صحنه‌ی عملیاتی محسوب می‌شدند یا کشورهای ایران، ترکیه، پاکستان که جزء پیمان ستو و سیتو بودند هر یک به عنوان یک صحنه‌ی عملیاتی برای غرب محسوب می‌شد، که در آن زمان با توجه به طرح نیکسون

سعی می‌شد که از نیروهای مسلح کشورهای منطقه برای تأمین منافع خود استفاده نمایند. پس از فروپاشی شوروی در سال ۱۹۹۰ میلادی و به قدرت رسیدن امریکا به عنوان تنها ابرقدرت جهان و توسعه قدرت رزمی این کشور در کل جهان، صحنه‌های عملیاتی نیز توسعه یافته و مناطق اقیانوس اطلس، اقیانوس آرام، اروپا، آفریقا و خاورمیانه را در بر گرفت، که فقط صحنه‌ی عملیاتی خاورمیانه متشکل از ۳۲ کشور می‌باشد. مرکز فرماندهی آن با عنوان فرماندهی مرکزی (سنتکام)^۱ در کشورهای قطر و بحرین مستقر می‌باشد. این فرماندهی قسمت اعظمی از نیروهای مسلح امریکا و سایر کشورهای عضو پیمان ناتو در عراق، افغانستان و کشورهای حوزه خلیج فارس را به عهده دارد. بنابراین امریکا در این دوره و با توجه به اتمام دوره جنگ سرد و پایان دوران رقابت تسلیحاتی در ساختار و سازمان، تاکتیک و تجهیزات و وجود تهدیدهای جدید، با رویکردهای مختلف اقدام به تغییر و تحول بنیادی در ساختار و سازمان خود نمود و ارتش خود را برای مقابله با تهدیدهای منطقه‌ای مانند ایران، کره شمالی، عراق، افغانستان و ... و وجود سازمان‌ها و گروه‌های غیردولتی مانند القاعده و طالبان و غیره اصلاح و بازسازی نمود. نکته قابل توجه در کلیه جنگ‌های فوق این است که عوامل مؤثر در انتخاب صحنه‌های عملیات علاوه بر حوزه نظامی سایر حوزه‌های سیاسی، اقتصادی، اجتماعی و فرهنگی را نیز در بر گرفته و توسعه یافته و ابعاد چهارگانه یادشده را در سرلوحه طرح‌های عملیاتی خود قرارداد. بدین ترتیب، ماهیت صحنه‌های عملیات نسبت به گذشته تغییر یافت و حوزه جنگ از بعد نظامی به سایر ابعاد گسترش یافت.

عوامل مؤثر در انتخاب صحنه‌های عملیات که براساس مطالعات موردی در جنگ‌های گذشته بدست آمده شامل (رهبری و فرماندهی نظامی، قابلیت‌های اقتصادی، خلاقیت و ابتکار، قابلیت‌های فرهنگی، بحران‌های داخلی، قابلیت‌های پشتیبانی رزم و خدمات رزم، روحیه ملی، نوع تصور از تهدیدات دشمن، شکل و وسعت کشور، فناوری، ساختار و سازمان نیروهای مسلح، دکترین عملیاتی، قومیت‌ها و اقلیت‌های مذهبی و نژادی و جغرافیای نظامی) می‌باشد.

1 - CENTCOM

۴-۱- نگاه‌ها به جنگ آینده

الف) مفهوم جنگ آینده^(۱)

ممکن است تهاجم‌ها در آینده، این چنین صریح و روباز و سهل‌الدفع نباشد و ممکن است پیچیده‌تر باشد و لذا پیچیدگی و ایمان قوی لازم است. من عرض می‌کنم دفاع از اسلام در دوران نبی اکرم (ص) آسانتر از دفاع از اسلام در دوران امیر المؤمنین (ع) بود. چون این قضیه پیچیده تر بود و چنین چیزی در آینده ممکن است. زیرا استکبار جهانی، ابزارهای گوناگونی را در اختیار دارد. (رهبر معظم انقلاب اسلامی، ۱۳۶۹: ۳)

جنگ آینده الزاماً تکرار جنگ گذشته به تمامیت آن نیست، بلکه دارای شرایط و ویژگی‌های منحصر به فرد خود می‌باشد. جنگ آینده برخورد خشونت آمیز قدرتهای ملی و یا چند کشور به منظور تحمیل اراده یکی بر دیگری یا جلوگیری از تحمیل اراده دیگری بر خود می‌باشد. (سلامی، ۱۳۸۵: ۳۶)

با توجه به تعریف یادشده حوزه جنگ آینده از حوزه نظامی خارج شده و حوزه‌های سیاسی، اقتصادی، فرهنگی و اجتماعی را نیز در برمی‌گیرد پس جنگ‌های آینده در ابعاد و ماهیت‌های مختلف طرح‌ریزی و اجرا می‌شود.

ب) ابعاد و ماهیت جنگ‌های آینده

جنگ آینده با توجه به اینکه بین کشورهای مختلف ممکن است اتفاق افتد و توانایی‌های آن کشورها نیز ممکن است از نظر تحولات سیاسی، اقتصادی، اجتماعی و فرهنگی، روانی، نظامی و ژئوپلتیک متفاوت باشد. پس جنگ در ابعاد و ماهیت اقتصادی سیاسی، اجتماعی، فرهنگی، روانی و نظامی باشد و از نظر ماهوی ممکن است زمینی، هوایی، دریایی، فضایی و مجازی محسوب گردد. (سلامی، ۱۳۸۶: ۱۲)

ج) ابعاد نظامی جنگ‌های آینده

(۱) جنگ اطلاعات^۱

یکی از ابعاد جنگ‌های آینده، جنگ اطلاعات است. گرچه اهمیت اطلاعات در زمان‌های گذشته نیز شناخته شده بود، اما امروز جنگ به طور بی‌سابقه‌ای مبتنی بر سیستم‌های اطلاعاتی شده است.

سیستم‌های جمع‌آوری اطلاعات نظیر ماهواره‌های شناسایی و هشدار دهنده سریع، مجموعه وسیعی از سیستم‌های هوایی با سرنشین یا بدون سرنشین، اطلاعات فراوانی را فراهم می‌کنند که از مجاری پیشرفته مخابراتی توزیع می‌گردند. این سیستم‌ها، از یک سو، باعث افزایش توانایی نیروها می‌شود و از سوی دیگر به طور بالقوه آسیب‌پذیری ایجاد می‌کنند. در نتیجه، هدف در این حوزه جنگ، کاربرد مؤثر سرمایه‌های اطلاعاتی و در همان حال، تخریب یا از کار انداختن سرمایه‌های اطلاعاتی دشمن می‌باشد. (Michael Mazarr-1994:6)

برخی از تحلیلگران، جنگ اطلاعات را به عنوان بُعد چهارم به ابعاد سه‌گانه مرسوم جنگ (هوایی، زمینی و دریایی) اضافه کرده‌اند. از آن جایی که جنگ‌های دوره کشاورزی به خاطر زمین صورت می‌گرفتند و جنگ‌های انقلاب صنعتی به خاطر منابع و توانایی تولید، جنگ‌های نوظهور عصر اطلاعات نیز برای «کنترل دست‌یابی به دانش»^۲ صورت خواهند گرفت. (آلویین تافلر، ۱۳۷۴: ۴۳۸)

(۲) سیستم‌های هدف‌گیری دقیق^۳

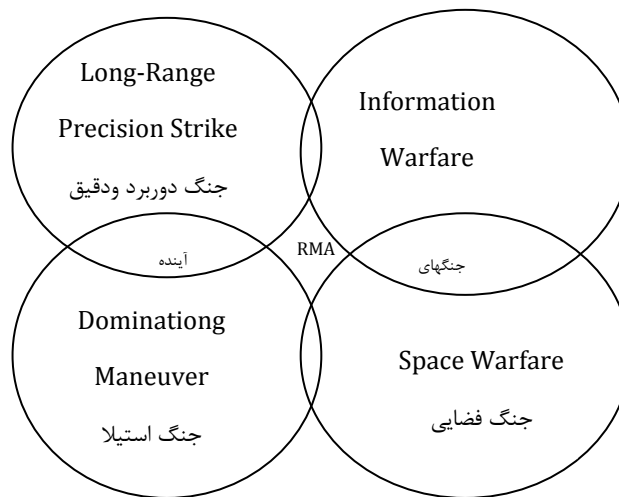
این سیستم‌ها از دهه ۱۹۷۰ میلادی توسعه یافته و به سرعت در حال گسترش می‌باشند. برخی از سیستم‌های فعلی عبارتند از موشک‌های دوربرد کروز، مهمات دقیق هدایت‌شونده در

1 - Information Warfare (IW)

2 - Knowledge Control Access

3 - Precise Weaponry Systems

هوایماها و توپخانه. چنانچه اطلاعات کافی درباره هدف در دسترس باشند و به طور مناسبی توزیع شوند، در آن صورت چنین سیستم‌هایی می‌توانند طوری هماهنگ به هدف حمله کنند که «خساراتهای جانبی» به حداقل برسند. گروه شرکت بین‌المللی کاربردهای علمی می‌گوید: سیستم‌های حمله دقیق در انقلاب کنونی، اهداف ثابت و متحرکی را که از حساسیت و ارزش بالایی برخوردارند می‌بایند و با دقت بالایی آنها را نابود می‌سازند و این کار را در زمان کوتاه و با حداقل خساراتهای جانبی انجام می‌دهند. این گروه برای نشان دادن این بُعد جدید جنگ، نمونه روشنی ارائه می‌کند: شکل شماره (۱) حوزه‌های جدید جنگ در انقلاب نوین در امور نظامی. (پورشاسب، ۱۳۸۶: ۱۸۵)



شکل شماره ۱ - حوزه‌های جدید جنگ در انقلاب نوین در امور نظامی. (پورشاسب، ۱۳۸۶: ۱۸۵)

در سال ۱۹۴۳، نیروی هوایی آمریکا در طول یک سال تنها توانست ۵۰ هدف راهبردی را مورد اصابت قرار دهد. در ۲۴ ساعت اول جنگ خلیج فارس نیروهای هوایی ائتلافی، ۱۵۰ هدف راهبردی را نابود کردند اکنون هزار برابر افزایش قابلیت نسبت به سال ۱۹۴۳ پیش بینی می‌شود تا سال ۲۰۲۰ هدف گیری دقیق و نابودسازی ۵۰۰ هدف راهبردی مهم در نخستین

دقیقه‌های جنگ امکان‌پذیر می‌باشد. یعنی پنج‌هزار برابر قابلیت‌های جنگ خلیج فارس. (پورشاسب، ۱۳۸۶: ۱۸۵)

(۳) جنگ‌های مانور استیلا^۱

این گونه جنگ‌ها نیز به عنوان بعد دیگری از جنگ‌های آینده مطرح می‌شوند. حرکت ماهرانه (مانور) در جبهه جنگ همیشه به عنوان عاملی کلیدی در عملیات نظامی مطرح بوده است. اما انقلاب کنونی در امور نظامی، انجام مانور را در مقیاس جهانی و زمانی بسیار سریع و با نیروهایی بسیار اندک ممکن می‌سازد. جنگ‌های مانوری، به معنای آرایش و استقرار نیروها به نحوی است که با بهره‌گیری از جنگ اطلاعات و حملات دقیق، به نقاط سرنوشت ساز دشمن حمله کنند و «مراکز ثقل»^۲ آن را از بین ببرند و به این وسیله به اهداف نظامی خود، نایل گردند. (همان، ۱۸۶)

(۴) جنگ فضایی^۳

جنگ فضایی یکی دیگر از ابعاد جنگ‌های آینده است. اهمیت نظامی فضا بیش از ۴۰ سال است که شناخته شده، اما تنها اخیراً امکان‌پذیر شده است که سیستم‌های فضایی در عملیات نظامی به طور یکپارچه به کار گرفته شوند. فضا بعد چهارمی به جنگ افزوده است. امکانات فضایی تصویرهایی پر از جزئیات از نیروهای دشمن و خسارت‌های به بار آمده در نتیجه حمله‌های هوایی فراهم می‌سازند، درباره پرتاب موشک‌ها اعلام خطر می‌کنند، یک سیستم راهبری با دقت شگفت‌انگیز فراهم می‌آورند که عملکرد هرسرباز جنگی و عملکرد موشک‌ها، تانک‌ها، هواپیماها و کشتیها را جزء به جزء در نظر می‌گیرند. ماهواره‌ها هدف را شناسایی

1 - Dominating Maneuver

2 - Centers of Gravity

3 - Space Warfare

می‌کنند، نیروهای زمینی را یاری می‌دهند تا با توفانهای شن برخورد نکنند، میزان رطوبت خاک را نشان می‌دهند و دقیقاً می‌گویند که چه بخشهایی از صحرا تاب حرکت تانکها را دارند. (تافلر، ۱۳۷۵: ۴۳۹)

د) مشخصات و ویژگی‌های جنگ‌های اخیر و آینده

با توجه به متنوع و پیچیده بودن تجهیزات و امکانات در جنگ آینده، محیط جنگ‌های آینده از ویژگی‌های متعددی برخوردار می‌باشد که در اینجا به برخی از آنها اشاره می‌شود.

۱ - در جنگ آینده، دشمن هدفهای عمیق و راهبردی برای خود انتخاب می‌کند و مراکز ثقل (نظامی، سیاسی، اقتصادی) را مورد هدف قرار می‌دهد.

۲ - دشمن از نظریه و دکترین عملیات عمیق استفاده می‌کند (مبتنی بر بمباران‌های راهبردی، احاطه قائم و ایجاد محیطهای عملیاتی غیرخطی)

۳ - دشمن همه اجزای توان رزم خود را در فاز اول عملیات به طور همزمان، شدید و حجیم به کار می‌گیرد.

۴ - دشمن، توان زمینی خود را به صورت آفندی و مبتنی بر تحرک بالا (مکانیزه و سوار هوایی) آرایش می‌دهد. دشمن از محورهای مواصلات جاده‌ای حداکثر استفاده را برده و مانورهای جبهه‌ای در جنگ آینده جایگاه اندکی دارند و به جای آن نفوذهای باریک اما عمیق با استفاده از واحدهای پر تحرک به کار گرفته می‌شود.

۵ - در جنگ آینده، به طور پیوسته و غیر تناوبی، آفند خواهد شد و محیط عملیات، محیط آفند متوالی و شبانه روزی خواهد بود. (محرابی، ۱۳۸۲: ۲۸)

۶ - در جنگ آینده، دشمن از آینده‌های مسطح و در فضای سه بعدی به جای عملیات آفندی خطی استفاده می‌کند.

۷ - جنگ آینده بر اساس کوتاه بودن زمان، شدید بودن قدرت آتش و وسیع بودن منطقه جغرافیایی (صحنه‌ی عملیات) طراحی می‌شود.

۸ - در جنگ آینده، فرماندهان و رهبران در همه سطوح به طور همزمان درگیر می‌شوند

- و سطوح راهبردی، عملیاتی و تاکتیکی بر هم منطبق می‌شوند.
- ۹ - در جنگ آینده، عملیات روانی در سطح وسیعی در مقیاس تاکتیک، عملیاتی و راهبردی کاربرد دارد. (سلامی، ۱۳۸۶: ۳۳۸)
- ۱۰ - جنگ آینده تحت تأثیر تحولات و پیشرفت‌های فناوری شتابدار نوین قرار دارد و به صورت فزاینده‌ای ماهیت فناوری پیدا می‌کند. از جمله توانمندی‌های فناوری‌های جنگ‌های آینده می‌توان به موارد زیر اشاره نمود:
- الف) سیستم‌های اطلاعاتی پیشرفته با سرعت دریافت بالای اطلاعات و برخورداری از سیستم‌های هدایتی هوشمند؛
- ب) توان‌هدفگیری عمیق و دور ایستا و قدرت جنگ از راه دور، توأم با دقت و استفاده از مسافت‌یاب لیزری؛
- ج) قابلیت جنگ الکترونیک، ضد الکترونیک، و ضد ضد الکترونیک؛
- د) تحرک و سرعت عمل عملیات زمینی و قابلیت جابجایی سمت تلاشها در سطوح عملیاتی و تاکتیکی؛
- ه) قابلیت تبدیل ماهیت جنگ آینده از حوزه متعارف به سطح نامتعارف. (همان، ۳۴۰)
- ۱۱ - در جنگ آینده: آرمانهای معنوی نقش تعیین کننده‌ای دارند اگر برای هر کشور، آرمانی برای دفاع از کیان و شهادت در راه خدا نباشد، توان دفاعی هم داشته باشد به آسانی شکست خواهد خورد.
- ۱۲ - سطح قاعده هرم قدرت دفاعی یک کشور در هر مرحله از جنگ، مردم هستند. سازماندهی، به کارگیری، بسیج و مدیریت و آماده سازی روانی مردم، نتیجه نهایی جنگ را تحت تأثیر قرار خواهد داد. (گروه مؤلفین، ۱۳۸۸: ۵)
- ۱۳ - سلاح‌های انفرادی پیشرفته با نواخت تیر بالا و سبک با قابلیت مسافت یابی لیزری؛
- ۱۴ - کلاه هوشمند مجهز به سیستم صوتی همراه عینک حفاظتی به منظور مقابله با تشعشعات لیزری و مجهز به وسایل دید در شب؛
- ۱۵ - جلیقه ضد گلوله و تجهیزات مقابله با تهدیدات «CTBW» و یک رایانه شخصی و

«GPS»؛ (محمدی نجم، ۱۳۸۸: ۶۹)

۱۶ - تجهیزات مورد نیاز فنی اعم از وسایل تکنیکی و تخصصی شامل حساسه‌ها و وسایل کمکی؛ (این تجهیزات به راحتی توسط یک سرباز یا یگان، بسیار سبک، قابل حمل است.)

۱۷ - تأمین اهداف با اجرای عملیات واکنش سریع؛ (صدقی، ۱۳۸۸: ۴۹)

۱۸ - به کارگیری امواج بسیار قوی الکترومغناطیسی در کشف و انهدام میادین مین؛

۱۹ - استفاده از حساسه‌ها و پردازشگرهای بسیار ریز و دقیق؛

۲۰ - استفاده از کلاهک جنگی با مهمات هوشمند؛ (محرابی، ۱۳۸۲: ۳۶)

۲۱ - و استفاده از سیستم‌های دفاعی موشکی و یکپارچه؛

۲۲ - فناوری بهداشت و درمان پیشرفته و استفاده از اندام‌های مصنوعی و سلول‌های بنیادی؛

۲۳ - سیستم مدیریت پشتیبانی مهمات متناسب با مشخصات صحنه رزم؛

۲۴ - شیوه آموزش نیروی انسانی با استفاده از فناوری شبیه سازی مدرن؛ (فرشچی، ۱۳۸۳: ۵۲)

۲۵ - بهره برداری از سیستم‌های رباتیک برای پشتیبانی از مأموریت‌ها؛

۲۶ - جنگ‌ها در محیط ناهمطراز و تحت تأثیر عدم تقارن توان نظامی طرفین درگیر اتفاق می‌افتد؛

۲۷ - از نظر اقتصادی تلاش بر آن است که جنگ مقرون به صرفه باشد؛ (نطاق پور، ۱۳۸۴: ۴۷)

۲۸ - جنگ‌های جدید سیستمی هستند و اخلاط در یک جزء سیستم، سایر اجزاء را تحت تأثیر قرار می‌دهد؛

۲۹ - در جنگ‌های آینده اقدامات پدافند غیر عامل و مجازی سازی صحنه نبرد موجب فریب و سرگردانی دشمن می‌شود؛

۳۰ - نقش نیروی هوایی و موشک‌های هوشمند در جنگ آینده بسیار کارآمد هستند؛ (سلامی، ۱۳۸۶: ۳۴۹)

۳۱ - صحنه‌های عملیات متغیر بوده و ثابت نمی‌باشد؛ (یاسینی، ۱۳۸۸/۹/۷، مصاحبه)

۳۲ - سیالیت منطقه عقب صحنه‌ی عملیات. (نظامی، ۱۳۸۸/۹/۱۲، مصاحبه)

و) زمینه‌های تحول پذیری در جنگ‌های آینده^۱

- ۱ - انفجار اطلاعات، توسعه حساسه‌های اطلاعاتی و سیستم‌های بدون خدمه تأثیرات قابل ملاحظه‌ای بر شرایط حاکم بر منطقه رزم خواهد داشت.
- ۲ - سیستم شبیه سازی سبب فراهم شدن توسعه توانایی‌های گذشته و کسب تجربه در بکارگیری در نیروهای مسلح خواهد شد که ساختارها و ابزارهایی را خلق نماید که ابعاد آنها در حد نانومتر یا یک تریلیوم متر باشد.
- ۳ - فناوری طراحی سیستم‌های غیر متجانس و پیچیده روشهای جدیدی را برای طراحی سلاح‌های پیچیده و سیستم‌های اطلاعاتی فراهم خواهد نمود.
- ۴ - طراحی مواد از طریق محاسبات و شبیه سازی رایانه‌ای، کاربرد اصولی روابط بین ساختار شیمیایی و فیزیکی ارائه خواهد نمود.
- ۵ - کاربرد مواد دو منظوره با تکوین ساختارهای هوشمند، فراتر از ترکیبات امروزی که در برابر تحرکات محیطی عکس العمل نشان می‌دهند.
- ۶ - با فناوری پیشرفته امکان تولید محصولات فراوان با امتیازات عالی فراهم یافته و ابزار در مقیاس نانو، تشخیص مولکولی را در ساختارهای پیچیده، آسان و اصول ساختار و عملکرد بیولوژیکی را در طراحی مواد جدید خواهد داشت. (محمدی نجم، ۱۳۸۷: ۶۲)
- ۷ - فناوری سیستم پردازشی اطلاعات بیولوژیکی در طراحی پیوند ساختار طبیعی یا مصنوعی به اجزاء تشکیل دهنده الکترونیکی، مکانیکی و کوانتومی به کار گرفته خواهد شد.
- ۸ - فناوری هوش مصنوعی و علوم رایانه‌ای و رباتیک، کاربرد اصطلاحات نظامی را برای سازمان‌های مشترک و مرکب که از چند ملیت مختلف در ارتشهای متفاوت تشکیل یافته است فراهم نموده و توانمندی آنها را ارتقا خواهند داد.

۱ - نویسندگان انجمن ملی علم و تحقیق ارتش امریکا (STAR) Strategic Technologies for the Army of the Twenty First Century ترجمه حمید ملکی، انتشارات آکادمی ملی ۱۹۹۲-۷۰

۹ - کاربرد فرهنگ اصطلاحات نظامی و زبان، عامل مهمی برای هدایت یگان‌های مشترک و مرکب به شمار خواهد رفت، بنابراین سازمان‌هایی توانایی هدایت برتر را خواهند داشت که از سیستم پیشرفته الکترونیکی و مخابراتی برخوردار بوده و از زبان واحدی بهره‌مند شود.

۱۰ - بهره برداری از توانمندی بیوفناوری برای کاربردهای خاص نظامی

۱۱ - فناوری ترکیبات مستحکم (سرامیک تقویت شده و فوم شکل)

۱۲ - زمینه‌های کاربردی هواپیمای بدون سرنشین در ارتفاع بالا و استفاده از امواج مایکروویو و سیگنال زمینی که مأموریت‌های دشوار را ممکن می‌سازد. (محمدی نجم، ۱۳۸۷: ۷۳)

در یک جمع‌بندی کلی می‌توان اذعان نمود که جو و زمین به رغم پیشرفت فناوری هنوز از عوامل برتر ساز در انتخاب صحنه‌های عملیات در جنگ آینده محسوب می‌شوند و در صورت استفاده بهینه می‌توانند برتری قابل ملاحظه‌ای را برای طرفین متخاصم فراهم نمایند. همچنین پیشرفت‌های وسیع و شگرف در حوزه فناوری‌های تسلیحاتی و ظهور ادوات و جنگ‌افزارهای پیچیده، با قابلیت‌های گسترده و توانایی‌های اعجاب‌انگیز، این امکان را برای طراحان نظامی و فرماندهان جنگ‌های آینده فراهم خواهند نمود تا بتوانند با اجرای نبرد دور ایستا، صحنه‌های عملیات را به گونه‌ای سازماندهی و آرایش نمایند که کاملاً با تجارب گذشته متفاوت باشد. در این نوع صحنه‌های عملیات، ممکن است مراکز فرماندهی به صدها کیلومتر دورتر از صحنه‌ی جنگ منتقل شده و تجهیزاتی به کار برده شوند که ضمن برخورداری از دقت، سرعت و قدرت انهدام زیاد از نظر بصری نیز قابل رؤیت طرف مقابل نبوده و فقط آثار تخریب و منهدم شدن اهداف مشاهده شود.

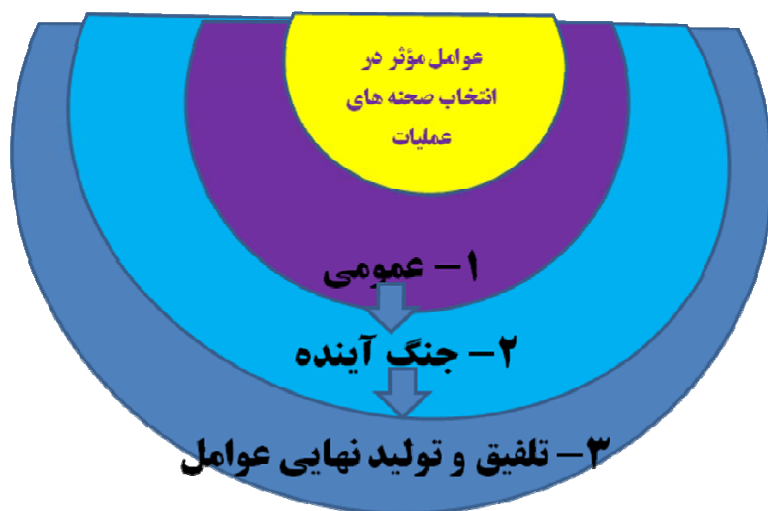
ز) عوامل مؤثر و متغیرهای قابل پیش‌بینی در انتخاب صحنه‌های عملیات در جنگ‌های اخیر

و آینده

جنگ‌های آینده بر پایه تحولات مستمر فناورانه و تکامل بی وقفه دکترین‌های جدید بنا شده است. از آنجا که هم نیروهای خودی و هم دشمن مدام در حال تغییر و تحول جنگ افزارها، استراتژی و تاکتیک‌های خودی هستند، نهادینه کردن احساس نگرانی از نبردهای آتی

ضروری است. (هیبلز گری ۱۳۸۳: ۴۸) در جنگ آینده نیروی برتر با تأکید بر انگیزه‌های شخصی، ابتکارهای فردی، تحرک چشم گیر، شایستگی، سرسختی، آموزش مدرن و ویژه، توسعه ابزار آموزشی پیچیده و شبیه سازی شده فناوری و اندیشه برتر، اطلاعات برتر و کنترل کافی نیروها و اختیارات کافی لازم می‌باشد. لذا در جنگ‌های آینده علاوه بر عوامل مؤثر در جنگ‌های گذشته، عوامل زیر نیز می‌تواند در انتخاب صحنه‌های عملیات مؤثر باشد.

- | | |
|-------------------------------|---|
| ۱- عملیات غیر خطی | ۱۱- عدم تقارن در نبرد |
| ۲- توان ائتلاف سازی | ۱۲- حمله به مراکز ثقل |
| ۳- تحرک و چالاکي | ۱۳- نقاط سرنوشت ساز |
| ۴- عملیات روانی | ۱۴- عملیات چند محوری |
| ۵- همزمان سازی حملات | ۱۵- اتکا به فناوری‌های نوین |
| ۶- اشراف اطلاعاتی | ۱۶- خلق صحنه‌های عملیاتی جدید |
| ۷- هدف گذاری عمیق و راهبردی | ۱۷- سیال سازی محیط عملیاتی (دوری از دکترین پدافندی ایستا) |
| ۸- اجرای عملیاتهای سرنوشت ساز | ۱۸- انجام جنگ در مدت زمان کوتاه |
| ۹- انعطاف پذیری فراگیر | ۱۹- عملیات تأثیر محور (نه انهدام) |
| ۱۰- چند منظوره بودن | |



۲- تجزیه و تحلیل یافته‌های تحقیق

۲-۱- توصیف داده‌ها

الف) مشخصات فردی پاسخگویان:

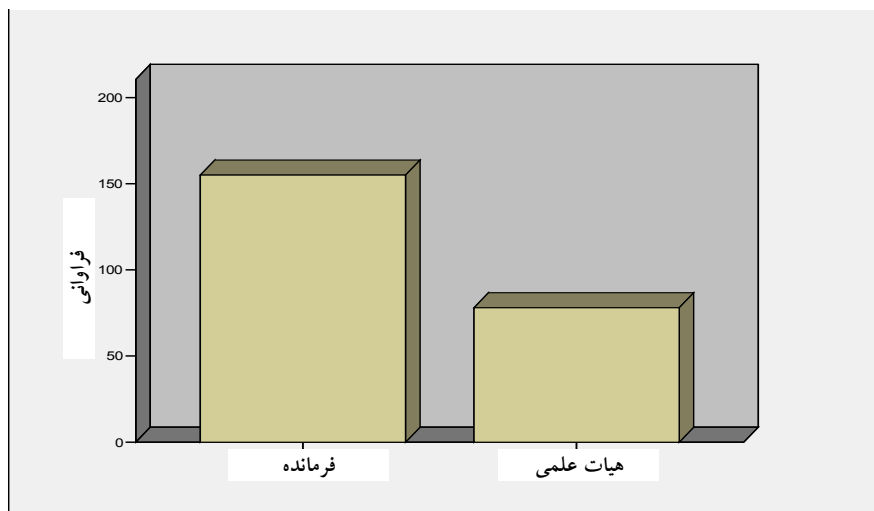
(۱) توزیع فراوانی پاسخگویان برحسب عضویت

جدول ۲ - توزیع فراوانی پاسخگویان بر حسب عضویت

درصد تراکمی	درصد معتبر	درصد	فراوانی	
۶۶.۵	۶۶.۵	۶۶.۵	۱۵۵	فرماندهان ارتش و سپاه
۱۰۰.۰	۳۳.۵	۳۳.۵	۷۸	کارشناسان، نخبگان و اعضای هیات علمی
	۱۰۰.۰	۱۰۰.۰	۲۳۳	جمع

جدول فوق نشان می‌دهد که ۶۶.۵ درصد پاسخ‌گویان فرمانده و ۳۳.۵ درصد هیأت علمی می‌باشند. لذا پاسخ‌گویان از نظر عضویت از پراکندگی مناسبی برخوردار بوده، و برای پاسخ‌گویی به سوالات تحقیق مناسب می‌باشند.

نمودار ۱ - توزیع فراوانی پاسخگویان بر حسب متغیر عضویت



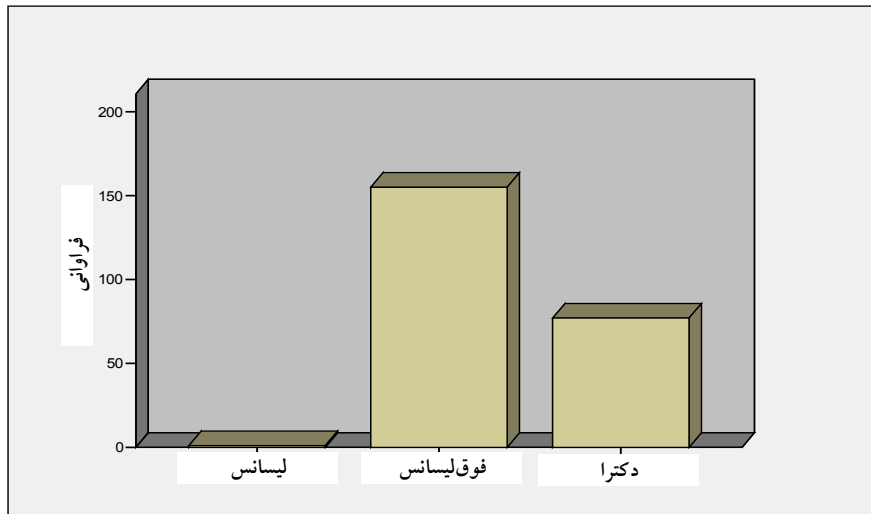
جدول ۳ - توزیع فراوانی پاسخگویان بر حسب تحصیلات

درصد تراکمی	درصد معتبر	درصد	فراوانی	
.۴	.۴	.۴	۱	کارشناسی
۶۷.۰	۶۶.۵	۶۶.۵	۱۵۵	کارشناسی ارشد
۱۰۰.۰	۳۳.۰	۳۳.۰	۷۷	دکترا
	۱۰۰.۰	۱۰۰.۰	۲۳۳	جمع

جدول فوق نشان می‌دهد که ۰۴ درصد پاسخ‌گویان دارای مدرک کارشناسی، ۶۶.۵ درصد کارشناسی ارشد، ۳۳ درصد از کارکنان دارای مدرک دکتری می‌باشند. لذا پاسخ‌گویان از نظر تحصیلات در سطح بالایی قرار دارند. و برای پاسخ‌گویی به سوالات تحقیق مناسب می‌باشند.

نمودار ۲ - توزیع فراوانی پاسخگویان بر حسب متغیر تحصیلات

تحصیلات



(۳) توزیع فراوانی پاسخگویان بر حسب درجه

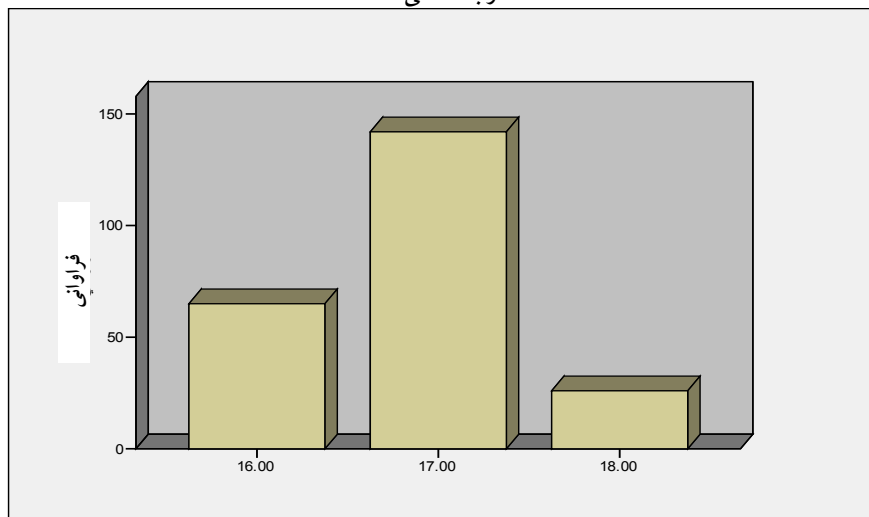
جدول ۴ - توزیع فراوانی پاسخگویان بر حسب درجه

درصد تراکمی	درصد معتبر	درصد	فراوانی	
۲۷.۹	۲۷.۹	۲۷.۹	۶۵	۱۶.۰۰
۸۸.۸	۶۰.۹	۶۰.۹	۱۴۲	۱۷.۰۰
۱۰۰.۰	۱۱.۲	۱۱.۲	۲۶	۱۸.۰۰
	۱۰۰.۰	۱۰۰.۰	۲۳۳	جمع

جدول فوق نشان می‌دهد که ۲۷.۹ درصد پاسخ‌گویان دارای درجه ۱۶، ۶۰.۹ درصد درجه ۱۷، ۱۱.۲ درصد از کارکنان فوق دارای درجه ۱۸ می‌باشند. لذا پاسخ‌گویان از نظر درجه در سطح بالایی قرار دارند. و برای پاسخ‌گویی به سوالات تحقیق مناسب می‌باشند.

نمودار ۳ - توزیع فراوانی پاسخگویان بر حسب متغیر درجه

درجه نظامی

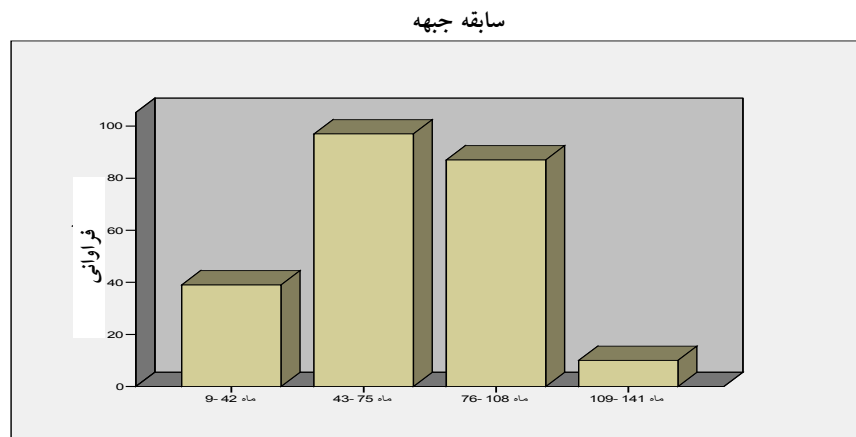


(۴) توزیع فراوانی پاسخگویان برحسب سابقه جبهه
جدول ۵ - توزیع فراوانی پاسخگویان بر حسب سابقه جبهه

درصد تراکمی	درصد معتبر	درصد	فراوانی	
۱۶.۷	۱۶.۷	۱۶.۷	۳۹	۹-۴۲ ماه
۵۸.۴	۴۱.۶	۴۱.۶	۹۷	۴۳-۷۵ ماه
۹۵.۷	۳۷.۳	۳۷.۳	۸۷	۷۶-۱۰۸ ماه
۱۰۰.۰	۴.۳	۴.۳	۱۰	۱۰۹-۱۴۱ ماه
	۱۰۰.۰	۱۰۰.۰	۲۳۳	جمع

جدول فوق نشان می‌دهد که ۱۶.۷ درصد پاسخ‌گویان دارای سابقه جبهه به مدت ۹ تا ۴۲ ماه، ۴۱.۶ درصد ۴۳ تا ۷۵ ماه، ۳۷.۳ درصد ۷۶ تا ۱۰۸ ماه و ۴.۳ درصد ۱۰۹ تا ۱۴۱ ماه بوده‌اند. لذا پاسخ‌گویان از نظر سابقه جبهه در حد بالایی قرار دارند. و برای پاسخ‌گویی به سوالات تحقیق مناسب می‌باشند.

نمودار ۴ - توزیع فراوانی پاسخگویان بر حسب متغیر سابقه جبهه



۲-۲- توصیف متغیرهای اصلی تحقیق

الف- میانگین رتبه‌ای کاربرد عوامل مؤثر (جغرافیای نظامی، عوامل نظامی، سیاسی، اقتصادی و فرهنگی در جنگ آینده).

۱ - میانگین رتبه‌ای شاخص‌های متغیر جغرافیای نظامی در جنگ آینده

جدول ۶ - میانگین رتبه‌ای جغرافیای نظامی در جنگ آینده

انحراف معیار	میانگین	تعداد	
۰/۸۷۰۱۴	۴/۳۹۳۰	۲۲۹	شکل، وسعت و عمق کشور
۰/۸۹۶۲۰	۴/۲۷۷۵	۲۲۷	شهرها
۰/۸۸۱۷۳	۴/۲۴۷۸	۲۳۰	محورها و خطوط مواصلاتی
۰/۸۸۴۴۸	۴/۱۳۲۷	۲۲۶	توپوگرافی
۰/۹۵۲۲۷	۴/۰۶۲۲	۲۲۵	وضعیت سواحل و بنادر
۰/۹۵۱۹۳	۴/۰۵۰۰	۲۲۰	وسعت (پهنه) دریا
۰/۹۳۶۴۴	۴/۰۴۴۶	۲۲۴	منطقه مورد نظر و مورد علاقه
۰/۹۳۵۳۴	۴/۰۳۵۲	۲۲۷	عوارض حساس
۰/۹۶۸۵۵	۳/۹۳۳۹	۲۲۷	عمق آب در دریا
۰/۹۶۸۶۱	۳/۸۵۳۳	۲۲۵	موقعیت، شکل و وسعت جزایر
۱/۰۰۵۹۳	۳/۷۴۸۹	۲۲۷	رودخانه‌ها و شبکه آبها
۰/۹۸۶۹۵	۳/۷۳۵۷	۲۲۷	موانع
۰/۹۴۲۱۵	۳/۶۰۹۹	۲۲۳	دهلیزبندی‌ها
۰/۹۶۳۱۱	۳/۵۴۳۹	۲۲۸	رویدنی‌ها (جنگل‌ها)
۱/۰۲۶۸۳	۳/۵۱۳۰	۲۳۰	آب و هوا (اقلیم)

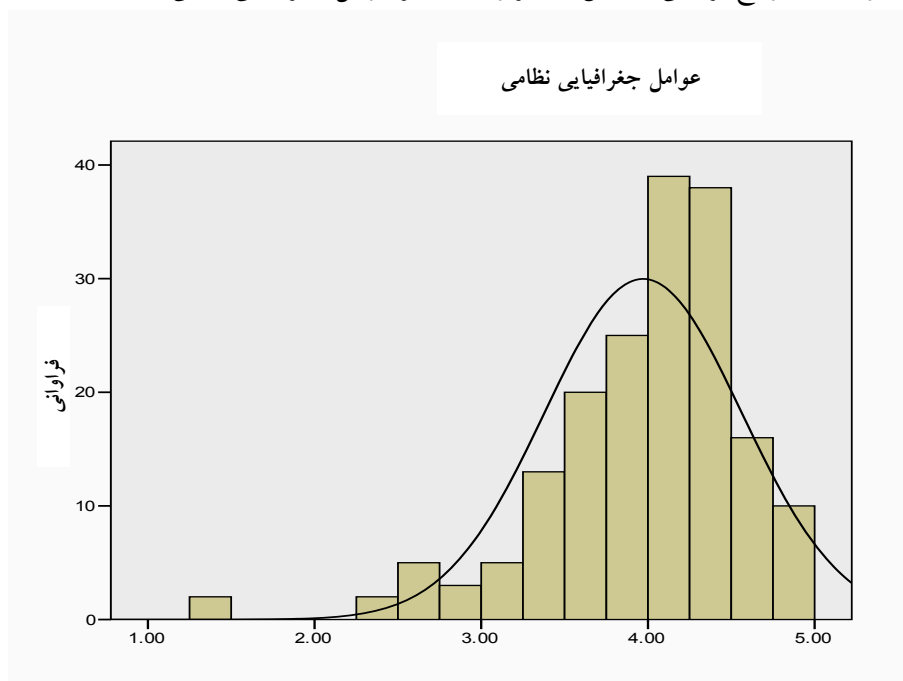
جدول بالا نشان دهنده میانگین رتبه‌ای پاسخهای مربوط به عوامل جغرافیای نظامی در جنگ آینده می‌باشد. که به ترتیب از بیشترین میانگین تا کمترین آورده شده است.

جدول ۷ - شاخص‌های مربوط به متغیر عوامل جغرافیایی نظامی در جنگ آینده

شاخص	مقدار	شاخص	مقدار	شاخص	مقدار
میانگین	۳/۹۷۰۸	انحراف معیار	۰/۵۹۲۲۷	حداکثر	۵/۰۰
میانه	۴/۰۶۶۷	دامنه تغییر	۳/۵۳	تعداد	۱۷۸
نما	۴/۲۷	حداقل	۱/۴۷		

میانگین مربوط به پاسخ پاسخگویان به عوامل جغرافیایی نظامی در جنگ آینده ۳.۹۷ است، که با توجه به دامنه تغییر ۲.۵۳ و حداقل ۱.۴۷ و حداکثر ۵ این میانگین از میانگین متوسط 3 بالاتر است، یعنی میانگین پاسخ نمونه آماری از میانگین متوسط بالاتر می باشد. این نشان می دهد که پاسخگویان این شاخص‌ها رادر تعیین صحنه‌های عملیات در جنگ آینده درحد زیاد مؤثر دانسته‌اند.

نمودار ۵ - توزیع فراوانی شاخص‌های مربوط به متغیر عوامل جغرافیایی نظامی در جنگ آینده



۴ - میانگین رتبه‌ای شاخص‌های عوامل نظامی در جنگ آینده

جدول ۸ - میانگین رتبه‌ای شاخص‌های عوامل نظامی در جنگ آینده

انحراف معیار	میانگین	تعداد	
۰/۵۵۷۱۳	۴/۸۱۷۸	۲۲۵	اشراف اطلاعاتی
۰/۶۳۵۲۱	۴/۷۲۳۷	۲۲۸	رهبری و فرماندهی نظامی
۰/۵۶۳۳۳	۴/۷۱۹۳	۲۲۸	خلاقیت و ابتکار
۰/۶۲۰۵۸	۴/۷۰۳۱	۲۲۹	ناهمطرازی در نبرد
۰/۵۸۴۷۶	۴/۶۸۴۴	۲۲۵	فرماندهی و کنترل
۰/۶۸۰۰۲	۴/۶۵۹۴	۲۲۹	قابلیت مانور، تحرک و چالاکی
۰/۶۲۱۶۸	۴/۶۴۵۰	۲۳۱	قابلیت انعطاف
۰/۵۸۱۶۰	۴/۶۳۶۰	۲۲۸	مراکز ثقل و سرنوشت ساز
۰/۶۵۲۸۳	۴/۶۰۳۵	۲۲۷	دکترین عملیاتی
۰/۷۱۳۱۷	۴/۵۳۷۸	۲۲۵	ساختار و سازمان نیروهای مسلح
۰/۶۸۸۵۴	۴/۵۱۵۶	۲۲۵	عملیات غیرخطی و چندمحوری
۰/۶۷۶۲۵	۴/۵۰۸۹	۲۲۴	طرح‌های کلی و عملیاتی
۰/۷۴۶۹۳	۴/۴۶۰۵	۲۲۸	سمت تهدیدات دشمن
۰/۷۸۲۶۷	۴/۳۶۸۴	۲۲۸	تجارب جنگ‌های گذشته
۰/۷۲۲۸۸	۴/۳۵۶۸	۲۲۷	امکانات و تجهیزات پشتیبانی رزمی (توپخانه، مهندسی، و...)
۰/۷۴۳۰۰	۴/۳۴۲۱	۲۲۸	پشتیبانی خدمات رزم (تدارکات، ترابری، بیمارستان و غیره)

جدول یادشده، نشان دهنده میانگین رتبه‌ای پاسخهای مربوط به عوامل نظامی در جنگ آینده می‌باشد که به ترتیب از بیشترین میانگین تا کمترین آورده شده است.

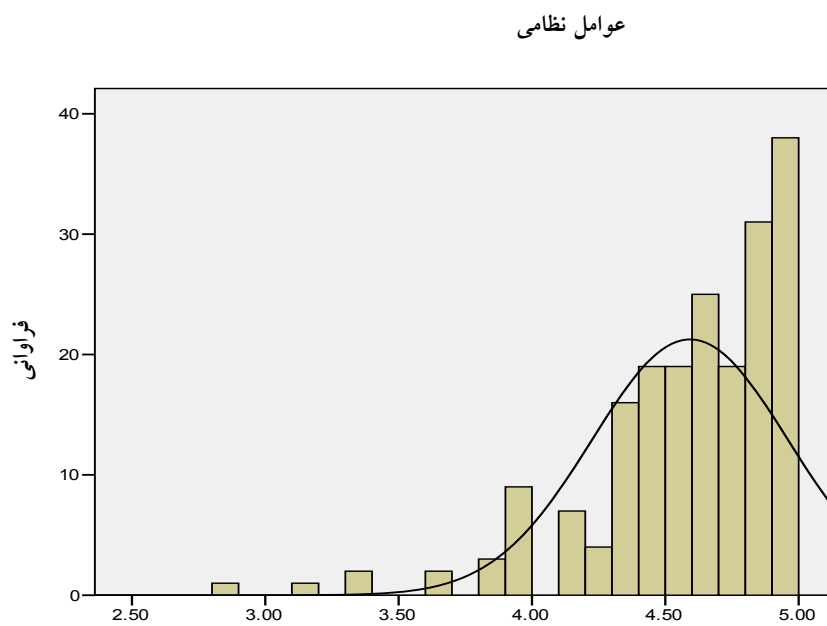
جدول ۹ - شاخص‌های مربوط به متغیر عوامل نظامی در جنگ آینده

مقدار	شاخص	مقدار	شاخص	مقدار	شاخص
۵/۰۰	حداکثر	۰/۳۶۷۹۱	انحراف معیار	۴/۵۹۲۵	میانگین
۱۹۶	تعداد	۲/۱۹	دامنه تغییر	۴/۹۸۷۵	میانه
		۲/۸۱	حداقل	۵/۰۰	نما

میانگین مربوط به پاسخ پاسخگویان به عوامل نظامی در جنگ آینده (۴.۵۹) است، که با توجه به دامنه تغییر (۲.۱۹) و حداقل (۲.۸۱) و حداکثر (۵) این میانگین از میانگین متوسط (۳) بالاتر است،

یعنی میانگین پاسخ نمونه آماری، از میانگین متوسط بالاتر می‌باشد. این نشان می‌دهد که پاسخ‌گویان این شاخص‌ها را در تعیین صحنه‌های عملیات در جنگ آینده در حد خیلی زیاد مؤثر دانسته‌اند.

نمودار ۶ - توزیع فراوانی شاخص‌های مربوط به متغیر عوامل نظامی در جنگ آینده



۳ - میانگین رتبه‌های شاخص‌های عوامل سیاسی در جنگ آینده

جدول ۱۰ - میانگین رتبه‌های شاخص‌های عوامل سیاسی در جنگ آینده

انحراف معیار	میانگین	تعداد	
۰/۵۸۰۱۰	۴/۷۱۳۰	۲۳۰	وحدت نظر و درک متقابل بین رهبران سیاسی و نظامی
۰/۷۴۰۱۹	۴/۵۵۲۶	۲۲۸	کارآمدی ساختار سیاسی حکومت
۰/۹۳۱۸۱	۴/۱۸۵۰	۲۲۷	اتحادها و ائتلاف‌های نظامی
۰/۸۶۷۴۰	۳/۷۶۵۵	۲۲۶	اختلافات مرزی با کشورهای همسایه

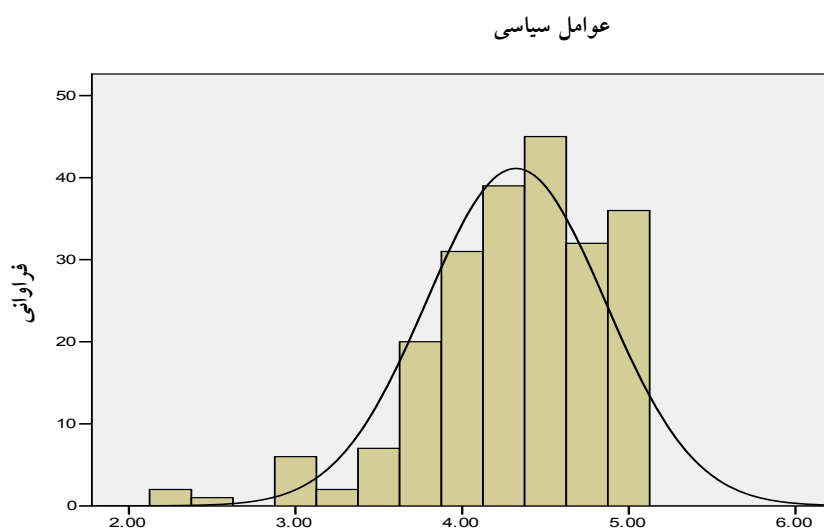
جدول یادشده نشان دهنده میانگین رتبه‌ای پاسخهای مربوط به عوامل سیاسی در جنگ آینده می‌باشد که به ترتیب از بیشترین میانگین تا کمترین آورده شده است.

جدول ۱۱ - شاخص‌های مربوط به متغیر عوامل سیاسی در جنگ آینده

شاخص	مقدار	شاخص	مقدار	شاخص	مقدار
میانگین	۴/۳۲۲۴	انحراف معیار	۰/۵۳۶۰۵	حداکثر	۵/۰۰
میانه	۴/۵۰۰۰	دامنه تغییر	۲/۷۵	تعداد	۲۲۱
نما	۴/۵۰	حداقل	۲/۲۵		

میانگین مربوط به پاسخ پاسخگویان به عوامل سیاسی در جنگ آینده ۴.۳۲ است، که با توجه به دامنه تغییر ۲.۷۵ و حداقل ۲.۲۵ و حداکثر ۵ این میانگین از میانگین متوسط 3 بالاتر است، یعنی میانگین نمره پاسخگویان، از میانگین متوسط بالاتر می‌باشد. این نشان می‌دهد که پاسخگویان این شاخص‌ها را در تعیین صحنه‌های عملیاتی در جنگ آینده در حد نزدیک به خیلی زیاد، مؤثر دانسته‌اند.

نمودار ۷ - توزیع فراوانی شاخص‌های مربوط به متغیر عوامل سیاسی در جنگ آینده



جدول یادشده نشان دهنده توزیع فراوانی پاسخها به سؤالات مربوط به عوامل اجتماعی و فرهنگی در جنگ آینده می‌باشد. و ستون‌های جمع در جدول یادشده مربوط به مجموع جوابهای کم، خیلی کم، زیاد و خیلی زیاد می‌باشد که محاسبه شده است.

۴ - میانگین رتبه‌ای زیر شاخه‌های عوامل اجتماعی و فرهنگی در جنگ آینده

جدول ۱۲ - میانگین رتبه‌ای عوامل اجتماعی و فرهنگی در جنگ آینده

انحراف معیار	میانگین	تعداد	شاخص‌های
۰/۶۰۳۳۹	۴/۷۴۷۸	۲۳۰	پشتیبانی مردمی
۰/۵۵۲۷۳	۴/۷۲۲۹	۲۳۱	روحیه انقلابی و اراده ملی
۰/۶۴۳۲۸	۴/۶۴۰۷	۲۳۱	هویت و انسجام ملی
۰/۶۶۵۴۱	۴/۶۴۰۴	۲۲۸	اعتقادات دینی و مذهبی
۰/۷۴۰۲۴	۴/۵۰۸۷	۲۳۰	بحران‌های امنیتی داخلی
۰/۷۴۳۱۶	۴/۳۵۲۲	۲۳۰	قابلیت‌های فرهنگی
۰/۷۹۲۳۷	۴/۲۹۳۳	۲۲۵	قومیت‌ها و اقلیت‌های قومی، نژادی و مذهبی

جدول یادشده نشان دهنده میانگین رتبه‌ای پاسخهای مربوط به عوامل اجتماعی و فرهنگی در جنگ آینده می‌باشد که به ترتیب از بیشترین میانگین تا کمترین آورده شده است.

جدول ۱۳ - شاخص‌های مربوط به متغیر عوامل اجتماعی و فرهنگی در جنگ آینده

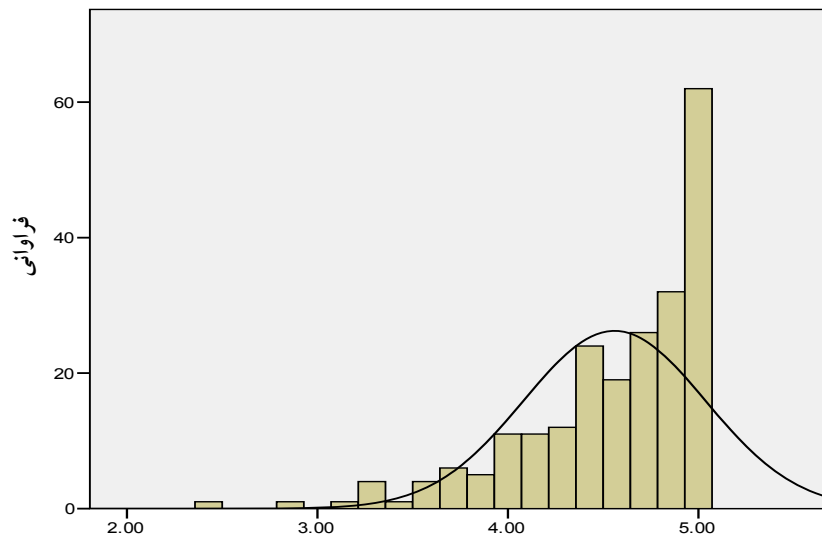
مقدار	شاخص	مقدار	شاخص	مقدار	شاخص
۵/۰۰	حداکثر	۰/۴۷۷۹۵	انحراف معیار	۴/۵۵۹۱	میانگین
۲۲۰	تعداد	۲/۵۷	دامنه تغییر	۴/۷۱۴۳	میان
		۲/۴۳	حداقل	۵/۰۰	نما

میانگین مربوط به پاسخ پاسخگویان به عوامل اجتماعی و فرهنگی در جنگ آینده ۴/۵۵ است، که با توجه به دامنه تغییر ۲/۵۷ و حداقل ۲/۴۳ و حداکثر ۵ این میانگین از میانگین

متوسط ۳ بالاتر است، یعنی میانگین پاسخ نمونه آماری از میانگین متوسط بالاتر می‌باشد. این نشان می‌دهد که پاسخگویان این شاخص‌ها را در تعیین صحنه‌های عملیاتی در جنگ آینده در حد خیلی زیاد مؤثر دانسته‌اند.

نمودار ۸ - توزیع فراوانی شاخص‌های مربوط به متغیر عوامل اجتماعی و فرهنگی در جنگ آینده

عوامل اجتماعی و فرهنگی



۵- میانگین رتبه‌ای شاخص‌های عوامل اقتصادی در جنگ آینده

جدول ۱۴ - میانگین رتبه‌ای شاخص‌های عوامل اقتصادی در جنگ آینده

انحراف معیار	میانگین	تعداد	شاخص‌های
۰/۵۷۱۴۱	۴/۶۹۷۴	۲۲۸	فناوری‌های جدید و پیشرفته
۰/۶۲۰۰۲	۴/۶۸۴۲	۲۲۸	وجود مناطق حیاتی، حساس و مهم اقتصادی
۰/۶۰۸۳۱	۴/۶۲۲۲	۲۲۵	ظرفیت‌های اقتصادی ملی برای پشتیبانی نیروهای مسلح
۰/۶۸۸۹۱	۴/۴۲۵۴	۲۲۸	انرژی

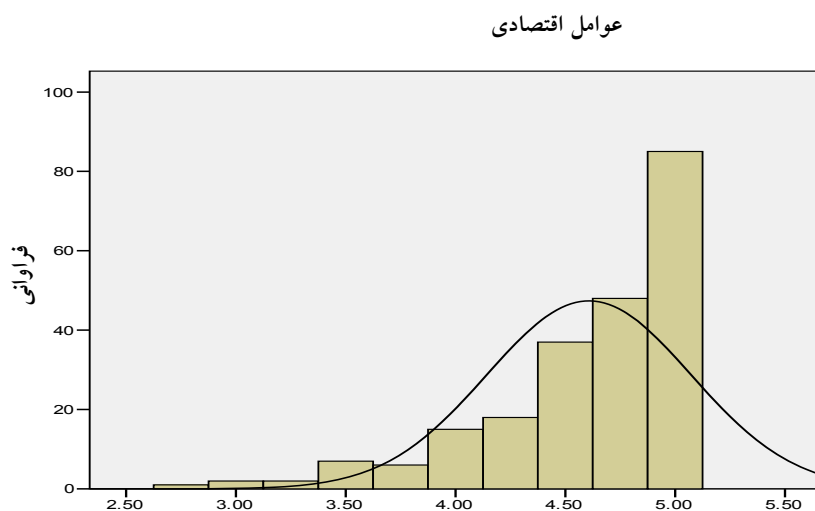
جدول یادشده نشان دهنده میانگین رتبه‌ای پاسخهای مربوط به عوامل اقتصادی در جنگ آینده می‌باشد که به ترتیب از بیشترین میانگین تا کمترین آورده شده است.

جدول ۱۵ - شاخص‌های مربوط به متغیر عوامل اقتصادی در جنگ آینده

مقدار	شاخص	مقدار	شاخص	مقدار	شاخص
۵/۰۰	حداکثر	۰/۴۶۵۳۲	انحراف معیار	۴/۶۰۷۵	میانگین
۲۲۱	تعداد	۲/۲۵	دامنه تغییر	۴/۷۵۰۰	میانه
		۲/۷۵	حداقل	۵/۰۰	نما

میانگین مربوط به پاسخ پاسخگویان به عوامل اقتصادی در جنگ آینده ۴/۶۰ است، که با توجه به دامنه تغییر ۲/۲۵ و حداقل ۲/۷۵ و حداکثر ۵ این میانگین از میانگین متوسط ۳ بالاتر است، یعنی میانگین نمره پاسخگویان از میانگین متوسط بالاتر می‌باشد. این نشان می‌دهد که پاسخگویان این شاخص‌ها را در تعیین صحنه‌های عملیاتی در جنگ آینده در حد خیلی زیاد مؤثر دانسته‌اند.

نمودار ۹- توزیع فراوانی شاخص‌های مربوط به متغیر عوامل اقتصادی در جنگ آینده



۳- جمع بندی و نتیجه گیری

با توجه به آنچه که در این تحقیق حاصل گردید عوامل مؤثر در انتخاب صحنه‌های عملیات در جنگ آینده شامل چند عامل مؤثر با الویت متفاوت بوده است.

۳-۱- ترتیب تأثیر عوامل اصلی در کاربرد جنگ آینده

جدول ۱۶- آزمون فریدمن برای تعیین میزان تأثیر عوامل مختلف در تعیین صحنه‌های عملیاتی در

جنگ آینده

۱۳۹	تعداد
۲۱۹/۷۱۳	کای اسکوتر
۴	درجه آزادی
۰	معنی داری

جدول بالا نشان می‌دهد که معنی‌داری مشاهده شده عوامل مؤثر در تعیین صحنه‌های عملیاتی در جنگ آینده، از معنی‌داری در سطح آلفای ۰۰۵ کوچک‌تر است، این بدان معناست که این عوامل به میزانهای متفاوتی در تعیین صحنه‌های عملیاتی در جنگ آینده مؤثرند. ترتیب تأثیر هر یک از عوامل در جدول زیر آمده است

جدول ۱۷ - ترتیب تأثیر عوامل مختلف در تعیین صحنه‌های عملیاتی در جنگ آینده

رتبه میانگینی	عوامل
۳/۷۴	اجتماعی و فرهنگی در جنگ آینده
۳/۷۲	اقتصادی در جنگ آینده
۳/۴۸	نظامی در جنگ آینده
۲/۵۳	سیاسی در جنگ آینده
۱/۵۳	جغرافیایی نظامی در جنگ آینده

جدول بالا نشان دهنده آن است که میزان تأثیر عوامل یادشده در جنگ آینده متفاوت می‌باشد و بنابراین میانگین تأثیرگذاری این شاخص‌ها را به صورت رتبه‌ای معین و به ترتیب از بیشترین به کمترین در جدول بالا نشان داده‌ایم. همان‌طور که ملاحظه می‌شود، عوامل اجتماعی و فرهنگی از بیشترین تأثیر و عوامل جغرافیایی از کمترین تأثیر برخوردار می‌باشد.

۲-۳ - ترتیب تأثیر عوامل مؤثر در انتخاب صحنه‌های عملیات در جنگ آینده

با توجه به محاسبات آماری انجام شده در خصوص اولویت بندی در ترتیب تأثیر کاربرد عوامل مؤثر در جنگ آینده، طیف جدول شماره (۱۸) به شرح ذیل می‌باشد.

جدول شماره ۱۸ - عوامل مؤثر در انتخاب صحنه‌های عملیات جمهوری اسلامی ایران در جنگ آینده

عوامل اصلی	کاربرد عوامل مؤثر در انتخاب صحنه‌های عملیات در جنگ آینده	عوامل اصلی	کاربرد عوامل مؤثر در انتخاب صحنه‌های عملیات در جنگ آینده
۱. عوامل اجتماعی و فرهنگی	پشتیبانی مردمی	۳. عوامل اقتصادی	فناوری‌های جدید و پیشرفته
	روحیه انقلابی و اراده ملی		وجود مناطق حیاتی، حساس و مهم اقتصادی
	هویت و انسجام ملی		ظرفیت‌های اقتصادی ملی برای پشتیبانی نیروهای مسلح
	اعتقادات دینی و مذهبی		انرژی
	بحران‌های امنیتی داخلی		
۲. عوامل نظامی	قابلیت‌های فرهنگی	۴. عوامل سیاسی	وحدت نظر و درک متقابل بین رهبران سیاسی و نظامی
	قومیت‌ها و اقلیت‌های قومی، نژادی و مذهبی		کارآمدی ساختار سیاسی حکومت
	اشراف اطلاعاتی		اتحادهای و ائتلاف‌های نظامی
	رهبری و فرماندهی نظامی		اختلافات مرزی با کشورهای همسایه
	خلافت و ابتکار		۵. عوامل جغرافیای نظامی
ناهمطرازی در نبرد	شهرها		
فرماندهی و کنترل	محورها و خطوط مواصلاتی		
قابلیت مانور، تحرک و چالاکتی	توپوگرافی		
قابلیت انعطاف	وضعیت سواحل و بنادر		
مراکز ثقل و سرنوشت ساز	وسعت (یهنه) دریا		
دکترین عملیاتی	منطقه مورد نظر و مورد علاقه		
ساختار و سازمان نیروهای مسلح	عوارض حساس		
عملیات غیرخطی و چندمحوری	عمق آب در دریا		
های کلی و عملیاتی طرح	موقعیت، شکل و وسعت جزایر		
سمت تهدیدات دشمن	رودخانه‌ها و شبکه آنها		
تجارب جنگ‌های گذشته	موانع		
امکانات و تجهیزات پشتیبانی رزمی (توپخانه، مهندسی، مخابرات و غیره)	دهلیز بندیها		
پشتیبانی خدمات رزم (تدارکات، بیمارستان و غیره)	رویدنیها (جنگلها)		
	آب و هوا (اقلیم)		

با توجه به نتایج جدول فوق شاخص‌های عوامل اجتماعی و فرهنگی، اقتصادی، نظامی، سیاسی و جغرافیای نظامی که به ترتیب اولویت مشخص شده است در جنگ آینده کاربرد خواهد داشت.

ولذا لازم است به منظور وزن‌دهی تمامی عوامل فوق را در سه سطح راهبردی، عملیاتی و تاکتیکی طبق جدول شماره (۱۹) دسته‌بندی و وزن‌دهی نمود.

جدول شماره ۱۹ - دسته‌بندی و وزن‌دهی عوامل مؤثر در انتخاب صحنه‌های عملیات و کاربرد آن در جنگ آینده در سطوح مختلف

ردیف	عوامل مؤثر	سطح راهبردی	سطح عملیاتی	سطح تاکتیکی
۱	اشراف اطلاعاتی			
۲	پشتیبانی مردمی			
۳	رهبری و فرماندهی نظامی			
۴	روحیه انقلابی و اراده ملی			
۵	خلاقیت و ابتکار			
۶	وحدت نظر و درک متقابل بین رهبران سیاسی و نظامی			
۷	ناهمطرازی در نبرد			
۸	فناوری‌های جدید و پیشرفته			
۹	فرماندهی و کنترل			
۱۰	وجود مناطق حیاتی، حساس و مهم اقتصادی			
۱۱	قابلیت مانور، تحرک و چالاکي			
۱۲	قابلیت انعطاف			
۱۳	هویت و انسجام ملی			
۱۴	اعتقادات دینی و مذهبی			
۱۵	مراکز ثقل و سرنوشت ساز			
۱۶	ظرفیت‌های اقتصادی ملی برای پشتیبانی نیروهای مسلح			
۱۷	دکترین عملیاتی			
۱۸	کارآمدی ساختار سیاسی حکومت			
۱۹	ساختار و سازمان نیروهای مسلح			
۲۰	عملیات غیرخطی و چندمحوری			
۲۱	طرح‌های کلی و عملیاتی			
۲۲	بحران‌های امنیتی داخلی			

ردیف	عوامل مؤثر	سطح راهبردی	سطح عملیاتی	سطح تاکتیکی
۲۳	سمت تهدیدات دشمن			
۲۴	انرژی			
۲۵	شکل، وسعت و عمق کشور			
۲۶	تجارب جنگ‌های گذشته			
۲۷	امکانات و تجهیزات پشتیبانی رزمی			
۲۸	قابلیت‌های فرهنگی			
۲۹	پشتیبانی خدمات رزم			
۳۰	قومیت‌ها و اقلیت‌های قومی، نژادی و مذهبی			
۳۱	شهرها			
۳۲	محورها و خطوط مواصلاتی			
۳۳	اتحادها و ائتلافهای نظامی			
۳۴	توپوگرافی			
۳۵	وضعیت سواحل و بنادر			
۳۶	وسعت دریا			
۳۷	منطقه مورد نظر و مورد علاقه			
۳۸	عوارض حساس			
۳۹	عمق آب در دریا			
۴۰	موقعیت، شکل و وسعت جزایر			
۴۱	اختلافات مرزی با کشورهای همسایه			
۴۲	رودخانه‌ها و شبکه آبها			
۴۳	موانع			
۴۴	دهلیزبندی‌ها			
۴۵	رویدنی‌ها			
۴۶	آب و هوا			

همانطور که در جدول یادشده مشاهده می‌شود در سطح راهبردی بعضی از عوامل از نظر وزن‌دهی و دسته‌بندی به‌ترتیب اولویت شامل اشراف‌اطلاعاتی، پشتیبانی مردمی، رهبری نظامی، روحیه انقلابی و اراده ملی، هویت و انسجام ملی و در اولویت اول که به‌ترتیب از بیشترین

میانگین تاکمترین آورده شده است و بعضی از عوامل در سطح عملیاتی به ترتیب اولویت مانند اشراف اطلاعاتی، فرماندهی نظامی، روحیه انقلابی، خلاقیت و ابتکار، ناهمطرازی درنبرد، فناوری‌های پیشرفته و در اولویت اول و در سطح تاکتیکی بعضی از عوامل مانند فرماندهی و کنترل، قابلیت مانور و تحرک، انعطاف و پشتیبانی رزم و پشتیبانی خدمات رزم و به ترتیب از بیشترین میانگین تاکمترین آورده شده است. لازم به توضیح می‌باشد به دلیل میزان اهمیت بعضی از عوامل به طور مشترک در سطح راهبردی، عملیاتی و بعضی از عوامل در سطح عملیاتی، تاکتیکی در انتخاب صحنه‌های عملیات کاربرد خواهند داشت.

باتوجه به مطالعه جنگ‌های گذشته و هشت سال دفاع مقدس که به طور مختصر تشریح گردید، جنگ‌های یادشده عمدتاً با عنوان جنگ‌های نسل سوم، نامگذاری شده این نوع جنگ‌ها بر ویژگی‌های زیر تأکید داشته است و عوامل مؤثر در انتخاب صحنه‌های عملیات در چارچوب جنگ‌های نسل سوم تبیین شده است.

۱ - جنگ سخت (درگیری فیزیکی بین طرفین)

۲ - تأکید برانهدام واحدها و یگانهای نظامی (زمینی، هوایی، دریائی)

۳ - بکارگیری حجم انبوه مهمات و سلاح‌های معمولی و غیردقیق

۴ - تکیه برحجم نیروی انسانی

۵ - گستردگی خسارات و تلفات وارده به نظامیان و غیرنظامیان

۶ - خطرپذیری و هزینه بسیار بالا و طولانی بودن جنگ‌ها

از طرفی با توجه به پیشرفت و توسعه فناوری در حال حاضر رویکرد جدیدی در صحنه-ی جنگ و صحنه‌های عملیات نسبت به سلاح‌ها، تجهیزات و تاکتیک مشاهده می‌شود و کشورها در حال گذر از نسل سوم به نسل چهارم می‌باشند و اگر بپذیریم که جنگ‌های آینده الزاماً تکرار جنگ‌های گذشته به تمامیت آن نیست و جنگ آینده دارای شرایط جدید و ویژگی‌های خاص خود است، این سؤال در اذهان فرماندهان عالی مطرح می‌شود که آیا هریک از عوامل مؤثر در هشت سال دفاع مقدس می‌تواند به طور دقیق در انتخاب صحنه‌های عملیات در جنگ آینده نیز کاربرد داشته باشد؟ یاخیر؟ برای پاسخ به سؤال فوق محقق با مراجعه به پاسخ-

دهندگان و تکمیل پرسشنامه (۴۶ شاخص) توسط آنها چنین نتیجه‌گرفت که بعضی از عوامل - همانطور که در هشت سال دفاع مقدس کاربرد داشته در جنگ آینده نیز کاربرد خواهد داشت، و لیکن تأثیر عوامل دقیقاً مانند همان رویکرد گذشته نخواهد بود. چون محیط، شرایط دشمن و شرایط خودی احتمالاً تغییر می‌یابد. و علاوه بر عواملی که در هشت سال دفاع مقدس بکار برده شده عوامل دیگری نیز می‌تواند در جنگ آینده کاربرد داشته باشد.

لذا با توجه به تصویری که از جنگ آینده برای ما متصور می‌باشد باید تهدیدات را در حوزه‌های مختلف شناسایی و برای مقابله با آن راه‌کارهایی را تعیین و ارائه نمود. بنابراین، اهداف کلی دشمن مفروض علیه جمهوری اسلامی ایران را می‌توان به‌طور کلی چنین بیان نمود:

- ۱ - تهاجم به رهبری ملی (رهبری سیاسی و مراکز تصمیم‌گیری کلان سیاسی و نظامی)
- ۲ - از بین بردن زیر ساخت‌های دفاعی، صنعتی و شبکه‌های مواصلاتی کشور
- ۳ - از بین بردن میل دفاعی و اراده ملی کشور در مقابل با تهدیدات
- ۴ - از بین بردن ارزشهای دینی و فرهنگی جامعه

لذا با توجه به سناریوهای مختلف دشمن مفروض، سناریوی احتمالی او (در بدترین حالت) (حمله سراسری و همه‌جانبه زمینی، هوایی، فضا و دریائی با هدف براندازی نظام مقدس جمهوری اسلامی ایران) می‌باشد «که انشاءالله این آرزو را به‌گور خواهد برد» و لذا برای مقابله با این تهدید جمهوری اسلامی ایران باید راه‌کارهای مناسب را بررسی و تدوین نمایند به‌عنوان مثال در جنگ دوم خلیج فارس در حمله امریکا برای آزادسازی کویت نیروهای امریکایی از سلاح‌ها و مهمات هوشمند و فناوریهای پیشرفته به میزان محدودی استفاده نمودند و لیکن در جنگ ۲۰۰۳ در (اشغال عراق) و یا در جنگ ۳۳ روزه بکارگیری این سلاح‌ها گسترش بیشتری یافته است و قطعاً در جنگ‌های آتی سلاح‌های جدیدتر با امکانات بیشتر در صحنه‌های عملیاتی بکار گرفته خواهد شد.

لذا برای مقابله با چنین دشمنی متناسب با دکترین دفاعی جمهوری اسلامی ایران باید علاوه بر توجه به عوامل مؤثر در هشت سال دفاع مقدس، عوامل دیگری را نیز که در انتخاب صحنه یا صحنه‌های عملیات در جنگ آینده کاربرد دارند را بررسی و مطالعه نمود. صحنه‌های

عملیات جنگ آینده احتمالاً می‌تواند ترکیبی از صحنه‌های عملیات زمینی، هوایی، فضا و دریائی باشد که برای تعیین صحنه‌های عملیات در جنگ آینده باید عوامل متناسب با آن را شناسایی و تدوین کرد. در این راستا بعضی از عوامل مؤثر احصاء شده در هشت سال دفاع مقدس در جنگ آینده کاربرد خواهد داشت و برخی از عوامل خیر؛ بنابراین عوامل مؤثر در انتخاب صحنه‌های عملیات در جنگ آینده از نظر میزان اهمیت به سه دسته به شرح زیر تقسیم‌بندی شده است.

۱ - عواملی هستند که در انتخاب صحنه‌های عملیات در جنگ آینده به میزان خیلی زیاد مؤثر هستند.

۲ - عواملی هستند که در انتخاب صحنه‌های عملیات در جنگ آینده به میزان زیاد مؤثر می‌باشد.

۳ - عواملی هستند که میزان تأثیر آنها در انتخاب صحنه‌های عملیات در جنگ آینده به-میزان متوسط و پائین‌تر می‌باشد و در انتخاب صحنه‌های عملیات نقش اساسی نخواهد داشت.

ضمناً علاوه بر عوامل فوق می‌توان عوامل دیگری را که احتمالاً در انتخاب صحنه‌های عملیات در جنگ آینده مؤثر می‌باشد را پیش‌بینی و ارائه نمود. برخی از این عوامل موارد زیر را شامل می‌شود:

۱ - همزمان‌سازی حملات (این عامل به‌منزله این است که در یک زمان نیروهای خودی و دشمن صحنه‌های عملیاتی مختلف زمینی، هوایی و دریایی را در دستورکار خواهد داشت.)

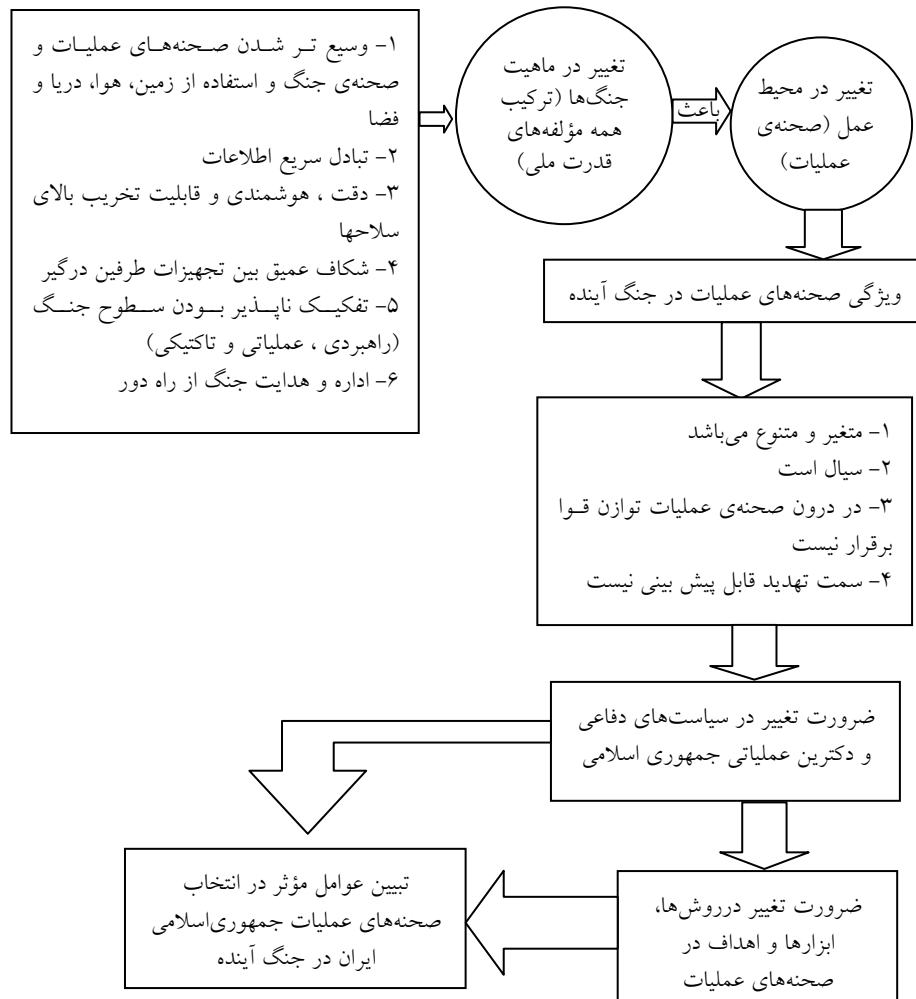
۲ - اجراء حملات عمیق و راهبردی: (صحنه‌های عملیات وسیع، عمیق، متغیر و متنوع)

۳ - غیرخطی بودن عملیاتها و جنگ ناهم‌تراز

۴ - اجرای حملات سریع با شدت بالا و از محورهای مختلف

۵ - منطبق شدن اهداف راهبردی، عملیاتی و تاکتیکی با یکدیگر

فرایند تبیین عوامل مؤثر احتمالی در انتخاب صحنه‌های عملیات در جنگ آینده



بنابراین، باتوجه به فرایند یادشده عواملی که در انتخاب صحنه‌های عملیات در هشت سال دفاع مقدس مؤثر بوده است. و درجنگ آینده نیز کاربرد خواهد داشت. به‌ترتیب اولویت از بیشترین میانگین تا کمترین طبق جدول شماره (۲۰) آورده شده‌است.

جدول ۲۰ - ترتیب اولویت عوامل مؤثر در انتخاب صحنه‌های عملیات جمهوری اسلامی ایران در جنگ آینده

ردیف	ترتیب اولویت عوامل مؤثر در انتخاب صحنه‌های عملیات جمهوری اسلامی ایران در جنگ آینده
۱	اشراف اطلاعاتی
۲	پشتیبانی مردمی
۳	رهبری و فرماندهی نظامی
۴	روحیه انقلابی و اراده ملی
۵	خلاقیت و ابتکار
۶	وحدت نظر و درک متقابل بین رهبران سیاسی و نظامی
۷	ناهمطرازی در نبرد
۸	فناوری‌های جدید و پیشرفته
۹	فرماندهی و کنترل
۱۰	وجود مناطق حیاتی، حساس و مهم اقتصادی
۱۱	قابلیت مانور، تحرک و چالاکی
۱۲	قابلیت انعطاف
۱۳	هویت و انسجام ملی
۱۴	اعتقادات دینی و مذهبی
۱۵	مراکز ثقل و سرنوشت ساز
۱۶	ظرفیت‌های اقتصادی ملی برای پشتیبانی نیروهای مسلح
۱۷	دکترین عملیاتی
۱۸	کارآمدی ساختار سیاسی حکومت
۱۹	ساختار و سازمان نیروهای مسلح
۲۰	عملیات غیرخطی و چندمحوری
۲۱	طرح‌های کلی و عملیاتی
۲۲	بحران‌های امنیتی داخلی
۲۳	سمت تهدیدات دشمن
۲۴	انرژی
۲۵	شکل، وسعت و عمق کشور

اولویت اول

ردیف	ترتیب اولویت عوامل مؤثر در انتخاب صحنه‌های عملیات جمهوری اسلامی ایران در جنگ آینده	
۲۶	تجارب جنگ‌های گذشته	ادامه از اولویت اول
۲۷	امکانات و تجهیزات پشتیبانی رزمی (توپخانه، مهندسی، مخابرات و...)	
۲۸	قابلیت‌های فرهنگی	
۲۹	پشتیبانی خدمات رزم (تدارکات، ترابری، بیمارستان و...)	
۳۰	قومیت‌ها و اقلیت‌های قومی، نژادی و مذهبی	
۳۱	شهرها	
۳۲	محورها و خطوط مواصلاتی	
۳۳	اتحادها و ائتلافهای نظامی	
۳۴	توپوگرافی	
۳۵	وضعیت سواحل و بنادر	
۳۶	وسعت دریا	
۳۷	منطقه مورد نظر و مورد علاقه	
۳۸	عوارض حساس	
۳۹	عمق آب در دریا	
۴۰	موقعیت، شکل و وسعت جزایر	
۴۱	اختلافات مرزی با کشورهای همسایه	
۴۲	رودخانه‌ها و شبکه آبها	
۴۳	موانع	
۴۴	دهلیز بندیها	
۴۵	رویدنیها	اولویت سوم
۴۶	آب و هوا	

بنابراین، باتوجه به مطالعات و بررسی اسناد و مدارک موجود بخصوص ارتش امریکا که در قالب سند سالیانه منتشر می‌گردد؛ جنگ آینده (نسل چهارم) تاکید بر جنگ نرم داشته و علاوه بر عوامل یادشده برخی از عوامل و ویژگی‌های دیگری که احتمالاً در جنگ آینده می‌تواند در انتخاب صحنه‌های عملیات نقش مؤثری داشته، شامل موارد زیر می‌باشد.

- ۱ - جنگ روانی (از بین بردن اراده و میل دفاع و جنگ از رهبران سیاسی، نظامی، مردم و تحمیل اراده به دشمن)
 - ۲ - جنگ سایبری (برخورد خصمانه و رقابتی در فضای نرم افزاری بر بستر فناوری‌های پیشرفته و استفاده از حسگرها و....).
 - ۳ - جنگ از راه دور، (دقت بالا و هوشمندی سلاح‌ها و تجهیزات با قدرت تخریب بسیار قوی)
 - ۴ - الویت در اهداف سیاسی و راهبردی
 - ۵ - غیرخطی بودن درگیری‌ها و سیالیت صحنه‌های عملیات
 - ۶ - همزمان‌سازی حملات زمینی، هوایی، دریائی و فضایی به یک کشور
 - ۷ - چندمنظورگی (سیاسی، اقتصادی، نظامی)
 - ۸ - اجرای حملات عمیق و راهبردی
- لذا باتوجه به دلایل ذیل می‌توان عوامل مؤثر در انتخاب صحنه‌های عملیات را در جنگ آینده شناسایی و تبیین نمود.

- ۱ - صحنه‌ی عملیات، منطقه وسیعی می‌باشد که باید عوامل اجتماعی و فرهنگی، اقتصادی، سیاسی، جغرافیای نظامی آن را در نظر گرفت، بر عکس منطقه نبرد که در سطح تاکتیکی می‌باشد بیشتر به عوامل جغرافیای نظامی و عوامل نظامی متکی می‌باشد و چون عرض و عمق صحنه‌ی عملیات از منطقه نبرد (ناحیه رزم) وسیع تر است بنابراین، اولویت بندی عوامل یادشده تایید می‌شود.
- ۲- با توجه به مطالعه جنگ‌های گذشته (جنگ جهانی دوم، اعراب و رژیم صهیونیستی (۲۰۰۳م)، لبنان و رژیم صهیونیستی (جنگ ۳۳ روزه) و جنگ ایران و عراق) مشاهده می‌شود که صحنه‌های عملیاتی از عرض و عمق مشخصی پیروی نمی‌نماید و بعضی از صحنه‌های عملیات وسیع تر از یک کشور بوده و منطقه‌ی وسیعی را شامل می‌شود، اما در بعضی از صحنه‌ها منجر به یک منطقه محدود خواهد شد؛ آنچه که مهم است استفاده از عوامل مؤثری است که برای انتخاب صحنه‌های عملیات در جنگ‌ها

استفاده می‌شود. قطعاً عوامل مؤثر ثابت نخواهد بود و متغیر می‌باشد.

۳- با توجه به نوع تجهیزات و به‌کارگیری تاکتیک‌های رزم نزدیک در جنگ‌های گذشته بیشتر عامل جغرافیای نظامی (عوارض حساس، معابر نفوذی و ...) و عوامل نظامی مانند سلاح‌های سبک کاربرد داشته است به همین دلیل، عرض و عمق صحنه‌های عملیات محدود انتخاب می‌شده است، اما در جنگ‌های آینده با توجه به پیشرفت فناوری، سرعت عمل یگان‌ها، عملیات روانی و اختلافات قومی و نژادی به نظر می‌رسد عوامل اجتماعی و فرهنگی در اولویت اول خواهد بود و نتیجه تایید می‌شود. علاوه بر دلایل فوق که مربوط به جنگ آینده می‌باشد در خصوص عوامل مؤثر در انتخاب صحنه‌های عملیات در هشت سال دفاع مقدس، دلایل زیر نیز قابل بحث و بررسی می‌باشد:

۱- با توجه به شروع جنگ توسط کشور عراق و تحمیل صحنه‌های عملیاتی به جمهوری اسلامی ایران، انتخاب صحنه‌های عملیاتی توسط جمهوری اسلامی ایران در طول دوران دفاع مقدس علاوه بر تحمیلی بودن صحنه‌ها عمدتاً براساس مسائل فرهنگی و اجتماعی و توانمندی‌های نظامی، اقتصادی، سیاسی و سپس عامل جغرافیای نظامی در اولویت بندی آخر بوده و نتیجه تایید می‌شود. همانطور که قبلاً ذکر شد به نظر می‌رسد دلیل اصلی آن دفاع همه‌جانبه نیروهای مسلح و مردمی بودن دفاع بوده باشد.

۲- با توجه به مصاحبه با فرماندهان ارشد و نخبگان ارتش و سپاه اکثراً به عامل اجتماعی و فرهنگی و نظامی در هشت سال دفاع مقدس تأکید داشته و جنگ ایران با عراق را یک جنگ اعتقادی و معنوی محسوب نموده و عوامل اجتماعی و فرهنگی را در انتخاب صحنه‌های عملیات را در این جنگ برهمن اساس پیشنهاد نموده‌اند. بنابراین، در یک جمع‌بندی کلی می‌توان اذعان نمود که پژوهش یادشده علاوه بر دستیابی به پاسخ به سؤالات تحقیق و اثبات فرضیه‌های اصلی و فرعی به اهداف خود به شرح زیر دست یافته است:

۱- صحنه‌های عملیات در هشت سال دفاع مقدس (در فصل دوم) مشخص و تدوین شد.

۲- عوامل مؤثر و شاخص‌های آنها در انتخاب صحنه‌های عملیات شناسایی و باز تعریف شد.

۳- عوامل مؤثر در انتخاب صحنه‌های عملیات منطبق با ویژگیهای خاص جغرافیای نظامی و سایر شرایط و براساس تجارب هشت سال دفاع مقدس تدوین و تبیین شد.
۴- اولویت‌بندی عوامل مؤثر در هشت سال دفاع مقدس و کاربرد آنها در جنگ آینده مشخص شد.

۵- و در نهایت، به هدف اصلی تحقیق (تبیین عوامل مؤثر در انتخاب صحنه یا صحنه‌های عملیاتی جمهوری اسلامی ایران در هشت سال دفاع مقدس و کاربرد آنها در جنگ آینده) دست یافت.

۴- پیشنهادات

در این مقاله تلاش شده است، برای دستیابی به زوایای آشکار و پنهان عوامل مؤثر در انتخاب صحنه‌های عملیات در هشت سال دفاع مقدس و کاربرد آن در جنگ آینده در قالب معیارها و شاخص‌های عملکردی تحقیق شود. این عوامل اگرچه ظاهری ساده دارد اما دارای ماهیتی پیچیده می‌باشد. بنابراین بر اساس نتایج بدست آمده پیشنهادات زیر ارائه می‌شود تا انشاءالله آیندگان بتوانند از این پژوهش بیشتر و بهتر استفاده نمایند.

۱- باتوجه به نتایج بدست آمده با اهمیت‌ترین عوامل موفقیت نیروهای مسلح جمهوری اسلامی، مراکز آموزش عالی است که می‌توانند نقش اساسی در انتقال فرهنگ دفاع مقدس و مطالب علمی دفاعی را به نسلهای آینده داشته باشند. از این‌رو، به مراکز علمی پیشنهاد می‌شود که در خصوص عوامل مؤثر در انتخاب صحنه‌های عملیات در هشت سال دفاع مقدس و کاربرد آنها در جنگ آینده، این مطالعه مبنایی برای توسعه ادبیات مربوط به صحنه‌ی عملیات قرارگیرد.

۲- در خصوص جنگ عراق علیه ایران تاکنون کتابهای زیادی نوشته شده که بیشتر جنبه عامیانه و عمومی دارد، اما در خصوص مسائل تخصصی جنگ، کمتر تحقیق شده

- است. جا دارد که پایان نامه‌ها و رساله‌های دانشگاهی در مقاطع کارشناسی ارشد و دکتری درخصوص موضوع یادشده انتخاب و مطالعه بیشتری انجام شود.
- ۳- توصیه می‌شود برای تکمیل موضوع یادشده جنگ‌های اخیر (منطقه خاورمیانه) با دقت بیشتری مطالعه شود و عوامل مؤثری که در انتخاب صحنه‌های عملیات در جنگ‌های آینده تأثیرگذار می‌باشد را بررسی و شناسایی نماید و آینده‌نگری را در دستور کار خود قرار دهند.
- ۴- با توجه به نتایج مطالعات این تحقیق که عوامل مؤثر در انتخاب صحنه‌های عملیات در جنگ‌های آینده را پیش‌بینی نموده است؛ ستادهای عمده نیروهای مسلح با روش سناریوپردازی، صحنه‌های عملیات احتمالی جمهوری اسلامی ایران در جنگ‌های آینده را مشخص، محاسبه، تعیین و در طرح‌های آزمایشی مورد استفاده قرار دهد.
- ۵- بررسی اسناد و منابع متعدد و مصاحبه با ۷۹ نفر از فرماندهان ارشد، کارشناسان، نخبگان و اعضای هیأت علمی ارتش و سپاه بیان‌کننده‌ی این واقعیت است که عوامل مؤثر در انتخاب صحنه‌های عملیات هنوز جای مطالعه دارد.
- ۶- با توجه به تعداد شاخص‌ها، پیشنهاد می‌شود به منظور سرعت بخشیدن در محاسبه عوامل مؤثر در ارزیابی و انتخاب صحنه‌های عملیات، نرم افزار مناسبی برای ۴۶ شاخص مؤثر به همراه وزن‌های بررسی شده آنها طراحی شود تا در سرعت بخشیدن به تجزیه و تحلیل داده‌ها و دستیابی به نتایج ارزیابی فرماندهان ارشد برای اتخاذ تصمیمات سریع و به موقع درخصوص انتخاب صحنه‌های عملیات یاری رساند.
- ۷- عوامل تأثیرگذار براساس نظام دینی و ارزشی مبتنی بر آیات، روایات، دیدگاه‌های حضرت امام (ره) و تدابیر و خط‌مشی‌های مقام معظم رهبری، فرمانده کل قوا، درخصوص انتخاب صحنه‌های عملیات جمهوری اسلامی ایران در جنگ آینده، شناسایی و تبیین شود.

منابع

- ۱ - مقام معظم رهبری، حضرت آیت‌اله خامنه‌ای؛ سید علی؛ سخنرانی؛ تهران؛ ۱۳۶۹.
- ۲ - آقایی و علی بابایی، فرهنگ و علوم سیاسی؛ تهران؛ نشر ویس؛ ۱۳۶۶.
- ۳ - امیر بیگی، حسن؛ طرح‌ریزی عملیات مشترک و مرکب؛ دانشکده فرماندهی و ستاد؛ آجا؛ انتشارات دافوس؛ ۱۳۷۲.
- ۴ - اولین تافلر، وهیدی تافلر؛ جنگ و پادجنگ؛ ترجمه مهدی بشارت؛ چاپ اول؛ انتشارات اطلاعات؛ ۱۳۷۴.
- ۵ - پورشاسب، عبدالعلی؛ دکترین نظامی جمهوری اسلامی ایران (رساله دکتری)؛ دانشگاه عالی دفاع ملی؛ تهران؛ ۱۳۸۶.
- ۶ - تافلر، الوین و هایدی؛ جنگ و پاد جنگ؛ ترجمه مهدی بشارت انتشارات مؤسسه اطلاعات؛ تهران؛ ۱۳۷۵.
- ۷ - سلامی، حسین؛ صحنه‌ی جنگ و صحنه‌ی عملیات؛ جزوه درسی منتشر نشده؛ دانشکده فرماندهی و ستاد سپاه؛ دوره عالی جنگ؛ تهران؛ ۱۳۸۵.
- ۸ - سلامی، حسین؛ ماهیت استراتژی نظامی؛ دانشگاه عالی دفاع ملی؛ جزوه درسی؛ تهران؛ ۱۳۸۶.
- ۹ - صدقی، احمد؛ مبانی جنگ آینده؛ مرکز مطالعات دفاعی و امنیت ملی؛ دانشگاه جامع امام حسین^(ع)؛ ۱۳۸۸.
- ۱۰ - فرشچی، علیرضا؛ مقاله جنگ آینده؛ دانشگاه امام حسین^(ع)؛ دوره عالی جنگ سپاه؛ تهران؛ ۱۳۸۳.
- ۱۱ - گروه مؤلفین، فرماندهی و ستاد؛ دانشکده فرماندهی و ستاد سپاه؛ انتشارات سپاه؛ تهران ۱۳۷۳.
- ۱۲ - محمدی نجم، سید حسین؛ جنگ آینده (جنگ نامتقارن)؛ مرکز مطالعات دفاعی و امنیت ملی؛ دانشگاه جامع امام حسین^(ع)؛ ۱۳۸۷.
- ۱۳ - محمدی نجم، سید حسین؛ جنگ شناختی؛ مرکز مطالعات دفاعی و امنیت ملی؛ دانشگاه جامع امام حسین^(ع)؛ تهران؛ ۱۳۸۸.
- ۱۴ - محرابی، غلامرضا؛ تجزیه و تحلیل جنگ‌های معاصر؛ دوره عالی جنگ سپاه؛ تهران؛ ۱۳۸۲.
- ۱۵ - محرابی، غلامرضا؛ تجزیه و تحلیل جنگ ایران و عراق؛ دوره عالی جنگ سپاه؛ جزوه درسی ۱۳۸۴.
- ۱۶ - نوذری، فضل‌اله؛ دکترین صحنه‌ی جنگ؛ جزوه درسی دانشکده فرماندهی و ستاد سپاه دوره عالی جنگ؛ تهران؛ ۱۳۸۴.
- ۱۷ - نظامی، قدیر؛ مصاحبه در خصوص صحنه‌های عملیاتی؛ دانشگاه عالی دفاع ملی تهران؛ ۱۳۸۷.
- ۱۸ - نطق پور نوری، مهدی؛ صحنه‌های عملیات و جنگ آینده؛ دانشگاه امام حسین^(ع)؛ دوره عالی جنگ سپاه؛ تهران؛ ۱۳۸۴.
- ۱۹ - یاسینی، حسین؛ جنگ آینده؛ دانشگاه عالی دفاع ملی؛ تهران؛ ۱۳۸۸.

20 - Dr. Allan English. Dr. Richard Gimblett a Ltoward. Human Factor (Implications and Issues in Network Enabled Operations 26 August 2006)

سیر تاریخی و مفهومی پدافند غیرعامل

غلامرضا جلالی^۱

تاریخ دریافت مقاله: ۸۹/۵/۱۸

تاریخ تأیید مقاله: ۸۹/۶/۲۰

صفحات مقاله: ۲۰۳-۲۳۷

چکیده

در این مقاله، تلاش شده است تا با بررسی، تجزیه و تحلیل و نسل‌بندی تهدیدات و جنگ‌ها، مطالعه تاریخی و علمی، و مقایسه جنگ‌های جدید و جاری و همچنین بررسی مدل پدافند غیرعامل در هر دوره از نسل‌بندی جنگ‌ها، چارچوب و اصول و ملاحظات عمده در پدافند غیرعامل استخراج و متناسب با نسل‌بندی تهدیدات و جنگ‌ها، پدافند غیرعامل نیز نسل‌بندی و تعریف شود. در این گذر به سیر تاریخی و تحول مفاهیم پدافند غیرعامل، نیز اشاره شده است. در این تحقیق از روش تحقیق تاریخی و تحلیلی، استفاده شده و در پایان، ویژگی‌های الگوی پدافند غیرعامل در عصر حاضر، متناسب با تهدیدات و تغییر در آنها، بررسی و بیان می‌گردد.

* * * * *

کلید واژگان

تهدیدات، نسل‌بندی جنگ‌ها، پدافند غیرعامل، اقدامات مدیریتی، مهندسی، نرم‌افزارانه و مردمی

پدافند غیرعامل

مقدمه

دفاع در برابر انواع تهدیدات اعم از طبیعی و غیرطبیعی جزء ذات زندگی بشر بوده و بشر از ابتدا تا به حال درگیر جدال در برابر این تهدیدات می‌باشد. اولین مشکل زندگی بشر اولیه، تهدیدات طبیعی بوده است. ساخت سرپناهی که امنیت لازم را برای انسان در برابر حوادث طبیعی مانند سیل، صاعقه، طوفان، سرمای شدید، گرمای شدید، زلزله و ... بوجود بیاورد، اولین تجربه‌ای بود که بشر توانست به آن دست یابد. هرچند امروزه با پیشرفت علوم و فناوری و دانش بشری در حوزه‌های مختلف، بشر تقریباً توانسته است که این نوع تهدیدات را کنترل، احاطه و مدیریت نماید. تهدیدات غیرطبیعی نیز شامل تهدیدات امنیتی، تهدیدات جنگی و انواع تهدیدات صنعتی یا تهدیدات انسان ساخت، می‌گردد. بشر پس از شروع زندگی اجتماعی با این نوع تهدیدات روبرو بوده و متناسب با پیشرفت تهدیدات، پیشرفت در حوزه دفاع نیز الزام آور شده است؛ به بیان دیگر، انسان همواره تلاش نموده تا با اقدامات مسلحانه (استفاده از سلاح و تجهیزات نظامی) و اقدامات غیرمسلحانه (بدون استفاده از سلاح و تجهیزات نظامی) در برابر تهدیدات برای خود امنیت ایجاد نماید.

این مسأله به صورت یک چالش اساسی انسان اجتماعی درآمده و از ابتدای زندگی بشر تا به حال، ادامه یافته است. اگر در عنصر تهدید دقت کنیم، درمی‌یابیم که اصلی‌ترین عنصری که می‌تواند تهدیدات را کاهش یا افزایش دهد، عنصر دانش، علم و فناوری مربوط می‌باشد؛ به بیان دیگر، با پیشرفت فناوری در هر حوزه و استفاده برتری جویانه از آن، در حوزه تهاجم و حمله نیز می‌توان به برتری‌های جدی در حوزه‌های مختلف رسید. از این رو، دانشمندان علوم راهبردی دفاعی جنگ‌ها را نسل‌بندی و بر اساس مؤلفه‌های مختلف دسته‌بندی می‌کنند.

دانشمندان غربی و به ویژه آمریکایی بر اساس تغییرات در زندگی اجتماعی بشر، مانند دوره صنعتی و دوره کشاورزی تقسیم‌بندی و استراتژیست‌های شرقی آن را بر اساس فناوری نظامی تجزیه و تحلیل و دسته‌بندی می‌کنند.

در نگاه دفاع غیرعامل، عنصر فناوری نقش جدی‌تر و فعال‌تری دارد؛ هرچند از نقش سایر عناصر نمی‌توان گذشت. از این منظر، در این مقاله تلاش شده است تا با مقایسه

نسل‌بندی در جنگ‌ها و تهدیدات و همچنین مطالعه تاریخی، علمی و مقایسه تهدیدات جدید به نسل‌بندی و یا دسته‌بندی انواع دفاع بپردازیم. چون بخش عمده‌ای از دفاع را پدافند غیرعامل تشکیل می‌دهد. از این رو، در این مقاله ضمن پذیرش تأثیر دفاع نظامی (عامل)، صرفاً به تحقیق و بررسی در حوزه پدافند غیرعامل توجه شده است.

بیان مسئله

مسئله نوع تهدیدات و کیفیت و کمیت آن انسان را الزاماً بدنبال ایجاد تعادل بین تهدید و امنیت کشانده و نهایتاً از یک تقابل و رویارویی بین این دو عنصر برخوردار می‌باشد. تهدیدات بر اساس مطالعات راهبردی دفاعی به شدت از عنصر فناوری تأثیرپذیر بوده؛ به نوعی که تغییر در ماهیت و کیفیت و کمیت فناوری مؤثر در قدرت نظامی طرفین می‌تواند جنگ و تهدید را از یک نسلی به نسل دیگر تبدیل نماید. از این رو، این مقاله معطوف به بررسی رابطه‌ی بین نوع دفاع در هر نسلی از جنگ و ارائه چارچوب کلی مدل پدافند غیرعامل در برابر تهدیدات نسل چهارم جنگ‌ها می‌باشد.

اهداف تحقیق

هدف این تحقیق، تعیین نوع رابطه بین نسل‌های مختلف جنگ و مدل‌های دفاع در برابر این نوع تهدیدات و نوعی تعریف و دسته‌بندی از مدل‌های پدافند غیرعامل در برابر تهدیدات فوق و نهایتاً ارائه مدل و الزامات پدافند غیرعامل در برابر جنگ‌های نسل چهارم می‌باشد.

سؤال اصلی

الگوی کلی پدافند غیرعامل در برابر جنگ‌ها و تهدیدات نسل چهارمی چیست؟

سؤالات فرعی

۱- نسل‌بندی پدافند غیرعامل در برابر نسل‌بندی تهدیدات چیست؟

۲ - سیر و روند تهدیدات و پدافند غیرعامل در طول دوره چیست؟

سوابق تحقیق

- سوابق مطالعات در حوزه پدافند غیرعامل بیشتر به سوابق نظامی و تاکتیکی برمی‌گردد. در یک نگاه اجمالی در حوزه ادبیات پدافند غیرعامل، کمبود جدی در توسعه پدافند غیرعامل به چشم می‌خورد. به هر حال، در این حوزه، مطالعات مختصری انجام شده است:
- ۱ - مقاله پدافند غیرعامل در بم - دکتر اصغریان جدی - همایش معماری و بم.
 - ۲ - کتاب مفاهیم نظری و عملی پدافند غیرعامل - جعفر موحدی نیا.
 - ۳ - کتاب اصول و مبانی پدافند غیرعامل - جعفر موحدی نیا.

نوع و روش تحقیق

با توجه به اینکه هدف از این تحقیق مطالعه روی تاریخ جنگ‌ها و نسل‌بندی آن‌ها و نهایتاً پس از تجزیه و تحلیل، مقایسه و استنتاج مدل‌های پدافند غیرعامل در برابر این جنگ‌ها می‌باشد، به نظر می‌رسد که باید از روش تاریخی و تحلیلی و تجزیه و تحلیل منطقی استفاده کرد. در این روش تأکید بر استفاده از اسناد کتابخانه‌ای با تکیه بر اتقان و دقت اسناد می‌باشد. طبیعتاً هر چقدر این دقت و اتقان بیشتر باشد، نتیجه تحقیق از کیفیت بالاتری برخوردار خواهد بود.

- ۱ - روش تحقیق تاریخی، تحلیلی و نهایتاً استفاده از تکنیک‌های تجزیه و تحلیل، استدلال، منطق، استقراء و مقایسه می‌باشد.
 - ۲ - با انجام تحقیق کتابخانه‌ای، اسنادی و جستجوی اینترنتی ادبیات و سوابق موضوع تحقیق گردآوری خواهد شد.
 - ۳ - با انجام مطالعات کتابخانه‌ای، اسنادی و نهایتاً تجزیه و تحلیل نتایج به دست آمده ارائه می‌شود.
- بنابراین، مناسب‌ترین روش تحقیق برای این پژوهش روش تاریخی و تحلیلی می‌باشد.

روش و ابزار گردآوری اطلاعات

- ۱ - اطلاعات مورد نیاز این تحقیق از طریق جستجوی کتابخانه‌ای (کتب، مقالات) و بانک‌های اطلاعاتی داخلی و خارجی و مطالعات میدانی، مصاحبه و پرسشنامه می‌باشد.
- ۲ - نظریه‌ها و دیدگاه‌های صاحب نظران و مراکز علمی و تحقیقات کشور و جهان در این تحقیق مورد مطالعه و بهره‌برداری قرار گرفته است.

روش تجزیه و تحلیل اطلاعات

در روش تحقیق تاریخی و تحلیلی تلاش می‌شود تا با مراجعه به اسناد و مدارک متقن تاریخی با تأکید بر صحت و اتقان آن‌ها مطالعه انجام شده و شاخص‌ها و عناصر تحلیلی لازم با تحلیل، استقراء و قیاس نظیر به نظیر الگو و نتایج مورد نظر، استخراج شود.

قلمرو تحقیق

قلمرو موضوعی تحقیق در خصوص سیر تاریخی و مفهومی پدافند غیرعامل کل حوزه تهدیدات و دفاع را شامل می‌شود و قلمرو مکانی خاصی نیز مد نظر نمی‌باشد.

سازماندهی تحقیق

- روش تحقیق (شامل بیان روش‌شناسی تحقیق و طرح تحقیق)
- مباحث و مبانی نظری و تاریخی تهدیدات
- بررسی وضعیت پدافند غیرعامل در هر حوزه و نسل‌های جنگ
- ارائه نسل‌بندی از پدافند غیرعامل در برابر تهدیدات
- ارائه الگوی پدافند غیرعامل نسل چهارم

سیر تحول مفهومی و تاریخی پدافند غیرعامل

با توجه به اینکه مفهوم کلی دفاع، یک مفهوم ذاتی در زندگی بشر از ابتدای خلقت تا به حال بوده و بشر همواره تلاش کرده تا با اقدامات متفاوت و متنوع بین تهدید و امنیت تعادل برقرار نماید.

تهدید^۱

تهدید وضعیتی است که در آن مجموعه‌ای از ادراکات و تصورات انسان نسبت به پدیده‌ها و رابطه آن‌ها به بقاء کمیت یا کیفیت ارزش مورد احترام، احساس خطر جدی یا نابودی القاء شود.

درک چیزی به نام تهدید، درکی پسینی^۲، زمینه‌ای^۳ و نسبی^۴ است. به عبارت دیگر، شکل‌گیری تصویری^۵ که بیان‌کننده تهدید باشد، نیازمند به وجود آمدن تصوراتی مقدماتی است. تصوراتی همچون ارزش‌های مهم و بقاء، سابق بر ادراک تهدید می‌باشند. از سوی دیگر، تهدید کاملاً زمینه‌پرورده است و تنها در شرایط و اوضاع و احوال خاص به وجود می‌آید. به همین جهت، این مفهوم یا درک، کاملاً نسبی است و با تغییر شرایط محیطی، زمانی و حتی ادراک‌کننده محیط، تحول پیدا می‌کند.

تهدیدات در معنای عام شامل آسیب‌ها نیز می‌شود اما در معنای دقیق‌تر می‌توان آسیب را بر خلاف تهدید به نواقص و مشکلات صاحب ارزش معطوف کرد. در این معنا، تهدید و آسیب کاملاً به یکدیگر مربوط می‌شوند و تهدیدات غالباً یا همواره در محل آسیب‌پذیری‌ها^۶ مستقر می‌شوند.

-
- 1 - Threat
 - 2 - Secondary
 - 3 - Contextual
 - 4 - Relative
 - 5 - Perception
 - 6 - Vulnerability

از طرف دیگر انسان‌ها، تهدید را به صورت یک گستره و نه یک نقطه تصور می‌کنند. این امر باعث می‌گردد تا تهدیدات اشکال، اقسام، انواع و سطوح مختلف داشته باشند. این گستره گاه به صورت طولی مانند کم زیاد، گاه در عمق مانند میزان تأثیر و در برخی موارد به طور عرضی مانند اجتماعی، سیاسی، فرهنگی و ... خودنمایی می‌کند.

تمام این پیچیدگی‌ها را باید به تمایز احتمالی آنچه در واقعیت وجود دارد و آنچه در ذهن و درک نقش می‌بندد اضافه کرد. اگرچه درک تهدید لزوماً تهدید واقعی را منعکس نمی‌کند اما نمی‌توان گفت حداقل در موارد قابل توجهی این درک کم و بیش واقع‌نما نیست.

این امر نشان می‌دهد که انسان در عین ناگریز بودن از بررسی و فهم تهدیدات نباید به راحتی به ادراکات اولیه خود اعتماد کند. این تردید در تهدیدات آینده نسبت به تهدیدات موجود با بزرگ‌نمایی^۱ بیشتری نشان داده می‌شود. (دانشگاه عالی دفاع ملی، گروه مطالعاتی امنیت، ۱۳۸۷: ۴-۶)

گذری اجمالی بر اندیشه‌های دفاعی

- ۱ - «آن‌گاه که در میدان جنگ رویاروی دشمن قرار گرفتید، باید قرارگاه شما در دامنه کوه‌ها و تپه‌ها و یا در کنار نهرها باشد تا پوشش و حفاظ شما گردد و شما را از دشمن نگاهبانی کند و جنگ را از یک سو و یا حداکثر دو سو با دشمن داشته باشید و قسمت‌های دیگر، تکیه بر موانع طبیعی داشته باشد، تا دشمن قدرت نفوذ نداشته باشد». (حضرت علی^(ع)) (نهج البلاغه، ترجمه ارفع، سید کاظم، ۱۳۷۹، نامه ۱۱، ص. ۹۳۲).
- ۲ - «چنانچه استراتژی غلط باشد، مهارت ژنرال و فرمانده در صحنه جنگ، دلاوری سرباز و اغوای پیروز شدن، هر قدر هم که تعیین کننده باشد، مؤثر نخواهد افتاد». (لیدل هارت) (بوفر، آندره، ۱۳۶۹)

1 - Magnification

- ۳ - «کسی که اولین ضربه را می‌زند برنده نیست، بلکه کسی که آخرین ضربه را تحمل می‌کند برنده است». (سون تزو)
- ۴ - «هنر جنگ بر پایه (فریب و نیرنگ و خدعه) استوار است و فرمانده واقعی کسی است که به هنرهای (تظاهر، اختفاء و استتار) مجهز باشد». (سون تزو)
- ۵ - «حمله شکل بسیار ضعیف جنگ و دفاع شکل بسیار قوی آن است». (کلاوزویتس)
 «..... هیچ کس به خاطر غفلت ستایش نمی‌شود، اگر قرار باشد شش ماه دیگر، یک سال دیگر یا هر وقت دیگر به ما حمله کنند، این کار را می‌کنند ولو اینکه ما به اسم (بهانه ندادن) لحظه به لحظه عقب بنشینیم». (مقام معظم رهبری و فرماندهی کل قوا)
- ۶ - «..... فرض را بر نیامدن دشمن نباید گذاشت، بلکه باید درباره سرعت مقابله با وی اندیشه نمود، همچنین نباید فکر کرد که دشمن حمله نمی‌کند، بلکه باید در صدد شکست ناپذیر نمودن خود بود و شکست ناپذیری مربوط به دفاع می‌شود». (سون تزو)
- ۷ - «هر کسی که آماده در میدان بوده و منتظر آمدن دشمن باشد، شرایط و روحیه دیگری برای جنگیدن دارد و آنکه بعداً در میدان حاضر شود، جنگ را احتمالاً خواهد باخت». (همان)

جنگ

تا کنون تعاریف جامع و مبسوطی از جنگ، ارائه شده است اما یکی از جامع‌ترین این تعاریف مربوط به نظریه‌پرداز مشهور آلمانی قرن هجدهم یعنی کلاوزویتس است. او چنین می‌گوید: «جنگ حرکت خشونت‌آمیزی است برای متقاعد کردن دشمنان به اجرای خواسته‌های ما، جنگ مرحله‌ای و دنباله‌ای از سیاست است و به خودی خود، وجود خارجی ندارد». نکته برجسته تعریف کلاوزویتس، اعتقاد او به وجود رابطه تنگاتنگ جنگ و سیاست است به طوری که مرز بین این دو به سختی قابل تشخیص است. در این رویکرد، جنگ یک ابزار سیاسی در اختیار حکومت‌ها است. به عنوان مثال، آیا جنگ سرد را باید یک «جنگ»

دانست و یا یک «تنش سیاسی شدید» و اگر جنگ است آنگاه تکلیف سیاست چه خواهد بود. اگرچه نظریه کلاوزویتس که مبتنی بر رابطه دولت - ملت - نیروی نظامی بوده و جنگ را حق دولت‌ها شناخته و دخالت غیر نظامیان را در آن نفی می‌کند توسط عده‌ای از نظریه پردازان معاصر مورد نقد جدی است لیکن این نظریه همچنان سنگ بنای اندیشه نظامی غرب و شرق است. سند مفاهیم عملیاتی ارتش آمریکا اشاره می‌کند که مشخصه و ویژگی‌های جنگ همچنان به شکل درگیری خشونت‌آمیز میان ملت‌ها یا گروه‌های مسلح به منظور دستیابی به اهداف سیاسی یا ایدئولوژیک تعریف خواهد شد.

مائو، رهبر بزرگ چین در تحلیل جنگ از نگاه سیاسی می‌گوید: «جنگ همانا ادامه سیاسی و بنابراین ابزاری سیاسی است» و سپس می‌افزاید: «جنگ، سیاست با خون است و سیاست، جنگ بدون خون». (دیوسالار، عبدالرسول، ۱۳۸۷: ۱۷)

تشریح تکامل جنگ

تاریخ‌دانان تا کنون جنگ‌ها را در گروه‌های مختلفی دسته‌بندی نموده‌اند. اما در اینجا سه نظریه‌ی مطرح نسل‌های جنگی را به اختصار ذکر کرده و از میان آن‌ها مناسب‌ترین نظریه که استخراج خواسته‌هایمان را تسهیل می‌نماید بر خواهیم گزید.

۱ - نظریه تافلرها

الوین و هایدی تافلر، دو اندیشمند آینده‌نگر مشهور آمریکایی اعتقاد به توسعه هم‌زمان تمدن بشری و جنگ دارند و بر این اساس جنگ را بر مبنای موج‌های رشد و توسعه تمدن بشر تقسیم‌بندی نموده‌اند. آن‌ها بر این باورند که اگر تمدن بشر را در سه موج کشاورزی، صنعتی و اطلاعاتی دسته‌بندی کنیم آن‌گاه هر یک از این دوره‌ها از مدل جنگی ویژه‌ای برخوردار خواهند بود. به عبارت دیگر، جنگ در موج کشاورزی (نسل اول)، جنگ در موج صنعتی (نسل دوم) و جنگ در موج اطلاعاتی (نسل سوم).

۲- نظریه لیند

ویلیام لیند اندیشمند آمریکایی با مبنا قرار دادن روند تکامل تاکتیک‌های رزمی و بهره‌گیری از ادبیات انتزاعی توصیفی، جنگ را در قالب چهارر نسل طبقه‌بندی نموده است. این نظریه بر مبنای یک نگرش دیالکتیکی کیفی بر اساس تضاد موجود بین تز و آنتی تز، ظهور فناوری‌های جدید یا ایده‌های نوین، مبنای تقسیم‌بندی دوره‌های مختلف جنگ از سال ۱۶۴۸ میلادی تا کنون شده است. با این نگاه، انقلاب‌های نظامی همان نوآوری‌های تاکتیکی یا عملیاتی در جنگ هستند که هر کسی زودتر از آن‌ها بهره‌برداری نماید، طرف پیروز جنگ خواهد بود.

الف) نسل اول جنگ

به اعتقاد لیند نسل اول جنگ، از سال ۱۶۴۸ تا سال ۱۸۶۰ و به مدت ۲۰۰ سال ادامه داشته است. در این دوره، نظم و ترتیب به عنوان یک فرهنگ غالب که نشانه‌های آن در یونیفورم، احترام نظامی، درجات نظامی، ... بود مورد توجه قرار گرفت. تأثیر این موضوع در میادین نبرد آرایش جنگی منظم و مرتب بود و جنگ بر اساس تاکتیک‌های خط و ستون هدایت می‌شد.

ب) نسل دوم جنگ

به منظور رفع تناقض موجود میان فرهنگ نظم و ترتیب سازمانی و بی‌نظمی حاکم بر میدان نبرد، زمانی طولانی صرف شد تا سرانجام ارتش فرانسه قبل از جنگ جهانی اول و در خلال آن راه حل را در استفاده از قدرت آتش به صورت آتش غیرمستقیم توپخانه یافت. در واقع، نسل دوم جنگ بر پایه قدرت آتش انبوه شکل گرفت.

ج) نسل سوم جنگ

این نسل از جنگ‌ها صرفاً متکی بر قدرت آتش و فرسایش نمی‌باشد؛ بلکه بر پایه

سرعت عمل، غافل‌گیری و اختلال فیزیکی و روانی در نیروهای دشمن استوار است. این شیوه تاکتیکی در جنگ جهانی دوم توسط آلمان‌ها ابداع شد که با عنوان «جنگ مانوری» و «حملات برق‌آسا» نامیده می‌شود. (همان)

د) نسل چهارم جنگ

نسل چهارم جنگ، نوع تکامل یافته ناآرامی و شورش فرض گردیده است که با استفاده از شبکه توانمندی‌های سیاسی، اجتماعی، اقتصادی و نظامی تلاش می‌کند دشمن را متقاعد سازد که جنگ برای او هزینه‌زا بوده و نمی‌تواند به اهدافش دست یابد و بدین شکل به فرآیندهای تصمیم‌گیری او خدشه وارد سازد. مهم‌ترین ویژگی نسل چهارم جنگ‌ها از نگاه «لیند» از بین رفتن انحصار دولت‌ها در جنگ بر خلاف معاهده صلح «وستفالی» است. (همان)

۳- نظریه اسلیچنکو

نظریه‌ی روس‌ها که بر پایه تفکرات، ژنرال ستاد مشترک ارتش روسیه، اسلیچنکو^۱ طراحی شده است، جنگ را در شش نسل بررسی می‌نماید. این نسل‌بندی به دلیل رعایت عناصر مورد نیاز در استخراج مدل تغییر جنگ، به عنوان نظریه معیار مورد قبول نگارنده بوده است. در ادامه به بررسی تاریخ جنگ مطابق این نظریه می‌پردازیم. پیش از ورود به بحث لازم به ذکر است که باید در این مطالعه به فکر کشف نقاط مؤثر و مشترک دخیل در تغییر در تمامی شش نسل باشیم. پس از کشف نقاط ثابت اثرگذار، شناخت روابط و توالی تغییرات آن‌ها هدف بعدی است. (همان)

1 - V. I Slipchenko

الف) جنگ‌های نسل اول؛ جنگ‌های اولیه

درگیری انسان در دوران پیش از تاریخ عمدتاً بر سر نیازهای اولیه فیزیولوژیکی نظیر غذا، سرپناه و جنس مخالف بود. برخورد انسان‌ها در این دوره به مانند حیوانات وحشی است. بدین لحاظ، جنگ‌های حیوانی را باید اولین گروه از جنگ‌های بشر دانست. توسعه تسلیحات در نسل اول جنگ‌ها دقیقاً مصادف با سیر توسعه علم بود. در جنگ‌های پیش از تاریخ، انسان‌های اولیه بدون سلاح خارجی و تنها به کمک اعضای بدن خود مانند دندان، دست، پا و ناخن به مبارزه می‌پرداختند. اما در عصر سنگ، نیزه، تیر و کمان و سنگ به عنوان سلاح برگزیده شدند و در عصر فلز منجنیق و پرتابه نیز به کار گرفته شد. این نسل از جنگ، پیش از تاریخ آغاز و تا قرن پانزدهم میلادی ادامه یافت.

ب) جنگ‌های نسل دوم؛ باروت و سلاح گرم

کشف ماده انفجاری توسط چینی‌ها به پیش از میلاد مسیح باز می‌گردد. اما بشر تا قرن پانزدهم نتوانست فن به کارگیری این وسیله را به درستی بیاموزد. دستیابی به فناوری استفاده از باروت و اختراع سلاح گرم و فراگرفتن تاکتیک رزمی مناسب برای استفاده از آن، آغازگر دوره جدیدی در تاریخ جنگ است. باروت لزوم تغییر تاکتیک‌های رزمی را نشان داد و بدین ترتیب، طراحان نظامی ضمن معرفی تاکتیک‌های رزمی مناسب، زیرساخت‌های لازم برای اجرای آن‌ها را نیز توسعه دادند. از جمله این زیرساخت‌ها تغییر در سازماندهی ارتش، سربازگیری‌های وسیع و انتخاب جنگ‌جویی به عنوان حرفه بود.

ج) جنگ‌های نسل سوم؛ جنگ‌های صنعتی

رشد فناوری و ظهور فناوری‌های انقلابی را باید هسته اصلی جنگ‌های نسل سوم دانست. هم‌زمان با تغییر شکل مدل اجتماعی زندگی مردم، ورود پدیده‌های انقلاب صنعتی در نبرد نیز عینیت یافت. تولید صنعتی تسلیحات و ادوات نظامی مفهوم صنایع نظامی را پدید آورده و سرانجام رقابت شدید تسلیحاتی بین قطب‌های صنعتی آغاز شد.

د) جنگ‌های نسل چهارم؛ جنگ‌های مکانیزه

به بار نشستن انقلاب صنعتی و رشد مستمر آن سبب ارائه، ابتکارات و نوآوری‌های صنعتی کاملاً متمایزی شد. تقریباً در طول ۴۵ سال اولیه قرن بیستم کلیه علوم پایه و ابزارهای اصلی مورد استفاده امروزی ما اختراع و کشف شد. اگر جنگ‌های نسل سوم را حاصل فناوری قلمداد کنیم آن‌گاه جنگ‌های نسل چهارم را باید محصول فناوری‌های توان‌آور بدانیم. تقریباً تمامی فناوری‌های اصلی که امروز نیز مدل‌های ارتقاء یافته آن‌ها ستون فقرات ارتش‌های دنیا را شکل می‌دهند در این دوره پا به عرصه وجود نهادند. (همان)

ه) جنگ‌های نسل پنجم؛ جنگ‌های اتمی

در ۱۶ جولای ۱۹۴۵ هم‌زمان با انفجار اولین بمب اتم، دوران طلایی رشد فناوری‌های نظامی به مدد آن فناوری‌های غیرنظامی آغاز شد. بمب اتم اگرچه خود به تنهایی یک «بمب کشنده» بود اما الزامات عملیات و رقابت کشورهای درگیر در جنگ سرد به منظور تقویت توان اتمی خود به وسیله سایر فناوری‌های مکمل سبب رشد حیرت‌آور فناوری‌های بشری شد. در واقع، سلاح اتمی توازن قوا را به کلی در هم کوبید، ساختارهای عملیاتی موجود را بی‌استفاده نمود و نظم نوینی را بنا نهاد. سلاح اتمی، اولین تکنیکی است که توانست به تنهایی سرنوشت جنگ را دگرگون سازد و در هر سه حوزه فناوری، مفاهیم عملیاتی و سازماندهی نیروهای نظامی به طور مستقیم اثر بگذارد.

بررسی و تجزیه و تحلیل نظریات و دیدگاه‌ها در مورد جنگ

با دقت در نسل‌بندی مطرح شده روشن می‌شود که در تمامی نسل‌ها، شیوه‌ها و رویه‌های برپایی جنگ با نسل قبلی به کلی تفاوت می‌نماید. این فاکتورها در حقیقت هیچ شباهتی به وضعیت نسل قبلی ندارند. به عبارت دیگر، تغییر نسل پس از ایجاد یک نقطه عطف حاصل می‌شود. نقطه عطفی که سبب تغییر زیربنایی و انقطاع در راهبرد نظامی و سوق آن به الگویی نوین در اصلی‌ترین حوزه‌های جنگ یعنی سیستم‌ها، رویه‌ها و سازماندهی و مفاهیم می‌گردد.

در دهه هفتاد میلادی نظریه پردازان روسی در تلاش برای مدل نمودن روند توسعه جنگ و تشریح آن در قالب یک مدل علمی، چنین پیشنهاد کردند که نقاط عطف دیده شده در جنگ‌ها حاصل تغییر فناوری‌های نظامی است. آنها این پدیده را انقلاب در فناوری نظامی^۱ نامیده و مارشال اوگارکف روسی توانست در سال ۱۹۸۴ آغاز یک «MTR» جدید را پیش‌بینی نماید. (همان)

در حالی که روس‌ها انقلاب و پیشرفت در فناوری نظامی را تنها عامل شکل‌گیری نقطه عطف می‌نامیدند، نظریه‌پردازان دیگر در تکمیل این نظریه نقش مفاهیم جدید حاصل از فناوری و به دنبال آن سازماندهی‌ها و روندهای جدید در اعمال مفاهیم و به کارگیری آن‌ها را از دیگر عوامل بروز تغییر در نسل‌های جنگ دانسته و این فرآیند را «انقلاب در امور نظامی»^۲ RMA نامیدند.

اندرو کریویژ یکی از صاحب نظران RMA در تعریف آن چنین می‌گوید: «رویدادی که از استفاده فناوری‌های نوین در شمار زیادی از سیستم‌های مختلف نظامی و تلفیق آن با مفاهیم عملیاتی خلاقانه و سازماندهی جدید به وقوع می‌پیوندد به نحوی که ویژگی‌های جنگ را از بنیان دگرگون سازد. این رخداد به سبب افزایش سرسام‌آور قدرت ضرب و کارایی نیروی نظامی است». اداره ارزیابی وزارت دفاع آمریکا در تعریف انقلاب در امور نظامی می‌گوید: «دگرگونی بنیادی در ماهیت جنگ به سبب به کارگیری خلاقانه فناوری و تلفیق آن با تغییرات اساسی در مفهوم جنگ».

پس از آن که دریافتیم تغییرات در جنگ به دنبال تغییر در سه پارامتر «فناوری»، «مفاهیم عملیاتی» و «سازماندهی نیروها» رخ می‌دهد باید به منظور درک ویژگی‌های تغییر، مدل معیار سیر تحول جنگ را کشف نموده و انتقال از نسلی به نسل دیگر را مطابق آن مدل تحلیل نماییم. (دیوسالار، عبدالرسول، ۱۳۸۷: ۳۷-۲۶)

1 - Military Technical Revolution (MRT)

2 - Revolution in Military Affairs (RMA)

۱ - نقد نظریه تافلر:

با وجود کامل بودن این مدل نسل‌بندی، از آن‌جا که نگرش این دسته‌بندی، نظامی نیست و صرفاً بر پایه تحولات اجتماعی بنا نهاده شده، نمی‌تواند نقاط عطف تغییر جنگ با ظرافت‌های خاص مورد نظر کارشناسان نظامی را ارائه دهد.

۲ - نقد نظریه لیند:

نگاه لیند به جنگ بسیار محدود و صرفاً به برخی تغییرات کم دامنه‌ی تاکتیکی منحصر شده است. او نتوانسته است عوامل تغییر جنگ را از زاویه‌ی راهبردی و کلان مورد ارزیابی قرار دهد. لذا دیدگاه وی فاقد چارچوب‌های لازم است که بتواند جنگ را مدل نماید. لیند نتوانسته است برخی ملاحظات کلیدی تغییر جنگ را ملحوظ نموده و جمع‌بندی مشخصی در خصوص فرایند تغییر جنگ ارائه نماید. در واقع، نظریه امروزی لیند، یک سیر تکاملی تاریخی را گذرانده است، اما اگر به مقاله اولیه او در دهه ۸۰ نگاهی بیفکنیم، خواهیم دید که نظریه لیند تنها به بیان برخی [الگوها] پرداخته است و اساساً ریشه در تفکرات جنگ زمینی دارد. در شکل‌گیری نظریات لیند تفکرات سیاسی به خصوص افکاری چون برخورد تمدن‌ها به شدت مؤثر بوده است. به نظر می‌رسد وی به دنبال توجیه تفکرات سلطه‌طلبانه آمریکا در مقابله با اسلام و دنیا آزادی خواه است. لیند متفکری توجیه‌گرا است که تلاش دارد راهبردهای نظامی سیاست‌مداران آمریکایی را صحیح نمایش داده و آن‌ها را به حق جلوه دهد. در حقیقت، لیند نظریه خود را مطابق نیازهای پنتاگون، بسط داده است و نه توصیف واقعی و همه‌جانبه تغییر جنگ. بدین ترتیب، گمان می‌رود دیدگاه لیند به سبب عدم ارائه یک چارچوب تحلیلی هدف‌مند و عدم رعایت بی‌طرفی، با نیازهای مورد نظر ما سازگار نباشد.

۳ - نقد نظریه اسلیپ‌چنکو:

در نظریه اسلیپ‌چنکو به نظر می‌رسد که جنگ نسل سوم (جنگ صنعتی) که بیشتر توسعه صنعت در دفاع و جنگ را مد نظر قرار می‌دهد و جنگ نسل چهارم که قدرت جنگ‌های

مکانیزه که در واقع بخشی از توان صنعت دفاعی در جنگ است را مطرح می‌نماید قابل ادغام بوده و نمی‌توان بین این دو جنگ در حوزه صنعت دفاعی و قدرت جنگ مکانیزه حد فاصلی در حد یک نسل جنگ را بیان نمود. لذا به نظر می‌رسد این دو نسل را می‌توان در قالب یک نسل جنگ بیان کرد.

از طرف دیگر، جنگ نسل پنجم یا جنگ‌های اتمی که ایشان مطرح نموده است دارای چند ویژگی است: اولاً در انحصار کشورهای ابر قدرت صاحب فناوری نظامی هسته‌ای می‌باشد و فراگیری برای همه را ندارد. ثانیاً اگر محور جنگ‌های نسل ششم از نظر اسلیپ‌چنکو نیز سه عنصر «فناوری»، «مفاهیم عملیاتی» و «سازماندهی نیروهای نظامی» باشد، اصلی‌ترین عنصر این حوزه می‌تواند فناوری تلقی شود. لذا حوزه نسل پنجم و ششم نیز به شکلی نزدیک به هم و قابل ادغام هستند.

پس در یک جمع‌بندی مقایسه‌ای و تجزیه و تحلیل نظریات تافر، لیند و اسلیپ‌چنکو و برآورد نسبت به تهدیدات جمهوری اسلامی ایران و تأکیدات و الزامات اساسی در پدافند غیرعامل، عنصر فناوری نظامی می‌تواند به عنوان اصلی‌ترین محور نسل‌بندی در این حوزه قرار گرفته و با محور قرار دادن نظریه اسلیپ‌چنکو، نظریه نسل‌بندی مورد نظر خود را در قالب چهار نسل از جنگ به شکل زیر دسته‌بندی و ارائه کرد:

نظریه نسل‌بندی منطبق بر تغییر فناوری سلاح و تهدیدات:

جنگ‌های نسل اول (سلاح سرد)

شامل جنگ‌های دوره تاریخی از پیدایش بشر تا اختراع سلاح‌های گرم است که متکی بر سلاح‌های سرد می‌باشد. این دوره را دوره سلاح سرد نیز می‌نامند.

جنگ‌های نسل دوم (باروت)

شامل جنگ‌های دوره تاریخی، اختراع و بکارگیری سلاح‌های گرم تا زمان ورود ماشین به عرصه نبرد می‌گردد؛ که این دوره را دوره سلاح گرم نامیده می‌شود.

جنگ‌های نسل سوم (مکانیزه)

جنگ‌های نسل سوم یا جنگ‌های مکانیزه، با اختراع و بکارگیری ماشین‌های جنگی و توسعه عرصه نبرد به هوا و زیر دریا شروع شده و تا دوره معاصر ادامه داشته است.

مشخصه‌های جنگ‌های نسل سوم:

- ۱ - تأکید بر جنگ سخت (حجم انبوه و گسترده درگیری‌های فیزیکی بین طرفین)
- ۲ - تأکید بر انهدام واحدها و یگانهای نظامی
- ۳ - بکارگیری حجم انبوه مهمات و سلاح‌های معمولی و غیر دقیق
- ۴ - تکیه بسیار زیاد بر نبرد زمینی و محدودیت در هوا و عدم بهره‌مندی از فضا در نبرد
- ۵ - تکیه بر حجم انبوه نیروی انسانی
- ۶ - گستردگی خسارات و تلفات وارده به غیر نظامیان
- ۷ - خطرپذیری و هزینه بسیار بالا و طولانی‌تر شدن زمان جنگ

جنگ‌های نسل چهارم:

با شروع دوره انقلاب علوم و فناوری‌ها، خصوصاً فناوری‌های اطلاعات - ارتباطات، الکترونیک، رایانه، عملیات روانی و فرهنگی در سال‌های اخیر، جنگ‌های نسل چهارم طراحی و در چند جنگ اخیر تجربه شده و سیر تکاملی خود را طی می‌نماید

مشخصه‌های جنگ‌های نسل چهارم:

تأکید بر جنگ نرم شامل؛

جنگ و اشراف اطلاعات:

ساماندهی حداکثر تلاش‌ها برای کسب آخرین اخبار و اطلاعات از اهداف، ضعف‌ها و توانمندی‌های دشمن و ممانعت از دسترسی وی به هرگونه اخبار و اطلاعات مؤثر، مفید، راهبردی و عملیاتی با هدف کنترل دشمن و هدایت او به سوی اهداف و رفتار مد نظر. (اعمال سلطه اطلاعاتی)

جنگ روانی تبلیغاتی:

- ۱ - سلب اراده و میل دفاع و جنگ از رهبران سیاسی و فرماندهان نظامی
- ۲ - انجام عملیات پیروزی بدون جنگ با استفاده از تکنیک‌ها و راهبردهای عملیات روانی
- ۳ - تحمیل اراده دشمن از طریق تمرکز فشارهای روانی بر مسئولین، نظامی‌ها، مردم و نهایتاً هدایت به سمت حذف اراده جنگ و تسلیم

جنگ سایبری

برخوردهای خصمانه و رقابتی در فضای نرم افزاری بر بستر فناوری‌های پیشرفته «ICT» از طریق نفوذ به پنجره‌های امنیتی به منظور تخریب، سرقت، مراقبت و فریب اطلاعات.

سایر ویژگی‌های جنگ‌های نسل چهارم

- ۱ - بکارگیری موضعی و مقطعی جنگ سخت (جنگ یا ضربات محدود) برای تقویت و پشتیبانی جنگ نرم
- ۲ - تأکید بر جنگ الکترونیک پیشرفته و جنگ سایبری
- ۳ - تکیه بر شبکه گسترده و سامانه‌های پیشرفته و هوشمند سنجش از راه دور
- ۴ - تکیه بر سلاح‌ها و تجهیزات هوشمند و پیشرفته و دقیق
- ۵ - توسعه توانمندی‌ها و کسب برتری کامل در فضا و هوا
- ۶ - شروع همزمان نبرد در خط و عمق نزدیک و عمق دور (گسترش عرصه نبرد به تمام سطوح جغرافیای کشور هدف)
- ۷ - تأکید بر انهدام زیرساخت‌های ملی و مراکز حیاتی، حساس و مهم کشور در اولویت نخست اهداف تهاجم
- ۸ - تلاش مؤکد و مستمر برای قطع ارتباط رهبری و مدیریت دفاعی و عمومی کشور با مردم و نیروهای دفاعی در گام نخست تهاجم

۹ - کوتاه شدن مدت جنگ (طراحی جنگ برق آسا)

۱۰ - از میان بردن اراده و میل دفاع بعنوان عنصر تعیین کننده پیروزی

نسل بندی اقدامات پدافند غیرعامل

• مصادیق اقدامات پدافند غیرعامل:

- معمولاً پدافند غیرعامل مجموعه‌ای از اقدامات را شامل می‌شود که می‌توان آنها را به چند دسته تقسیم کرد:
- ۱ - اقدامات مدیریتی؛ شامل طرح‌ها، تدابیر، روش‌ها، نظامات و آئین‌نامه‌ها که باعث کاهش آسیب‌پذیری‌ها می‌شود.
 - ۲ - اقدامات فناورانه؛ شامل بکارگیری فناوری‌ها و استفاده از شکاف فناورانه دشمن می‌شود.
 - ۳ - اقدامات استحکاماتی؛ شامل ایجاد استحکامات و ایمن‌سازی بناها و ساختمان‌ها می‌شود، مانند دژها، سنگرها و
 - ۴ - اقدامات مهندسی و فنی؛ شامل اعمال اصول مهندسی و فنی در طراحی اولیه زیرساخت‌ها می‌شود، مانند اعمال پراکندگی در نیروها، مکان‌یابی مناسب قلعه‌ها، پیچیده‌سازی بافت شهرها و موانع چند منظوره مثل رودخانه‌ها، کانال آب، دژها، حصارها، قلعه‌ها و
 - ۵ - اقدامات نرم‌افزارانه؛ شامل مجموعه تدابیری که ماهیت آن نرم‌افزارانه است، از قبیل ایجاد رعب بین عناصر دشمن، اجرای عملیات روانی علیه عناصر دشمن و زیاد نشان دادن توان خودی، فریب تاکتیکی و راهبردی، حفاظت اطلاعات، خدعه و نیرنگ و مانند آن می‌باشد.

پدافند غیرعامل نسل اول (عصر سپر و زره)

از آنجایی که تهدیدات نسل اول جنگ‌ها عبارت بوده است از سلاح‌های سرد مثل

سرنیزه، نیزه، تیر و کمان، منجنیق، سپر، درفش، گرز، شمشیر، خنجر، کارد، آتش سوزی و مانند آن، بشر آن روز تلاش کرده و کلیه اقدامات و تدابیر خود را به کار گرفته تا سلاح‌ها و فناوری روز جنگ را پاسخ دهد و تلفات و خسارات را به حداقل رسانده و کاهش دهد.

• حوزه و سطح تهدیدات نسل اول جنگ:

تهدیدات در حوزه جنگ‌های نسل اول عبارت است از مجموعه سلاح‌های سرد، انفرادی و گروهی.

سلاح‌ها	فناوری سلاح‌ها	حوزه تأثیر تهدیدات
شمشیر نیزه تیر و کمان سپر گرز	سلاح سرد بکارگیری با تاکتیک‌های رزمی بکارگیری فلز و آهن ایجاد آتش سوزی ایجاد رعب و وحشت	نفرات تأسیسات سبک مراکز جمعیتی - کم تأثیر

• مصادیق پدافند غیرعامل نسل اول عبارت است از:

- اقدامات مدیریتی:

نسل اول پدافند غیرعامل، کلیه اقدامات مدیریتی منطبق بر توانمندی منابع انسانی بوده، لذا در اقدامات این نسل از پدافند غیرعامل، اقداماتی از قبیل بکارگیری روش‌ها و تاکتیک‌های دفاعی، دستورالعمل‌های ایجاد آمادگی و دستورات و آئین‌نامه‌های دفاعی را شامل می‌شود.

- اقدامات فناورانه

فناوری جنگ‌های نسل اول، شامل سلاح‌های سرد و امکان ایجاد آتش سوزی بوده که اقدامات فناورانه پدافند غیرعامل خاصی را شامل نمی‌شود.

- اقدامات استحکاماتی:

در اقدامات نسل اول پدافند غیرعامل، اقدامات استحکاماتی حوزه وسیعی را در بر

می‌گرفت که عبارت است از ایجاد قلعه‌ها، دژها، حصارها و باروهای شهری، ایجاد سنگرهای مستحکم دفاعی، ایجاد پناهگاه‌های مستحکم شهری در درون دژها و ارگ‌ها. در معماری ارگ قدیمی بم می‌توان تمام موارد یاد شده از نظر استحکامات شهری، ذخایر منابع آب، غذا و مانند آن را بررسی و ملاحظه نمود. (جدی، اصغریان، ۱۳۷۶)

- اقدامات مهندسی و فنی:

در نسل اول پدافند غیرعامل، اقدامات فنی و مهندسی بسیار زیادی دیده می‌شود که در آن طراحی دژ شهرها و ارگ‌ها برای سکونت مردم، مکان‌یابی برای ایجاد شهرهای جدید، ایجاد قلعه‌های دفاعی برای دفاع از شهرها، درون‌گرا کردن خانه‌های شهری و روستایی و فشرده کردن بافت شهری برای دفاع و مانند آن مطرح می‌باشد.

- اقدامات نرم‌افزارانه:

اقدامات پدافند غیرعامل نسل اول از حوزه نرم‌افزارانه، شامل اقداماتی از قبیل تلاش برای رعب در بین عناصر دشمن، ایجاد شایعه، نیرنگ و فریب، عملیات جنگ اطلاعاتی شامل ارسال اطلاعات غلط و مانند آن می‌باشد.

پدافند غیرعامل نسل دوم (عصر باروت):

پدافند غیرعامل در این عصر به دنبال کاهش اثرات و تأثیرات سلاح‌های جدید گرم و باروت بر ساختمان‌ها، تجهیزات و نیروی انسانی عناصر خودی می‌باشد. این مجموعه اقدامات پدافند غیرعامل شامل اقدامات مکمل مدیریتی و استحکاماتی و فنی و مهندسی بوده که در آن تلاش می‌شد تا آسیب‌پذیری‌ها را در برابر این سطح از تهدیدات به حداقل رسانده و بین تهدید و امنیت تعادل ایجاد شود.

• حوزه و سطح تهدیدات نسل دوم جنگ‌ها:

تهدیدات در این نسل از جنگ‌ها پس از یک دوره نسبتاً طولانی با اختراع باروت و تولید سلاح‌های قابل تیراندازی و انفجار شکل گرفته و با تکامل آن در مقیاس‌های بزرگ‌تر به تکامل رسید.

سلاح‌ها	فناوری سلاح‌ها و تهدیدات	حوزه تأثیر تهدیدات
تفنگ تپانچه انواع توپ‌ها بشکه‌های انفجاری نارنجک‌ها انفجارهای محدود	سلاح گرم انفجار باروتی یکارگیری با تاکتیک‌های رزمی ایجاد تخریب ایجاد آتش سوزی رعب و وحشت	نفرات تأسیسات سنگین و مستحکم مراکز جمعیتی و شهرها

• مصادیق اقدامات پدافند غیرعامل نسل دوم عبارت است از:

- اقدامات مدیریتی:

نسل دوم پدافند غیرعامل کلیه اقدامات مدیریتی از قبیل طراحی، مدیریت، کنترل، تهیه دستورالعمل، نظامات، تدابیر و روش‌های متفاوت را شامل می‌شود که می‌توان این گونه اقدامات را به وضوح در تاریخ جنگ‌ها مشاهده و به مصادیقی از آن اشاره کرد: تهیه طرح‌های دفاعی عمده شهری، روستایی و هر خانه.

- اقدامات فناورانه:

با توجه به رشد فناوری سلاح‌ها از تیر و کمان به حوزه اختراع باروت و انفجار باروتی، لازم شد که در فناوری باروت از اقداماتی نظیر سپرهای خاص، افزایش ضخامت درب‌ها و دژها و مانند آن استفاده شود.

- اقدامات استحکاماتی و ایمن‌سازی:

اقدامات ایمن‌سازی در زیرساخت‌هایی که نسبت به تهدیدات جنگ‌های نسل دوم (عصر باروت و انفجار) آسیب‌پذیر بود، با تقویت استحکامات و ایمن‌سازی بناها دنبال شد به طوری که ضخامت جداره‌ها و دیوارهای عناصر دفاعی مانند دژها، قلعه‌ها، باروها و ... افزایش یافته و در برابر تهدید و فناوری تهدید کننده زمان خود مقاوم باشد.

- اقدامات فنی و مهندسی:

اقدامات فنی و مهندسی در این دوره، بیشتر ناظر بر چند عنصر مشخص بود که عبارت بودند از: تقویت برج و باروها و قلعه‌ها به لحاظ استحکام در برابر تهدیدات، مکان‌یابی مناسب

ارگ‌ها و قلعه‌ها برای پایداری در شرایط تهدید، ایجاد برج و بارو و حصارها و دروازه‌های حفاظتی و دفاعی برای شهرها و مراکز سکونت، ایجاد درون‌گرایی دفاعی در ساختار منازل مسکونی و ایجاد پیچیدگی در طراحی بافت مراکز مسکونی که بیشتر در معرض تهدید واقع می‌شدند.

- اقدامات نرم‌افزارانه:

اقدامات نرم‌افزارانه در این دوره، شامل مجموعه اقدامات روانی، تبلیغاتی و اطلاعاتی بود که از مصادیق آن می‌توان موارد زیر را برشمرد:

- ۱- اجرای طرح خدعه، نیرنگ و فریب در برابر تهاجمات دشمن
- ۲- اجرای عملیات تشویق و تحریص نیروهای خودی در برابر دشمن
- ۳- اجرای عملیات رعب و وحشت در بین عناصر دشمن
- ۴- اجرای عملیات ارسال اطلاعات غلط به دشمن (گمراه سازی)
- ۵- کنترل عدم افشاء اطلاعاتی بین عناصر خودی در برابر دشمن

پدافند غیرعامل نسل سوم (عصر ماشین و انقلاب صنعتی)

پدافند غیرعامل در این عصر به دنبال کاهش اثرات و تأثیرات سلاح‌های جدید انفجاری با مهمات سوختار شدید بر ساختمان‌ها، تجهیزات، عناصر دفاعی و نیروی انسانی عناصر خودی می‌باشد. این مجموعه اقدامات پدافند غیرعامل، شامل اقدامات مکمل مدیریتی، استحکاماتی و فنی و مهندسی است که در آن تلاش می‌شد آسیب‌پذیری‌ها در برابر این سطح از تهدیدات به حداقل رسانده شده و بین تهدید و امنیت موازنه ایجاد شود.

• حوزه و سطح تهدیدات نسل سوم جنگ‌ها:

تهدیدات در این نسل از جنگ‌ها پس از یک دوره نسبتاً طولانی با اختراع مواد منفجره با سوختار شدید، تولید سلاح‌های قابل تیراندازی دقیق با حجم بالای انفجار، تخریب و حوزه گسترده تأثیر، شکل گرفته و با تکامل آن در مقیاس‌های بزرگ‌تر به کمال رسیده است.

سلاح‌ها	فناوری سلاح‌ها و تهدیدات	حوزه تأثیر تهدیدات
انواع بمب‌ها	سلاح‌های انفجاری با سوختار شدید	تأثیر شدید بر نفرات
انواع موشک‌ها	استفاده از قدرت آتش و شناسایی	تأثیر شدید و تخریبی بر عناصر دفاعی
انواع توپ‌ها	هوایی	تخریب عمده شهرها و مراکز زیستی
تانک‌های مدرن	تحرک و مانور بالا	کشتار دسته‌جمعی و عمده مردم
ضد تانک‌ها	آتش متحرک با مانور	کشتار غیرمتعارف و سریع مردم
ادوات و خمپاره‌ها	نشانه‌گیری و دقت نسبتاً خوب	
	سلاح‌های کشتار جمعی	
	سلاح‌های «NBC»	

• مصادیق اقدامات پدافند غیرعاملی نسل سوم عبارت است از:

- اقدامات مدیریتی:

نسل سوم پدافند غیرعامل کلیه اقدامات مدیریتی از قبیل طراحی، مدیریت، کنترل، تهیه دستورالعمل، نظامات، تدابیر و روش‌های متفاوت را شامل می‌شود که می‌توان این گونه اقدامات را به وضوح در تاریخ جنگ‌ها مشاهده نمود و به مصادیقی از آن اشاره کرد: تهیه طرح‌های دفاعی عمده شهری، روستایی، هر خانه و ... که در این دوره از دقت و گستره بیشتر همراه با پوشش آکادمیک و نظری مفاهیم مدیریتی و بهره‌گیری از تجربیات جنگ‌ها این دوره بشری قدرت انتقال مناسب نیست به سایر دوره‌ها برخوردار است.

- اقدامات فناورانه:

با توجه به رشد فناوری از دوره باروت به عصر ماشین و انقلاب صنعتی و ایجاد یک انقلاب صنعتی در فناوری نظامی می‌توان شاهد حضور قوی فناوری نظامی و تأثیر جدی آن در صحنه‌های جنگ‌ها و نبردها بود. از این رو، اقدامات پدافند غیرعامل برای مقابله با این فناوری‌ها نیز تا اندازه‌ای متکی به شناخت فناوری‌های مهاجم و پیشرفته شد؛ تا جایی که شاهد خلق و تولید فناوری‌های جدید در حوزه پدافند غیرعامل شدیم. بعضی از این فناوری‌ها عبارتند از:

۱ - فناوری استتار بصری در برابر دید دشمن

۲ - فناوری اختفاء در واحدهای جغرافیایی مناسب در برابر دشمن

۳ - فناوری ساخت زره‌های مقاوم در برابر نفوذ سلاح‌ها و مهمات جدید

۴ - فناوری مقابله با نشانه‌روی‌های جدید

۵ - فناوری ساخت سنگرهای مقاوم در برابر انواع بمب‌ها

- اقدامات استحکاماتی و ایمن‌سازی:

اقدامات ایمن‌سازی در زیرساخت‌هایی که نسبت به تهدیدات جنگ‌های نسل سوم (عصر ماشین و انقلاب صنعتی) آسیب‌پذیر بود، با تقویت استحکامات و ایمن‌سازی بناها دنبال شد و با به دست آمدن فناوری بتن مسلح، با ترکیب لایه‌های مختلف فولاد، به استحکام بسیار بالایی دست یافت. این استحکام به اندازه‌ای بود که در صورت اعمال ملاحظات فنی، حفاظتی و دفاعی، قادر بود در برابر تهدید و سلاح‌های این دوره مقاومت کرده و ایمنی نسبی را برای بهره‌برداران آن تأمین نماید. بعضی از این موارد را می‌توان به شرح زیر مورد اشاره قرار داد:

۱ - کانال‌های بتنی آب

۲ - سنگرهای بتنی انفرادی، دسته جمعی

۳ - ایجاد استحکامات بتنی برای تجهیزات، امکانات و تأسیسات

- اقدامات فنی و مهندسی:

اقدامات فنی و مهندسی در این دوره، با تدوین علمی تجربه‌های مهندسی و تبدیل آن‌ها به شاخص‌ها و آیین‌نامه‌های فنی و همچنین ایجاد نظام‌های و روش‌های خاص مهندسی از تجربه، قابلیت فنی و غنای علمی بالایی برخوردار شد. در صورت رعایت ملاحظات فنی و مهندسی از یک سو و ملاحظات حفاظتی و دفاعی از سوی دیگر، قادر است به زیرساخت‌ها در برابر تهدیدات ایمنی بالایی ببخشد. از جمله این موارد می‌توان به نمونه‌های زیر اشاره کرد:

۱ - ایجاد زیرساخت‌های زیرزمینی برای کاربری‌های

فضاهای مدیریت و فرماندهی

فضاهای مسکونی

فضاهای زیرساختی

پناهگاه‌های عمومی و اختصاصی

۲ - ایجاد موانع و استحکامات ایمن دفاعی

۳ - تأثیر عناصر دفاعی در ذات طرح‌های زیربنایی و شهری

۴ - تلفیق عناصر دفاعی در طرح‌های جامع و تفصیلی شهری

۵ - ایمنی بخشی به زیرساخت‌های حیاتی در شهرها

- اقدامات نرم‌افزارانه:

اقدامات نرم‌افزارانه در این دوره، شامل مجموعه اقدامات روانی، تبلیغاتی و اطلاعاتی است که با توجه به ایجاد زیرساخت‌های ارتباطی نوین مانند رادیو، تلویزیون، تلفن، تلگراف، تلکس و... و تأثیر این زیرساخت‌ها بر افکار عمومی جوامع خودی و دشمن، این اقدامات از تنوع و گستره وسیع‌تری برخوردار شد که از مصادیق آن می‌توان موارد زیر را برشمرد:

۱ - اجرای طرح خدعه، نیرنگ و فریب راهبردی، عملیاتی و تاکتیکی در برابر تهاجمات

دشمن

۲ - اجرای عملیات تشویق و انگیزه‌بخشی نیروهای خودی در گستره وسیع‌تر در برابر

دشمن

۳ - اجرای عملیات رعب و وحشت در بین عناصر دشمن

۴ - اجرای عملیات ارسال اطلاعات غلط به دشمن (گمراه سازی)

۵ - کنترل عدم افشاء اطلاعاتی بین عناصر خودی در برابر دشمن

پدافند غیرعامل نسل چهارم (عصر انقلاب ارتباطات، رسانه‌ها، سنجش از راه دور و IT)

پدافند غیرعامل در این عصر، به دنبال کاهش اثر تهدیدهای مدرن، ناشی از توسعه سریع و انقلاب در فناوری ارتباطات، رسانه‌ها، سنجش از راه دور و ایجاد حوزه گسترده در تهدیدات می‌باشد، که این امر باعث ایجاد تنوع و گستردگی عرصه‌های مختلف اجرایی و دفاعی می‌شود. در این مجموعه اقدامات پدافند غیرعامل تلاش می‌شود تا با بکارگیری کلیه اقدامات، تدابیر غیرمسلحانه، تعادل و پایداری لازم بین طیف گسترده و متنوع تهدیدات، نیازها و ضرورت‌ها ایجاد شده و با رسیدن به پایداری لازم در برابر تهدید، بازدارندگی دفاعی تولید

شود. از این رو، اقدامات پدافند غیرعامل نسل چهارم از تنوع، پیچیدگی، گستردگی و حجم بالایی برخوردار می‌باشد.

• حوزه و سطح تهدیدات نسل چهارم جنگ‌ها:

تهدیدات در این نسل از جنگ‌ها پس از گذشت یک دوره نسبتاً طولانی، با ظهور فناوری‌های پیشرفته در حوزه هوا فضا، زمین، دریا، زیر دریا و با استفاده از این فناوری‌های نوین در عرصه‌های «IT» و سایبر، رسانه‌ها، سنجش از راه دور، جنگ‌های اطلاعاتی و جنگ‌های روانی، توسعه یافت. تهدیدات شامل حوزه‌های مختلفی است که از تنوع و گستردگی بسیار بالایی برخوردار می‌باشد. در این حوزه تلاش شده تا تلفات و خسارات غیر نظامیان کاهش یافته و تمرکز بر «عملیات بر محور تأثیر» گذاشته شود.

سلاح‌ها	فناوری سلاح‌ها و تهدیدات	حوزه تأثیر تهدیدات
تولید سلاح‌های نرم انواع بمب‌های هدایت شونده و دقیق انواع موشک‌های زمین به زمین انواع راکت‌های تخصصی نسبت به اهداف خاص انواع توپ‌ها با مهمات هوشمند تانک‌های مدرن ضد تانک‌ها استفاده از سلاح‌های هوایی، فضایی و دور ایستا	فناوری جنگ اطلاعاتی فناوری تهدیدات نرم تولید سلاح‌های هوشمند و تخصصی فناوری تسلط بر هوا فضا، زمین، دریا و زیر دریا توسعه فناوری «IT» و رسانه‌ها سلاح‌های دور ایستا سلاح‌های کشتار جمعی سلاح‌های «NBC»	تأثیر شدید بر نفرات تأثیر شدید و تخریبی بر عناصر دفاعی تخریب عمده شهرها و مراکز زیستی کشتار دسته‌جمعی و عمده مردم کشتار غیرمتعارف و سریع مردم زیرساخت‌های اساسی مردم افکار عمومی مردم حوزه‌های سیاسی و جایجایی آنها

تجزیه و تحلیل و مقایسه تحلیلی

با توجه به مطالب ارائه شده و تجزیه و تحلیل تاریخی نسبت به تهدیدات موارد زیر جمع‌بندی می‌شود.

- ۱ - از مقایسه بین تحول در سلاح‌ها و فناوری سلاح‌ها ارتباط بین پیشرفت فناوری و تهدیدات کاملاً محسوس می‌باشد.
- ۲ - از طرف دیگر توسعه فناوری سلاح‌ها به توسعه دامنه تهدیدات می‌انجامد و تلفات و خسارات را افزایش می‌دهد.
- ۳ - ارتباطی مستقیم و بصورت تابع بین توسعه تهدیدات و نوع ومدل دفاع برقرار می‌باشد و هر نوع تغییر از نظر کمی و کیفی در تهدیدات، مستقیماً بر نوع ومدل دفاع تأثیر می‌گذارد.
- ۴ - صاحبان سرمایه و فناوری‌های نو تلاش می‌کنند تا بوسیله توسعه فناوری توسعه منافع برای صاحبان فناوری را تامین نمایند؛ از این رو، توسعه فناوری‌ها توسعه تهدیدات را به دنبال دارد.
- ۵ - توسعه و گسترش سلاح‌ها ومدرن شدن آنها به افزایش تلفات نیروی انسانی می‌انجامد و نیاز به تحول در مفاهیم دفاعی را افزایش می‌دهند.
- ۶ - مدل کلی دفاع نهایتاً نیاز به توسعه متناسب با توسعه تهدیدات را دارد. از این رو، می‌توان قابلیت‌ها و ویژگی‌های این دفاع این‌گونه بیان کرد:
 - الف) تهدیدات بشدت علمی شده، پس در دفاع نیز باید کاملاً متکی بر علوم روز بوده و از روش‌ها و ابزار علمی در آن استفاده لازم به عمل آید.
 - ب) پویایی و سرعت پیشرفت علوم تأثیر مستقیم بر تهدیدات دارد و به‌طور طبیعی بر دفاع تأثیر می‌گذارد.
 - پ) پدافند غیرعامل که بخشی از دفاع کلی در برابر تهدید را شامل می‌شود الزاماً باید از ماهیتی علمی برخوردار باشد؛ لذا پدافند غیرعامل باید کاملاً علمی باشد.
 - ج) پدافند غیرعامل متناسب با تهدیدات روز در کلیه حوزه‌ها باید توسعه یابد؛ لذا ما با مفاهیمی از پدافند غیرعامل مواجه هستیم که کاملاً نو و بدیع هستند.
 - د) نیل به مدلی توسعه یافته از دفاع همه‌جانبه در برابر تهدیدات همه‌جانبه ضرورت جدی دارد.
- ۷ - لذا تلاش می‌شود تا با استفاده از نتایج این تحلیل ومقایسه تاریخی بین عوامل مؤثر

بر نوع پدافند غیرعامل را طراحی و ارائه نماییم .

• الگوی کلی پدافند غیرعامل متناسب با تهدیدات نسل چهارم عبارت است از:

پدافند غیرعامل نسل چهارم، باید بتواند کلیه تهدیدات نسل چهارمی موجود در برابر خود را شناسایی و کنترل و مدیریت نموده به شکلی که کلیه آسیب پذیری‌های زیرساخت‌های اساسی به حداقل رسیده و قدرت مدیریت بر تبعات خصمانه ناشی از تهدیدات دشمن را دارا باشد و بتواند پایداری را در زیرساخت‌ها توسعه داده و ضمن حفظ توان باز تولید و تداوم چرخه خدمات ضروری مردم بتواند بازدازندگی دفاعی را در برابر تهدیدات تولید نماید. از این رو، بر اساس چارچوب ارائه شده به تبیین چارچوب کلی این مدل دفاع می‌پردازیم .

- اقدامات مدیریتی:

نسل چهارم پدافند غیرعامل، کلیه اقدامات مدیریتی از قبیل طراحی، مدیریت، کنترل، تهیه دستورالعمل، نظامات، تدابیر و روش‌های متفاوت را شامل می‌شود که می‌توان این گونه اقدامات را به وضوح در تاریخ جنگ‌ها مشاهده کرد. با پیچیده و متنوع شدن تهدیدها و کوتاه شدن زمان جنگ‌ها، اهمیت اقدامات مدیریتی افزایش یافته و تخصص‌های جدیدی مانند مدیریت بحران و مدیریت صحنه از اهمیت بیشتری برخوردار شده است، که می‌توان به مصادیقی از آن اشاره نمود:

- تهیه طرح‌های دفاعی عمده شهری، روستایی و هر خانه

- تهیه طرح‌های مدیریت بحران برای اداره بخش‌های مختلف در شرایط تهدید، با دقت

و گستره بیشتر، همراه با پوشش آکادمیک و نظری مفاهیم مدیریتی

- بهره‌گیری از تجربیات جنگ‌های این دوره بشری با قدرت انتقال مناسب به سایرین

- اقدامات فناورانه:

با توجه به رشد فناوری در دوره انقلاب ارتباطات نسبت به دوره ماشین و انقلاب صنعتی و استفاده کامل از فضا و جنگ دور ایستا و ایجاد یک انقلاب صنعتی در فناوری نظامی، می‌توان شاهد حضور قوی فناوری‌های جدید و برترساز در عرصه‌های نظامی و تأثیر جدی آن در صحنه‌های جنگ‌ها و نبردها بود. از این رو، اقدامات پدافند غیرعامل برای مقابله

با این فناوری‌ها نیز در حد بسیار زیادی متکی به شناخت فناوری‌های مهاجم و پیشرفته شد؛ تا جایی که شاهد خلق و تولید فناوری‌های مدرن در حوزه پدافند غیرعامل شدیم. بعضی از این فناوری‌ها عبارتند از:

- ۱ - فناوری استتار مدرن در برابر سنجنده‌های دشمن
- ۲ - فناوری «GIS» و کاربرد آن در پدافند غیرعامل
- ۳ - فناوری ساخت زره‌های مقاوم در برابر نفوذ سلاح‌ها و مهمات هوشمند
- ۴ - فناوری امنیت و پایداری و دفاع در حوزه مجازی «IT» و «ICT»
- ۵ - فناوری مقابله با شناسایی سنجنده‌های دشمن از راه دور
- ۶ - فناوری گمراه‌سازی فنی دشمن
- ۷ - فناوری امنیتی، دفاعی و حفاظتی

- اقدامات استحکاماتی و ایمن‌سازی:

اقدامات ایمن‌سازی در زیرساخت‌هایی که نسبت به تهدیدهای جنگ‌های نسل چهارم (عصر انقلاب ارتباطات، رسانه‌ها، سنجش از راه دور و IT) آسیب‌پذیر بود، با تقویت استحکامات و ایمن‌سازی بناها دنبال شد و با به وجود آمدن فناوری‌ها و دانش فنی نوین که می‌تواند با ترکیب اطلاعات و دانش گذشته با تجربیات برخورد با تهدیدهای جدید، زیرساخت‌ها را به بهره‌وری استحکاماتی بهتری برساند، ادامه یافت. در این حوزه می‌توان به موارد زیر اشاره نمود:

- ۱ - استفاده از عمق زمین در زمین‌هایی با توپوگرافی مناسب
- ۲ - استفاده از سربار مناسب در کوهستان‌ها
- ۳ - استفاده از زیرساخت‌های زیرزمینی چند منظوره امن
- ۴ - استفاده از شبکه زیرزمینی راه‌آهن شهری به عنوان پناهگاه و سایر عملکردها در شرایط تهدید
- ۵ - ایمن‌سازی نقاط اجباری در زیرساخت‌های سطح‌الارضی
- ۶ - استفاده از مواد و مصالح با مقاومت بالا در برابر انفجار و نفوذ

- اقدامات فنی و مهندسی:

اقدامات فنی و مهندسی در این دوره، با تدوین علمی تجربه‌های مهندسی و تبدیل آن‌ها به شاخص‌ها و آیین‌نامه‌های فنی و همچنین ایجاد نظام‌ها و روش‌های خاص مهندسی از تجربه، قابلیت فنی و غنای علمی بالایی برخوردار شد که در صورت رعایت ملاحظات فنی و مهندسی از یک سو و ملاحظات حفاظتی و دفاعی از سوی دیگر، قادر است به زیرساخت‌ها در برابر تهدیدها، ایمنی بالایی ببخشد. به بیان دیگر، برای ایجاد ایمنی و پایداری در زیرساخت‌های کشوری در برابر تهدید، ناگزیر از ترجمه مفهومی از سیاست‌های دفاعی و تدابیر حفاظتی به ادبیات فنی و مهندسی در قالب آیین‌نامه‌های فنی و نظامات مهندسی می‌باشیم. از جمله این موارد می‌توان به نمونه‌های زیر اشاره کرد که طبیعتاً با بخشی از این اقدامات در حوزه پدافند غیرعامل نسل سوم اشتراک موضوعی و مفهومی دارد:

۱ - ایجاد زیرساخت‌های زیرزمینی برای کاربری‌های

- فضاهای مدیریت و فرماندهی
- فضاهای مسکونی
- فضاهای زیرساختی
- پناهگاه‌های عمومی و اختصاصی
- استفاده از فضاهای امن چند منظوره شهری
- استفاده از موانع آبی و مصنوعی چند منظوره

۲ - ایجاد موانع و استحکامات ایمن دفاعی دو یا چند منظوره

۳ - تأثیر عناصر دفاعی در ذات طرح‌های آمایشی، جامع، زیربنایی و شهری

۴ - تلفیق عناصر دفاعی در طرح‌های جامع و تفصیلی شهری

۵ - ایمنی بخشی به زیرساخت‌های حیاتی در شهرها در برابر تهدید

۶ - تهیه و تنظیم نظام‌ها و آیین‌نامه‌های فنی، دفاعی و پدافند غیرعامل با ادبیات فنی

۷ - ایجاد ساز و کار کنترل و نظارتی بر اقدامات فنی و مهندسی

- اقدامات نرم‌افزارانه:

اقدامات نرم‌افزارانه در این دوره، شامل مجموعه اقدامات روانی، تبلیغاتی و اطلاعاتی

است که با توجه به انقلاب در فناوری‌های جدید مانند فناوری اطلاعات، ایجاد فضای مجازی سایبر، توسعه ماهواره‌ها در فضا، توسعه رسانه‌ها به عنوان بخشی از قدرت ملی کشور، توسعه شبکه جهانی اطلاعاتی اینترنت و ... و تأثیر این زیرساخت‌ها بر افکار عمومی جوامع خودی و دشمن، این اقدامات از تنوع و گستره وسیع‌تری برخوردار شد که از مصادیق آن می‌توان موارد زیر را برشمرد:

- ۱ - اجرای طرح‌های فریب فنی، تاکتیکی، عملیاتی، راهبردی و سیاسی به مثابه ضرورتی اساسی در پدافند غیرعامل
- ۲ - توسعه حوزه جنگ‌های اطلاعاتی و ضرورت ایجاد سامانه دفاع اطلاعاتی
- ۳ - توسعه حوزه رسانه‌ها و ضرورت ایجاد سامانه بومی دفاع و تهاجم رسانه‌ای
- ۴ - توسعه فناوری در فضا و ضرورت ایجاد زیرساخت‌های دفاعی و تعریف حوزه‌های مستقل و بومی در فضا
- ۵ - توسعه زیرساخت‌های اجرایی، خدماتی، کنترلی، مدیریتی و ... در فضای مجازی سایبر و ضرورت باز تعریف حوزه‌های استقلال کشور با رعایت اصول پدافند غیرعامل و داشتن سامانه مستقل و بومی پدافند غیرعامل در حوزه سایبر
- ۶ - ضرورت داشتن سامانه مستقل و بومی دفاع زیستی در مقابل توسعه‌ی تهدیدات زیستی

اهداف پدافند غیرعامل

- ۱ - کاهش قابلیت و توانایی سامانه‌های شناسایی، هدف‌یابی و دقت هدف‌گیری تسلیحات آفندی دشمن
- ۲ - تقلیل آسیب‌پذیری و کاهش خسارات و صدمات تأسیسات، تجهیزات و نیروی انسانی مراکز حیاتی، حساس و مهم نظامی و غیرنظامی کشور در برابر تهدیدات و حملات دشمن
- ۳ - حفظ سرمایه‌های کلان ملی کشور
- ۴ - حفظ توان خودی برای ادامه فعالیت‌ها و تداوم عملیات تولید و خدمات‌رسانی

- ۵ - سلب آزادی و ابتکار عمل از دشمن و ایجاد شرایط سخت و دشوار برای وی در صحنه عملیات
- ۶ - صرفه‌جویی در هزینه‌های تسلیحاتی و نیروی انسانی
- ۷ - افزایش آستانه مقاومت مردمی و قوای خودی در برابر تهاجمات دشمن
- ۸ - تحمیل هزینه بیشتر به دشمن، از طریق وادار نمودن وی به تلف کردن منابع محدود خود روی اهداف کاذب و فریبنده
- ۹ - بالا بردن توان دفاعی کشور
- ۱۰ - توزیع ثروت، جمعیت و سرمایه‌های ملی در کل فضای سرزمینی کشور از طریق اعمال سیاست تمرکز زدایی، آمایش سرزمینی و پراکندگی زیرساخت‌های کلیدی و مراکز حیاتی، حساس و مهم تولیدی محصولات کلیدی (نیروگاهی، پالایشگاهی، صنعتی، نظامی، غذایی، آب‌رسانی و ...)
- ۱۱ - ایجاد آمادگی‌های لازم برای مقابله با دشمن در شرایط تهدیدات نامتقارن
- ۱۲ - حفظ تمامیت ارضی، امنیت ملی و استقلال کشور (موحدی‌نیا، جعفر، ۱۳۸۵: ۳۹-۶۱)

جمع‌بندی و توصیه‌های تحقیق

- پس از مقایسه بین دوران‌های مختلف تاریخی پدافند غیرعامل و الزامات هر کدام، می‌توان بدین شکل جمع‌بندی کرد:
- ۱ - دفاع در هر دوره و هر نسل باید بتواند بر تهدید و تهاجم غلبه کند تا به تعادل و امنیت برسد.
 - ۲ - دفاع نسبت به تهدید و تهاجم حالت عمل و عکس‌العمل یا تابع و متغیر را دارد
 - ۳ - برای اینکه قدرت دفاعی بتواند بر قدرت تهاجمی غلبه کند باید:
 - قدرت تهاجمی را دقیق بررسی، شناسایی و برآورد نمود.
 - قدرت تهاجمی از نظر فناوری حاکم بر آن دقیقاً مورد شناسایی قرار گیرد.
 - محدودیت فناوری برترساز در هر دوره باید مورد بررسی دقیق قرار گیرد.

- قدرت دفاعی باید یا بر قدرت فناوری مهاجم غلبه کند و یا از نقاط ضعف آن بهره‌گیرد.
 - شاخص‌های برتری قدرت تهاجمی را شناسایی، تجزیه و تحلیل کرد.
 - قدرت دفاعی باید بتواند در مقابل تهاجم دشمن در هر حوزه غلبه نماید.
 - ۴- در هر دوره دفاعی باید به دو حوزه پدافند عامل و غیرعامل توجه لازم داشت.
 - ۵- از قدرت ممکن برون‌بینی پدافند عامل (نیروهای مسلح) و پدافند غیرعامل (بخش دولتی و غیرنظامی) استفاده کامل شود و دفاع یکپارچه را سامان دهد.
 - ۶- حفظ قدرت اداره مردم و تأمین نیازمندی آن‌ها در حفظ نظام سیاسی کشورها از اهمیت بالایی برخوردار است.
 - ۷- به هم‌افزایی تهدیدات داخلی و خارجی توجه کرد.
 - ۸- آسیب‌پذیری‌های موجود در زیرساخت‌های اساسی کشور نسبت به تهدید را مدنظر قرار داد.
 - ۹- یکی از ابزار مهم، توان اجرای عملیات روانی و هدایت آن روی مردم کشور هدف می‌باشد که قدرت دفاعی و خنثی‌سازی این عملیات روانی اهمیت بسزایی دارد.
 - ۱۰- تعریف سیستم دفاعی مطلوب در برابر تهدیدات، نیاز به بررسی و دقت در عوامل فوق دارد.
- با توجه به ویژگی‌های فوق، شایسته است تا دفاع غیرعامل را در حوزه جنگ و تهدیدات نسل چهارم تعریف کرده و ویژگی‌ها و عناصر اصلی آن را بیان کرد.

منابع

- ۱ - دیوسالار، عبدالرسول، مقدمه‌ای بر محیط شناسی نظامی و جنگ‌های اطلاعاتی، دانشگاه صنعتی مالک اشتر، مجتمع دانشگاهی آمایش و پدافند غیرعامل، ۱۳۸۷.
- ۲ - منزوی، مسعود (مترجم)، «مفاهیم عملیات‌های مشترک وزارت دفاع آمریکا (۲۰۰۳)»، مرکز آینده پژوهی علوم و فناوری دفاعی، تیر ۱۳۸۶.
- ۳ - منزوی، کیوان (مترجم)، «عملیات‌های ثابت، مفهوم عملیاتی مشترک، (۲۰۰۴)»، مرکز آینده پژوهی علوم و فناوری دفاعی، ۱۳۸۶.
- ۴ - مقاله تئوری‌های جنگ و صلح، جک لوی، گروه ترجمه، ماهنامه نگاه، شماره ۲۶، ۱۳۸۱.
- ۵ - دانشگاه عالی دفاع ملی، «تهدیدات قدرت ملی شاخص‌ها و ابعاد»، گروه مطالعاتی امنیت، ۱۳۸۷.
- ۶ - نهج‌البلاغه، ترجمه سید کاظم ارفع، انتشارات فیض کاشانی، چاپ سوم، تهران: طلوع آزادی ۱۳۷۹، نامه ۱۱.
- ۷ - آندره بوفر، «مقدمه‌ای بر استراتژی»، ترجمه مسعود کشاورز، چاپ دفتر مطالعات سیاسی و بین‌المللی، تهران، (۱۳۶۹).
- ۸ - مایکل اربسکلاو، ترجمه دکتر علی ناصری و مهندس عبدالمجید ریاضی، «جنگ اطلاعات، (چگونه از حملات سایبری در امان باشیم)، دانشگاه عالی دفاعی ملی، ۱۳۸۷.
- ۹ - مستندات پدافند غیرعامل، سازمان پدافند غیرعامل کشور، تابستان ۱۳۸۷.
- ۱۰ - مصوبات مجمع تشخیص مصلحت در باره پدافند غیرعامل، www.majma.ir.
- ۱۱ - نشریات قرارگاه پدافند هوایی خاتم الانبیاء، شماره ۱ الی پ ۱۴.
- ۱۲ - کتاب بررسی محیطی نظامی جنگ‌های آینده - دانشگاه مالک اشتر.
- ۱۳ - موحدی‌نیا، جعفر، مفاهیم نظری و عملی دفاع غیرعامل، سپاه پاسداران انقلاب اسلامی، مرکز تألیف، ۱۳۸۵.
- ۱۴ - اصغریان جدی، مقاله پدافند غیرعامل در بم، همایش معماری بم، ۱۳۷۷.
- ۱۵ - وزارت امور خارجه، ماهنامه سیاست خارجی، شماره دوم، ۱۳۶۶.

The Historical and Conceptual Evolution of Passive Defense

GholamReza J'alalee

ABSTRACT

By analyzing and introducing generations of threats and wars, scientific and historical studies, and comparing modern and current wars, and also studying the model of passive defense in each period, this article tries to extract the framework and major considerations in passive defense, and define passive defense according to the generations of threats and wars.

This research draws on historical and analytical methodology, and finally examines the characteristics of the present time model of passive defense according to the threats and the changes in them.

Key Words: *threats; introducing generations of threats and wars; passive defense; managerial, engineering, public, and software measures in passive defense*

An Explanation of the Factors that Can Affect the Selection of the I.R.I Scenes for Operation with an Approach to Future Wars

Ghadir Nezami

Hadi Piri

ABSTRACT

Selecting scenes for operation in all wars is a very important issue for all military commanders and their staff members in different levels, especially at the intermediate level of war. The selection of the scenes for operation can be ensured only when precise and effective factors and measures could be used for them. This requires the mentioned factors to be properly detected and examined. The Islamic Republic of Iran should explain the scenes for operation in proportion to the political, economical, cultural, military, and the geographical environment, and also by using the factors and measures. This research is aimed at determining the factors that can affect the selection of the scenes for operation. In doing so, the author has determined and composed the scenes for operation, the characteristics of the future wars and the effective factors that existed in each of these wars. Then, in addition to library methods, documents and questionnaire, the required information were also collected and supplemented in order to develop and supplement the information. The type of research has been applied, developmental, and the research method historical and survey. In this research, the statistical community is composed of nearly 1000 people including senior commanders, experts, and faculty members of both the I.R.G.C and the Army, who are all military experts. The mentioned research method has been performed through multistage cluster method, and the sample volume has been determined using the statistical formula of Friedman. The results of the cited research indicate that the main factors and their subfactors in the future wars are social, cultural, economical, military, political factors, and military geography in order of priority.

Key Words: *the scene for operation, the scene of war; I.R.I scenes for operation*

The Political-Structural Factors Contributing to the Inefficiency of the Safawiden Army and its Effects on Economy and the Society (932 - 1047 Hegira)

Ebrahim MoshfeghiFar

ABSTRACT

From the beginning of the Shah Tahmasp reign up to the reformation of the military-political structure by Shah Abbas the First (1502-1722), the Ghezelbash Army did not emerge as a strong and efficient force in performing its main functions, namely countering and repelling the military-security threats posed on the existence of the country and the government. In searching the factors of such inefficiency, the effects of political-structural factors on this inefficiency showed themselves, after which it followed that the most important factor of such weakness originated from the inharmonious structure of the Army and the servicemen's political occupations, which marked itself in the form of military and political conflicts and tensions among the tribal components of the Ghezelbash Army, unjustified inferences in political affairs which were outside their accepted framework, and also the role the servicemen played in political domains as well as suppressing social and political movements. At this time juncture, these conditions caused the political system to face serious challenges at times, where it hardly survived collapse. This research focuses on the dimensions and correlates of the Army's inefficiency and the political-structural factors that contributed to it as well as the results of the consequences of this effect.

Key Words: *the Ghezelbash Corps; Army's weakness; movements; the Ottoman; Uzbeks; political factors; structural factors*

Economy and Hegemony: The Impact of Economic Crisis on America's World Status

Ayyub PurGhayyumi

ABSTRACT

America's efforts to extend its internal rules to the international order, as well as the oppositions coming from actors like European countries, China, and Russia has transferred this challenge to other countries as well, hence a new level of conflict has occurred. So, in the present circumstances, America alone is not able to make the final decision in relation to the numerous complex affairs and considerations in the international community. A glance at the trend, level, and extent of the U.S. economic hegemony in the world's economy, would reveal that U.S. economic factors have gradually weakened. Another challenge for America's hegemony is that of America's Asian and European economic rivals who are in serious competition with America, and are able to change the situation in their favor in case they can make a proper exploitation of this condition. The history of hegemonic actors and domination seeking powers shows that no country has been able to achieve hegemonic power without economic capability, nor has it been able to lead the world and remain as a great power without acquiring a considerable economic power.

Key Words: *hegemony; economy; hegemonic stability theory; offensive realism; America's financial crisis*

The Measurement of the Tangible Impact of Military Costs on Iran's Economic Growth (1959-2005)

Hossein Dorri Nogurane

ABSTRACT

In a general classification, the results from the studies on the impacts of military costs on Iran's economic growth can be classified as follows:

- A) The studies that have found some positive interests, confirming the military Keynesian viewpoint.
- B) The studies that have found a negative impact.

In this article which has been adopted from a research on this subject, we have sought to test the hypothesis that states that "defense costs leave a negative impact on Iran's economic growth".

The model used in this research is based on neoclassical growth models, and a result of the change in the national production function. The coefficients estimated by using the time series of 1959-2005 to the fixed prices of 1997 using the least squares method indicate that not only will the increase in defense costs leave no impact on economic growth in the country, but also one percent of these costs, will add 0/05 percent to the real Gross Domestic Product.

Key Words: *military/defense costs; economic growth; model of Econometrics*

A Comparative Study of Approaches, Schools, and Methods in Formulating Human Resources Strategy

Mojtaba Eskandari

MohammadEsmā'el RostamiNia

ABSTRACT

There are miscellaneous methods, for formulating strategy at different levels and subjects. Now, it is better to address the approaches, schools, and methods respectively before formulating the strategy. This article makes a comparative study of the approaches and methods of formulating strategy in human resources section. Also, it classifies those approaches as Prescriptive and Descriptive; Rational; Processual, Configurational, Determinist, Institutional; approaches based on Rational Planning; Incremental or Real, Philosophy, Policy, Programs, Practices and Processes based on Strategic Reference Points (SRPs), Integrated attitude, Obligational attitude, Interactional attitude. Finally, it offers a combined method for formulating strategy in human resources section.

Key Words: *strategy; human resource strategy; strategic management (strategic management); strategic management of human resources*

An Analysis the Status of Modern Threats in Formulating Security-Defense Strategies (With Emphasis on Strategic Governance)

Nabiyollah Ebrahimee

ABSTRACT

This study aims to analyze the status of modern threats in formulating security-defense strategies, and to present an effective alternative in this area. Overcoming the previous paradigm on a state-centered basis, and the emerging paradigm which was developed after the cold war, necessitate a new approach required by security studies more than before. Today, with the development of a new atmosphere and the international security shield and the appearance of modern threats, the present paradigm especially after the September 11 attacks is both state-centered and post-state. With non-state actors' entrance into defense affairs, we are witnessing a kind of two-faceted paradigm: 'state-nonstate'. In the face of the modern threats, the statesmen have to rely on state and non-state discourse in formulating new security-defense strategies. The present writing proposes and considers this type of interaction against modern threats as included in "strategic governance"

Key Words: *security studies; Copenhagen School; critical school; governance; strategic governance; environmental threat; cyber threat; international security*

Table of Contents

The Journal of Defense Policy, Vol. 18, Serial No. 71, Summer 2010

Title	Page
Articles	
An Analysis of the Status of Modern Threats in Formulating Security-Defense Strategies (With Emphasis on Strategic Governance).....	9
<i>Nabiyollah Ebrahimee</i>	
A Comparative Study of Approaches, Schools, and Methods in Formulating Human Resources Strategy.....	29
<i>Mojtaba Eskandari</i> <i>MohammadEsmā'el RostamiNia</i>	
The Measurement of the Tangible Impact of Military Costs on Iran's Economic Growth (1338-84)	59
<i>Hossein Dorri Nogurane</i>	
Economy and Hegemony: The Impact of Economic Crisis on America's World Status	89
<i>Ayyub PurGhayyumi</i>	
The Political-Structural Factors Contributing to the Inefficiency of the Safawiden Army and its Effects on Economy and the Society (932 to 1047 Hegira)	115
<i>Ebrahim MoshfeghiFar</i>	
An Explanation of the Factors that Can Affect the Selection of the I.R.I Scenes for Operation with an Approach to Future Wars	151
<i>Ghadir Nezami</i> <i>Hadi MoradPiri</i>	
The Historical and Conceptual Evolution of Passive Defense	207
<i>GholamReza J'alalee</i>	
English Abstracts	
<i>Seyyed Saadat Hosseini Damabi</i>	

***Editorial, Advisory and Examiner Board of
The Journal of Defense Policy***

Editorial Board

Dr. Ali Akbar Ahmadiyan	Dr. Mohammad Ibrahim Sanjaghi
Dr. Mohammad Hossein Afshordi	Dr. Seyyed Yahya Safavi
Dr. Homayoon Elahi	Ali Reza Farshchi
Dr. Bahador Aminian	Dr. Jahangir Karami
Dr. Hossein Hosseini	Dr. Manoocher Mohammadi
Dr. Hossein Dehghan	Sayyed Hossein Mohammadi Najm

Examiner Board

Dr. Hossein Ardestani	Dr. Hossein Zarif Manesh
Seyyed Ali HosseiniTash	Dr. Asghar Gha'edan
Dr. Mohsen Rezaee	GholamReza Mehrabi
Akbar RamezanZade	Dr. Parviz Mir Abbasi
Dr. Allah Morad Seif	

Advisory Board

Dr. Hadi Morad Piri	MohammadHossein Ghanbari Jahromi
Seyyed KamaloddinMohammad Rafi'ee	Ahmad MohammadZadeh
Dr. MohammadAli Sobhani	Dr. Abbas Mehri
Ahmad GholamPur	Mahdi NattaghPour

In the Name of God, the Compassionate, the Merciful

The Journal of Defense Policy

***The Scientific and Promotional Journal
of Center for Defense Studies and National Security,
affiliated to Imam Hossein (P.B.U.H) University***

Vol. 18, No. 3, Summer 2010, Serial No. 71 (ISSN-1025-5087)

Proprietor: Imam Hossein
Comprehensive University, the
Centre for Defense Studies and
National Security

Chairman Manager: Ali Reza Farshchi

Editor: Dr. Seyyed Yahya Safavi

Managing Editor: Ali Ghanbarzadeh

Typesetter and Typographer: Peyman
Shokrolahi

Observer of Publication: Andishgah-e
Elmo-San'ate Jahan-e Moaser

Lithograph, Publication and Bookbinding:
Shakib Publications

Address: the Centre for Defense Studies
and National Security; Imam
Hossein^(PBUH) Comprehensive
University

Tel: +9821-77105765

Fax: +9821-77105747

P. O. Box: 16765-3459 Tehran, Iran

Book Store: the Centre for Defense
Studies and National Security; Imam
Hossein^(PBUH) Comprehensive
University; Shahid Babaie Exp way,
Tehran, Iran.

Tel: +9821-77105741 & 42